الفاظ الادویه فارسی

لشاهد معنی بجوش آمد و در پیرایه سالی بسان نوبهار حدائق سخن از سر نو باهتزاز جوانی مبدل گشت همگی در حب وجوی
این شد که بذریعه دستیاری خامه زادی موروثی مصدر امری شود تا منظور زمرهٔ ایستادهای بساط فیض مناط عز و جلا که مرجع کامیابی
علما و منبع کامرانی فضلاست گشته ملحوظ الطاف بی پایان و معطوف اعطاف بحید و بیکران گردد یا اقبهمه بیهدانی و تمام نادانی
تمهید سخن را بعلم موروثی خود که بحکمت طبیعیه موصوفست آشنا یافته سر رشتهٔ معنی بدست آورد لمؤلفه سر قدمی کرده بجولان
سخن * دامن سخن گرفته گریبان سخن * معلومست که افشار بدائع و ذرائع دست بانجذاب طبائع و اکتساب صنائع است
و بار از خواص اشیار منوط بالسنه متنوعه و علمی طب محتاج آمد بدریافت اسمار اشیار و دوا بر سنمونی خرد و الا ملهمست تتبع
اگر تفصیل ... لغات و فرهنگ اطبا و فور اختلاط دانشوران زبان دان بر شگی فن همت کثیر البضاعت در تحصیل آن
انجم الثبت تا حقیقت لغت ادویهٔ مفروده که در کناشات شتی لغات بلیغه از تازی و یونانی و رومی و اندلسی عبری سریانی
تیوا ... بربری و ترکی و فارسی و هندی در دست مهما امکن بر بازوانی نموده بالسنهٔ مصطلحهٔ مختلفه را بوحدت معانی سنجیده و الفاظ
متعارفه را بمعانی متنوعه التیام داده انموذجی مفید تالیف نموده مسمی **بالفاظ الادویه** که تاریخ انجام نگارش این تالیف
شریف است گرداند لمؤلفه دارد کتاب جود و آگاه و وافیه * تاریخ و بنام شد الفاظ الادویه * و منقسم ساخت بمقدمه و نتیجه و خاتمه
مقدمه مشتمل است بر چهار فائده **فائده اول** در بیان تصحیح اعراب و علامات آن **فائده دوم** در بیان علامات زبان هر دیار
فائده سوم در تحقیق طبائع و درجات آن و علامتیکه منسوب بآن و ذکر مجملی از ده والطبیع و درجه و قوت **فائده چهارم**
در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل دوا و علامات آن **نتیجه** در ذکر الفاظ حد و الطریق است و بیان علامات آن **خاتمه**
در بیان ادویهٔ کثیر النفعت که در کتب قدما کمترست ذکر آنها چون پادزهر و مومیائی و چوب چینی و جدوار و تهوه
ناسف ... واید از دقیقه رسان این است که اگر سهو و خطائی آگاهی یابند بقلم انصاف اصلاح فرمایند و بالله التوفیق و هو المستعان

مقدمه مشتمل بر چهار فائده **فائده اول** در بیان علامات تصحیح اعراب پوشیده نماند که در تحقیق اعراب نسخه
... مؤلف اختیار است بدیعی و برخی از جاهای لغات و کتب معتبرهٔ لغت تازی و فرهنگهای فارسی
اول سی ... مراد از حرف نخستین لفظ اول است و از ثانی حرف دوم که متصل به نخستین است
کلمه کج که بصورت کاف تازی است بر بار و نفیه بمعت اضافت مانند شجرهٔ مریم که همزه بر بار دارد ...
وقانی اشارت بحرف تا و مثلثه ایا بحرف تا و **واو معروف** مانند واویکه در کافور است ... که بسکون
معروفست و **واو مجهول** مانند واویکه در دروغ و شور است و **واو معدوله** واو یکه مکتوب
و لیکن در خواجه بکتابت و تحتانی عبارت از حرف یاء **تحتانی معروف** مانند تحتانی که در تحصیل ... [illegible]

وعصارہ برگ او باقلا بیخ نیلوفر بسفائج توتیا تخم انجرہ بدروف ادرتیس تلخ جادرس جمیع اجزاء سرو جمیع انواع
طین حب صنوبر بردی عصارہ زیتون سوسن قنشور جوز محرق کثیرا الحیۃ التیس لسان الحمل مرطب یعنی تر در درجہ اول برگ
بنفشہ حمص خصیۃ الثعلب خوخ روغن گل عصارہ سوسن قطر کاہو لسان الثور تر در درجہ دوم بقلہ یمانیہ بقلۃ الحمقا الطبیخ
سرس طحلب قرع شمشش ادویہ رطب مائل اقاقیا انزروت بزر قطونا برسیاوشان ندارد بقلہ الحمقا بقلہ یمانیہ برگ بنفشہ خشک
خشخاش وبق دلب دم الاخوین رصاص سرس شوکران شجرہ جوز طحلب قطر قنار بستانی کدو کاہو لسان الحمل امیثا
شمشش قرع علیق بیانہ در گرمی و سردی اصل خنثی برسیاوشان باقلا حمص حب صنوبر خربزہ خصیۃ الثعلب زبیب
عذبہ زیتون نرجس صمغ شجر مصطگی طین طرس شاہترس عدس فادانیا عصارہ سوسن فاشرا قنشور اترج مردرنج لیمون
سیاہ در تری و خشکی اصل نیل حب ضماد خصیۃ الثعلب زبیب عذبہ مخدرات یعنی ادویہ کہ بجز ابانند حس و حرکت را افیون
اسبند اصل اللفاح اداراقی اصل الذرت بیخ سوٹھ جنگلی بیخ تخم و برگ تمباکو جوز ماثل براج القطرب شبینی شوکران قنب کا کنج
کندر تبن الخیل لونگ جنگلی بیروج الصنم **مسہلات صفرا** اجاص فستنتین بنفشہ خشک تمر ہندی ترنجبین خیار شنبر
تمر ہندی شاہترہ شیر خشت شبرم صبر گلسرخ لبلاب آذریون ہلیلہ زرد **مسہلات بلغم** بسفائج تربد حب النیل حرمل
افتیمون تخم حنظل غاریقون قنطوریون قثاء الحمار ماہیزہرج ماہودانہ **مسہلات سودا** افتیمون آلہ اسطوخودوس
بالنگو بسفائج حجر لازورد سنا غاریقون کشوث ہلیلہ کابلی **مقیات** یعنی ادویہ قے آرندہ آب کدوی تلخ پوست
بیخ خربزہ تخم ترب و برگ آن تخم شبت تخم جرجیر تخم آذریون خربق سکنجبین گنگرزد کندش توبیار سرخ
ہو برخ ماء العسل نمک ہندی **مفتحات** یعنی ادویہ کہ سدہ کشاید اذخر انیسون افسنتین اسطوخودوس افتیمون آریسا
برسن خنطیانا حماما حاشا حرمل دارچینی رازیانہ زیرہ زعفران زراوند شاہترہ صعتر عود غاریقون فاوانیا فراسیون
قنطوریون قردمانا کرفس کبابہ کرسنہ کشوث مرزنجوش نانخواہ ہلیون **ملطفات** یعنی ادویہ کہ تلطیف و تقطیع اخلاط غلیظ
کنند ابہل سنبل اسطوخودوس افتیمون انجرہ اذخر اریسا اورہ بابونہ پودینہ جند بیدستر جعدہ حماض حب البان حرف حاشا حرمل
خردل دارچینی زوفا خشک زراوند سکبینج سداب سیر شکر صعتر غافث فرنجمشک قسط قرطم قردمانا کماذریوس مشکطرامشیع نانخواہ
مدرات یعنی ادویہ کہ ادرار بول و حیض و عرق کنند ابہل افحوان انیسون انجدان برنجاسف بابونہ برسیاوشان تخم
تخم گزر جند بیدستر جعدہ سعد سداب زوفا خشک رازیانہ دارچینی حبۃ الخضرا جاوشیر خنطیانا سلیخہ شونیز عود فاوانیا
فراسیون قردمانا قنطوریون قسط کبابہ کرفس کماذریوس فو مرزنجوش مشکطرامشیع نانخواہ نمام **مفتتات** یعنی ادویہ
کہ سنگ ریز اندازند اسارون برنجاسف برسیاوشان بادام تلخ تخم خربزہ خشک حجر الیہود رازیانہ سعد سکبینج ضمیمہ

آلو نخود سیاه. **قابضات** یعنی ادویه که طبیعت را به بندد آذخر آمرود برنج بلوط بسبد باقلا بیخ بارتنگ تخم شاہسفرم تخم
گل جوز سرو دم الاخوین زعرور سماق طباشیر طین مختوم عدس کہربا کندر کزمازک گلنار مصطگی سورد ناردین
نشاسته نبق نخود ورق رز **محللات** یعنی ادویه که غلظ و صلابت تحلیل برد اکلیل الملک اشق اسقیل اذخر
اسارون اقحوان پرسیاوشان بابونه برنجاسف باقلا تودری ترمس جعده جاوشیر جاشا خرزہره خطمی خروع زوفا ترنگت
زفت زراوند سوسن صمغ بطم غار قنا قنه کمادریوس کماه کبر لادن نانخواه مرزنجوش **منضجات** یعنی ادویه که اورام
صلابات را نضج دہند اکلیل الملک ارسا انجیر بزرگ خطمی زعفران صمغ بطم کرنب لادن مرتعه توم مرداسنگ
مفشیات یعنی ادویه که نفخ و ریح را بشکند و تحلیل برد انیسون افتیمون تباشیر نانخواه تخم کرفس جاوشیر حاشا دار فلفل زیره
زنجبیل زراوند زرنباد سداب سعد صعتر فلفل فودنج ناکیا کندر کرفس نانخواه **مقویات دماغ** املج انقحم صنال بلادر
بندق بالنگو بہار سیب بہار آمرود دماغ حیوانات روغن عنبر زنجبیل سعد سیب سنبل نیرت نارنج عود عنبر غالیه
قرنفل کندر گلسرخ تخم تدرو تخم دراج تخم دراج لبن ضان نار الورد مشک نسرین یاسمین **مقویات دل** و
مفرحات آن آمرود انار شیرین اسطوخودوس اترج ابریشم املج بہمنین بسفایج پوست ترنج زرباس بسبد بالنگو بادرنجبویه
ہندی جدوار دارچینی درونج زرنباد زعفران سیب سوسن سنبل سعد سلیخه شقاقل صندل طباشیر طین مختوم
عود عنبر فرنجمشک فاوانیا فاقله کہربا کافور گاوزبان کشنیز خشک گل سرخ لولو لاجورد مرورید نام نیلوفر نار مشک
نعناع نارنج ورق نقره ورق زر بلیله یاقوت **مقویات کبد** یعنی جگر اشنه اذخر سنبل الطیب حماما جوز بوا حب البلسان
دارچینی غافث قرنفل فاقله گلسرخ قرفه کشوث مصطگی ناردین **مقویات معده** آمله اذخر پوست ترنج بلیله بالنگو
جوز بوا دارچینی زرنباد سعد سلیخه سماق سفرجل ساذج ہندی طباشیر قرفه قرنفل فاقله گلسرخ کندر کہربا مصطگی نعناع
نعناع بلیله **مسمنات** انگور انجیر رطب اسپاناخ بیضه کبوتر و گنجشک کبک باقلا پیه برنج شیر خرما جلغوزه حبة الخضرا حب الرشاد
حلبه خولنجان خصیة الثعلب دارچینی زرنباد زنجبیل سورنجان سقنقور شقاقل شیر برنج فندق فستق زرده تخم گنجشک
کنجد کہربا مغز دماغ گنجشک بره مغز بادام جوز مغز نارجیل نخود ہیوان **مسکنات اوجاع** یعنی ادویه که درد را
ساکن کنند افیون اسفیداج بیه بط بیخ یبروج نورک سفید تخم مرغ صمغ عربی کتیرا نشاسته **منومات**
یعنی دوائیکه بخواباند بجہت سازد اعضا را اقحوان اصطرک خشخاش زعفران شقائق شبت شاہسفرم کاہو لفاح
قاتلات دیدان البطن و اذن یعنی ادویه که بکشند کرمہا شکم و گوش را افسنتین برنج کابلی جعده دوغ ترمس
دافع نفث الدم **مسہلات الدم** یعنی دوائیکه جلب خون نماید یعنی از دہان و دخول اسہال کند انجیر باذروج بلوط بسبد

زر النبج تخم گل جوز سرو حضض دم الاخوین ریوند زرشک زریره شلونه قنطوریون گل ارمنی گشنیز کهربا کاهی کافور کندر گلنار لسان الحمل مصطگی مازو نعناع نشاسته مقرحات یعنی ادویه که عضو را ریش کند و بسوزاند اسقیل اکت بوره حرف خراطین راسن زرنیخ زاج شداب اسفناج صابون فرفیون قسط قلقطار سیر تین تود مدملات قروح یعنی ادویه که فراهم آرد جراحات را آنزروت آبریح ابرسا دم الاخوین زراوند زریره صبر صمغ اقاقیا الطین مختوم عسل گلنار لسان الحمل ورق بلوط مجلبات او ساخ قروح یعنی ادویه که پاک سازنده چرک جراحات ست ابهل الکاب ابرسا حب البلسان راتینج زفت عسل نمک اکال گوشت زائده قروح یعنی خورنده و برنده زیاده تهای جسد اجتها انزروت اشنان توبال مس زنگار صدف سوخته مروارید سنگ یالبات قروح یعنی ادویه که خشک سازد جراحات را آنزروت اشنه خرمای سوخته آهک شسته توتیا قبر صدف سوخته ادویه ضفدع اللسان یعنی دوای قامع گوشت زائده یعنی غده که در زیر زبان بهم رسد و رگهای زیر زبان را سبز گرداند جست انار زنگار زاک سوخته با سپیده بیضه مرغ سرشته شوربجان و سرکه و نمک و نوشادر و صعتر و بیضه آبی و شبب بریان کرده آب آبی ترش آب سیب کوهی اقراص الطین اقراص الکندر اقراص مورد اقراص ریبن اقراص سوی حب الرمان شراب میوه ها صندل گلاب هم مورد بگلاب والله اعلم فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل ادویه و علامات آن مختار عبارت از اجناس هر دوا است که همواره در هر امر مستعمل اطبا است و مراد از شربت تعیین مقدار خوردن هر دوا است استعمال آن دوا آن موقوفست بدانستن اوزان چند مشهوره مثلا مطابق رساله اوزان میر محمد مومن استرآبادی مثلا حب گندم میانه تسوی دو حب میانه قیراط چهار جو گهونگچی که بفارسی سرخ و بهندی رتی گویند سه جو میانه که عبارت از شب یک سرخ باشد ماشه هشت سرخ توله دوازده ماشه ثانگ چهار ماشه و دانگ چهار سرخ و سدس سرخ درهم دو درم سیاه یک سرخ مثقال چهار ماشه و نیم سرخ استار و سیر شاهی یکنیم توله دو ماشه اوقیه و قیه بیست و نیم مثقال رطل بغدادی نود و ده سیر شاهی من طبی چهل استار ست مصلح دوا دیگر است که ضرر دواء دیگر را باز دارد و بدل آنکه هرگاه در نسخه دوائی دیگر قائم مقام آن می دانند قول کلی در بدل آنست که اگر دوائی یافته نشود بدل آن را بوزن آن پنج و یک بود و بدل ورق دو دانگ وزن آن تخم او باشد پس از مختار رخ و از شربت ش و از مصلح ص و از بدل ل ثبت نموده نتیجه در ذکر الفاظ ادویه بدانکه اسامی ادویه را بترتیب ا ب ت ث بعلامت ترقیم که از آن حرف نخستین مرادست و تنسیق که اشارت بحرف ثانی که متصل بنخستین است و تنمیق که ایما از حرف اخیر کلمه است مرتسم گردانیده عبارات کثیر را باشارات قلیل رهنمون گشته مسافت دور و دراز راه بندگان و سالکان این راه کوتاه ساخت

[illegible]

از قسم الہمزۃ تسنیق الالف و تمیق المہملۃ

اراغیس - دمشقی و مصری و بربری بفتح ہمزہ اول و ثانی و سکون رار مہملہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی و سین مہملہ ہا معجمہ ف بیخ درخت زرشک طح ا ی ۲ -

تمیق اللام

اطریلال - یونانی بفتح ہمزہ اول و ثانی و کسر طار مہملہ و سکون تحتانی و لام اول و الف و لام ثانی و بقول علامہ قطب الدین شیرازی بروزن افعیلال و در نسخہ دیگر بروزن فاعیلال ہم آمدہ در مصر حرز الشیاطین و در شام رجل الغراب گویند ف تخم حلال خلیل گویند کا گجگی دستی ہیں ست طح اے ۲ مختار حکما تخم وی است -

تمیق النون

اانبن - بروزن فاعلن ف سپند سوختنی -

تنسیق البار الموحدہ و تمیق الالف

ابرکاکیا - بفتح ہمزہ و بای موحدہ و سکون رار مہملہ و کاف و الف و کسر کاف ثانی و تحتانی و الف ثانی و بعضی در آخر موحدہ نیز می آرند ع نسج العنکبوت و بشیرازی کرتنہ گویند ف کرہ تنیدہ عنکبوت ہر مکڑی کا جالا طح ی - ابن المارع ف مرغابی -

ابوخلسا - یونانی بفتح اول و ضم موحدہ و سکون واو و فتح خا معجمہ و سکون لام و سین مہملہ و الف ف شنگار نہ ہو جوہ طح ی ۲ خ سیاہ و بسیار دو رق سطبر بیخ نش تا دو دوم سفر دماغ صداع آورد مصلح آن روغن بنفشہ و بدل آن لاجورد و حجر ارمنی بایک و نیم وزن آن حاشا و دو دانگ آن تخم ترید

تمیق الفوقانی

آیست - بمد اول و فتح ثانی و سکون سین مہملہ و فوقانی ف گوشت تیخ دبیہ یا لنگ ہ بچوری کا گود طح راخ گوشت یا لنگ دانہ کہ آنرا با تو خوانند و اکثر مصریان مرکب گویند۔

تمیق الجیم

آالموج - ف بمد و فتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو و جیم م قند۔

تمیق الدال المہملہ

آابرود - ف - بمد ہمزہ و سکون ثانی و ضم را مہملہ و سکون واو و دال مہملہ م سنبل ہ جھڑ و گویند نیلوفر۔

تمیق الرار المہملہ

اابار - ع بروزن آحار بمد اول و ثانی و الف و رار مہملہ ف سرب سوختہ ہ بنگ بفتح موحدہ و خفار نون و سکون کاف فارسی طب ی ۲ ل اثمد۔

ابرار - بفتح اول و سکون ثانی با رار مہملہ و الف و رار مہملہ ثانی م حی العالم البقر بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون رار ف شورہ ہ باجی طح ی ۳ ش نیم درم ص کثیرا و عسل ل تلخ اندرانی - ابن طاہر بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون با طار مہملہ و الف و ہا و رار مہملہ ف کبک -

تمیق السین المہملہ

ابن عرس - ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون و کسر عین مہملہ و سکون رار مہملہ و سین مہملہ ف راسو ہ نیول طح ی ق بلطف خ بسیار با شراب و نمک شورجبہ دفع ضرر مار مسموم

یکدرم یا دہ درم یا دو شقال نہایت مجرب اص روغنہا ل جنر مرغم

آبنوس - ع بمد اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و سین مہملہ ف آدنوس طح ی ۲ گویند ق قابض لادع خ سیاہ املس کہ در آب غرق شود ص صمغ عربی یا شاہسفرم ل چوب کنار یا تخم خربا ی سوختہ۔

ابوعلس - بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح عین مہملہ و سکون لام و سین مہملہ و آنرا اباعلس نیز گویند ف گل خیری طح ی اق جا ذ بیخ تا ثہ ش اندکی ص زردہ تخم مرغ۔

تمیق القاف

آبق - بزبان اکثیر این بمد اول و فتح ثانی یا کسر ثانی و سکون قاف م زیبق ف سیاب ہ پارا طسرد ۴ تر ۳ و گویند ح رق قابض ش از غیر مقتول آن تا دو درم ل رصاص محلول

تمیق الکاف

ابھرک - ہ بفتح اول و سکون ثانی و اظہار ہا و فتح رار مہملہ و سکون کاف م طلق طب۔

آبگ - ف بمد اول و کسر ثانی موحدہ م آبق - (یعنی سیماب ۱۲ رشد)

تمیق اللام

اابابیل - ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر موحدہ ثانی و سکون تحتانی و لام ف پرستوک -

ابل - ع بفتح اول و ثانی بمد نیز و کسر ثانی و سکون لام م قاقلہ صغار و بکسر اول ف فستر و بضم ثانی فارسی طراتیشر خ نہایت تیز بوے۔

ابہل - ع بفتح اول و ضم نیز و سکون ثانی و فتح ہا و ضم نیز و سکون لام ف تخم دہل و تخم سرو کوہی ہ ہوبیر طح ی ۳ گویند ۲ ق

زر ملطف مجلی اوساخ قروح خ سیاہ فربہ سبز ورق و گویند سرخ زرین ش از دو درم تا سہ درم و گویند یکمثقال ص عود انوج یا خولنجان یا حماما یا ابرہاریس ل جوز السرو یا بوزن سلیخہ دیکیتم وزن دار صینی و گویند بکوزن اسلیخہ و ثلث وزن سکبینج

تمنیق المیم

ابرلیسیم ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر را رمہملہ وسکون تحتانی و ضم سین مہملہ وسکون میم ف ابریشیم بشین معجمہ یا ... بیند ح ی او گویند ح ر مقوی و مفرح ل معدہ و محرق و مجفف خ پاک متقرض ش دو دانق تا یکدرم ض آن ... اترج ل بوزن و سنبل و نصف وزن او پوست اترج۔

تمنیق النون

آبرون۔ بمد اول و بجز مد و تیز وسکون ثانی و ضم رار مہملہ سکون واو و نون ع حی العالم۔

آبگون۔ ف بمد اول وسکون ثانی و ضم کاف فارسی وسکون واو و نون م نشاستہ ہ گیہوں کا ہیر۔

تمنیق الواو

آبو۔ ف بمد اول و ضم ثانی وسکون واو م گل نیلوفر

تمنیق الہاء

ابرار القطہ۔ ع بفتح اول وسکون ثانی و رار مہملہ والف و ضم رار مہملہ ثانی وسکون لام و ضم قاف و طا مہملہ و نیز مشدد و خفا ہا م تخم حی العالم

ابرہ بضم اول وسکون ثانی و فتح رار مہملہ و اظہار ہا م خر روحانی ۶ خبازی و تبرگی تو غذ ری۔

ابرہیمیہ۔ نرع بکسر اول وسکون ثانی وکسر رار مہملہ و فتح ہا وسکون تحتانی وکسر میم و فتح تحتانی ثانی و ہا و ابراہیمیہ نیز گویند ف اسپست مانند زیرہ باج طاسع۔

آبکامہ ف ترشی نان ست کہ بتاب آفتاب نگاہدارند ہ کانجی

آبگینہ۔ ۶ بمد اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی و فتح نون و ہا مخفی ف شیشہ ہ کانچ۔

ابن حبہ۔ ع بکسر اول وسکون ثانی و ضم نون و فتح حا مہملہ و موحدہ مشددہ و ہا ف نان

تمنیق التحتانی

ابن آدی۔ ع بکسر ہمزہ وسکون ثانی وکسر نون و مد ہمزہ والف و دال و واو والف مقصورہ ف شغال

آبی ف بمد اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ع سفرجل ہ بہی و نام نوعی از انگور طشیرین آن سع ح سپید ۱ آب دی تا سی درم غسلی و انیسون۔

تمنیق الموحدہ فارسی و تمنیق اللام

اپل ف بفتح اول و موحدہ فارسی وسکون لام ... طر آتیش ط ب ی ۳ قابض و مقوی کبد و معدہ ص ... باب ریہ شکر ش تا ہ درم ل ثلث وزن آن بعض وزن ثلث آن قرطم و نصف وزن قشر بیض محرق نیز بود

تمنیق النون

اپسان ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی و سین مہملہ والف و نون م سنگ فسان ۶ میس ہ سان

آپیون بفتح اول وسکون ثانی فارسی و ضم تحتانی وسکون واو و نون م افیون ط ب ۴ و گویند م ی و ہ ق غذ ق افیون

بسدود و منوم و محلل و مسکن اوجاع ص جند بیدستر و زعفران و دار صینی و فرفیون و جدوار و زنجبیل و فلفل سیاہ شن از یک بدن تا چہار قیراط و زیادہ از یکدانگ ممنوع ل دہن او بزر البنج بدل آن تخم لفاح یا پوست بیخ آن یا بوزن آن تودری سپید گفتہ اند

تمنیق التاء الفوقانی و تمنیق الجیم

اترج۔ ع بضم اول وسکون فوقانی وضم راء مہملہ وسکون جیم ف ترنج ہ بجوارا طا پوست زرد اوح ی ۲ و گوشت سپید ح را و ترشی ب ی ۲ و تخم او ح ر۔ و مفرح و مقوی دل و معدہ و ملطف و مدسخ بزرگ و زروش از تخم او دو مثقال جہت گزیدگی عقرب با آب گرم و گویند تخم شقاق ص شراب خشخاش ل آب لیمو۔

تمنیق الراء المہملہ

اثرار۔ بفتح اول وسکون ثانی با مثلثہ و راء مہملہ و الف و راء مہملہ ثانی ف حر شک ہ زرک طب رمی رخ شفاف

اتش خوار۔ ف بمد اول و فتح ثانی وسکون شین معجمہ و فتح خاء معجمہ با واو معدولہ و الف م آتش خوارہ

تمنیق السین المہملہ

آنامیس۔ بفتح اول وسکون ثانی و نون و الف و کسر میم وسکون تحتانی و سین مہملہ ف بابونہ بری۔

اتیس۔ ہ بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی و سین مہملہ ح ۲ ی اق ملی دہا ضم۔

تمنیق النون

آتان ع بفتح اول و ثانی و الف و نون ف مادہ خرہ گدھی دگدھیا

تمنیق الراء

آتش خوارہ ف بمد اول مرغی کہ اکثر آتش خورد۔

تمنیق الثاء المثلثہ و تمنیق الدال المہملہ

اثمد۔ ع بکسر اول وسکون مثلثہ و فتح میم وسکون دال مہملہ ف سنگ سرمہ ہ انجن طب ای ۲ ق مجفف و حابس دم و مفتح خ براق تیز کند ہ شب نمد رم ص شکر کتیرا ل آبار

تمنیق القاف

اثلق۔ بفتح اول وسکون ثانی و فتح لام وسکون قاف ف تخم نخجگشت ہ سنبھالو کی جڑ و بقولی سنبھالو کے بیج طح ی ۳

تمنیق اللام

اثل۔ ع بفتح اول وسکون ثانی و لام ف گزہ جھاؤ۔

تمنیق الجیم و تمنیق الالف

اجل گیا بفتح اول و جیم وسکون لام و کسر کاف فارسی و تحتانی و الف آخر ف بیش و زہرہ بس و پیٹھا۔

تمنیق الجیم

اُج۔ ف بضم اول وسکون جیم م کدو۔

تمنیق الدال المہملہ

اجمود ہ بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو و دال مہملہ ع بزر الکرفس طح ی ۲ ق مفتح محلل ص او یکدرم تا سہ درم۔

تمنیق الراء المہملہ

آجر۔ ع بمد اول وضم ثانی وسکون راء مہملہ ف خشت پختہ ہ اینٹ لکھوری طح ی ۲ ق مجفف خ غیر مستعمل شر

از روغن او یکمثقال ص روغن بنفشه ل تزف

تمنیق الصاد المهمله

اجاص ۶ بکسر اول و فتح ثانی مشدد و الف و صاد مهمله ف آلوه آلو و طب ر ۲ ق ملین و مسهل صفرا خ سپید و بزرگ و شیرین ش پانزده دانه ص گلنگبین یا عسل یا عناب یا تمر هندی

تمنیق النون

اجوائن ه بفتح اول و سکون ثانی و واو و الف و کسر تحتانی و سکون نون ف نانخواه طح ی ۳ ق مخفف محلل ریاح و ملین ص کشنیز و ترمس ش تا سه درم ل شونیز

تمنیق الهاء

اجهره ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و راء مهمله ضفاه یا ماه جنجیر

تمنیق التحتانی

اجوائن خراسانی ه ع بزر البنج

تنسیق الحاء المهمله و تمنیق الالف

احلب و بار روتی بکسر اول و سکون حاء مهمله و فتح لام و سکون موحده و کسر دال مهمله و تحتانی و الف و راء م شبرم

تمنیق الضاد المعجمه

احریض ۶ بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و ضاد معجمه ف نبات کاجیره کسنبه گویند اقحوان تخم ح ا ی ۲

تمنیق التحتانی

احداق المرضی ۶ بکسر اول و سکون ثانی و دال مهمله و الف و ضم قاف و سکون لام و فتح میم و راء مهمله و تحتانی معجمه و الف مقصوره ف بابونه گاو چشم طح ۲ ی ۲ -

تنسیق الخاء المعجمه و تمنیق التاء الفوقانی

اخروٹ ه بفتح اول و سکون خاء معجمه و ضم راء مهمله و سکون واو و فوقانی ۶ جوز ف چار مغز و گردگان

تمنیق الراء المهمله

اخشاء البقر ۶ بفتح اول و کسر ثانی با شین معجمه مشدد و الف و ضم همزه و سکون لام و فتح موحده و قاف و سکون راء مهمله سرگین گاو

اخگرف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون راء مهمله ف انگشت فروزنده بنگرد

تمنیق السین المهمله

اخینوس بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو و سین مهمله ف خردینه ه ساگ بنج نباتی سیاه پوست که ش کنول در تالاب بهار د

تمنیق الطاء المهمله

اخریط بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و طاء مهمله آخرم فراسیون ف گندنای بری ه بن کا گندنا

تمنیق اللام

اخیل ۶ بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و سکون لام ف مرغیست که ۶ ب آنرا شوم میگیرند و بزبان اهل گیلان دارکوب گویند

تمنیق المیم

اخزم ۶ بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه و سکون میم ف نازبو

تمنیق النون

اخیون یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و نون آخر فیاض رازی

تمنیق الهاء

اخروسه بفتح اول و سکون ثانی و کسر و ضم راء مهمله و سکون واو و فتح سین مهمله و ضفاء یا ماه دو سر ف گندم دشتی ه بن گیهون ..

تنسیق الدال المهملة وتمنیق اللام

اودا - بمد اول و ثانی و فتح دال مهملہ و الف زنجبیل تر ام درک تی مین

اوداوہ یونانی بفتح اول و دال مہملہ و واو و الف ہا درخت کرملا ز طرح ہی ہے

اوبجابا - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر ہا با جیم و الف م اجہرہ وہ خنجرہ

تمنیق الکاف

اورک بکسر اول و سکون ثانی و فتح نیز و کسر را مہملہ و سکون کاف آلو م و فتح اول و را مہملہ زنجبیل تر

تمنیق النون

اومن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون نون م شکنغ نصرع اذفر

تمنیق الہاء

اوبجارہ بمد اول و کسر ثانی و اظہار ہا و سکون تحتانی با جیم و الف و فتح را مہملہ و خفا ہا ف خار واژ گون ہ چرچرا۔

تمنیق الیاء التحتانی

اواراقی لفظ یونانی بفتح اول و ثانی و الف و را مہملہ فالف ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی ف فلوس ماہی ہ کپلا طرح ی ہو ق مخدر ص قی کردن لشبیر تازہ و روغن بادام۔

اودی ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر واو و تحتانی مجہول تہرکی اکبر گویند ع دج ہ بج۔

تنسیق الذال المعجمة وتمنیق الباء الموحدہ

اذان الارنب ع بمد اول و ذال المعجمہ و الف و ضم نون و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون را مہملہ و فتح نون ثانی و سکون موحدہ م نوعے از لسان الحمل و ورق آن کہین تر از ان الجدی ست ف ورق بارتنگ۔

اذان الدب ع بضم دال مہملہ مشدد و سکون موحدہ م بوضبر خرگوش

تمنیق الدال المهملة

اذان العبد - ع بفتح اول و سکون لام و فتح عین مہملہ و سکون موحدہ و دال مہملہ م نوع از عصی الراعی۔

تمنیق الراء المهملة

اذان الفار - ع بسکون لام با فار و الف و را مہملہ م مرزنگوش و مرزنجوش ہ ہوہیہ گنی طرح۔

اذخر - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر خا معجمہ و سکون را مہملہ ف کور گیاہ و گیاہ مکی ہ کند ہیل و کندہ راج و راج ہنس درد ہنس و بعضے کاہ برد ناکہ را نیز نامند طرح ی ۲ مفتح و ملطف و قابض و محلل و مقوی معدہ خ با یک سخت خوشبو تن نیم رم گمشتال ص بگلاب شستن و صندل بوئیدن بیخ او یا قصیب الذریرہ یا بوزن او سنبل و ہم وزن او زعفران۔

تمنیق السین المهملة

اذان القسیس ع بسکون لام و فتح قاف و کسر سین مہملہ و سکون تحتانی و سین مہملہ ثانی م نوعے از حی العالم۔

اذریاس بمد اول و ضم ثانی و سکون را مہملہ و یا تحتانی و الف و سین مہملہ ف صمغ سداب کوہی۔

تمنیق اللام

اذان الغزال - بسکون لام و کسر غین معجمہ و زا معجمہ و الف و لام ثانی م نوعے از لسان الحمل۔

اذان الفیل ع بکسر فا و سکون تحتانی و لام ف پیلگوش و لوف و گویند ریحان داودی و مرزنگوش و اذان الشاۃ ہمین ست و حب القنا نیز گویند برگ درخت ساگون

ازناب الخیل ع بفتح اول و سکون ثانی نون والف و ضم معجمہ و سکون لام و فتحہ خاء معجمہ و سکون تحتانی و لام ثانی ع تحیۃ التیس و در بلغرہ درخت شترگز

تمنیق النون

آذرافیون۔ بمد اول و ثانی والف و راء مہملہ و فتح ہمزہ و سکون فاء و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف نوعی از کف دریا

آذریون۔ بمد اول و فتح ثانی و سکون راء مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو و نون آذرسون و آذربیون نیز گویند ف نوعی از لالہ کوہی و گویند نوعی از اقحوان ست طح ی ۲ ق محلل خ بری ش پنجدرم ص عسل یا ریباس یا بازرد یا بہارا۔

آذرگون۔ بمد اول و ضم ثانی و سکون راء مہملہ و ضم کاف فارسی و سکون واو و نون نوعی از شقائق کہ کنارہای آن بغایت سرخ رنگ بود و سیاہ

تمنیق الواو

آذربو۔ ع بمد اول و ضم ثانی و سکون راء مہملہ و ضم موحدہ و سکون واو م گل الشنان آن زرد شود و بو تہ اش بخار میاید و بیخ آن گلیم شستہ ف قلار

آذریو۔ بمد اول و ضم ثانی و سکون راء مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو آسمی فارسی معرب یوکا اورا بآتش نسبت کردہ اند ف گلی زرد لسبت کہ بآفتاب میگیرد و گویند چوربات شنان طاح ی ۳ ش تا یکدرم ل تخم اترج و نیم وزن او باد آورد۔

تمنیق الہاء

آذربویہ ف بمد اول و ضم ثانی و ثالث و سکون راء مہملہ و ضم موحدہ و سکون واو و فتح تحتانی و خفا ہاء آذربو

تمنیق التحتانی

اذان الجدی ع بضم جیم و سکون ذال مہملہ و تحتانی

مجہول م لسان الحمل ف ورق بارتنگ۔

تمنیق الراء المہملہ و تمنیق الالف

ارافو بفتح اول و راء مہملہ والف و ضم فاء و واو والف م گندم

ارسطا برمی بفتح اول و کسر ثانی و سکون سین مہملہ و طاء مہملہ والف بنگ

ارطاماسیا۔ یونانی بفتح اول و سکون راء مہملہ و طاء مہملہ والف ثانی و میم والف ثالث و کسر سین مہملہ و تحتانی والف رابع دار طلمیا بکسر لام و سکون تحتانی ثانی نیز گویند تشنہ برنجاسف نادراطوح

ارسطوخیا۔ یونانی بفتح اول و بکسر نیز گویند و سکون سین مہملہ و فتح طاء مہملہ و ضم لام و سکون واو و کسر خاء معجمہ و تحتانی و الف م ریزاوند

ارکاکیا۔ بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف و کسر کاف ثانی و تحتانی والف ثانی م ابرکاکیا۔

ارسینا۔ یونانی بفتح اول و سکون راء مہملہ و کسر میم و سکون تحتانی با نون والف دارسیا گویند م توسادر۔

ارڈوسا۔ ہ بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و بانین مہملہ والف م بان

تمنیق الباء الموحدہ

ارقب ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون موحدہ بزکوہی

تمنیق التاء الفوقانی

اررت۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمہ و سکون فوقانی ف درخت صنوبر برطح ی ۲ گویند حرای

تمنیق الجیم

ارج۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و جیم م کرگدن و مرغ برقع

تمنیق الدال المہملہ

اژدر۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح شلغم و سکون دال مہملہ

ف پنجنگشت ہ سنبھالو۔

ارشد۔ ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح شین معجمہ و سکون دال مہملہ ص م قشیشا دحجر النور طرح می ۲۔

ارمود ف بفتح اول وسکون ثانی و ضم میم و سکون واو و دال مہملہ ص امرود ہ بہار ق بسکن حدت صفرا و خزی باقوت نجم

اڑند۔ ہ بفتح اول و ثانی و سکون نون و دال مہملہ ہندی بیشدی فنبید زنجبیل

اریلہ بریلہ ف بضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجہول و دال مہملہ و فتح موحدہ و کسر راء مہملہ ثانی و سکون تحتانی ثانی و دال مہملہ ثانی نار سنجی ہ دائی ست شدید از شہر گانہ کہ از سیستان خیزد

تمیق الراء المہملہ

ارہ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی ہم گنجارہ۔ ہ کھل۔

تمیق الزاء المعجمہ

ارز۔ ع بضم اول و ثانی وسکون زاء معجمہ ف کرنج و برنج ہ چاول طرب ی ۲ گویند مع دگویند ای ۲ ق مغذی غ سفید ص شیر تازہ با روغن یا عسل و شکر سرخ ل السپت جو یا جاورس

ارزیر ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر زاء معجمہ و سکون تحتانی و زاء معجمہ ثانی ع رصاص م قلعی ہ رانگا دکتھیر۔

تمیق الزاء الفارسی

ارنیشبر ف بضم اول و ثانی و سکون نون و فتح تحتانی و کسر موحدہ و سکون راء فارسی م بطم و بقم ع طرخون ہ مجیٹھ۔

تمیق السین المہملہ

ارس۔ ف بضم اول و سکون ثانی و سین مہملہ درختیست کہ در طرف ہمین زیربا د سبز سفانران کافور جو دانہ حاصل و نیز سر کر ہی

تمیق الطاء المہملہ

ارقیط۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون طاء مہملہ ف ملناگہ گیرہ

ارماط۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و طاء مہملہ گل گیرہ

تمیق الغین المعجمہ

ارغ۔ ف بضم اول و سکون ثانی و غین معجمہ بادام و پستہ و گردگان و فندق و نارگیل و امثال آن کہ اندرون آن تیز تلخ و بدبو شدہ باشد۔

تمیق الکاف

اراک۔ ع بفتح اول و ثانی و الف و کاف متحرک ہ درخت پیلو طرح ۲ ای اق مفتح خ تیز بو شر لزشم او بیشتمال

ارماک بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و الف و کاف م درخت گیکر ج ۲ ی ۲

تمیق اللام

ارمال۔ رومی بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و لام م چوبیست خوشبو چون قرفہ از یمن خیزد و گویند اراک طرح ۳ ی ۱ خ بو شیر بوی قرفہ مامدرل چوب کاوی یا نادون

تمیق المیم

ارومر رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و سکون میم ف گل م ماذر یون

ارقم ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم ف مار بتی سپید شیا

تمیق النون

ارسیان ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و تحتانی و الف و نون ف بنج دریائی ہ جھینگا طاغکہ و ۱ ح ی ح تازہ ص روغن بادام تلخ ل ربتیا۔

ارجان بفتح اول و سکون ثانی و جیم و الف و نون

ف بادام کوہی ہ جنگلی بادام۔

ارجوان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم و واو و الف و نون بہار درختی ست ف ارغوان طبیعی۔

ارو شیران بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و کسر شین معجمہ و تحتانی مجہول و را مہملہ و الف و نون ف نوعی از امرود تلخ۔

ارزن ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زا معجمہ و سکون نون نام غلہ ایست ع دخن ہ چینہ و بزار فارسی نام درخت بادام تلخ کوہی۔

ارسانیقول یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ بالف و کسر نون و تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ثانی ف زرنیخ زرد ہ ہرتال۔

ارسلیقون بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ و کسر لام و سکون تحتانی و ضم قاف و واو و نون م ارسانیقون۔

ارقان بفتح اول و سکون ثانی و قاف و الف و نون ف زرینہ ہ

ارمانیقون بفتح اول و سکون ثانی و میم و الف و کسر نون و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ثانی ع بزر البنج

ارمنین رومی ست بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر نون و سکون تحتانی و نون ثانی م طفل ف انار رومی ہ جنگلی انار۔

ارمیان بفتح اول و سکون را مہملہ و کسر میم یا تحتانی الف و نون ف

تمیق الواو

اریوف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحدہ و سکون واو م امرود

اروشیر داند بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و کسر شین معجمہ و تحتانی و سکون را مہملہ و دال مہملہ ثانی و الف و زا مہملہ ثالث و واو ف نوعی از امرود تلخ۔

تمیق الہاء

اراہ رومی بفتح اول و ثانی و الف ہا م مصطگی۔

ارجیقینہ بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی و کسر قاف و فتح نون و ہا اجیقینہ دبجار معجمہ ثانیہ گویند ف زریرہ

ارزہ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زا معجمہ و خفا ہا م زفت آن چیزیست شبیہ بقطران کہ از درخت صنوبر تازہ حاصل شود و صنوبر آنست کہ بر ندہد۔

اروانہ ف بفتح اول و سکون ثانی و واو و الف و فتح نون ہا م غرفہ

تمیق التحتانی

اردقنانی یونانی بکسر اول و فتح ثانی و سکون دال مہملہ و فتح فا و نون و الف و کسر نون ثانی و سکون تحتانی م ر قناء الحمار

ارطی رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طا مہملہ و سکون تحتانی ف درخت زود کہ م سپیدار۔

ارغاموفی بفتح اول و سکون ثانی و غین معجمہ و الف و ضم میم و سکون تحتانی و کسر نون و سکون تحتانی نباتیست در شکل مانند خشخاش ہ بی بلبون با شقائق النعمان چنانچہ فرفیر یان این شقائق نتوان کرد م باسیشا ع حب کیا

ارنب بحریہ ع جانوریست دریائی مانند خشکی و زہ مواتست ہ سمندر کا سمیا۔

ارنب بری ع بفتح اول و سکون را و فتح نون و سکون موحدہ و فتح موحدہ ثانی و کسر را مہملہ مشدد و سکون تحتانی ف خرگوش ہ سیاہ لنہا طبی ۲ ق مخفف خ سیاہ بیابانی و بہ کہ پلنگ صید کردہ باشد شش ثقل احمد اللہ عزول التعب

تمنیق الزاء المعجمہ

ازاددرخت ف بمد اول وزاء معجمہ والف دال مہملہ و فتح دال مہملہ ثانی و راء مہملہ و سکون خاء معجمہ و فوقانی م درخت طائحکہ ماہ نیب طرح ہی سم گویند ح ۲ ی ال آن بست دماغ کردن میوہ زرق شہداز

تمنیق الجیم فارسی

ازغج بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمہ و سکون جیم فارسی ف بیارہ ایست بر سر درختیکہ بجای پیشانک گمعاز دہ م عشقہ

تمنیق الدال المہملہ

آزاد۔ ف بمد اول و ثانی و الف و دال مہملہ م سرو و گویند سوسن سفید و گویند درختی ست کہ میوہ ندہد ہمانا پیشتر سوسن زاید آن اعتبار آزاد خوانند و گویند درختی ست بلند کہ بیشتر در گیلان شیخ وہ بلندیش بہ شصت گز و نقصان گز رسید و شاخہایش مانند درخت صنوبر و بالا دستہ اش راست و ہموار و جوششی تا بالا بر یک منوال ست و ہمتا د جوہر لیکن از جوہر چنار ریزہ تر باشد و گویند از نوع از ماہیست کہ در گیلان بہم ند و گویند درختی ست کہ چون بہائم برگ چوب او بخورند بمیرند و گویند درخت از آن سبب لیمنے درخت بادام کوہی ست و در کوہستان پارس بیشتر از جاہای دیگر بہمند تخم و نیز گویند از شعب نبات شیرین الذہ بہ بہ

ازدرد۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح واو و سکون راء مہملہ بشیرازی انہ و قوقو نیدم حند توت

تمنیق الفاء

ازدف بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و سکون فا

میوہ ایست سرخ رنگ کہ اکثر در شورہ زمین شود م نوز۔

تمنیق الکاف

ارغنک ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین معجمہ م عشقہ

تمنیق الکاف الفارسی

ازرنگسان بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مہملہ و سکون نون م خیار

تمنیق المیم

آزادم ف بفتح اول و ثانی و الف و سکون زاء معجمہ ثانی و فتح دال مہملہ و سکون میم م لوبیا۔

تمنیق الزاء الفارسی

اژرہ ف بفتح اول و ثانی فارسی خفا، ہام آہک ع کلس نورہ

تمنیق السین المہملہ

استخوان رباف بضم اول و سکون مہملہ و ضم فوقانی و خاء معجمہ با واو معدولہ و الف و سکون نون و ضم راء مہملہ با موحدہ و الف ثانی م طایہ ہما۔

استرخا یونانی بضم اول و کسر نیز و گویند بفتح اول و سکون سین مہملہ و ضم فوقانی و سکون راء مہملہ و خاء معجمہ و الف ز تخم مرچ منبل

اسناخرمات بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و ضم لمیبنہ و ضم خاء معجمہ و سکون راء مہملہ با میم و الف م تخم خرما قی سوختہ او مجفف قروح۔

اسموسایونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو با سین مہملہ و الف نوعے از مرو و گویند گز بری۔

تمنیق الموحدہ

اسربہ م بضم اول و سکون ثانی و ضم راء مہملہ و سکون موحدہ م سرب سیسہ

تمیق الفوقانی

اسپست - بفتح اول وسکون ثانی وکسر موحده فارسی وسکون سین مهمله ثانی وفوقانی ع فصفصه م رطبه است -

تمیق الجیم

اسلنج - بکسر اول وسکون ثانی وضم لام وسکون نون وجیم گیاهی است ع لحیة التیس ط ب ی ق حابس م و دمل -

اسرنج - ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر راء مهمله وسکون نون وجیم ف سرنج وشنگرف زاولی ه سندور وسیندور ط ب ای ۲ ق مجفف خ بسیار سرخ ص اسفید یا جات ل اسفیداج یا مرداسنگ -

اسقلینج بکسر اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون نون وجیم ع لحیة التیس

اسفنج - بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وسکون نون وجیم ف ابر مرده وابر کهن و گویند حیوان دریائی است بدان سبب که چون دست بر وی نهی خود را در کشند وقتیکه میرز آب دریا بر ساحل انداز ده موا یابد ل طح ای ۲ ق مجفف و مجلی خ تازه ش یکدرم ص آب جصرم یا فانیذل قرطاس سوخته

اسفیداج - ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی مجهول ودال مهمله والف وجیم ف سپیده ارزیر وسرب ه بنگ طب ی ۲ گویند ۳ ق مجفف وسکن اوجاع خ پاک سفید خوشبو ص از سفیده رصاص قند وصمغ عربی وشوربا ج جرب ل خبث الرصاص یا مرداسنگ -

تمیق الخاء المعجمه

اسفاناخ - ع بکسر اول وسکون ثانی وفا والف ونون والف ثانی وخاء معجمه یا جیم ف اسپاناخ ه ساگ پالک ط ب ار ۲ گویند معرح ب ق ملین ش س بقدر حاجت ص ظفلل ودارچینی دآب کاسه ل کدو یا بقله بهانیه -

اسود سالخ - ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو ودال مهمله وسین مهمله والف وکسر لام وسکون خاء معجمه ف مار سیاه ه کالاناگ

تمیق الدال المهمله

استخوان مدف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وخاء معجمه وواو معدوله والف وسکون نون وفتح راء مهمله وسکون نون ثانی ودال مهمله ع هملے -

استهول کنده بکسر اول وسکون ثانی وضم فوقانی و اظهار ها وسکون واو ولام وفتح کاف وخفا نون وسکون دال الفیناه کرام کند -

اسد - ع بفتح اول وسکون دال ف شیره باگه -

اسفرود - بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وضم راء مهمله وواو مجهول مرغی است کوچک مانند گنجشک و بر سر آن چند پر بلند باشد مثل شاخ - ع قطاه

اسفند اسفیدم خرل سپید تخم سپندان ه سپند ط ی ۳ ق مخدر

تمیق الراء المهمله

استرار بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مهمله والف وراء مهمله ثانی ع عدس -

اسیغرف بضم اول وسکون ثانی ویا وضم غین معجمه وراء مهمله وفا ف شیت ه ساهی -

استقنقور - ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون

نون وضم قاف ثانی وسکون واو وراء مہملہ م سقنقور ف
ریگ ماہی و نہنگ دشتی ہ ریت مچھلی۔

آسمارف بمداول وفتح نیز وسکون ثانی ومیم والف
وراء مہملہ م درخت مورد۔

اسمندرف بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون
نون وفتح دال وراء مہملتین م سمندر ہ آگ کا کیڑا۔

اسیرع بضم اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وراء مہملہ
ع کاہ خس ہ گانڈل طاب ا۔

تمنیق السین المہملہ

آس۔ ع بمد اول وسکون مہملہ ف نام درخت مورد
کہ آنرا اسمار گویند و نیز آنرا حب الآس گویند و شگوفہ آن خشبو
شود و ہر کس کہ آنرا ببوید و خواب کند محتلم گردد۔

اسپیوس ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی
وضم تحتانی وسکون واو ع بزر قطونا م بنگوہ اسبغول

استطلس یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وسکون
راء مہملہ وفتح لام م قفر الیہود جیسیت چون مومیائی

اسطر ماطوس۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مہملہ
وسکون راء مہملہ ومیم الف وضم طاء مہملہ ثانی وسکون واو ف آبنید

اسطوخودوس رومی بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مہملہ
وسکون واو وضم خاء معجمہ وسکون واو وضم دال مہملہ وسکون
واو ثالث از جزیرہ ستحادس خیزد و موقف الارواح نیز گویند م
شامسفرم رومی ہ دھار و گویند منڈی طح ای ق
ملطف مفتح ومسہل سودا ومقوی ومفرح دل تازہ وسرخ مائل بزردی

حرلیف تس از جرم او دو درم تا سہ درم و در مطبوخ تا ہفت درم
ص صمغ عربی یا کتیرا و گویند حماما یا بارزد و یا سکنجبین و گوتقل
ال فراسیون یا مرو یا افیتمون لنصف زن ونیموزن بادرنجبویہ

اسفیوس بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وضم تحتانی وسکون
واو وسین مہملہ یا معجمہ ع بزر قطونا ف بنگوہ اسبغول۔

اسقاقس۔ بکسر اول وسکون ثانی وقاف والف وکسر
قاف ثانی وسین مہملہ م نوعی از اکلیل الملک طح ی ۳

اسقوریدوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون
واو وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی وضم دال مہملہ وسکون واو ثانی ف بینرنامی

اسقولوس یونانی بضم اول وسکون ثانی وقاف وسکون
واو وضم لام وسکون واو ثانی بیخ ست م خنثی ف گیاہ
الشیم۔ سر الریس کا گھاس ح ی۔

اسلیسوکسکس بضم اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو و
سین مہملہ ثانی سنگی ست کہ زود ریزان شود و از نم دریا نمک برآید می ہندی
آنرا از ہر اسبوس نیز خوانند ف نمک چینی ہ چین کا لون طح ی

تمنیق الضاد المعجمہ

اسد الارض ع بفتح اول و ثانی وضم دال مہملہ وسکون لام
وفتح ہمزہ ثانی وسکون راء مہملہ وضاد معجمہ الضلاع حرباف
بوقلمون ہ گرگٹ و باصطلاح کیمیاگران سیماب۔

تمنیق الکاف

اسپرک ہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی
وراء مہملہ وسکون کاف ع اکلیل الملک ہ دار زرد۔

استخوان زنگ ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی و

وخاء معجمہ باواو معدولہ والف وسکون نون وفتح زاء مہملہ و
نون ثانی وکاف م ہماسے۔

تمنیق الکاف الفارسی

استرنگ بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی ورا مہملہ وسکون نون بکاف فارسی ع یبروج ف مردم گیاہ لکھمنا لکھمنی۔

تمنیق اللام

اسپغول ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحدۂ فارسی وضم غاء معجمہ وسکون واو ولام م بنجال مرغان۔

اسقیل ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی ولام ف پیاز دشتی ہ کولی کانده طح ی ۲ دگویند ۳ ق مقطع محلل ملطف مفرح خ مشوی شس یکمثقال ص حماما یا شیر تازہ کہ عقبش نوشند ل ببوس یا اسقوریدون یالوف یا قردمانا یا دج یا بیخ کبر۔

تمنیق المیم

اسپرغم واسپرہم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی سکون راء مہملہ وفتح غین معجمہ واسپرم ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی سکون راء مہملہ ومیم ساکن گلہائی دریاحین۔

اسفرم بکسر اول وسکون ثانی وفتح فا وفتح راء مہملہ وسکون میم ف موجود

تمنیق النون

اسارون ع بفتح اول وثانی والف وضم راء مہملہ وسکون واو بیخ گیاہی است ہ تگر طح ی ۲ ق ملطف مفتح محلل مغثت خ خوشبو متوسط سیان باریکی وسطبری ش نیدرم تا شقال ص سویخ ب باعسل ل یکنیم وزن وج یا شش یک وزن آن حماما۔

یا قردمانا وحب بلسان یا نیموزن خولنجان یا زنجبیل یا افسنتین وگویند سلیخہ وزرنباد است۔

اسن ف بفتح اول وسکون ثانی ونون م خربزۂ نورسیدہ

اسران۔ ف بفتح اول وسکون ثانی ونون م دوغ۔

اسطفلین واسطفین یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح طاء مہملہ وسکون فا وکسر لام وسکون تحتانی در لغت اول وکسر فا وسکون تحتانی در لغت ثانی ف زردک ہ گاجر طح ر۔

اسفیداج الجصاصین ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر فا وتحتانی مجہول با دال مہملہ والف وضم جیم وسکون لام وفتح جیم ثانی وصاد مہملہ مشدد والف وکسر صاد مہملہ ثانی وسکون تحتانی ف چونہ قلعی ہ کلی

اسطون بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مہملہ وسکون واو ونون ف زردک۔

اسقوردیون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وراء مہملہ وفتح دال مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م ثوم بری ع ثوم الحیۃ ف سیر مار وسیر دشتی ہ جنگلی لہسن طح ی ۲ ل عنصل کو جیک یا ثوم الذکر۔

اسقورون بضم اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وضم راء مہملہ وسکون واو ثانی ونون ع خبث الحدید ف ریم آہن ہ کیٹ

اسقولوقندریون یونانی بضم اول وسکون ثانی قاف وسکون واو وضم لام وسکون واو ثانی وفتح قاف ثانی وسکون نون وفتح دال مہملہ وسکون راء مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ثالث ونون آخر م اسقولوقندریون ف زنگی دارو

اسقیدولیون۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف وسکون تحتانی وضم دال وسکون واو وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی ونون م کمال کیخ ف ع وسکا ست پیچ

تمیق الھاء

آس ہنگم ع بمد اول وکسر ثانی وموحدہ وسکون نون وفتح کاف وخفاء ہاف مورد طب ای ء گویند ہ قابض ومقوی دل رخ خسروانی تیز بوش از تخم او یک مثقال ص بنفشہ تازہ ونیلوفر وروغن آبخال ورق توت یا عصارہ زرشک یا گل حنا۔

اسپتہ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وخفاء ہام تخم سپوز وخستہ

استینہ ف بمد اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وفتح نون وہای مختفی م تخم مرغ۔

اسخارہ رومی بکسر اول وسکون ثانی وخاء معجمہ والف وفتح راء مہملہ وخفاء ہاف تودری۔

اسروره۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مہملہ وسکون واو وفتح راء مہملہ ثانی وہاء مختفی م سنبل الطیب ہ بالچھڑ۔

اسغربہ۔ ف بضم اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ وسکون راء مہملہ وفتح نون وخفاء ہام خارشتر۔

اسگندہ۔ ہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وخفاء نون وفتح دال مہملہ وخفاء ہا دوا مشہور ہندیست طح ق مبہی

تمیق التحتانی

آس بری۔ ع بمد اول وکسر ثانی وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی ف مورد اسفرم۔

تمیق الشین المعجمہ تمیق الالف

اشترکا۔ ف بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وراء مہملہ باکاف والف ع عنقا کہ جانوریست معروف۔

اشتہ گیا۔ ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مہملہ وکسر کاف فارسی با تحتانی والف م اشترخار۔

اشموسا۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو وسین مہملہ والف م اسموسا بسین مہملہ۔

اشیاف مامیثا۔ بفتح اول وسکون ثانی وتحتانی والف ثانی وکسر فا ومیم والف ثالث وسکون تحتانی باشلثہ م عصارہ مامیثا طب ی ل در طلاکردن بوش دہندی یا حنفر۔

تمیق الدال المہملہ

اشناز داؤد۔ ف بفتح اول وسکون ثانی بانون والف وکسر زاء معجمہ ودال مہملہ والف وضم ہمزہ وسکون واو ودال مہملہ ثانی م زوفاء خشک۔

تمیق الراء المہملہ

اشترخار۔ ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مہملہ باخاء معجمہ والف وراء مہملہ ثانی م اشترخارہ جواشنہ

اشترغار۔ بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مہملہ وغین معجمہ والف وراء مہملہ ثانی ف بیخ درخت لکدانست طح ی ۳ گویند ء خ رومی ص سرکہ ل بانجدان۔

اشترمورد۔ ف بضم اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون راء مہملہ وضم میم وواو مجہول وراء ودال مہملتین گویند کہ در جنگل خیبر گیاہ معروف در نجتیست کہ برگہا آن اکسیر است ودر آن جنگل مورچہ بسیار

که بخلافی به باشند همین که کسی بآن خنگل محبت بدست آید در دل
بریک اکسیر در آید آن دران ورد درآویزند و در زمان پاره پاره
اش کنند لهذا کسی از ترس آن موران بآن جنگل در نتواند آمد
و آنرا زار اشترزه نیز گویند۔

اشغر۔ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه م خارپشت

تمنیق السین المهمله

اشتلایوس۔ بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و لام و الف و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله م دارشیشعان ه کالمعیل

تمنیق الشین المعجمه

اشتراش۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و الف و شین معجمه ثانی م عربی ف سرشم د سریش۔

تمنیق الصاد المهمله

اشخیص ع یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر خاء معجمه و سکون تحتانی و صاد مهمله م نوع از بادریون ست۔

تمنیق القاف

اشق۔ ع بضم اول و ثانی و سکون قاف و بقول صاحب مهذب بفتح اول م صمغ طراثیث ست و بعضی گویند صمغ بوست یا صمغ اشترغار ست طرح ی ۲ ق محلل خ سپید که دانه درشت و درشت باشد و زود حل شود ش نیمدرم ص ز و فا گویند بادام دنشاستر و صمغ الکبار یا سکبینج یا خردل سفید۔

تمنیق اللام

اشقاقل۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و قاف و الف و ضم قاف ثانی و سکون لام م شقاقل ف گزر صحرائی ه بهاری گاجر

تمنیق المیم

اشکیل چشم۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف و تحتانی مجهول و سکون لام و فتح جیم فارسی و سکون شین معجمه و میم م سالکن عوسج

تمنیق النون

اشن بچگان ف بمد اول و کسر ثانی و فتح موحده و جیم فارسی و کاف فارسی و الف و نون م جند بید ستر

اشلان بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف ه بسور سکها

اشنان۔ ف بضم اول و سکون ثانی و نون الف و نون ثانی م غاسول و چوبک اشنو به حیوان او را بسوزند شخار شود و چوک طرح ی ۲ ق مجلی و منقی داکال خ سپید یا سبز و بارق موضعیست نزدیک فرس نیمدرم ص خشخاش بدل آن

اشن۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون ه ب نام شیرم کالمیه

تمنیق الواو

اشترگاو۔ بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون راء مهمله و کاف فارسی الف و واو مجهول م جانور زرافه۔

تمنیق الهاء

اشیشه۔ ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر موحده فارسی و فتح شین معجمه ثانی و خفا هام کرمکی که در پوستین نمد و دیگر چیزها از پشمین بیفتد و تباه سازد آنرا۔

اشتینه۔ ف بمد اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و فتح نون م استینه۔

اشنه۔ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون خفاء هاء ه ال ودوالی ددوالک ه چهریله مع ب گوشنیح ای ۲ مقوی کسر و

اندک قابض سخ سفید خوشبوی منضج در وقت کوفتن بآب نرم کردہ بکوبند تا کوفتہ گردد شربت یکدرم تا دو درم دگوبند نیم درم مص انیسون ل قرومانا یا اذخر یا سنبل آ

اشلینہ ف بمد اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح نون م اسلینہ

تنسیق الصاد المہملہ وتمنیق الالف

اصل الفرطنیثا۔ بفتح اول وسکون صاد مہملہ وضم لام وسکون لام ثانی وفتح عین مہملہ وسکون رار مہملہ وفتح طار مہملہ وکسر نون وسکون تحتانی ومثلثہ والف ع بخور مریم ف آذربو

اصل الهند۔ ع بفتح اول وسکون صاد مہملہ وضم لام و سکون لام ثانی وکسر ہا وسکون نون وضم دال مہملہ و موحدہ والف ف بیخ کاسنی ہ کاسنی کی جڑ۔

تمنیق الموحدہ

اصل الغرب۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح غین معجمہ وسکون رار مہملہ وموحدہ ف بیخ غرب طرح ی ۲۔

اصل القصب۔ ع بفتح قاف وصاد مہملہ وسکون موحدہ ف بیخ نے ہ سرکنڈی کی جڑ طرح ی ۲۔

تمنیق الفوقانی

اصابع الفتیات۔ ع بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر موحدہ وضم عین مہملہ وسکون لام وفتح فا وکسر فوقانی وفتح تحتانی والف فوقانی ثانی ف انگشت کنیزگان یعنی فرنجمشک است یعنے بالنگوی خردہ تلسی۔

اصل الذرت۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وذال

معجمہ مشددہ وفتح رار مہملہ مشددہ وسکون تار فوقانی ف بیخ غلہ جوار طاب ی ق مخدر۔

تمنیق الجیم

اصل الزاریانج۔ ع بدار مہملہ مشددہ والف وزار معجمہ و تحتانی والف ثانی وفتح نون وسکون جیم ف بیخ بادیان ہ سونف کی جڑ

تمنیق الحاء المہملہ

اصل اللفاح۔ ع بضم لام وتشدید لام ثانی مکسورہ وفار مفتوح والف وحار حطی م یبروج ل سانپ کی ہ لکھنا لکھمنی ق مخدر

تمنیق الرار المہملہ

اصابع صفر۔ ع بفتح اول وثانی والف وکسر موحدہ و عین مہملہ وکسر صاد مہملہ ثانی وسکون فا در اء ف عابق کف مریم وکف عائشہ طرح ی ۲ ل سعد و ہزار حشیان۔

اصل الجاوشیر۔ ع بجیم والف دلواو وکسر شین معجمہ وسکون تحتانی ورار مہملہ ف بیخ گاوشیر ل جاوشیر۔

اصل الکبر۔ ع بفتح کاف وموحدہ وسکون رار مہملہ ف بیخ کبر

اصل اللوز المر۔ ع بفتح لام مشددہ با ثانی وسکون واو وضم زار معجمہ وسکون لام ثالث وضم میم ف بیخ بادام تلخ ہ کڑوے بادام کی جڑ

اصل المر۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم دال وسکون لام ثانی وضم میم ف بیخ مر طرح ی ۲۔

تمنیق السین المہملہ

اصابع ہرمس۔ ع بفتح اول وثانی وکسر موحدہ وعین مہملہ وضم ہا وسکون رار مہملہ وضم میم وسکون سین مہملہ ف گل سورنجان طرح ی ۲ ل سورنجان۔

اصل السوس - ع بضم سین مہملہ مشدد و سکون واو
سین مہملہ ثانی ف بیخ مہک ہ ملٹھی و مرٹھی طبع وگویند
ح ب ۳ و گویند ب ی اش از یکدرم تا درم -
اصل الکرفس - ع بفتح کاف و را مہملہ و سکون فا و سین
مہملہ بیخ کرفس ہ اجمودھ کی جڑ -

تمنیق الضاد المعجمہ

اصل السوسن الابیض - ع بضم سین مہملہ مشدد و سکون
واو و فتح سین مہملہ ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح ہمزہ
و سکون موحدہ و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمہ ف بیخ سوسن سفید کہ
در روم در میان بنفشہ میرید و مشہور ست بہ بیخ بنفشہ وگویند قسطنطین

تمنیق الفاء

اصل الآصف - ع بمد ہمزہ و فتح صاد مہملہ و سکون فا ف بیخ کبر
اصل اللوف ع بضم لام مشدد و ثانی و سکون واو و فا
ف بیخ پیلگوش طبح بی ۳

تمنیق الکاف

اصطرک - بفتح اول و کسر نیز و سکون ثانی و فتح طا
مہملہ و را مہملہ و سکون کاف معرب وگویند صمغی ست کہ از
درخت روم حاصل میشود و بعضے گویند کہ صمغ زیتون ست
طح ۳ ی ا گویند ح ی ۲

تمنیق اللام

اصل التنبول - ع بفتح فوقانی مشدد و سکون نون و
ضم موحدہ و واو مجہول و لام م بیخ پان ہ کلیجن
اصل الفلفل - بکسر ہر دو فا و سکون ہر دو لام ف
بیخ فلفل دراز و فلفلمویہ ہ پیپلا مول ل دار فلفل
اصل النیل ع بکسر نون مشدد و سکون تحتانی ف
بیخ حب النیل ہ کوادر دوہی کی جڑ طح ی ا -

تمنیق النون

اصطفین - ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح طا مہملہ و کسر
فا و سکون تحتانی و نون معرب اصطفین کہ مذکور شد
اصل الکراسن - ع بفتح را مہملہ مشدد و الف و فتح سین
مہملہ و نون ف بیخ زنجبیل شامی وگویند نوعی از فیلجوش ست
طح ی ۲ گویند ا -
اصل المازریون - ع با میم و الف و فتح زا معجمہ و
سکون را مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو ف بیخ مہجنگشت طح ی ۴

تمنیق الہاء

اصل الکشاہ - ع بضم کاف با شلثہ و الف و ظہار ہا بیخ کرفس
اصول الاربعہ - ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام
ثانی و فتح ہمزہ و سکون را مہملہ و فتح موحدہ و عین مہملہ و ہا
ف بیخ کاسنی و بیخ رازیانہ و بیخ کبر و بیخ کرفس -

تمنیق التحتانی -

اصابع العذاری - ع بکسر غین معجمہ و ذال معجمہ و الف
و کسر را مہملہ و تحتانی ف نوعی از انگور سیاہ و آنرا انگور
زیتونی خوانندہ ہ کالی داکھ طح ر -
اصل الانجدان الخراسانی - ع بفتح ہمزہ و سکون نون و
ضم جیم با دال مہملہ و الف و کسر نون ثانی و سکون لام ثالث و ضم خا
معجمہ با را مہملہ و الف و سین مہملہ و الف ثانی و کسر نون م اشتر غار

اصل الخنثیٰ - ع بضم خاء معجمہ و سکون نون بثلثہ و الف مقصورہ ف بیخ گیاہ سیرشیم طامعت و گویند ت ب

اصل السنبل الہندی - ع بضم سین مہملہ مشددہ و سکون نون و ضم موحدہ و لام ثانی و سکون لام ثالث و کسرہ و سکون نون ثانی و کسر دال مہملہ و تحتانی ہم داربشیعان۔

اصل السوسن الآسمانجونی - ع بضم سین مہملہ مشددہ و واو مجہول و فتح سین مہملہ ثانی و کسر نون و سکون لام ثانی و ہمزہ و سکون سین مہملہ ثالث با میم و الف و سکون نون و ضم جیم و سکون واو و کسر نون ثالث و تحتانی ساکنام ایرسا ف بیخ بنفشہ مشہورست و فی الحقیقت بیخ سوسن کبود ست طح ۲ ق ملطف مسخن بفتح منفیخ تازہ کہ خوردہ و سوراخ وار نباشد شربت تا دو مثقال ص عسل ال دراسہال شدید وزن آن ماذریون یا لبست مثقال شیر شتر

اصل النیلوفر الہندی - ع بکسر نون مشددہ و سکون تحتانی و ضم لام و واو مجہول و فتح فاء و کسر راء مہملہ و سکون لام ثانی و کسر ہا و سکون نون و کسر دال مہملہ ف بیخ نیلوفر ہندی کہ نل دنافیستہ ہ کنول کی جڑ طا بعا ر ۲ گو یند ی ۲

تمنیق الضاد المعجمہ تمنیق الموحدہ

اضراس الکلب - ع بفتح اول و سکون معجمہ با راء مہملہ و الف و ضم سین مہملہ و سکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی و موحدہ م بسفایج ہ کہنکالی۔

تمنیق الطاء المہملہ

اطموط بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم سکون واو و طاء مہملہ ثانی

تمنیق الطاء المہملہ و تمنیق الالف

اطاء - بفتح اول و ثانی و الف و ہمزہ م ارطی۔

اطمیسا - بفتح اول و سکون طاء مہملہ و کسر میم و سکون تحتانی و سین مہملہ م برنجاسف ف بوی مادران ہ مار کندہ۔

تمنیق الطاء المہملہ

اطماط و اطموط و اطیوط - بفتح اول و سکون ثانی با میم و الف و طاء مہملہ ثانی در لغت اول و ضم میم و سکون واو در لغت ثانی و ضم تحتانی و سکون در لغت ثالث م فنہ ہ ریٹھا و گویند کہ نملہ منسرست طح ۴ رال بوزیدان۔

تمنیق اللام

اطریفل - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مہملہ و تحتانی مجہول و فتح فاء و سکون ہ معرب تیبھلا کہ عبارت از ہلیلہ و بلیلہ و آملہ باشد

تمنیق النون

اطراف زیتون - ع بفتح اول و سکون ثانی با راء مہملہ و الف ثانی و کسر فاء و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واو و نون ف شاخہای زیتون طاب ۲۔

تمنیق الہاء

اطباء الکلبیہ - ع بفتح اول و سکون ثانی با موحدہ و الف و ضم ہمزہ و سکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی و فتح موحدہ و ہا ف پستانہای سگ

اطریہ - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مہملہ و فتح تحتانی و ہا ف حلوای رشتہ و نماج ہ سینوی طح را۔

تمنیق الظاء المعجمہ و تمنیق الموحدہ

اظفار الطیب - ع بفتح اول و سکون ثانی فاء و الف و راء مہملہ

وطا المهمله مشدده و سکون ثانی و موحده ف ناخن بعضه
و ناخن بویا و ناخن و ناخن بریان و کنه داخ می غلطشفه
و مقوی البدن نخ انکه مائل بسفیدی باشد شنیدم رس گل
مختوم یا قبرس یا طین ارمنی ل اقحوان یا قصب الذریره

تنسیق العین المهمله و تمنیق النون

اعین السرطین ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی
و نون و فتح سین مهمله مشدده و را المهمله و الف و کسر طا مهمله
و سکون تحتانی ثانی و نون ف تخم تخم کشت بنهائی خرنه یا سنجد

تنسیق الغین المعجمه و تمنیق الراء المهمله

اغبر ع بفتح اول و سکون غین معجمه و فتح موحده و سکون
را المهمله ف توتیائی مرکب ست از تخم و توتیا لیئے کرمانی و
نبات یعنی مصری۔

تمنیق السین المهمله

اغرسطس۔ یونانی بفتح اول و ثانی و سکون را المهمله
و فتح سین مهمله و کسر طا مهمله و سکون سین مهمله زانی م بیل بیدگیا
اغیرس۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر راء
مهمله نخ جو رومی که گویند کهربا صمغ اوست۔
انمیس۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و سین ف تخم کشت

تمنیق الهار

اغال الشیر۔ ف بمد اول و ثانی و الف و سکون لام و
فتح موحده فارسی و شین معجمه زنده ام یا م درخت سدره

تمنیق التحتانی۔

آغالوجی۔ بفتح اول و ثانی و الف و ضم لام و سکون واو و کسر
جیم با تحتانی ف عود بعضی گویند درخت هلیله نخ الدلب سنخ
اغلیقی۔ بکسر اول و فتح تیز و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی
و کسر قاف و تحتانی ف دوشاب۔

تنسیق الفاء و تمنیق الفوقانی

آفتاب پرست ف گل نیلوفر و بوقلمون را نیز گویند
و گلیست که بهر جانب که آفتاب بگردد برگهائش و بدان
جانب کنند و اہل ہند گل کبود با گویند۔

تمنیق الجیم

افشرج۔ ع بفتح اول و سکون فا و ضم شین معجمه و فتح را
مهمله و سکون جیم ف معرب افشرده یعنی عصاره هر چیز۔
افرغنج۔ بفتح اول و ثانی و سکون مهمله و فتح غین معجمه و سکون
نون م گشنیز۔

تمنیق الراء المهمله

افکاره۔ بفتح اول و سکون ثانی با کاف و الف و راء مهمله دهکچکنی۔

تمنیق الکاف

آفتاب گردک۔ ف بمد اول و سکون ثانی با فوقانی و
الف و موحده و فتح کاف فارسی و سکون راء مهمله و فتح دال مهمله
و کاف م آفتاب پرست۔
افرنجمشک۔ بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون
نون و فتح جیم و کسر میم و سکون شین معجمه کاف ف بالنگو یا
تخم دور ریحان فرنگی که گویند تلسی ح ی ۲ تخم بنفشه اتریز فلنجمشک
افشک۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه و سکون
کاف م شبنم که بهندی اوس گویند۔

تمیق النون

اقاسون - بفتح اول وسکون ثانی والف وضم سین مہملہ وسکون واو ونون ف روغن تربد مولی کا تیل -

افیتمون - بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو ونون ہ اکاس بیل طبع ی ۳ ق سوداو منقح ومغشی خ افریطی یا مقدسی سرخ تخم تازہ ش از مطبوخ او پنجدرم تا ہفت درم واز جرم او دو درم تا سہ درم ص کثیرا بارب سیب یا سکنجبین یا روغن بادام ل حاشا یکوزن نیم یا تربد بوزن او یا اسطوخودوس بابا سفایج -

افربیون - بفتح اول وثانی وسکون را مہملہ وکسر موحدہ وضم تحتانی وسکون واو ونون ہ ہم فربیون ف شیر درخت زقوم ہ سیلیند ہ ہیکا دودہ -

افسان - ف بفتح اول وسکون ثانی یا سین مہملہ والف ونون م سنگ فسان -

افسنتین - بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مہملہ وسکون نون وکسر فوقانی وسکون تحتانی ونون ثانی ف برنجاسف کوہی دگویند نوعی از درمنہ ہ مجری وستار وطاوح ای ۲ وگویند ۳ ق مفتح ومسہل صفرا وقاطع یدان خ تازہ زرد ش از جرم او تا درم ودر طبیخ از پنجدرم تا ہفت درم وعصارہ او یکدرم تا یکمثقال ص انیسون یا نیلوفر ل جعدہ یا شیخ ارمنی یا فیقسوم ودر تقویت معدہ اسارون یا بموزن آن ہلیلہ زرد -

افلاطون - یونانی بفتح اول وسکون ثانی ولام والف وضم طا مہملہ وسکون واو م مقل ہ گوگل طبع ۳ ی ۳

دگویند ح ۲ ق جالی ومحلل وملین یا قوت تریاقیت ص در باب ربہ کثیرا ودر باب کبد زعفران ش یکدرم ل دو ثلث آن مرمکی وربع آن صمغ سقوطری -

افیلون - یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ولام وسکون واو ونون ف درمنہ کوہی -

افیلان - رومی وفارسی بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو ونون ف شبرہ خشخاش ہ امم ط ب ۲ ی ۲ ق مخدر ومسکن اوجاع خ آنکہ در آب گرم زود حل شود ودر آفتاب گرم نرم شود ش از یکدرم تا دو درم ص فلفل دارچینی وسکنجبین وگویند بزر کرفس وجند بیدستر ل سہ وزن وی بزر البنج ویکوزن تفاح بری یا بحری -

تمیق الہا

افادیہ - ع بفتح اول وثانی والف وکسر دال و فتح تحتانی دخفا رچنت دار وہا گرم چون قرنفل وخولنجان ودارچینی -

افلنجہ - ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون نون وفتح جیم نام فلنجہ تخمیست مانند خردل وبیشتر در عطر استعمال کنند خ چون بدست بمالند بوی سیب دہد -

تمیق التحتانی

افعی - ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر عین مہملہ وسکون تحتانی ف مار مشہور ط ج ی ۲ ق ملطف خ تازہ ش از گوشت او سہ مثقال ص تریاق ل مار -

تمیق القاف وتمیق الالف

اقاقیا - بفتح اول وقاف والف وکسر قاف ثانی با تحتانی والف

ثانی م عصارۂ قرطم و فلفل با شتہ ہمر دی ب ۲ ی ۳ د
ہشتہ بای ۲ ق قابض مجفف ش بنیدر م ص لیوب
ل حفض یا صندل یا عدس مقشر یا سواد القصاۃ یا دم الاخوین
اقلیمیا- ع یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و میم و تحتانی ثانی و الف ف نقلی ست یا دردی ست
کہ بالای بوتہ طلا یا نقرہ باشد و دران می چسپد و بران چیز از طلا و نقرہ چون جبہا ظاہر باشد م و گویند ح ۲ ی ۳
ق مجفف خ چون در سرکہ سلخ ہا کنند طلا یا قلعی از و جدا نشود و چندان نہ درخشند و جدا کنند مقشر یا صفرت و تعبیہ شود ش نیم مثقال ب روغن بادام ل کنار سنگ سفید تا نو

تمیق السین المہملہ

اشوس- بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مہملہ و سکون واو و سین مہملہ ثانی م مویز عسلی دوق۔

تمیق الصاد المہملہ

اقطاع- ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء مہملہ م قرو ف کشک و بلیٹو طب ی در ہر بہار در تبہ۔

تمیق النون

اقارون- رومی بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مہملہ و سکون واو و نون ع عود الوج ف اگر ہ بچ ا۔
اقوان- ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حاء مہملہ باواو و الف و نون ف بابونہ گوہی ہ مرمخ مانچ ی ۲ گو بیند ا
گویند ۳ ی ۲ ق محلل ملطف مرسنوم خ سنبر برگ کہ میرن گلش سفید دانہ زرد ن در باشد و فرد تلخ از و در زم تا نہ ۲

صں انیسون فہ گویند حب الآس ل شیخ۔
اقطن- یعنی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء و سکون نون ف ماش و بشیلز زی نبو ماش نامندہ سونگ
اقوبلاسمون- رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر واو و سکون تحتانی بالام و الف و فتح سین مہملہ و ضم میم و سکون واو ثانی با نون فنار روغن بلسان۔

تمیق التحتانی

اقطنار انیقی و اقطنا الوفی- یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مہملہ با نون و الف و فتح ہمزہ و راء مہملہ و الف ثانی و سکون تحتانی و کسر قاف و سکون تحتانی در لغت اول و ضم لام و سکون واو و کسر قاف ثانی در لغت ثانی ف بادآورد
اقطی- یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء مہملہ ف درخت بیلہ یا بیل کا روکھ۔
اقماع الرمان الہندی- ع بفتح اول و سکون ثانی با میم و الف و ضم عین مہملہ و راء مہملہ مشدد و با میم مشدد ثانی و الف ثانی و کسر نون و سکون لام و کسر ہا و سکون ثانی و کسر دال مہملہ با یا ف نارمشک ہ ناگیسر۔
اقومالی- یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو با میم و الف و کسر لام ع ماء العسل ف آب شہد ہ شہد کا پانی۔

تمیق الکاف و تمیق الالف

اکاکیا- بفتح اول و کاف و سکون لام و فتح کاف ثانی با راء مہملہ و الف ع عاقر قرحا۔

تمیق الفوقانی

الملکت ۔ سریانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون فوقانی و فتح میم و کسر کاف ثانی و سکون فوقانی ثانی ف خانهٔ ابلیس ه کربخواطرح ۲ ی ا۔

تمیق الثار المثلثه

اکشوث ۔ ع بضم اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه و سکون واو و ثا مثلثه م کشوث خ تخم قسمے از امربیلی۔

تمیق الجیم

آن گر ۔ بمدو فتح اول و ثانی و سکون جیم ع نفاح بری م زعرور ذیل
انجخ ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر خا معجمه م نیلاب۔

تمیق السین المهمله

اکارس ۔ ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر را مهمله و سکون سین مهمله م کات کهبنی
اکرفس بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مهمله و سکون فا و سین مهمله م کرفس
اکروفس ۔ رومی بفتح اول و سکون ثانی و ضم را مهمله و سکون واو و فتح فا و سین مهمله ع جوز رومی ست و گویند کهربا صمغ اوست۔

تمیق الضاد المعجمه

اکالیل اهوض بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر لام ثانی و فتح همزه و سکون ها و فتح واو و سکون ضاد معجمه ه تخم انگن۔

تمیق الکاف

اگردهک ۔ بفتح اول و سکون ثانی و ضم را مهمله و سکون دال و فتح ها و سکون کاف ه ارد
آک ده ۔ بمد اول و سکون ثانی ع شجر عشر۔
اکلیل الملک ۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم لام ثانی و سکون لام ثالث و فتح میم و کسر لام رابع ف

اگیاو قیصر و زبرده اسپرک که از ان رنگ زرد می سازند طرح نی اقی محلل لمین منفخ تازه رسیده زرد مائل بسفیدی که او از شگافتن دانه زرد داشته باشد شش یکدرم تا دو درم ص عسل یا طبیخ آش ل نیموزان ورق انجیر یا فراسیون یا لبان یا پودنه یا بوزن آن حلبه

تمیق النون

اگیار یقیدون ۔ بفتح اول و ثانی و الف و کسر را مهمله و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ف تخم زیتون دشتی
المعزران ۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر واو و سکون تحتانی و زا معجمه و الف ف نوع از کرسنه

تمیق الهاء

اکل لهنسه ۔ ع بضم اول و ثانی و لام و فتح نون و سکون فا و سین مهمله و الهاء م فرفیون۔

تمیق التحتانی

آکاهولی ه ۔ بمد اول و ثانی و الف و ضم ها و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی دوائیست هندی دافع برمیو سوزاک
تنبیق الکاف الفارسی و تمیق الفوقانی۔
اگنبنت ه بفتح اول و کسر کاف فارسی و سکون نون و فتح میم سکون نون ثانی و فوقانی م اگونت دارنی طرح۔

تمیق الراء المهمله

اگرف ۔ بکسر اول و ثانی فارسی و سکون را مهمله ع وج
نجح ده بفتح اول و ثانی ۔ ع عود۔
اگورف بمد اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو و را مهمله م خشت بخشب

کہ آنرا العربی آجر گویند ھ سرکہ وکتیرا۔

تمنیق اللام وتمنیق الالف

السا۔ بفتح اول وسکون ثانی با سین مہملہ والف ناخواہ اجوائن ص کشنیز وترس ل شونیز وعرق ناخواہ۔

الواف۔ بکسر اول وسکون ثانی با واو والف ع سنبر یلو

تمنیق الموحدہ

الب۔ ع بکسر اول و ثانی وسکون موحدہ م الیوا۔

تمنیق الجیم

آلنج۔ ف بمد اول وضم ثانی وسکون جیم م الوحہ۔

الوچ۔ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وجیم فارسی کارزلیسک وکارزناگ وآن نوع از مخالفہ است۔

تمنیق الراء المہملہ

السنة العصافیر۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مہملہ وفتح نون وضم فوقانی وسکون لام ثانی وفتح عین مہملہ وصاد مہملہ والف وکسر فا وسکون تحتانی وراء مہملہ م لسان العصافیر فا زبان گنجشک ہ اندر جو ص کشنیز ل جوزبوا۔

الغنجار۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ وسکون نون باجیم والف میوہ است شبیہ بزرد آلو کہ رنگش سبز ونقش زرد ودیگر الوان نشود ومزہ ش منجوش بود م گرد آلو وآلو گردہ وخلو گردہ۔

تمنیق السین المہملہ

الباتیس۔ بفتح اول وسکون ثانی با باء موحدہ والف وکسر نون وسکون تحتانی وسین مہملہ ہ چولائی کا ساگ

المالس۔ بفتح اول وسکون ثانی با میم والف ماس ہیرا۔

تمنیق الطاء المہملہ

البطوطا۔ بفتح اول وکسر ثانی وسکون موحدہ وضم طاء مہملہ وسکون واو وطاء مہملہ ثانی ف کشت برکشتہ ہ ببیلی۔

الط۔ رومی بفتح اول وثانی وسکون طاء مہملہ ف پنیر۔

تمنیق الکاف

الکہ۔ ف بمد اول وسکون ثانی سنبل الطیب ہ بالچھڑ

تمنیق اللام

آل ف بمد اول وسکون لام نوع از ماہی فلوس دار کہ آنرا بال دال نیز خوانند ودرختی است کہ از بیخ آن رنگ سرخی وشاخ ومانند رنگ زرد وپوستش دانایان حنا را رنگ کنند ودر دوا ہا بکار آرند

تمنیق المیم

الم۔ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون میم م ارزن۔

تمنیق النون

الانیمون۔ رومی بفتح اول وثانی والف وکسر نون وضم تحتانی وسکون واو ونون ثانی م راسن۔

تمنیق الواو

الاو۔ ف بفتح اول وثانی والف وواو مجہول م آتش

الوخنا۔ بمد اول وضم ثانی نام میوۂ معروف ع اجاص۔

الیو۔ بفتح اول وسکون وضم تحتانی ہ گولر۔

تمنیق الہاء

انغوزہ یا انگوزہ ف بمد اول وسکون ثانی وضم غین معجمہ در لغت اول وضم کاف فارسی در لغت ثانی وسکون واو وفتح نون

وخفاء ہام سرخی کہ زنان بر روی مالند م غازہ۔

آلہ۔ ف بفتح اول وضم ثانی واظہار ہا ع عقاب ہ کبد و بفتح ثانی وخفاء ہا ع مقل ازرق و بمد اول وفتح ثانی وخفاء ہا ع سنبل الطیب کہ بہندی بالچھڑ گویند۔

الیہ۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح تحتانی دہاف دنبہ گوسفند ہ دنبہ کی پونچھ۔ طح رق ملین رخ ماخوذ از حیوان فربہ جوان ص زنجبیل وفلفل ودارچینی وسرکہ اسہین۔

تمنیق التحتانی

الاطینی۔ رومی بفتح اول وثانی والف وکسر طاء مہملہ وسکون تحتانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی م لبلاب ہ عشق پیچہ

الایجی۔ ہ بکسر اول لام والف وکسر تحتانی وجیم فارسیہ وسکون تحتانی ع قاقلہ۔

السی ہ بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مہملہ دیاع بزر کتان

تمنیق المیم و تمنیق الالف

آمرا ہ بمد اول وبی مد نیز و فتح میم ورار مہملہ والف م میوہ ہندی ست مشابہ بانبہ۔

تمنیق الفوقانی۔

امروت۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم را مہملہ دفوقانی م امرود کہ میوہ ہند یست۔

املی بنیت۔ ہ بفتح اول وثانی وسکون لام کسر موحدہ وسکون تحتانی وخفاء نون وفوقانی م ثمر درخت ہندی ست

تمنیق الجیم

املج۔ ع بمد اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون جیم ف آملہ آنولہ ہ طب ۲ و گو بندی ۲ قابض ومخفف ومقوی دماغ ومعدہ ومفرح دل وگویند مسہل سود او رخ سیاہی کہ بونش مائل بسرخی باشد وتیز بو ش س از یک مثقال تا سہ درم ص عسل یا شراب انجیر ل شیرۂ آملہ یا ہلیلہ سیاہ یا کہنیم وزن بلیلہ

تمنیق الدال المہملہ

امرود۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم را مہملہ وسکون واو ودال مہملہ ع کمثری ناسپاتی۔

تمنیق السین المہملہ

اموسس۔ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وسین مہملہ ف زنیان ونانخواہ ہ اجوائن۔

تمنیق الضاد المعجمہ

امعاء الارض۔ ع بفتح اول وضم ثانی وعین مہملہ والف وضم ہمزہ وسکون لام وفتح ہمزہ ثانی وسکون را مہملہ وضاد معجمہ ف زغار وکرم م خراطین ہ کینچوا۔

تمنیق النون

اماسون۔ یونانی بفتح اول وثانی والف وضم میم ثانی وسکون واو ونون م حماما۔

امعاسیین۔ رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح عین مہملہ والف وکسر سین مہملہ وسکون تحتانی ونون ف آب غورہ انگور ہ داکھ کا پانی۔

امغیلان۔ ع بضم اول وکسر ثانی مشدد وغین معجمہ وسکون تحتانی بالام والف ونون ف مغیلان ہ درخت کیکر وببول

طا ب ی ۲ گویند ح ق تلبض مجفف تق تقبد حابس حس منفشہ ـ

تمیق النون و تمیق الالف

انار گبھر ـ ف ـ بفتح اول و ثانی والف و رائے مہملہ و کسر کاف فارسی و سکون تحتانی با رائے مہملہ والف ثانی ام غورہ خشخاش بغیر کوکنار ـ

انتلیہ اسود ا سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و فتح لام و ہمزہ ملینہ و فتح سین مہملہ و سکون واو با دال مہملہ والف ع ناخ فرفین و مدوارہ نرلیمی ـ

انجسا ـ بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و ضم نیز و سین مہملہ والف ام شنگار ـ

انخطینا ـ سریانی بفتح اول و سکون نون و فتح و کسر خاء مہملہ و سکون واو و کسر طاء مہملہ و سکون تحتانی و نون ثانی والف ع جلنار ف گلنار ـ

اندرزا ـ ف ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و سکون رائے مہملہ با زائے معجمہ والف ام گاؤ زہرہ و آن سنگی ست کہ در میان زہرۂ گاؤ متکون شود یا در میان شیر و اکثر و بیشتر از گاؤ ہندوستان بہم رسد و معتقد یا و زہر بود در لون و خاصیت ع حجر البقر ـ

انساما ـ بفتح اول و سکون ثانی با سین مہملہ والف با [illegible] ع [illegible] الجبلی ف سورنج و [illegible] گلنار ل [illegible] ـ

الغونیسیا ـ [illegible] ـ بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء مہملہ و سکون واو و کسر [illegible] تحتانی [illegible] ف کاسنی [illegible] ـ

انقردیا ـ رومی ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون رائے مہملہ و کسر دال [illegible] تحتانی با الف ثانی ف بلادر ہ بہلانوا

انکارہ ـ ف ـ بفتح اول و سکون ثانی با کاف فارسی والف

بارائے مہملہ ف انگر یعنی انگشت افرنبتہ ـ

انگور شغال ـ بفتح اول و سکون ثانی با کاف فارسی و کسر رائے مہملہ شین معجمہ [illegible] ع عنب الثعلب ف روباہ تربک کوو حبر لونہ

انوپا ـ ف ـ بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو با موحدہ والف ام کاسنی و گویند گاؤ زبان تلخ ـ

آنولا ـ ہ ـ بمد اول و ضم نون و فتح واو با لام والف ف آملہ طا ب ی حس روغن بادام شیرین ال ہلیلہ کابلی ـ

انومیا ـ رومی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسر میم و یائے تحتانی والف ام شقائق ف گل لالہ ـ

تمیق الموحدہ

انب ـ بفتح اول و ثانی و سکون موحدہ ف بادنجان ـ

انفحۃ الارنب ـ ع ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و خاء معجمہ و ضم فوقانی و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون رائے مہملہ و فتح نون ثانی ف پنیر مایہ خرگوش ـ

تمیق الفوقانی ـ

انزروت ـ ع ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح زائے معجمہ و ضم رائے مہملہ و سکون واو و تائے فوقانی [illegible] ی [illegible] سفید مائل بزردی [illegible] یکدرہم [illegible] یا روغن [illegible] نشاستہ [illegible] ـ

انفیست ـ [illegible] ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون [illegible] مہملہ و فوقانی ف [illegible] عنکبوت ہ مکڑی کا جالا ـ

انگشت ـ ف ـ بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و سکون شین معجمہ و فوقانی ام زگال ہ کوئلہ و خستہ سیہ [illegible]

تمیق الجیم

آنج - ف بمد اول و فتح ثانی و سکون جیم م زردی -

انبوت - بفتح اول سکون ثانی و ضم جیم و سکون فا و عود الریح

تمیق الدال المہملہ

انبرود - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و ضم راء مہملہ و واو مجہول و دال مہملہ م امرود -

اند - ف بفتح اول و سکون ثانی م ہلک ۶ سوسن -

انزرد - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمہ و ضم راء مہملہ و سکون دال مہملہ م پازہر -

انگزد - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح زاء معجمہ فارسی م صمغ درخت انگدان است و بشیرازی انجشتک کنندہ گویند ع حلتیت ہ ہینگ -

تمیق الراء المہملہ

انجبار - رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم موحدہ و الف و راء مہملہ بہمین نام مشہور است طبیعی ۲ ق منقی و فرح شش و جالس دم و لین طبع ش از یکمثقال تا دو مثقال -

انجیر - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی ع تین

انگور - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو ہ داکھ ق مبہی -

تمیق السین المہملہ

اناعیلس بفتح اول و ثانی و الف و کسر عین مہملہ و سکون تحتانی و ضم لام و سکون مہملہ م مرزنگوش -

انبرباریس - ۶ بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و سکون راء مہملہ یا موحدہ ثانی و الف و کسر راء مہملہ ثانی و سکون تحتانی ف زرشک ہ زرک طب ی ت بنگال خود رسیدہ سرخ مائل لیباتی جاشیرہ دارس جالب الی تحم گل و بیار دانگ وزن آن صندل و در سیج سماق -

اندریقاقش - بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و ضم راء مہملہ و سکون واو با طاء مہملہ و الف و کسر قاف ف نوع از نخود -

انفحۃ الفرس - ع ف پنیر مایہ اسپ -

تمیق الفاء

انفحۃ الخشف - ع بکسر خاء معجمہ و شین معجمہ و سکون فاء ف پنیر مایہ بچۂ نرینۂ بزکوہی کہ اہل باشد -

تمیق القاف

انفاق - ع بفتح و کسر اول و سکون ثانی و فا و الف و قاف ف روغن زیتون -

تمیق الکاف

انارشک - ف بفتح اول و ثانی و الف و راء مہملہ و کسر میم و شین معجمہ و کاف م نارشک ہ ناکیسر -

انجرک - بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح راء مہملہ و کاف ف مرزنگوش ہ مروا -

انجابک - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و فتح با اول و سکون کاف ثانی ف محلب ہ کہنبلا -

انک - ع بمد اول و ضم ثانی و سکون کاف ف سرب ہ سیسا

تمیق اللام

انجل بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون لام ف خطمی

انفحة الجمل - ع - بفتح جیم و میم و سکون لام ف پنیر مایهٔ شتر
ق بهی خ ا د اشتر اعرابی ست۔
انفحة العجل - ع - بکسر عین مهمله و سکون جیم و لام ف پنیر مایهٔ گوساله

تمیق النون

انارارین - بکسر اول و فتح ثانی و الف و کسر رار مهمله و الف
ثانی و سکون تحتانی و نون ثانی ف زنگار مس۔
انجدان - ع - بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح دال
مهمله و الف و نون ف درخت انگوزه ه هینگ کا درخت
طح ی ۳ ق مدر و محلل و ملطف خ سفید ش یکدرم ص
حل ل بیخ آن یا ده دانگ وزن آن حلتیت یا تخم
جزر یا کمون کرمانی۔
انجن - ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم ف سرو دار و چشم
اندراین - ه بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و را مهمله و
الف و کسر تحتانی و سکون نون ع حنظل طح ق ملین و مسهل
ص کتیرا و مقل و نشاسته و آب فواکه۔
اندروخارون - ف نباتیست که در کشت گندم و جو
روید و در قش بورق نخود ماند و تخمش سرخ و طعمش بنهایت تلخ
اندروخوردان - ف - بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله
و ضم رار مهمله و واو مجهول و ضم خار معجمه و سکون حاو ثانی و ضم
مهمله ثانی و سکون الف و نون ثالث م گویند دار شیشعان قرصیست
مرکب که در تریاق مستعمل ست و آنرا هم بدین نام خوانند
اندروحارون - بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و ضم را
مهمله و واو مجهول یا ها و الف و ضم رار مهمله و سکون واو

ثانی بمعنی اندروخارون ست۔
انسان - ع - بکسر اول و سکون ثانی یا سین مهمله و الف
ف آدمی - ه انس - منکھ
انقطریون - بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون طار
مهمله و کسر رار مهمله و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف کهرباه
کیبورص بنفشه ل سندوس و گل ارمنی و بلیخه
انقون - رومی بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون
واو و نون ف گل پیاده ه سداگلاب۔
انگبین - فا - ع - عسل م شهد - ه مهودهد۔
انگدان - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی
با دال مهمله و الف - ع - انجدان۔
انیسون - یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم
سین مهمله و سکون واو و نون م رازیانه رومی ه سونف رومی
ق مفتح مدر منشی خ رومی تازه ش نیم درم ص تخم رازیانه یا رب السوس
ل تخم شبت یا کردیا یا دو وزن آن رازیانه۔

تمیق الواو۔

اندرجو - ه بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون
رار مهمله و فتح جیم و سکون واو ع لسان العصافیر۔
انبیو - بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم و ضم تحتانی ف درخت
بزرگ بقیاس خرمای هندی و بوقت رستن بار برگ گل
بارمی روید و بزبان مالوه جیسار و چها گویند۔

تمیق الهاء

انبله - بفتح اول و سکون موحده و فتح لام و خفا ها م قرة بند

انجرہ - بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم و فتح راء مہملہ ف تخم گزنہ ہ انگن کی بیج ط برگ ادی کا ۲ ق ملطف ص
صمغ عربی وکثیرا تمرہ نر و قرہ مانا تخم گزنہ نر۔
انجیدہ - ف یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی و فتح دال مہملہ ف گندنا بے کوہی۔
انجیرہ - بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی و فتح راء مہملہ ع تین - ف - انجیر۔
انشرہ - ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح زاء فارسی ہام علک مسور
انسکہ - ع - عدس - ہ مسور۔
آنستہ - ف - بمد اول و فتح ثانی وسکون سین مہملہ و فتح فوقانی - ع سعدہ - موتھہ - وموتھا۔
انفحۃ الحمار الوحشیہ - ع - بفتح اول وسکون ثانی وکسر فا و فتح خاء معجمہ وضم فوقانی وسکون لام وکسر حاء مہملہ باسیم و الف وکسر راء مہملہ وسکون لام ثانی و فتح واو وسکون حاء مہملہ ثانی وشین معجمہ و فتح تحتانی مشددف - پنیرمایہ گورخر
انفحہ - ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح فا و خاء معجمہ و ہاء مہملہ ف شیردان و پنیرمایہ ہ جیستا ط ح ی ۳ ملطف محلل مقوی دماغ خ آنچہ از داز الہ تری نمودہ باشند ش دو دانگ و از شتر یکدانگ ص عسل یا انبرباریس ل امراض
انگمہ - بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف و فتح میم ہاف خار باز گوزہ جرجر
انگزہ - ف - بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی و فتح زاء فارسی ع حلتیت ہ ہینگ۔
انغیرہ - ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی۔

و فتح زاء فارسی م بوی باران۔

تمیق التحتانی۔

انا لیقی - رومی بفتح اول وثانی والف وکسر لام وسکون تحتانی وکسر قاف وسکون تحتانی ثانی م انجرہ۔
انبلی - ہ بفتح اول وسکون ثانی وموحدہ وکسر لام ف تمر ہندی
انبوت الراعی - بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون واو وضم فوقانی با راء مہملہ مشددہ والف وکسر عین مہملہ و تحتانی م نوعی از حی العالم۔
انبوت ملکی - بفتح اول وسکون ثانی و واو وکسر فوقانی و فتح میم وکسر لام و کاف و باف لبنان افروز۔
انجیر دشتی - بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون تحتانی وکسر راء مہملہ و فتح دال وسکون شین معجمہ وکسر فوقانی و یام انجیر آدم ہ گولر و گویند انجیر جنگلی ست ہ کٹھو مبری ص شربت تخم در بلیس بر
انفحۃ الظبی - ع بفتح اول وسکون ثانی و فتح فا و خاء معجمہ و ضم فوقانی و فتح ظاء معجمہ مشددہ وکسر موحدہ ف پنیرمایہ آہو۔

تمیق الواو و تمیق الالف

اومادا - یونانی بضم اول وسکون واو و با میم والف و دال مہملہ والف ثانی م عصارہ فقاء الحمار۔

تمیق الجیم۔

اورنج - ف - بفتح اول وسکون ثانی و فتح راء مہملہ وسکون نون و جیم م سنگ انگور وضم اول واو مجہول ف چوب خوشۂ انگور کہ انگور او نا چسپیدہ باشد۔
اوگج - ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح کاف فارسی و

وسکون نون وجیم م سپستان ہ لہسوڑا۔
اولنج۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وسکون م اورنج۔

تمنیق الدال المہملہ

اودبھلد۔ ہ بفتح اول وسکون ثانی مجہول ودال مہملہ بکسر موحدہ داظہار ہام پان کا نون۔
اوسلید۔ بضم اول وسکون ثانی وکسر سین مہملہ وموحدہ فارسی وتحتانی مجہول ف نوعی از نیلوفر ہندی طرح ی

تمنیق الراء المہملہ

اودر۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی وفتح ذال معجمہ وسکون راء مہملہ ف آب ہ پانی وجل۔
اورد۔ ف بضم اول وسکون ثانی وراء مہملہ م گردگان بادام وجوز ہندی وپستہ وامثال آن کہ مغز آن صالح ذیر شند

تمنیق الزاء المعجمہ

اوزع۔ بضم اول وسکون ثانی وزاء معجمہ ف مرغابی طرح ز

تمنیق السین المہملہ

آوزس۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ وسکون سین مہملہ م سرکوہی۔ ع۔ ایجل گویند۔
اونانیس۔ بفتح اول وسکون ثانی بانون والف وکسر نون ثانی وسکون نون تحتانی ف شگوفہ انار۔

تمنیق العین المہملہ

اوشع۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمہ وسکون عین مہملہ ف جانور سمیر۔

تمنیق النون

اووایسالیون۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی ودال مہملہ والف سین مہملہ والف ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو ثانی م کرفس کوہی۔
اوقطاریون۔ یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وطاء مہملہ والف وکسر راء مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ونون م
اوقیمین۔ یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف وسکون تحتانی وفتح میم وسکون نون م بادروج۔
آویشن۔ بمد اول وکسر ثانی وتحتانی مجہول وفتح شین معجمہ ع صعتر وبزبان عراق گاکوتی وکہلانی کنکلتھو وتیرکی کلیس موتی خوانندہ سانل مروا۔

تمنیق الشاء

اویشیہ۔ ف بمد اول وکسر ثانی وتحتانی مجہول وفتح شین معجمہ وخفاء ہام آویشن۔

تمنیق التحتانی۔

اورمالی واومالی۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی وراء مہملہ وبراء مہملہ نیز ومیم والف وکسر لام وسکون تحتانی ع دہن العسل ف عسل او دآن روغنی ست کہ از ساق درخت حاصل میشود مانند عسل ست بسطبری وشیرینی طرح رخ کہنہ مخلط دسافی۔
اونومالی۔ یونانی بضم اول وفتح ونیز وسکون ثانی وضم نون وسکون واو ثانی بامیم الف وکسر لام ف شراب وعسل۔

تمنیق الہاء وتمنیق الدال المہملہ

اہلیلج اسود۔ ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وتحتانی

مجهول و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون سین مهمله و فتح زاء و سکون دال مهمله ف هلیلهٔ سیاه ه زنگی هر طبیب ای ۲ ق مسهل خ هندی شش از جرم او یک درم تا دو درم و در مطبوخ از هفت درم تا ده درم ص عسل فی گویند و روغن زرد ل هلیلهٔ کابلی و در قبض لضعف زن ماز و خس و آن تخم سود

تمنیق الراء المهمله

ارهر - ف بفتح اول و سکون ثانی و راء مهمله درخت لسان العصافیر

اهلیلج اصفر - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون صاد مهمله و فتح فاء و ن هلیلهٔ زرده هر زنگی حاب ای ۲ مسهل صفرا و مقوی دل و معده خ فربه تر شش از جرم از سه درم تا پنج درم و در مطبوخ از هفت درم تا ده درم و تا بست درم ص قند یا ترنجبین با آب گرم یا عناب ل پوست انار۔

اهمر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و راء مهمله م شغال

تمنیق الطاء المهمله

اهلال القسط - بکسر اول و سکون ثانی با لام و الف و ضم لام ثانی و سکون لام ثالث و ضم قاف و سکون سین مهمله و طاء مهمله ف تو عراز باد رنجبویه است۔

تمنیق الکاف

اهک - ف بمد اول و فتح ثانی و سکون کاف ه چونا ق مفرح و تشنه آوا کال۔

تمنیق التحتانی۔

اهلیلج کا - بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی مجهول و فتح لام ثانی و کسر جیم با کاف و الف و ضم موحده و کسر لام ثالث ف هلیلهٔ کابلی ه انبلا هر طب ی ۱ ق مسهل سوداخ فربه کلان و گران که در آب فرو رود شش پنج درم تا ده درم ص عسل ل هلیلهٔ سیاه و نمو زن آن آمله

آهوری - ف بمد اول و ضم ثانی و واو مجهول و کسر راء مهمله و سکون تحتانی م خردل ه رائی۔

تمنیق التحتانی و تمنیق الالف

ایرسا - یونانی بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و سین مهمله ف بیخ سوسن آسمانگون با برگ او رنگهای زرد و سفید و بنفش و آسمانگون آمیخته است و ایرسا بمعنی قوس قزح است و این مشابه او ست طح ی ۲ ق منضج مفتح ملطف مدر لل محلل او سلخ قروح ر خ بیخ سیاه ساب بسیار گره خوشبو شش دو درم ص عسل یا ربوب حامض مغسل دو دانگ وزن آن ماذریون و سه وزن آن لبن اللقاح یا کزمازک گویند نمو زن آن زراوند و در درد سینه لوزن آن کتیرا که لثبیرا انجره سرشته باشند

ایلواء - بکسر اول و فتح ثانی و مجهول و سکون لام و واو و الف ع صبر ص مقل ازرق و مصطگی و زعفران ل حضض و ترید و سقمونیا

تمنیق الفوقانی۔

انخشت - ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون خاء معجمه و ضم شین معجمه و سکون فوقانی م زر و سیم و مس و آهن و روی و جیوه و اسرب و ارزیر و امثال آن ع فلز۔

تمنیق الراء المهمله

اینگره - ه بکسر اول و سکون ثانی و خفاء نون و ضم کاف

فارسی ف شنگرف ذال شافیج دہر مار سنگ وسفید آب۔

تمنیق العین المہملہ

ابدع۔ ع۔ روحی بالفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ وسکون عین مہملہ در الاخوین ف خون سیاوشان ہ ہیرادوکھی و گویند ز عقدان۔

تمنیق اللام

ابل۔ ع۔ بکسر اول وفتح ثانی مشدد ف نوفنہ دیگر در عربی گویند گوز راغ زرد رنگ کہ بجہ از چشمہ نور ودہ پاد صحرائی گویند۔

تمنیق النون

ایرسون۔ ف۔ بکسر اول وسکون ثانی در اء مہملہ وضم سین مہملہ وسکون واو ونون ع طلق ف بر فک ہ ابرک۔

ایرفیون۔ بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ وواو وضم تحتانی وسکون واو ف بنفشہ۔

ایرقان۔ بکسر اول وسکون ثانی وراء مہملہ با قاف والف م حناص کتیرا لعاب بزر قطونا ل روغن مرزنجوش۔

ایران۔ بالفتح اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ ف۔ دوغ۔

ایرون۔ بالفتح اول وسکون ثانی وضم راء مہملہ وسکون واو ف گوگرد ز ول روغن سلاب واسفر گردگان۔

الیقاتین۔ بالفتح اول وسکون ثانی وقاف والف وکسر فوقانی وسکون تحتانی ع عود ص سکنجبین ل کافور وگلاب۔

ایہقان۔ بالفتح اول وسکون ثانی یا با قاف والف م حسر جہیرت بابی ہ خیکلی ترمرا۔

بر ختیم الباء الموحدہ وتمنیق الالف مع تمنیق الالف

باجرا۔ ہ بموحدہ والف وسکون جیم وفتح راء مہملہ والف خدالیت مشہور ف گاورس۔

بادردا۔ بموحدہ والف وسکون دال مہملہ وفتح راء مہملہ وواو مہملہ والف م بیرو زد برنجا۔

باقلا۔ ع۔ بموحدہ والف وکسر قاف ولام والف دبالکل ودال مہملہ ج بدیع وگویند بای ہ وقسمی است ہندی کہ اورا سیم گویند ق قابض فتح محلل سہی ت خ فربہ بزرگ خشک شکی دود رم صعقل ماش۔

بالا۔ ہ بموحدہ والف ولام والف مشہور بانیج گاندکل کہ از خشخانہ سازند وبر بالا را نیز گویند۔

بانجہ گگوڑا۔ ہ بموحدہ والف وخفا نون وفتح جیم وانما یا ہندی وفتح کاف اول وضم کاف ثانی وواو مجہول وراء ہندی والف ثانی وواو ہندی ست۔

بانسا۔ بموحدہ والف وخفا نون وسین مہملہ والف ثانی م اڑوسا

تمنیق الفوقانی۔

باردست۔ بسکون راء مہملہ وفتح دال مہملہ وسکون سین مہملہ فوقانی م آبنوس۔

تمنیق الجیم

بابونج۔ ع بموحدہ والف وضم موحدہ ثانی وسکون واو وفتح نون وسکون جیم ف بابونہ ہ مرہتی دسونہل طحی ق ملطف محلل مفتح خ بزرگ تر روگل ش بکیقینہ وگویند سیر شقال ص عسل یا روغن گل ل برنجاسف ویا اکلیل الملک

باذروج۔ ع بموحدہ والف وذال معجمہ ساکنہ وضم راء المہملہ

در کوہستان داد نیم نوعے از ریحان ست کہ در کوہہا سبز شود
عت ترہ خراسانی و بابری و بابچی کہ تلسی جنگلی بہت دا
ح ای محلل و مقوی مغرح دل و ہاضم م خ خوشبو تازہ
باشد ش او تخم اودو درم ص لقبۃ الزہرالی مرزنجوش یا بادر نجبویہ
بادرنج۔ بموحدہ والف وکسر دال مہملہ والف وفتح نون و
سکون جیم ف جوز ہندی و نارگیل و ناریل وکھوپرہ۔
بارج۔ ف بموحدہ والف وفتح رار مہملہ م سنگ انگور۔

تمیق الجیم الفارسی۔

بانغچ۔ ف بموحدہ والف وفتح غین معجمہ وسکون جیم فارسی م انگور نیم نجختہ

تمیق الدال المہملہ۔

باد آورد۔ ف بسکون دال مہملہ و مد ہمزہ و فتح واو وسکون
رار مہملہ و دال مہملہ ثانی ع شوکۃ البیضا اردو ہما ہ ج الشاطا
ح بنا اگویند بہ این ادبہ ی ہ ق مخفف ح سفید ورق
تازہ ش یکدرم و نیم ص افسنتین یا تخم کاہو ل شاہترج۔
باراہی کند۔ ہ بموحدہ والف ورار مہملہ والف ثانی وکسر ہا
وسکون تحتانی و فتح کاف و اخفار نون ودال مہملہ و بدرن ہا
باراہی کند نیز آمدہ م بیخ ست ہندی۔
بازروج بموحدہ والف ورار مہملہ و فتح زا معجمہ وسکون دال
م فنرف سیر و نرہ بریحا اطرح ہوں ی ہ
بارود۔ سریانی بموحدہ والف وضم رار مہملہ م غبار باد ال ف ہک تخم

تمیق الرار المہملہ

بالسہ۔ ر بموحدہ والف و فتح موحدہ ثانی و فتح سین مہملہ
وسکون رار مہملہ ف برگ سنارکی۔

تمیق السین المہملہ

بابلس۔ ی بسکون موحدہ ثانی و فتح لام وسکون سین مہملہ خشخاش
بانس ہ موحدہ والف و اخفار نون و سین مہملہ ف بے
باب ق بابین۔
باسبوس ۔ ف بسکون سین مہملہ و ضم موحدہ وسکون واو م وز گمو
باطس۔ یونانی بموحدہ والف وکسر طار مہملہ وسکون سین مہملہ ع
تلیق و لبفم طار مہملہ م بالنگ و توت و بجو ربا۔
بالوس۔ ف بموحدہ والف وضم لام وسکون واو و سین مہملہ کا فور سحر قند
باتش۔ ف بموحدہ والف وضم فوقانی م ترنج۔

تمیق الطار المہملہ

باط باط۔ بسکون ہر دو طار مہملہ اہر کہ نخلہ الیست مشہور

تمیق القاف

باروق۔ بموحدہ والف وضم رار مہملہ وسکون واو و قاف
ف سفیدہ قلعی و برنگ۔

تمیق الکاف

بانک۔ ف بالفتح نون وسکون کاف ع حب البان۔

تمیق الکاف فارسی۔

بادرنگ۔ ف بموحدہ وسکون دال مہملہ و فتح رار مہملہ و
سکون نون و کاف فارسی م نوعے از خیار و ترنج۔
بارتنگ۔ ف بموحدہ والف وسکون رار مہملہ و فتح فوقانی
وسکون نون و کاف فارسی ع لسان الحمل۔
بالنگ۔ ف بموحدہ والف و فتح لام وسکون نون و
کاف فارسی م نوعی از ترنج است کہ بغایت نازک و شیرین باشد

ہ بجو راد نیز بادرنگ۔

بای برنگ ہ۔ بموحدہ والف وکسر تحتانی وموحدہ ثانی وفتح راء مہملہ وخفاء نون وکاف فارسی ف برنگ کابلی

تمنیق اللام

باگل۔ ف بموحدہ والف وفتح کاف فارسی وسکون لام م آبِ نگم

بال۔ ف نوعی از ماہی بزرگ کہ در دریای فرنگ بہم رسد و فساد بسیار کند وگوشتش خوش مزہ بود ع ماء العسل م دل

تمنیق المیم

بادام۔ ف بموحدہ الف ودال مہملہ والف ثانی ومیم ع لوز

تمنیق النون

بانگان۔ ف بکسر فوقانی وسکون نون باکاف فارسی الف ونون ثانی م بادنجان ہ بلیگن وبھانٹا۔

بادنجان ف بکسر دال مہملہ وسکون نون باجیم والف م بلیگن وبھانٹا طح ی ۲ ق مجفف خ شیرین تازہ ص روغنہا

بادیان۔ ف ہ سونف۔

بارسطاریون۔ یونانی بموحدہ فارسی والف وکسر راء مہملہ وسکون سین مہملہ باطاء مہملہ والف ثانی وکسر راء مہملہ ثانی و ضم تحتانی وسکون بواو ونون م نوعے از رعی الحمام۔

بارن۔ بفتح راء مہملہ پوست پنبہ ہ زمہ۔

بان۔ ف بموحدہ والف ہ بکائن طح ی ۲ ق مجلی ملین ش یکدرم ص رازیانہ ل حب آن دو ٹانک ونیم وزن سلیخہ یا دہ یکوزن آن لبیا سہ۔

تمنیق الواو۔

باتو۔ ف بموحدہ والف وضم فوقانی وسکون واو م وند ع حب السلاطین ہ جمال گوٹہ وتخم آنرا نیز گویند۔

بارو۔ ہ بموحدہ والف وضم راء مہملہ وسکون واو ع مل ف ریگ طلب

باشو۔ ف بموحدہ والف وضم شین معجمہ وواو مجہول م چلیاسہ۔

بالنگو بموحدہ والف وفتح لام وسکون نون وضم کاف فارسی وواو م بادرنجبویہ۔

تمنیق الہاء

بابلہ بضم موحدہ ثانی وفتح لام وخفاء ہاء م میوہ سایلہ سکاپر (؟)

بابوسہ بموحدہ والف وضم موحدہ ثانی وسکون واو وفتح سین مہملہ وخفاء ہا (؟)

بابونہ۔ بموحدہ والف وضم موحدہ ثانی وسکون واو وفتح نون م اقحوان ہ مرہٹی۔

باخہ۔ ف بفتح خاء معجمہ م سنگ پشت ہ کچھوا۔

بادرنجبویہ ع۔ بموحدہ والف وسکون دال مہملہ وفتح راء مہملہ وسکون نون وفتح جیم وضم موحدہ ثانی وواو مجہول وفتح تحتانی م بادرنبویہ وبادرنگ وترنجان وبقلۃ الاترجیہ نیز گویند ف۔

بالنگو۔ ہ رام تلسی طح ی ۲ ملطف محلل مقوی دماغ و معدہ ومفرح دل ومسہل سودا خ تازہ ش از آب او بیست درم واز خشک او دو مثقال وگویند دہ درم ص صمغ عربی

باریلس ل لیمون اترج وریشم وچہار وزن او پوست اترج یا تخم اترج۔

بادرونہ۔ ف بموحدہ والف وسکون دال مہملہ وضم راء مہملہ وسکون واو وفتح نون م بادرنجبویہ۔

بالوایہ۔ ف۔ بموحدہ والف وسکون لام وفتح الف وفتح تحتانی وخفاء ہاء م پرستوک۔

تمیق التحتانی

بابارسیا ـ سریانی بضم دو موحدہ و ضم دو الف و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی ف فلفل سیاہ ہ کالی مرچ۔

باپچی ـ ہ بسکون موحدہ ثانی و کسر جیم فارسی م بادروج۔

باجی ـ ہ بموحدہ والف و کسر جیم و سکون تحتانی ع القر ف شورہ چنانچہ در تمیق الالف و تمیق الراء المہملہ ذکر یافتہ

بادنجان دشتی ـ ف بکسر دال مہملہ و سکون نون و فتح جیم والف و کسر نون ثانی و فتح دال مہملہ ثانی و سکون شین معجمہ و کسر فوقانی ہ کٹائی بزرگ۔

بالرہی ـ ہ بموحدہ والف و سکون راء مہملہ و کسر ہاء مہملہ و یاء تحتانی م ع جدوار ترلبسی۔

باقلای قبطی ـ بکسر قاف بالام والف و کسر تحتانی و قاف ثانی و سکون موحدہ و کسر طاء مہملہ م جامسہ۔

باقلای مصری ـ بکسر میم و سکون صاد مہملہ و کسر راء مہملہ و دمن خیام

تنسیق الباء الموحدہ و تمیق الالف

ببغا ـ ع بفتح اول و سکون ثانی با غین معجمہ و الف ف طوطا ہ توتا ہ سوا۔

تمیق الراء المہملہ

ببر ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مہملہ م جانور صحرائی شبیہ ببر بہ گربہ کہ دم ندارد دراز پوستش بیستین سازند و مردم آنرا او برنیز نامند

تمیق اللام

ببول ـ ہ بفتح اول و ضم موحدہ ثانی و سکون واو و لام ف درخت مغیلان م کیکر۔

تمیق الہاء

ببرالیہ ـ یونانی بضم اول و سکون ثانی و راء مہملہ والف و فتح لام و خفاء ہاء م زرا و نہ طویل۔

تنسیق التاء الفوقانی و تمیق الالف

ببتھوا ـ ہ بفتح اول و ضم ثانی و اظہار ہا و واو والف ع قطف و سرمق

تمیق الباء الموحدہ

تبلاب ـ ف بضم اول و کسر نیز و سکون ثانی بالام والف و سر حذف ثانی م گل خرپا و آنرا کوزہ رنج نیز خوانند۔

تمیق العین المہملہ

بتع ـ ہ بضم اول و سکون ثانی و عین مہملہ ف شراب مست کنندہ

تنسیق الجیم و تمیق الالف

بجورا ـ ہ بکسر اول و فتح جیم و سکون واو و راء مہملہ والف ع اترج

تمیق الجیم الفارسی

بچ ـ ہ بفتح اول و سکون ثانی ع وج طاح او بفتح اول و سکون جیم ف پا لایش آب و شراب و امثال آن و بضم اول ف بز و بکسر اول ف برنج۔

تمیق الراء المہملہ

بجیسار ـ ہ بکسر اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و سین مہملہ والف و راء مہملہ م درخت ہندیست۔

تمیق الکاف الفارسی

بجر بھانگ ـ ہ بفتح اول و ثانی مشدد و سکون راء مہملہ و موحدہ ثانی و اظہار ہا والف و خفاء نون و کاف فارسی م تنبا کو طاح بھانگ آتش تخم منفتح ص شیر۔

تمیق اللام

بجال ـ ف بضم اول و فتح جیم و الف م اخگر ـ

تمیق المیم

بجم بضم اول و سکون ثانی و میم ع ثمرة الطرفاف گز یازده ماین

تمیق اطفار الهندی

بجبر کنده ـ ه بفتح اول و ثانی شده و سکون رار مهمله و فتح کاف فارسی و خفار نون و دال مهمله م سوزن ـ

تمیق الخار المعجمه و تمیق الفوقانی

بجتمات ـ یونانی بفتح اول و سکون خار معجمه و فتح فوقانی تا جیم و الف نه فوقانی ثانی ف کشته ه رت سکا ـ

تمیق الرار المهمله

بجوزـ ف بضم اول و ثانی و سکون واو و رار مهمله م حسل لبنی ع میعه سائله ه سکار حس مصطگی ل روغن یاسمین ـ

تمیق المیم

بجسم ـ ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله شیرینی بتجبر که از گندم و از زن و حبوبات دیگر سازند

بجور مریم ـ ع ـ بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر رار مهمله و فتح میم و سکون رار مهمله ثانی و فتح تحتانی و سکون میم ثانی م شجرهٔ مریم که بیخ آن از خیشاست و آن نوعی از اشنان ست ط ح ی ۳ گویند ۲ ق مقطع محلل نخ تر و تازه مس ق د حقنه ل کنند بش شس تا نیم درهم ست ـ

تمیق الهار

بجته ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و خفار ها م گوسفند

ونیز سه ساله ع ضان و غنم ه بهیڑ ـ

بجیله ـ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح لام و خفار ها م خرفه

تمیق الدال المهمله و تمیق الالف

بد هارا ـ بکسر اول و فتح دال مهمله و خفار ها و الف و رار مهمله و الف ثانی دوای هندیست ط ح ق ملین ـ

تمیق الجیم

بدریج ف بفتح اول و نیز ضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ع هلیله ص عناب و سپستان ل عفص و ناسپال ـ

تمیق الدال المهمله

بداری کند ـ بکسر اول و فتح ثانی و الف و کسر رار مهمله و سکون تحتانی دوار هندیست ـ

تمیق الکاف

بدیدک و بدک ـ ف بضم هر دو موحده و سکون دال مهمله اول و فتح دال مهمله ثانی در لغت اول و ضم اول و فتح ثانی در لغت ثانی ع ـ هدهد ـ

تمیق اللام

بدهل ـ ه بفتح اول و سکون دال مهمله هندی و فتح ها و سکون لام م میوه هندی میخوش است بشکل به و بر تخم ط ح ـ

تمیق المیم

بدم ـ ف بفتح اول و سکون ثانی و میم شگوفهٔ درخت مغیلان ل بید مشک گویند مقوی دل و مشد و معین باه است ـ

تمیق النون

بدسقان یونانی بفتح اول و ثانی و فتح سین مهمله و قاف

والف ثانی و نون ف بدسکان ل کشت برگشت۔

بدلون۔ ہ بکسر اول وسکون ثانی ہندی وضم لام و سکون واو و نون ف نمک سیاہ طرح۔

بدلیون۔ سریانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م مقل ہ گوگل۔

تشنیق الراء المہملہ وتمیق الالف

برنا۔ بفتح اول وسکون ثانی ونون والف م خبا۔

برنج مکرر۔ بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وکسر جیم و فتح جیم وسکون کاف بارار مہملہ ثانی م چاول ہمراہ اوری کہ خودرو بشکت

برہٹیاہ بکسر اول وفتح ثانی وسکون ہا وفتح فوقانی ہندی و تحتانی م کٹائی بزرگ۔

برہلیا۔ بفتح اول وسکون را مہملہ وکسر ہا وسکون لام تحتانی عرر اوزیانہ وسولنف

تمیق الموحدۃ الفارسی

برنجاسپ۔ ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون باجیم والف وسکون سین مہملہ وبا موحدہ فارسی م بوی مادران

تمیق الفوقانی

برخستشت۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمہ وسکون سین مہملہ باشین معجمہ وفوقانی م گیاہیست سبز کہ مانند اسپناخ ست آنرا داخل آش سازند وخورد و بود آنرا شبر یذ نیز گویند وبیشتر در زراعت گندم ودیگر غلات وکنار جوی آب سبز یزد

تمیق الدال المہملہ

برجھہ کندہ بکسر اول وثانی وسکون جیم فارسی واظہار ہائے ہندی وفتح کاف وسکون نون وفتح دال مہملہ م بنداہو۔

تمیق الراء المہملہ

بُرّ۔ ع بضم اول وسکون ثانی وراء مہملہ مشدد ف گندم و گیہوں

بڑ۔ ہ بکسر اول وسکون ثانی ہندی شجر معروف ہندی ست ع۔ ذات الذوائب میخوانند۔

تمیق الفاء

برچاف۔ ف بضم اول وسکون ثانی باجیم فارسی والف و فاء م غلہ جلاب وماک۔

برنجاسف۔ بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وجیم والف و سین مہملہ وفاء قیصوم برجراسف دیبی مادران کہ قسمی از افسنتین است وگندہ بار

تمیق القاف

برقوق۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وقاف ثانی ف شفتالو و خوبانی۔

برواق۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون الف و قاف ف گیاہ سریش۔

تمیق الکاف

برتاسک۔ ف بفتح اول وسکون ثانی با فوقانی والف وفتح سین مہملہ م برنجاسف۔

برنجمشک۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم وکسر میم وسکون شین معجمہ وکاف م بالنگو۔

برو شک۔ ف بضم اول وثانی وسکون واو وفتح شین معجمہ م خاک

تمیق الکاف الفارسی

برنگ۔ بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی ع برنج کابلی

تمیق اللام

برغول - بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمه و سکون واو و لام ف گندم ه گیهون گویند ط در اگرم در دوم ی و در سوم سع

تمنیق المیم

برقوم - بفتح اول و سکون ثانی و ضم قوقانی و سکون واو و میم ف خرمای خشک که بگید بگیرنی چسپدم خرما بیرون -

بردوسلام - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله و فتح واو و سین مهمله و لام والف و ضم میم م سنوف ورق بارتنگ

برشوم - بفتح اول و ضم نیز و سکون ثانی و ضم خین معجمه و سکون واو و میم بلغت اهل نجد ع قصب ف نے -

برم - ع بفتح اول و ثانی م شگوفهٔ درخت مغیلان -

برندکام - ف بکسر اول و ثانی و سکون نون و دال مهمله باکاف والف و میم م بابونهٔ گاؤ -

تمنیق النون

برسان - ف بفتح اول و سکون ثانی با سین مهمله والف و نون میم نوعے از دوشاب خوشبو -

برسن - بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله فینبه

برنان - ه بفتح اول و سکون ثانی با نون والف م شجر بست که در هندوه یار اجمیر از و بستیبع سازند

تمنیق الواو

برشیاندارو - بفتح اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه و تحتانی والف و خفار نون با دال مهمله والف ثانی و ضم را مهمله و سکون واو عصی الراعی ط ب ۲ ی ۲ گویند رص بسدل عنب الثعلب یا لسان الحمل یا تمولان آن خرفه

تمنیق الهار

برلبته - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده ثانی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی و خفار ها ع جما و هرچه بفیزاید بنجهی باشد

برده - بکسر اول و سکون ثانی و دال مهمله و ها هندی م دوای است هندی

برهوه - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و واو مجهول و اظهار ها م صابون ط ۲ گرم و خشک و گویند رافع قولنج و مخرج کرم معقده مدر بول

بریزه - ف بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح زا معجمه و خفار ها صمغی ست شبیه مصطگی و سگ و خشک بو و مانند عسل عمانی سکنجبین و تیز لو باشد م بارزده بریجا و گنده بیروزه ص روغن بنفشه لج

تمنیق التحتانی

برهی - ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و سکون یای تحتانیه م لوخ که در کنج می اندازند و در مصر از و کاغذ سازند ف تنک ه تیلر - ط ب ی ۲ ق مجفف و بزبان فارسی نوعی از خرمای لطیف که آنرا سنگ اشکنک نیز خوانند و ظرف سنگی -

برطانیقی - بفتح اول و سکون ثانی و طا مهمله والف و کسر نون و سکون تحتانی و کسر قاف ف بستان افروز و تاج خروس ه رای

برعوقی - بفتح اول و سکون ثانی و ضم عین مهمله و سکون واو و سیم شلغه ع بزر قطونا ه اسبغول -

برنغبتهی - بفتح اول و ثانی و خفار نون و کسر موحده ثانی و اظهار ها زیب

برنج کابلی - ه بفتح اول و ثانی و سکون نون و جیم و کاف والف و ضم موحده ثانی و کسر لام و یا م برنگ ه بالی برنگ ط ح ای ۲ ق قابض و قاطع دیدان خ کوچک سرخی مائل ش ۲ و ۳ درم باشیر تازه ص کثیرا لترمس یا دو وزن آن قنبیل -

بروقی۔ ہ بضم اول و ثانی و سکون واؤ و کسر فوقانی م کپھان میتہ

تسنیق الزار المعجمہ و تمنیق الالف

بزر القثا۔ ع بفتح اول و سکون زار معجمہ و ضم الر مہملہ
و سکون لام و فتح قاف با شثلثہ و الف ف تخم خیار ککڑی کی بیج
طا بس خ فربہ ص سکنجبین ل تخم بادرنگ

بزر الہندبا۔ ع بکسر ہا و سکون نون و ضم دال مہملہ و موحدہ
و الف ف تخم کاسنی ط مع اح ب ی ۳ خ سیاہ فربہ بستانی
ش دو درم تا سہ درم ص سکنجبین۔

بزر البقلۃ الحمقا۔ ع بکسر رار مہملہ و فتح موحدۂ ثانی و
سکون قاف و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و حار مہملہ
و فتح میم و قاف ف تخم تورک و خرفہ ہ لونیا کے بیج۔

بزر قطونا۔ ع بفتح اول و سکون زار معجمہ و کسر رار مہملہ و
ضم قاف و طار مہملہ و سکون واو و نون ف بنگوہ اسبغول طا
بر ۲ گویند ۳ گویند مع ری ۱۲ ق راد ع خ سرخ سیاہی مائل
بہ گران کہ در آب فرو رود ش از دو درم تا سہ درم ص کتیرا
ل حب الکسفر جل با تخم لسان الحمل یا بزر المرو و در قبض تخم خرفہ

تمیق الموحدہ

بزر السداب۔ ع بضم رار مہملہ و ضم سین مہملہ مشدد و
دال مشدد و الف و سکون موحدۂ ثانی ف تخم سداب طح
ی ۳ خ سیاہ فربہ ش یکدرم تا دو درم جہت فواق بلغمی مص
انار میخورش و بہ شیرزن دیگر یا عسل ل سداب

بزر القنب۔ ع بفتح اول و زار معجمہ و ضم رار مہملہ و سکون
لام و ضم قاف و سکون نون مشدد و موحدہ ف شہدانہ و تخم بنگ

ہ بجیاکے بیج ط ۲ تر و خشک ش خشخاص رکنجبین۔

بزر الکرنب۔ ع بسکون لام و فتح کاف و سکون رار مہملہ
و فتح نون ف تخم کلم طا ح ی لا خ تازہ فربہ۔

تمیق الفوقانی۔

بزر الشبت۔ ع بکسر شین معجمہ مشدد و موحدہ و سکون
فوقانی ف تخم شبت ہ سوئے کے بیج طح ی ۲ گویند مع
ق منقی مقی خ فربہ ش دو درم ص عسل ل دو وزن آن شبت

بزر الفنجنکشت۔ ع بسکون لام و فتح فا و سکون نون و فتح
جیم عربی و سکون نون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون شین معجمہ
و تحتانی ہ سنبھالو کے بیج طح ی ۲ گویند ۳ خ فربہ ش
دو درم ص شیر بز۔

بزر اللفت۔ ع بکسر لام مشدد و سکون قاف و ف
تخم شلغم ط ح ر خ سرخ فربہ ش دو درم ص بزر
البنج ل بزر الرطب یا تخم خرد دو وزن او۔

تمیق المثلثہ

بزر الکراث۔ ع بضم کاف و رار مہملہ مشدد و الف
و مثلثہ ف گندنا طح ی ۳ گویند ۲ و آن بعینہ بلبنی ماند و
بسیار سیاہ خ شامی تازہ فربہ ش از یکدرم تا دو درم ص عسل ل حرحیر

بزر الکشوث۔ ع بضم کاف و شین معجمہ و سکون واو با مثلثہ
ہ امر بیل بیج طا مع اح ب ی خ فربہ ش دو درم ص عسل ل
بزر ہندبا یا چہار دانگ وزن آن افسنتین۔

تمیق الجیم

بزر البنج۔ ع بسکون لام و فتح موحدہ و سکون نون و جیم

ف تخم بنج و اجوائن خراسانی ط سیاہ ادب ی ۳ سفید ادب ۳ می ۲ ق قابض حابس خون وحیض غ سفید و لعوجد سرخ ش از یک دانگ تا دو دانگ ص عسل و ق کردن بآب گرم در روغن و عسل ل افیون یا الفاح و خشخاش۔

بزر الرازیانج - ع - بارار مہملہ مشدد و الف و سکون زار معجمہ با تحتانی و الف ثانی و فتح نون ف تخم بادیان ہ سونف کے بیج ل انیسون و تخم شبت و در طب آن را رازیانہ دانجرہ

بزر الکاکنج - ع - بسکون لام با کاف و الف و سکون کاف ثانی و فتح نون ف تخم عروسک در پردہ۔

برغنج - ف بضم اول و سکون ثانی و ضم غین معجمہ و سکون نون گویند کہ در پستہ یکسالہ میوہ یا مغز با آورد و بنجسال بے مغز و آن مغز دار را پستہ گویند و بی مغز را باین نام خوانند

تمیمق الخاء المعجمہ

بزر الاسفاناخ - ع بسکون لام و کسر ہمزہ و سکون سین مہملہ و فتح فا با نون و الف و خاء معجمہ تخم اسپاناک پالک طب رغ مائل بسرخی ش یکدرم ص طین مختوم۔

بزر البطیخ - ع بسکون لام و کسر موحدہ و طاء مہملہ مشدد و سکون تحتانی ف تخم خربزہ ط ح ر و گویند ی اق خشک و مفتت مغشی و مقئی نخ شیرین ش دو درم تا پنج درم ص عسل و بادیان و سرکہ و آب انار ترش ل چلغوزہ۔

تمیمق الدال المہملہ

بزر الرشاد - بفتح راء مہملہ مشددہ با شین معجمہ و الف و دال مہملہ ع حب الرشاد ف تخم ترہ تیزک ہ ہالون کے بیج

بزر القنبیرہ ع بسکون لام و فتح قاف و مثلثہ و دال مہملہ ف تخم خیار بالنگ ہ کھیرے کے بیج طاب رخ فربہ خورد از خیار زہ ش از پنج درم تا دہ درم ص کتیرا یا سکنجبین ال تخم خیارزہ

بزر الورد - ع بسکون لام و فتح واو و سکون راء مہملہ و دال ف تخم گل کہ زر گویند و آن در پستہ کہ میانہ گل است ط ب ی ق قابض و حابس خون خ ماخوذ از گل فارسی ش دو درم ص کتیرا و انیسون ل صمغ عربی

تمیمق الراء المہملہ

بزر الجرجیر - ع بسکون راء و کسر جیم و سکون راء مہملہ و کسر جیم ثانی و سکون تحتانی و راء مہملہ ثانی ف تخم کہنہ ک ہ تیرا طاح ی ۳ گویند ق مقئی مہبی مخرش بستانی کشش دو مثقال ص کتیرا ل خردل یا تخم انجرہ یا تخم فجل الثعلب باید زن آن تخم آن گیند

بزر الجزر - ع بسکون لام و فتح جیم و راء معجمہ ف تخم زردک ق مدر حیض و منقی مقام

بزر العصفر ع بسکون لام و فتح عین مہملہ و سکون صاد مہملہ و فا و راء مہملہ ف خسکدانہ ہ گوکھرو و کسنبہ یا کہنے بیج۔

تمیمق الزاء المعجمہ

بزر باز - ع - بفتح اول و سکون زاء معجمہ با موحدہ ثانی و الف و زاء معجمہ ثانی م بسباسہ ہ جاوتری۔

تمیمق السین المہملہ

بزر الخس - بسکون لام و فتح خاء معجمہ و سکون سین مہملہ ف تخم کاہو ط ب ی رخ سیاہ فربہ بستانی ش از یکدرم تا دو درم ص مصطگی ل دم الاخوین۔

بزر بلاسقیلس بضم موحدہ و کسر زاء لام و الف و فتح سین مہملہ و کسر

قاف و فتح بنیزر و سکون تحتانی و سین مہملہ ثانی ف تخم تره تیزک

تمیق الضاد المعجمہ

بزر الحماض ۔ ع بفتح حاء مہملہ و میم مشددہ والف و ضاد معجمہ ف تخم ترشاہ چوکی کے بیج طب ی ۲ خ فربہ و سیاہ مائل بسرخی ش ۲ درم ص تخم رازیانہ یا کرفس ل تخم کسانکی

تمیق الراء المہملہ

بزر المط ۔ ع بفتح میم و سکون طاء مہملہ م حب القلقل ف ناردانہ دشتی طا در ۲ گرم و تر ص سکنجبین۔

تمیق الغین المعجمہ

بزرغ ۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون غین معجمہ م وزغ و سکل و بک و غوک ج ضفدع۔

تمیق الکاف

بزراق ۔ ع بضم اول و ثانی والف و قاف م لعاب ہن تیرہ لا

بزر السرق ۔ ع بکسر سین مہملہ و فتح بنیزر و سکون را مہملہ و فتح میم و سکون قاف ف تخم قطف بیتھو کے بیج طا سرد ح ی اگویند

بزر السلق ۔ ع بفتح سین مہملہ مشدد و سکون لام و قاف ف تخم چقندر طب ص سکنجبین ل تخم خطمی

تمیق الکاف

بزرک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح را مہملہ و سکون کاف ... بزر کتان ہ السی۔

... بضم اول و کسر ثانی و سکون سین مہملہ ... مسور

بزرف ... ضم اول و فتح ثانی جانور یست سیاہ رنگ کہ ... از باد و شبیہ در کنار آب بسر در نیز نشیند و آواز کند

تمیق اللام

بزر البصل ۔ ع بسکون لام و فتح موحدہ و صاد مہملہ و سکون لام ثانی ف تخم پیاز طا ح ی ش تا دو درم ل نیم وزن آن تخم شلغم و نیم وزن آن سپست و دو وزن تخم گندنا و یک و نیم الجزرہ

بزر الفجل ۔ ع بسکون لام و ضم فا و سکون جیم ف تخم ترب مولی کے بیج طا ح ۳ ی ۲ ق مقی مسہل ا خ فربہ ش دو درم ص کشنیز یا سیستان و شکر ل حب الرشاد۔

بزر لسان الحمل ۔ ع بکسر را مہملہ و لام و فتح سین مہملہ و الف و ضم نون و سکون لام ثانی و فتح حاء مہملہ و میم ف بارتنگ و خوب کلان طب ی خ فربہ سیاہ سرخی مائل ش ۳ درم ص عسل ل تخم حماض بستانی۔

تمیق المیم

بزر الخمخم ۔ ع بضم ہر دو خاء معجمہ و سکون ہر دو میم ف شفترک و گویند حب القلقل ست واللہ اعلم۔

بزر النمام ۔ ع بفتح نون و میم مشدد و الف و میم ثانی ف تخم شیبر و برنان کے بیج خ سیاہ بستانی ش ۳ درم ص کتیرا ل تخم کتان و بادرنجبویہ۔

تمیق النون

بزر الریحان ۔ ع بفتح را مہملہ مشدد ثانی و سکون تحتانی و فتح حاء مہملہ یا الف و نون ف تخم ریحان طا ح ی گویند معرب رنگ و گویند حب ق فا لفض خ سیاہ فربہ کو چک خوشبوی ش یک مثقال با آب سرد یا گلاب ص زنگوش ل در تجبویہ و بزر الرود

بزر الکتان ۔ ع بسکون لام و فتح کاف با فوقانی مشدد

دالف ونون ف بزرگ ه السی طح امع ری ۳ گویند
مع وح ب ۳ گویند ب ی ای ق بلین مغتح منضج خ تا زود
فربه ش سه درم ص عسل ل جلبسه یا عصارهٔ باقلا۔
بزر الماذریون۔ ع تخم شبت طروق مقئی۔
بزر الیلیون۔ ع بفتح ها وسکون وضم تحتانی وسکون واو
د تخم مارچوبه ه ناگدونکے بیج طح ر اخ بستانی ش
دو درم ص عسل ل در تحریک باه حب القلقل و نیموزن
تودری و نیموزن شقاقل و جهت بیماری مثانه نیموزن تخم
کاکنج دو دانگ وزن آن محلب متقشر و شش یک آن
عنب الثعلب و گویند هلیون و حنظل۔

تمیق الواو

بزر المرو۔ بفتح میم وسکون راء مهمله وواو مجهول ف تخم
مرو شک ه مرواد گنوچا طح رخ تازه و فربه
سرخی مائل ش دو درم ص گلنار ل بزر کتان یا بزر قطونا

تمیق الهاء

بزر الانجره بفتح همزه وسکون نون وضم جیم وفتح راء
مهمله و خفاء هاف تخم گزنه ه انگن کے بیج طح لمی کہ گویند
ی اخ فربه ش از نیم مثقال تا سه مثقال یا سه درم ص کتیرا
ل حرف و قرومانا یا بزر کراث یا بزر جرجیر۔
بزر الخرفه۔ ع بسکون لام وضم خاء معجمه وسکون راء مهمله
و فتح قاف و هاء مهمله تخم تورک و لونیاکے بیج طب ۳ ر
فربه ش پنجدرم جهت تپهائی حاره بکوبند و شیره بگیرند
تندل الضعف وزن بزر قطونا۔

بزر الرطبه۔ ع بفتح راء مهمله مشدده وطاء مهمله وموحده و
خفاء هاف تخم اسپست تخم زنخفه طح راخ زرد و فربه
ش از پنجدرم تا هفت درم ل بزر اللفت۔
بزر المو ه۔ یونانی بضم ها و فتح واو و دال مهمله هاء تانی ف تودری
بزرغسمه۔ ف بفتح اول و ثانی وسکون غین معجمه و فتح سین
مهمله و میم و خفاء هام سبزی باشد مانند ابریشم که در میان آب
بهم رسد و بزبان شیراز جل بک نامند ع طحلب سوال و سوار
بزریچه۔ ف بضم اول وکسر ثانی وسکون تحتانی و فتح جیم فارسی
و خفاء هام بزریچه ع حلبان۔
بزرلیشه۔ ف۔ بضم اول وکسر ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین
معجمه و خفاء هام کنجده تل و تلی ص عسل ل روغن بادام

تمیق التحتانی

بزر الجزر البری۔ ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه
ثانی و ضم راء مهمله ثانی وسکون لام و فتح موحده وکسر راء مهمله
مشدده ثالث وسکون تحتانی م دو توف تخم گزر صحرائی۔
بزر الجزر البستانی۔ ع بسکون لام و فتح جیم و زاء معجمه
ثانی و ضم راء مهمله ثانی وسکون لام ثانی و ضم موحده ثانی وسکون
سین مهمله با فوقانی و الف وکسر نون تخم زردک گاجر کے بیج ش یکدرم
بزر الخندقوقی۔ ع بفتح حاء مهمله و گویند خاء معجمه وسکون
نون و فتح دال مهمله و ضم قاف وسکون واو وکسر قاف ثانی و تحتانی
ف تخم اندقوقو طح می خ فربه ش نیم درم جهت گزیدن
جانوران ص کتیرا که معرب آن کشیر است که بهندی گم نامند
بزر الخنادمی بزر الخطمی ع بسکون لام و فتح خاء معجمه

موحده ثانی مشدده بالف وکسر زاء معجمه وتحتانی درخت است اول وسکون طاء حطی وکسر میم وتحتانی درخت ثانی ف تخم وسنگ ه خطمی هکمنج طامسح ـ گویند بی اخ سیاه رسیده ل ار تخم خبازی تخم خیاص تخشش او باگوشت مرغ داد وبه

بزر الرازیانج الرومی ـ ع ـ بفتح راء مهمله ثانی مشدده بالف وسکون زاء معجمه تحتانی با الف ثانی وفتح نون وکسر جیم وضم راء مهمله ثالث وسکون واو وکسر میم م انیسون ف بادیان رومی

بزر الریان البری ـ ع ـ بضم راء مهمله مشدده وبا میم مشدده مفتوح وضم وکسر نون وسکون لام وفتح موحده ثانی وکسر راء مهمله مشدد وثالث م حب القلقل ف تخم انار دشتی ه جنگلی انار کی تخم

بزر الکرفس البستانی ـ ع ـ بسکون لام وفتح کاف وراء مهمله ثانی وسکون فاء وکسر سین مهمله وسکون ثانی وضم موحده ثانی وسکون سین مهمله ثانی با فوقانی وهمزه وکسر نون ف تخم کرفس بستانی ه اجمود کے بیج کاح ی ۲ ش سه درم ص حماما ل فطراسالیون یا ده یکوزن آن افسنتین و نیموزن آن فطراسالیون

تمنیق الزاء الفارسی وتمنیق النون

بژران ـ ف ـ بفتح اول وزاء فارسی وسکون نون م زغنج

تمنیق المهمله وتمنیق الالف

بسکهپره ـ ه ـ بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف واظهار ها وسکون موحده فارسی با راء مهمله والف دوای مشهور هند است

تمنیق الجیم

بسنانج ـ ف ـ بفتح اول وثانی با الف وفتح نون گیاهی است که شبیه بهزار پائی باشد بر تو تشکر بها باشد ورنگش سرخ مائل

مانند وچون زیر الشکنند درونش زرد باشد ـ

بستج ـ ع ـ بفتح اول وسکون سین مهمله وفتح فوقانی م کندر ـ

بستیتارج ـ رومی ـ بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی با فوقانی ثانی والف وجیم م خسک ه گوکهرو

بسفایج ـ م ـ بفتح اول وسکون ثانی با فا والف وفتح تحتانی وسکون جیم ع اضراس الکلب ه کنگالی دکانرلح کاح الف مع ب ۲ گویندی اگویند بی اق مسهل بلغم وسودا خ سطبر قرنفلی الطعم ودرونش بعد از شکستن فستقی باشد ش دو درم تا پنج درم وگویند با دیگر مسهلات از یک مثقال تا دو درم ص هلیله زرد یا در دل بوزن آن افتیمون نیم آن نمک هندی گویند سنا و قرطم وگویند مطبوخ آن با عسل وروغن بادام و انیسون مستعمل جهت سرفه

تمنیق الدال المهمله

بسد ـ ع ـ بضم اول وکسره نیز وفتح ثانی مشدد وسکون دال مهمله م بیخ مرجان ف بیخ ذهب ه مونگه کی جڑ طب ای ۲ قابض مجفف مقوی مفرح دل وحابس خون خ سرخ باشد ش از نیم درم تا یکدرم ص کهربا ودر حبس دم م دم الاخوین

تمنیق الراء المهمله

بسر ـ ع ـ بضم اول وسکون ثانی وراء مهمله ف غوره خرما طب ی ۲ ق قابض ش از شراب او یک اوقیه ص سکنجبین ساده ل خرنوب

تمنیق الزاء المعجمه

بستان افروز ـ بضم اول وسکون ثانی وفتح فوقانی والف وسکون نون وفتح همزه وسکون فا وضم راء مهمله وسکون واو وزاء معجمه برطانیقی ف گل تاج خروس طب ی اق قابض

در سلیہ خشک کردہ تبس آن دو درم و جنادبیدستر درم گویند از تخم او یکمثقال صحرا گاہ گویند نافع باد احمر

تمیز السین المہملہ

بسبابس - بفتح اول وسکون ثانی و موحدہ ثانی با الف و فتح تحتانی و سکون سین مہملہ ثانی نزد اہل مغرب ع رازیانہ ف بادیان ہ سونف

تمیز الکاف

بسبک - ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف ع اکلیل الملک ہ اسپرک

بسنگ ف بفتح اول و سکون ثانی و نون و کاف م اکلیل الملک

تمیز المیم

بستام - ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی با الف و سیم م بسد و مرجان قرص دل برای ضعف معدہ و فساد اشتہا مجرب

تمیز الہاء

بسباسہ - ع بفتح اول و سکون ثانی و موحدہ ثانی و الف و فتح سین مہملہ ثانی و خفاء ہاء ہ جاوتری طرح ی اگو ینددر قی ملطف مفتی مبہی رخ زرد و سرخ مائل خوشبو ش ذو دانگ تا سہ درم ص صندل و گلاب بدل جوز بوا -

بستہ ف بفتح اول و ثانی و سکون ہاء م اکلیل الملک -

تمیز الشین المعجمہ و تمیز الالف

بشنکر اشاہ بکسر اول و سکون شین معجمہ و ضم نون و سکون کاف با راء مہملہ و الف و خفاء نون و فوقانی و الف ثانی ز و ای ہندسہ

تمیز الزاء المعجمہ

بشنیز - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون تحتانی و زاء معجمہ م برنجاسف -

تمیز الشین المعجمہ

بشبشش - بضم ہر دو موحدہ و سکون ہر دو شین معجمہ ف ورق حنظل ہ اندرائن کے پات -

تمیز الغین المعجمہ

بشترغ - بضم اول و فتح نیز و سکون ثانی و ضم فوقانی و فتح راء مہملہ و سکون غین معجمہ ع اکلیل الملک رامی نامندہ اسپرک

تمیز النون

بشولیون - یونانی و رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو و نون ف بنگوہ اسبغول -

تمیز الہاء

بشلسکہ - یونانی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون شین معجمہ ثانی و فتح کاف و خفاء ہاء م حنطیانا -

بشمہ - بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و ہاء م تشمیزج ف چشمک ہ چاکسو -

تمیز الصاد المہملہ و تمیز الموحدہ

بصل الذئب - م بفتح اول و سکون صاد مہملہ و ضم لام و کسر ذال معجمہ مشددہ و سکون تحتانی و موحدہ م مبوس ف پیاز تلخ

تمیز الراء المہملہ

بصاق القمر - ع بضم اول و فتح ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح قاف ثانی و سکون راء مہملہ ایضاً ع رغوۃ القمر و حجر القمر و زبد القمر ف سنگ ماہ ہ چندر کانت -

بصل الفار - ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح فا و الف و سکون راء مہملہ م اسقیل ف پیاز موش ہ کاندہ -

تمیز الزاء المعجمہ

بصل الزیز - ع بکسر زاء معجمه شدده و سکون تحتانی و زاء معجمه ثالثه م ملبوس عناوش جهت داء الثعلب و بهق نافع

تمنیق السین المهمله

بصل الرجس - ع بفتح نون شدده و سکون راء مهمله و کسر جیم و سکون سین مهمله ف پیاز نرگس و نرگس کی جڑ ط ح ی ۲ وش دو مثقال جهت ق -

تمنیق القاف

بصاق - ع بضم اول و فتح ثانی والف و قاف ف لعاب دهن و لار طح ار ۲ ق منضج محلل خ از صلام -

تمنیق اللام

بصل العنصل - ع بفتح عین مهمله و سکون نون و ضم صاد مهمله و سکون لام ثالث م اسقیل -

بصل - ع بفتح اول و سکون ثانی و ثالث ف پیاز طح ی ۴ و گویند ۳ و گویند ح ۴ ر ۳ ق مقطع ملطف محلل خ سفید ش از تخم او ر دو درم ص سرکه و ر دوغ ل کراث شامی

تمنیق الطاء المهمله و تمنیق الخاء المعجمه

بطیخ - ع بکسر اول و طاء مهمله شدده و سکون تحتانی و خاء معجمه ف خربزه ه خربوزه طاح ا گویند مع ح ب و گویند ب ر ۳ ق مدر مجلی و پوست او مقئ ع سمند قند یا شیر ص سکنجبین ساده ل در جلاب یا قلاو بزر قطونا -

تمنیق السین المهمله

بطارس - یونانی بفتح اول و ثانی والف و کسر راء مهمله و سکون سین مهمله خسی که آنرا وکیل ار د گویند ه ب ۲ گرم ا خشک

تمنیق الطاء المهمله

بطباط - سریانی بفتح اول و سکون ثانی با موحده ثانی والف و طاء مهمله ثانی ف گسته ه رت سکا طح ی ۲ ق قابض خ سبز تازه ش دو درم ص کرفس ل حماض

بط - ع بفتح اول و سکون ثانی ف قاز گوینده هنس ط ح ر ق سمین ص سرکه و پیاز و سبز خشک در واندازند

تمنیق المیم

بطم - ع بضم اول و سکون ثانی و میم م درخت حبة الخضرا ف درخت بن طح ی ۲ ق محلل خ سبز تازه ص سفرجل ل فستق

تمنیق النون

بطراسالیون - یونانی بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله والف و سین مهمله والف ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو و نون م قطراسالیون بطرا بیونانی کوه و سالیون کرفس نامند ف تخم کرفس کوهی و پہاڑی اجموده طح ی ۳ ق مفتح و مدر خ سیاه ش یکدرم ل انیسون یا بلوط یا دو وزن آن تخم کرفس یا نیم وزن آن فستقین -

بطراالاون - یونانی بکسر اول و سکون ثانی با راء مهمله والف و لام والف ثانی و ضم واو و سکون نون ع دهن الکبر ف نفط

تمنیق التحتانی

بطیخ زرقی - ع بکسر اول و ثانی مشدد و سکون تحتانی و کسر خاء معجمه و زاء معجمه و قاف شدده و سکون تحتانی ثانی ف خیار کدو و هندوانه ه تربوز طب ر ۲ ش یکعدد خ شیرین و رسیده و آبدار ص قند یا عسل بادی نورند یا بعد از و

تنبیق العین المہملہ وتمنیق الموحدہ

بعر الضب۔ ع بضم اول وسکون عین مہملہ وفتح ضاد معجمہ مشددہ وسکون میم مذوف سرگین سوسمار طرح ی ال زبد البحر۔

تمنیق الزار المعجمہ

بعر الماعز۔ ع بمیم والف وکسر عین مہملہ وسکون زار معجمہ ف پشک بز بکری کی مینگنی ماسعح ی ق منضج معفن خ تر و تازہ ص روغن گل و فرزجہ آن باکنند جہت رفع ادرار حیض مجرب

تمنیق اللام

بعر الجمال۔ ع بکسر جیم ومیم والف ولام ثانی ف پشکل شتران طرح ی اگویند نطول جوشیدہ او حرمل جہت نقرس مجرب

تمنیق النون

بعر الضان۔ ع بضاد معجمہ مشدد والف ونون ف لشک میش طرح ی ا۔

تمنیق الغین المعجمہ وتمنیق الالف

بغا۔ ف بفتح اول وسکون غین معجمہ با رار مہملہ والف م خوک نر کہ آنرا گراز نیز گویند۔

تنبیق القاف وتمنیق الالف

بقلۃ الحمقا۔ ع بضم اول وبفتح نیز خوانند وسکون قاف وفتح لام وضم فوقانی وسکون لام ثانی وضم رار مہملہ وفتح میم و قاف والف ف تورک ہ ساگ لونیا کا طب ر ۳ گویت ح ق مغری ومسکن او جاع خ بہن ورق ص کرفس وگویند جرجیرست وبعضی گویند نعناع ل خس

بقلۃ الزہرا۔ م بفتح زار معجمہ مشدد وسکون ہا ورار مہملہ والف م بقلۃ الحمقا گویند گویند ضماد آن جہت جرب مجکو نافع

تمنیق الموحدہ

بقلۃ الضب۔ ع بفتح ضاد معجمہ مشددہ ف تخم بالنگو کی ہندی

تمنیق الرار المہملہ

بقر۔ ع بفتح اول وثانی وسکون رار مہملہ ف گاؤ ہ بیل وبلدہ

بقلۃ الانصار۔ ع بفتح ہمزہ وسکون نون باصاد مہملہ و الف ورار مہملہ ف کلم گویند فرزجۂ او قاطع خون حیض۔

بقمر بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون رار مہملہ م بگیرطرح ی

تمنیق السین المہملہ

بقلۃ العدس۔ ع بفتح عین مہملہ ودال مہملہ وسکون سین مہملہ ف پودینہ بری طا و ۳ گرم وخشک ص کثیراش تا درم

بقیس بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف درخت شمشاد

تمنیق الفار

بقلۃ الخطاطیف۔ ع بضم خار معجمہ وطار مہملہ والف و طار مہملہ ثانی وسکون تحتانی وفام مامیران۔

تمنیق القاف

بق۔ بفتح اول وسکون ثانی ف پشہ ہ مچھر۔

تمنیق الکاف

بقلۃ الملک۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام و ضم فوقانی وسکون لام ثانی وفتح میم وکسر لام ثالث وسکون کاف ف شاہترہ ہ پت پاپڑا۔

تمنیق اللام

بقلۃ الغزال۔ ع بکسر غین معجمہ وزار معجمہ والف ولام ثالث م مشکطرا مشیع

تمییق المیم

بقلة الفارسیتیم - بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام وضم فوقانی و سکون لام ثانی با و فا و الف و فتح زار مهمله و سکون سین مهمله و کسر فوقانی و سکون تحتانی و میم م با در بخبویه -

بقم ع بفتح اول و ثانی و سکون میم یا مشدد ف بکمه درختی است آل بجلیته تنگیه که صباغان بکار می برند طا تی ۲ گی [illegible] خ تازه شش درم از آب او و گویند ده درم داین اصح ست ص اسطو خودوس ل فوه -

تمییق الهاء

بقلة الخراسانیه - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و ضم خار معجمه با رار مهمله و الف سین مهمله و الف ثانی و کسر نون و فتح تحتانی مشدد و خفا رباف تره خراسانی ه چوکے کا ساگ حاب ی ۲ گونیدا -

بقلة الذهبیه - ع بفتح ذال معجمه مشدد و سکون ها و کسر موحده و فتح تحتانی مشدده و باه ساگ تهولا گویند پالک -

بقلة اترجیه - ع بهمزه ملینه و با و ضم همزه و سکون فوقانی و ضم رار مهمله و کسر جیم و فتح تحتانی مشدده م با در بخبویه -

بقلة بارده - ع بفتح موحده ثانیه و الف و کسر رار مهمله و فتح دال مهمله م البلاشه چاند بیل سطو عصا او با ایراهت صدع نافع

بقلة اللینه و بقلة مبارکه - ع بفتح لام ثانی و کسر تحتانی مشدد و فتح نون در لغت اول و ضم میم و موحده ثانی و الف و فتح رار مهمله و کاف در لغت ثانی م هر دو نام بقلة الحمقا -

تنسیق الکاف و تمییق الفوقانی

بکسمات - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله با میم و الف نوعی از نان که آنرا مربع بریده بپزند و در ریسمان کشیده [illegible] توشه مسافران سازند و گویند نان دو آتشه

تمییق الکاف

بک ف بفتح اول و سکون کاف م وزغ و جعز و مکل عنفقد ع

تمییق المیم

بکمه - ه بفتح اول و ثانی مشدد م بقم حا ۳ گرم به خشک

تمییق النون

بکائن ه بفتح اول و ثانی و الف تحتانی و سکون نون ف درخت بان گویند آزاد درخت ط ۳ گرم ا خشک ل ابر [illegible]

تمییق التحتانی

بکجی - ه بفتح اول و ضم ثانی و کسر جیم فارسی و تحتانی دوای هندی است

بکرائی - ف بفتح اول و سکون ثانی با رار مهمله و الف و کسر همزه و سکون تحتانی و بکروی ف بفتح رار مهمله و کسر را و میوه ایست میان نارنج و لیمو که از نارنج کوچکتر و از لیمون بزرگتر و شیرین بود در ولایت ایک و شبانگاه بسیار باشد -

تنسیق الکاف الفارسی و تمییق الرار المهمله

بگیر - بفتح اول و سکون کاف فارسی و فتح موحده و سکون رار مهمله ف خیار چنبره کر بالا دا ملتاس و کردالص مصطگی ل سوزنید شر

تمییق الزاء المعجمه

بگمازه - بکسر اول و سکون ثانی فارسی با میم و الف و زار معجمه م شراب

تمییق التحتانی

بگنی ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و کسر نون و سکون

تحتانی م تبرنیکه از برنج و جوار و ارزان و امثال آن سازند

تمییز اللام و تمییز الموحدة الفارسیة

بلنجاسپ - ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون با جیم و الف و سین مهمله و موحده فارسی م بوی مادران -

تمییز الجیم

بلاج ف بفتح اول و لام و الف م گیاه و لنوح که از آن نمد بافند

بلیلج - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی مجهول و فتح لام ثانی ف بلیله ه بهیرا هندی اگویند ۲ می ممجوج قابض مقوی معده خ رز و رسیده ش از یکدرم تا سه درم همی عسل یا روغن جلاب افسنتین و در بوئیدن جبر دهن و نگوش آب آن یا ورق خبازی گویند فا نحیه خشک ده دو دانگ وزن آن آن گرم و شش یک هلیله سیاه گویند جهت بواسیر اسهال مزمن عجیب النفع

تمییز الجیم الفارسی

بلچ - ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمه م زاک سیاه

تمییز الحاء المهمله

بلح - ع بفتح اول و ثانی و سکون حاء مهمله ف غوره خرما که اندک ترشی بهم رسانیده باشد و کچی کهجور طب ی ۲

تمییز الراء المهمله

بلادر - ع بکسر اول و لام و الف و ضم دال مهمله و سکون راء مهمله ه بهلانوان طح ی ۴ محرق و مقوی دماغ خ نسیان فربه که از شکستن عسل بسیار بر آید ش نیم درم ص نجد یا روغن جوز مغز یا جوز یا شکل فندق بخور وزن آن دو دانگ و تمیون ن آن روغن بلسان و زنجبیل یا زنجبیل و خردل گویند شش یک آن لفظ سپید

بلادر - ف بفتح اول و ثانی و الف م آذر بو و آن نخ خار که آنرا اشنان خوانند گویند بخور آن زائل کننده بواسیر است

تمییز السین المهمله

بلبوس - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده ثانی و سکون واو و سین مهمله م بصل الزیز و گویند پیاز نخ طح ی اگر بند ۲ ق مقطع خ تر و تازه ص شیر تازه دوشیده یا بصل العنصل

بلس - ف بضم اول و لام ع - عدس -

تمییز الضاد المعجمه

بلوط الارض - ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم طاء مهمله و سکون لام ثانی و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه م کمادریوس -

تمییز الطاء المهمله

بلوط - م بضم اول و ثانی و سکون واو و مشهور بهمین نام است طب ی ۲ گویند اگویندی ۲ ق قابض و حابس خون خ فربه بزرگ رسیده ش از دو درم تا سه درم ص بریان کرده با شکر خوردن ل شاه بلوط یا بوزن آن خرنوب نبطی -

تمییز الفاء

بلنجاسفت - بکسر اول و ثانی و سکون نون با جیم و الف و فتح سین مهمله و فاء م برنجاسف ف بوی مادران ه کنده مارکند

تمییز الکاف

بلاک - ف بکسر اول و سکون ثانی م آتش

بلوط الملک - ع بسکون لام ثانی و فتح میم و کسر لام ثالث ف شاه بلوط و گویند گردگان -

تمییز اللام

بلاکل۔ ف بفتح اول و لام والف م بلادر۔

بل ف بفتح اول وسکون ثانی ثمریست کہ پوست این را
قشر بل خوانند وشحم این را بل وتخم این را تمر بل ہ بیل طرح ی
ا گویند ۳ ق حابس البطن خ شیرین ش از دو درم تا سہ درم

تمنیق النون

بلبن ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ ثانی و
سکون نون م خرفہ ع لبقلۃ الحمقا۔

بلسان۔ ع بفتح اول وثانی وسین مہملہ والف ونون
وشجرہ مصری مشہور ط ح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف محلل خ
خوشبوی ش نیم درم ص صندل ل زیتون وسلیخہ۔
بلسن بضم اول وسکون ثانی وضم سین مہملہ انجیر سفید
بلطاؤن بفتح اول وسکون ثانی یا طار مہملہ والف و
نخ داوہ چولائی کا ساگ و آن دو قسم میباشد یکی سرخ دیگری سبز
بلمون یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو م سافج
بلوسیطون۔ یونانی بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر
سین مہملہ وسکون تحتانی وضم طار مہملہ وسکون واو ثانی
ف گلنار وگویند میوۂ بل۔

تمنیق الہاء

بلبیکہ ف بفتح اول وسکون وفتح موحدۂ ثانی وکاف و
خفا ہا م سکہ ع زبدہ ہ مکھن ط ا گرم ود ر آخر آن تر۔
بلہایہ ف بفتح اول وسکون ثانی وواو والف وفتح
تحتانی م بابونہ و پرستوک۔
بلہار بندہ بفتح اول وسکون ثانی یا ہا والف وسکون را

وفتح موحدۂ ثانی وسکون نون وفتح دال وہا رمہملہ برتی وگویند کلتھمی
بلبیلہ ف ہ بلیلج ہ بہیڑا طا سرو ۲ خشک۔

تمنیق التحتانی۔

بلبلی۔ ف بضم اول وسکون ثانی وضم موحدۂ ثانی و
کسر لام دوم وسکون تحتانی م جنسی از زردآلو۔

تمنیق النون وتمنیق الالف

بندا۔ د بفتح اول وخفا نون وفتح دال مہملہ والف
دوای ہندیست وآن غبار از درختیکہ بر درخت دیگر روید

تمنیق الفوقانی۔

بناست۔ بکسر اول وفتح ثانی والف وسین مہملہ ع صمغ البطم

تمنیق الجیم

بنفسج۔ ع بفتح اول وثانی وسکون وفتح سین مہملہ ف
بنفشہ ہ بنوساط ب ۲ ر ۳ گویند ب را گویند ۲ ق مسہل
صفرا وملین خ خوشبوی ش دو درم تا چہار درم از خشک
او وپنج درم از تر ا د ص صفر جل ل نیلوفر دیرسیا وشان
بنج۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وجیم م بنگ بنج وشکران
وبزر البنج وخراسانی اجوائن ط ب ۳ ی ا ق مخدر قابض
مسکن خ سفید ش دو درم ص عسل ل الشاح وخشخاش یا ام

تمنیق الدال المہملہ

بنات الرعد۔ ع بفتح اول وثانی والف وضم فوقانی
وفتح را رمہملہ مشددہ وسکون عین مہملہ ودال مہملہ م سمارو
وغ ف کلاہ ماران دلگن ڈھوال وکنبھی۔

تمنیق الرار المہملہ

نبات النار۔ ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم فوقانی بانون مشدد و ثانی و الف و دوم و را مہملہ م الجمرہ ف گزرہ۔

نیسبر۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ ثانی و سکون را مہملہ م پستان طب مع اتر سے دل محرور المزاج۔

تمیق الشین المعجمہ

نبوماس۔ ف بضم اول و ثانی و سکون واو و یا میم و الف و شین معجمہ نلہ سوتنگ

تمیق القاف

بندق۔ بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال مہملہ و سکون قاف م فندق ف بادام کشمیری سہ گوشہ ع گویند ح ۲ راق مبہی سمن خ بزرگ بالیدہ شود درم صں فانیذل ملوم شیرین یا بوزان آن مغز جوز و بعضی گویند چلغوزہ۔

تمیق الکاف

بنیک ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م کرملہ و گویند نوعی از ابریشم فرد مایہ است و شرہ کرم۔

تمیق الکاف الفارسی

بنک بضم اول و سکون ثانی و کاف م مانند فستق است کہ از بیخ مغیلان در میں خیزد طرح می اق قابض مخفف خ سفید فربہ و زرد سبک خوشبو ل سنبل بفتح اول و ثانی بفارسی لیگوبن و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی خوشہ خرما۔

تمیق النون

بنجشکزدان۔ بکسر اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون شین معجمہ و کاف و فتح زاء معجمہ و دال و الف و نون زبان گنجشک بستان العصافیر

بنسلوجین بفتح اول و فضا ثانی و سین مہملہ و ضم لام و سکون

واو و فتح جیم فارسی م لبلاب شیر طب۔

بنطافلون۔ یونانی بکسر اول و سکون ثانی باطا و مہملہ و الف و فتح فا و ضم لام و سکون واو م بیخ پنجنگشت طب ای اق قابض نبخ بیلنداش یکمثقال ص کرفس ان جلنار

بنگران۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف با را مہملہ و الف م برنجی کہ در تہ دیگ بریان شدہ باشد گھرچن۔

بن گیہون۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و تحتانی مجہول و ضم ہا و سکون واو م اخروسہ

بن بضم اول و سکون ثانی ف آنکہ ع مری ہ کانجی شرب او جبنہ رقی باقدری لکسعبت لاغری ان مجرب و تخم قہوہ را نیز گویند و بفتح اول م میوہ کادل

تمیق الواو

بنگو۔ بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون واو م اسبغول

تمیق الہاء

بنتومہ۔ بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و فتح میم و خشار ہاہ اکاس بیل۔

بنقہ۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف م غلہ ایست عدس مانند اغلب کہ غلہ ار ہر باشد طا مع ی۔

تمیق التحتانی

بنج دشتی۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح دال مہملہ و سکون شین معجمہ و کسر فوقانی و سکون تحتانی ہ دھتورا۔

بندق ہندی۔ بکسر اول و سکون ثانی و ضم دال مہملہ و کسر قاف دیا و سکون نون ثانی و کسر دال مہملہ ثانی ہ ریٹھا طب ی اتش ست مثقال از روغن او۔

تمنیق الواو و تمنیق الالف

بوحا- یونانی بضم اول و سکون واو و با حاء مهمله ف ماه پروین

تمنیق الموحده

بول الدواب- ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و فتح دال مشدده و واو و الف و موحده ثانی ف شاش جهار پایان

بول الکلب- ع بسکون لام ثانی و فتح کاف و لام ثالث بکسیر سگ

تمنیق الجیم

بوغنج- ف بضم اول و سکون ثانی و فتح غین معجمه و سکون نون و جیم ف سیاه دانه کلونجی-

تمنیق الدال المهمله

بوشاد- یونانی بضم اول و ثانی مجهول و شین معجمه و الف و دال مهمله ف شلغم

تمنیق الراء المهمله

بوتیمار- ف بضم اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی با میم و الف م غم خورک گویند که بر لب آبها نشیند و از غم آنکه مبادا آب کمی پذیرد با وجود نهایت تشنگی آب نخورد یونانی شغفتین منا ع مالک الحزین ه بگلا گوشتش شهوی حافظه و محرک باه

بوصیر بضم اول و سکون ثانی و کسر صاد مهمله و سکون تحتانی مغیلان و کیکر

بوقیصا- یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی با صاد مهمله و الف ف درخت لبیته و سفید او در زر دار-

بول البقر- ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح موحده و قاف ف شاش گاو و نر از گاو نر-

بول الحمار- ع بسکون لام و کسر حاء مهمله با میم و الف ف شاش خر

تمنیق الزاء المعجمه

جوزف بفتح اول و سکون ثانی و زاء معجمه م زنبور سیاه که بر گلها نشیند و جوزا

بستان افروز ف تاج گل تاج خروس

بول المعز- ع بفتح میم عین مهمله و سکون زاء معجمه ف شاش بز

تمنیق السین المهمله

بول الجاموس ع با جیم و الف و میم و سین مهمله ف گمیز گاو میش

بول الناس ع ف شاش آدمی طح ی ۳ ق مجلی ص زبدل نمک آب

تمنیق الشین المعجمه

بورطیش- یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و کسر طاء مهمله و سکون شین معجمه م قشیشا-

تمنیق الفاء

بوف بضم اول و سکون واو ف جانور کوفته ه بوم که به نحوست مشهور است

تمنیق القاف

بورق- ع بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون قاف م بوره ف تنکاره سهاگا طح ۲ ی ۳ گویند ح ی ۲ ق مجلی مقطع منقی ملطف مفرح لحم خ سفید ارمنی ش در حقنه از یکدرم تا دو درم ص صمغ عربی و بفضه مقعد لبسبرگر و شراب ن نمک تلخ یا نمک اندرانی با

تمنیق الکاف

بوکلک- ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف و لام و سکون کاف ثانی م بن کوبها و نمک ف تیزکی خیلا غوج نباشد-

تمنیق الکاف الفارسی

بورنگ- بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون نون و کاف فارسی م بادروج-

تمنیق اللام

بول الابل - ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر ہمزہ وموحدہ ثانی وسکون لام ثالث ف کمیز شتر خ از شتر اعرابی۔

بول - ہ بضم اول وسکون ثانی ولام م مر۔

تمنیق المیم

بوم - ف بضم اول وسکون ثانی ومیم ہ اُلّو

تمنیق النون

بوبودیون - یونانی بضم ہر دو موحدہ وسکون ہر دو واو وفتح دال مہملہ وضم تحتانی وسکون واو ثالث ونون م بسفایج۔

بوزیدان بضم اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ وسکون تحتانی و دال مہملہ والف ہ بوزیدان وگویند ستاور طح ی ۲ گویند ح ۳ ی اق ملطف خ سطر تازہ سفید با خطوط ش ازیکدرم تا دو درم ص عسل باخردل ل دو وزن آن بہمن سفید یا بوزن آن خنج و ہموزن آن زرنباد یا سورنجان

بوغلصن - یونانی ورومی بضم اول وسکون ثانی وفتح غین معجمہ وسکون لام وضم صاد مہملہ ع لسان الثور ف گاو زبان

بوقلمون بضم اول وسکون ثانی وفتح قاف وضم لام ومیم وسکون واو ثانی ع خرباء ف آفتاب پرست ہ گرگٹ۔

بول الصبیان - ع بکسر صاد مہملہ مشدد وسکون موحدہ ثانی ویاء تحتانی والف ف کمیز کودکان۔

بولوحر نخون یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو ثانی وفتح حاء مہملہ وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی وضم خاء معجمہ وسکون واو ثالث ونون ف پرسیاوشان ہ ہنسراج

بوماوران - ف بضم اول وسکون ثانی با میم والف وفتح دال مہملہ وراء مہملہ والف ثانی و بوماران بحذف دال مہملہ م برنجاسف

تمیق الہاء

بوزنہ و بوزینہ - ف بضم اول وسکون ثانی وزاء معجمہ وفتح نون وخفاء ہا در لغت اول وکسر زاء معجمہ وسکون تحتانی وفتح نون در لغت ثانی م میمون۔

بوطانیہ - یونانی بضم اول وسکون ثانی با طاء مہملہ والف وکسر نون وفتح تحتانی وخفاء ہاء ف سیاہ دارو۔

تمنق التحتانی

بورہ ارمنی - بضم اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ وہمزہ ملینہ و ہا وفتح ہمزہ وسکون مہملہ ثانی وفتح میم وکسر نون وسکون تحتانی سیم م بورق ط ۳ گرم وخشک د محلل جالی وجاذب خلط بلغمی از ہر جلد

بول الخترير البری - ع بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون لام ثانی وکسر خاء معجمہ وسکون نون وکسر زاء معجمہ وسکون تحتانی اکسر و راء مہملہ وسکون لام ثالث وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ مشدد وثانی ف شاش خوک جنگلی۔

بولسری ہ بضم اول وسکون ثانی ولام وفتح سین مہملہ وکسر راء مہملہ درخت مشہور ہندیست کہ گل خوشبو دارد و بسر حسنِ گلشن تر مردہ گردہ بسیار بو دہد و ثمرش بعینہ ثمر کنار ست و دوای عظیم در و دندانست۔

تمنیق الہاء و تمیق الالف۔

کھانٹا - ہ بفتح اول واظہار والف و خفاء نون با فوقانی والف ثانی ف بادنجان ۶ معتدل ۲ گرم وخشک گویند ۲ خشک کم

بهلاوا - ہ بکسر اول وسکون ثانی برلام والف دواو والف آخرف بلادر ع حب الفهم وثمر الفهم درختیست که خوابیده در شاو با سلیسیرت
بهنگرا - بفتح اول وسکون ثانی وخفاء نون وفتح کاف فارسی ورای مهمله والف دوای عظیم النفع هندیست م جمعیره -
بهیٹرا - ہ بفتح اول وکسر ثانی وتحتانی ورای مهمله ف بلیله است

تمنیق الموحده

بهارسیب - بفتح اول وثانی والف وکسر رای مهمله وسین مهمله وتحتانی مجهول وموحده ف گل سیب بهی مقوی دماغ

تمنیق الجیم

بهنج - بفتح اول وسکون ثانی م بوزیدان -
بهارمج - ع بفتح اول وسکون ثانی بارای مهمله والف وفتح میم وسکون جیم م بید مشک طامع -
بهروج - ف بکسر اول وسکون ثانی وضم رای مهمله وواو مجهول م کندره پریجان وساطکا وگویند نوعی از بلور کبود

تمنیق الدال المهمله

بهار امرود - بفتح همزه وسکون میم وضم رای مهمله وسکون داو ف گل امرود گویند مقوی دماغ -

تمنیق الراء المهمله

بهار - ف بفتح اول وها والف ورای مهمله م بابونه و گویند گل گزبان وگل نارنج طبح ی ۲ ق محلل ح زرد تازه ش کمثقال ص زعفران جمله -
بهق الحجر - ع بفتح اول فثانی وضم قاف وسکون لام وفتح حای مهمله وجیم ورای مهمله ع خراز الصخر ف گل سنگ و آن مانند زنگ چیزی بر سنگ می نشیند -
بهوج پتره - بفتح اول ضم ثانی و اظهار آن وواو مجهول وجیم وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدده وسکون رای مهمله م درخت هندیست که در کشمیر از قشر او اوراق میسازند و بسان کاغذ بر و کتابت نمایند وگویند بخور آن با ازاله آسیب عش و لرزه میشود

تمنیق الزاء المعجمه

بهروزف بکسر اول وسکون ثانی وضم رای مهمله وسکون داو ف بزرنجاد

تمنیق الکاف الفارسی

بهانگ - ہ بفتح اول و اظهار ثانی والف وخفاء نون فارسی م وکاف قنب -

تمنیق اللام

بهانٹل ہ بفتح اول و اظهار ثانی والف وخفاء نون وفتح فوقانی هندی وسکون لام م کشنیج ف گل لنده -
بهوڈل ہ بفتح اول وضم ثانی و اظهار آن وواو مجهول و دال مهمله هندی ع ظلق ف ایرکه -

تمنیق النون

بهرامن و بهرمان - ف بفتح اول وسکون ثانی بارای مهمله والف وفتح میم وسکون نون در لغت اول و با میم والف و نون در لغت ثانی یاقوت سرخ و غازه که زنان بروی مالند و گل خسک دانه
بهمن - م بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم مشهور است بهمن نام وگویند اسگنده ولایتی است سرخ بهمن و سفید اسکن طبح ی ۳ گویند ح ر بهمنی و بهمن مفرح و مقوی دل ح سرخ ش یکدرم ص اشنیون ل تودری ولسان العصافیر -

تمنیق الهاء

بهاریه - ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر را مهمله و موحده ثانی و ها ثانی ف گل آبی مقوی دماغ -

بهرامه ف بفتح اول و سکون ثانی با را مهمله و الف و فتح میم و خفا ها ع بهرامج م بید مشک -

بهروجه و بهروزه - ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم را مهمله و واو مجهول و فتح جیم در لغت اول و زا معجمه در لغت ثانی و خفا ها یحیا بر

تمنیق التحتانی

بهارنگی - ه بفتح اول و اظهار ثانی و الف و فتح را مهمله و سکون نون و کسر کاف فارسی دوای هندیست -

تمنیق الیا التحتانی و تمنیق الالف

بیش تیشا - بکسر اول و سکون تحتانی و شین معجمه و کسر فوقانی و تحتانی مجهول ثانی و شین معجمه ثانی م ماه فرفین

تمنیق الفوقانی

بید خشت - بکسر اول و ثانی مجهول و سکون دال مهمله و کسر خا معجمه و سکون شین معجمه و فوقانی ف شیر خشک و شیر خشت

بینت - ه بکسر اول و ثانی مجهول و خفا نون شجریست نهار دار که در هند از جوشش و شیره یک سازند و جل بینت نیز قسمی از دو ست خیر

تمنیق الخاء المعجمه

بیخ مخ بکسر اول و کسر ثانی مجهول و کسر خا معجمه و ضم میم و سکون خا معجمه ثانی ه مرتهی -

بیض مسلوق ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر خا معجمه و ضم میم و سکون سین مهمله و ضم لام و سکون واو ف تخم مرغ جوشانیده یا بریان کرده گو مولد خلط صالح و مسوح و مقوی دل و بدن است

تمنیق الدال المهمله

بیجاده - ف بکسر اول و ثانی و مجهول یا جیم و الف و دال مهمله م بجاده

بید - بکسر اول و ثانی مجهول درخت مشهور و کرمی ست که کتاب و کاغذ و جامها پشمین را بخورد و تباه سازد -

بیدوند - ف بکسر اول و ثانی مجهول و سکون دال مهمله و فتح واو و سکون نون م شادنه -

بیرزد - بکسر اول و ثانی مجهول و را مهمله و فتح زا معجمه بیرجا

تمنیق الرا المهمله

بید انجیر - ف . ه درخت ارنڈ ع خروع -

بیدستر - ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح دال مهمله و سکون سین مهمله و فتح فوقانی م سگ آبی که خصیه آنرا خصیه بیدستر نامند و ترکی قندز گویند ط ۳ گرم و خشک -

بیر - ه بکسر اول و ثانی مجهول و فتح سین ف کنار ط ب ی

بیسر - ف بکسر اول و ثانی مجهول و فتح سین مهمله م جانور شکاری که چون شکره باشد و آنرا بیسره نیز نامند -

بیض العصافیر - ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم ضاد معجمه و سکون لام و فتح عین مهمله و صاد مهمله و الف و کسر فا و سکون تحتانی ف خایه گنجشک ه چڑیون کے انڈے ق سبی خ تازه -

تمنیق الزا المعجمه

بیض الاوز - ع بضم همزه و سکون واو و با زا معجمه ف خایه مرغابی خ تازه

بیواز ف بکسر اول و ثانی مجهول با واو الف م شپک خ نهاش

تمنیق السین المهمله

بیخ سوسن بضم سین مهمله و سکون واو یا سین مهمله ثانی ف بیخ منک

تمنیق الشین المعجمہ

بلیش ف بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمہ ف زہرہ بس دمیٹھا طح ی ہہ ق قاتل ص یا دزہر باشد نک یا جدوار
ل بیخ کبر یا زراوند بکسر اول فارسی وسکون تحتانی م برگ خرما
بلیش ہوش بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمہ وضم میم و سکون واو ف حیوانی است مانند ماش کہ معروف ست لفارۃ البیش و درین درخت بیش جاے دارد۔

تمنیق الضاد المعجمہ

بیاض البیض۔ ۶ ف سپیدۂ تخم مرغ مسکن اوجاع ل لعاب اسبغول
بیض۔ بکسر اول وسکون ثانی ف تخم ہر جانور ہ انڈا ط مع ح ب رق مغذی مبہی خ تازہ۔

تمنیق الطاء المہملہ

بیض البط۔ ۶ بضم ضاد معجمہ وسکون م و فتح موحدہ ثانی وسکون طاء مہملہ ف خایۂ قاز خ تازہ۔

تمنیق القاف

بیض مسلوق۔ ۶ بکسر ضاد معجمہ وفتح میم وسکون سین و ضم لام وسکون واو ف تخم مرغ بریان کردہ وجوشانیدہ

تمنیق الکاف

بیخ مہک۔ بفتح میم وسکون ہا ہ مرہٹی۔
بید مشک ف بکسر میم وسکون شین معجمہ نوعی از بید است کہ از گل آن عرق کشند ع اخلاف بلخی نامند ط اگرم۔

تمنیق اللام

بیض الحجل۔ ۶ بفتح حاء مہملہ وسکون جیم ولام ف خایۂ کبک ق مبہی خ تازہ و با مصطگی بہت درد شکم مجرب۔
بیل۔ ہ بکسر اول وثانی مجہول م بل وکل رای بیل

تمنیق المیم

بیض الحمام۔ ۶ بفتح حاء مہملہ با میم والف ف تخم کبوتر ق مبہی
بیض النعام ۶ بضم نون مشدد وفتح عین مہملہ با الف ومیم ف خایۂ شتر مرغ خ تازہ طلاء پختۂ آن با زعفران جہت ورم بواسیر نافع

تمنیق الہاء

بیجادہ ف بکسر اول وثانی مجہول وجیم والف وفتح دال مہملہ م کہربا رکانی وگویند سنگریزہ ہای سرخ رنگ ست کہ از جواہر فرومایہ باشد وبعضی گویند بیجادہ پر مرغ را جذب کند۔
بیرزہ ف بکسر اول وثانی مجہول وسکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ ہ بریجا ۶ قنہ ط اگرم ۲ خشک مدر حیض ومسقط جنین۔
بیحیلہ۔ یونانی ورومی ف خرفہ ع بقلۃ الحمقاء لونیا ط ۲ تر ۲ تر
بیقہ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف م بنقہ کہ گفتہ شد۔

تمنیق التحتانی

بیخ جوجی۔ بضم جیم فارسی وسکون واو وکسر جیم ثانی ہ جونک کی جڑ کہ آنرا کوکان چون زلو بر جاہای چسپانند۔
بیخ چینی ف بکسر اول وثانی مجہول وکسر خاء معجمہ وجیم فارسی وسکون تحتانی ثانی وکسر نون م چوب چینی و بیخ حیات۔
بیخ شبانہ دشتی ف بشین معجمہ والف وفتح نون وہمزہ ملینہ وفتح دال مہملہ وسکون شین معجمہ ثانی وکسر فوقانی ہ کنگھی کی جڑ
بیخ موٹ خنگلی دوائیست ہندی مشہور بہمین نام ق مخدر
بیرزی ف بکسر اول وثانی مجہول وراء مہملہ وکسر زاء معجمہ بریجا

ترقیم الباء الفارسی و تسنیق و تمنیق الالف

پاڈرا - ہ بموحدہ فارسی و الف و دال مہملہ ہندی و راء مہملہ والف ثانی گل درخت ہندیست کہ آنرا پاڈل بموحدہ فارسی والف و فتح دال مہملہ ہندی و سکون لام نیز گویند

پارا - ہ بموحدہ فارسی والف و راء مہملہ ف سیماب طح

تمنیق الفوقانی ہندی

پاٹ - ہ بموحدہ فارسی والف ف ابریشم -

تمنیق الدال المہملہ

پاکھان بھید - ہ بموحدہ فارسی والف و فتح کاف و اظہار ہا والف و نون و کسر موحدہ و اظہار ہائے ثانی و تحتانی و مجہول خشتبانہ م

تمنیق الذال المعجمہ

پانیذ ف بموحدہ فارسی و کسر نون و سکون تحتانی ع کعب الغزال و فانیذ بتاساط مع جہت سرفہ و درد سینہ نافع

تمنیق الراء المہملہ

پاکر - ہ بموحدہ فارسی والف و فتح کاف و سکون راء مہملہ درخت ہندیست کہ قسمی از درخت بر است ط ب -

پادزہر - ف بموحدہ فارسی والف و دال و فتح زاء معجمہ و سکون ہا ف - تریاک چہ پاد بمعنی شوئید و پاک کنندہ است ہ زہر جہرا -

تمنیق الکاف

پاچیک ف بموحدہ فارسی والف و فتح جیم و فارسی م سرگین گاو کہ خشک شدہ باشد یا بدست آنرا ہیمن ساختہ باشند - بجہت سوختن ہ او پلے و نیز داروی ہاضم طعام -

پالک - بموحدہ فارسی و الف و فتح لام ف اسفاناخ ط ب

تمنیق النون

پان - ہ بموحدہ فارسی والف ف برگ تنبول ط ح -

تمنیق التحتانی

پاپری ہ بموحدہ فارسی والف و فتح موحدہ فارسی ثانی و کسر راء مہملہ ف شمشاد ط ب

تسنیق التاء الفوقانی و تمنیق الالف

پت پاپڑا - ہ بکسر اول فارسی و سکون فوقانی و موحدہ فارسی ثانی والف و موحدہ فارسی ثالث و راء مہملہ ہندی ف شاہترہ مشابہ

پت جیا - بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و کسر جیم و تحتانی و دوای ہندی م

تمنیق الجیم

پترج - ہ بفتح اول فارسی و سکون فوقانی و فتح راء مہملہ م سازج ط ج

تسنیق الخاء المعجمہ و تمنیق الہاء

پختہ - بفتح اول فارسی و سکون خاء معجمہ و فتح فوقانی و خفاء ہا م پنبہ

تسنیق الدال المہملہ و تمنیق الکاف الفارسی

پدم راگ - ہ بفتح اول فارسی و دال مہملہ و فتح راء مہملہ والف و کاف فارسی ف یاقوت سرخ -

تمنیق الہاء

پدہ ف بفتح اول فارسی و دال مہملہ درختیست کہ بر ندارد ع سپیدار

تسنیق الراء المہملہ و تمنیق الدال المہملہ

پروند ف بفتح اول فارسی و سکون راء مہملہ و فتح واو و سکون م مرد و

تمنیق الکاف

پرانگ - ف بفتح اول فارسی نوعی از فولاد جوہردار

پرستک و پرستوک ف بکسر اول فارسی و ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون کاف در لغت اول وسکون م او در لغت ثانی جانوریست که پشت و دم آن سیاه بود و سینه سفید باشد و منقارش سرخ و در سقف خانه آشیانه دارد م فرشتک

پرینبک ه بکسر اول فارسی و ثانی و تحتانی مجهول و خفاء نون وکاف عربی دوای هندیست و بهمین نام شهرت دارد۔

پروانک۔ بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح نون م جانوریست که پیشاپیش شیر آواز کنان رود۔

تمنیق الکاف الفارسی

پرنگ۔ ف بکسر اول فارسی و بفتح راء مهمله و سکون نون م

پرینیک۔ م بکسر اول فارسی و ثانی و تحتانی مجهول و خفاء نون وکاف فارسی دوای هندیست طب۔

تمنیق اللام

پربال۔ ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی با موحده و الف ولام ع لبد و مرجان م مونگا۔

تمنیق المیم

پرچم۔ م بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی کاو قطاس و به‌بندی سیر دکاتو با مند۔

تمنیق المنون

پراذران۔ بفتح اول فارسی و سکون راء مهمله و مد همزه و ذال معجمه با راء مهمله و الف جانوریست شکاری از جنس صرخ بوع زج

پرہین ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فارسی ثانی د یاء ع فرفخ و رجلہ لونیا و کھول و لوسا

پرشیاوشان ف بفتح اول فارسی ع کزبرة البیر و راج هنس و کرچیاء و سنبل که در کنار چاه و چشمها میروید ح ی اگویند معرح ق منفتح ملطف مدر محلل مفتت مسهل بلغم و سودا خ سیاه چوب سبز ورق یا سیاه چوب سرخی مائل ش از سه درم تا دو درم ص مصطگی یا کتیرا ل بوزن او و بنفشه یا بکیم وزن رب السوس ب دو دانگ وزن آن زوفا و طلاء تازه آنجبت قروح خلبیه نافع۔

پتیرن۔ ف بفتح اول فارسی و ثانی فارسی م زغن۔

تمنیق الهاء

پرگنه۔ ن بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و نون ترکیبی از بویهای خوش م ارگجه۔

پریجه۔ ف بفتح اول فارسی و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم فارسی لیف خرما ط ۲ گرم و خشک و خاکستر آن منقی دندان و جهت امراض تشنج نافع

تمنیق التحتانی

پربی ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی۔ نریبسی ط ۲ گرم و خشک و بعضی گویند تر۔

تمنیق السین المهمله و تمنیق الالف

پستاره بکسر اول فارسی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی ف لسیح مشتق ط ح ۲ گرم و خشک اترق مهبی لد خون صالح او مسو فربهی بدن

تمنیق الفوقانی

پیست ف بکسر اول و سکون ثانی و فوقانی م نیم آرد و آبد بریان کرده بزبان ترکی تقان خوانند۔

تمنیق الکاف الفارسی۔

پتیالن سگ ف م سیستان ه لهسوڑه۔

تمنیق الکاف

پسنگگ ف بفتح اول فارسی وثانی بانون وفتح کاف اول فارسی وسکون کاف تازی ثانی م ژاله۔

تمنیق الواو

پستِ جو بکسر اول فارسی سکون ثانی وکسر فوقانی وفتح جیم ف آرد جو

تنسیق الشین المعجمه وتمنیق الکاف

پشک بکسر اول فارسی وسکون شین معجمه وکاف ف سرگین۔

تمنیق اللام

پشکل۔ بکسر اول فارسی وسکون ثانی وکسر کاف م سرگین

تنسیق الکاف وتمنیق الدال المهمله

پگند۔ ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون ودال مهمله بزبان جنوبی نان راگویند ه روئی ع خبز۔

تمنیق الکاف

پگهراگ۔ ه بضم اول فارسی وسکون ثانی واظهار ها با راء مهمله والف وکاف فارسی ف ببرق۔

تمنیق النون

پگهپ انجن ه بضم اول فارسی وسکون کاف واظهار ها وفتح موحده فارسی وهمزه وسکون نون وفتح جیم وسکون نون ثانی دوای هندیست جهت امراض چشم طح۔

تنسیق اللام وتمنیق الالف

پلاس پاپڑا۔ بفتح اول فارسی ولام والف وسکون سین مهمله باموحده فارسی ثانی والف وفتح موحده فارسی ثالث باراء مهمله والف ثالث ف درخت پله ه ڈهاک کی تخم

تمنیق السین المهمله

پلاس۔ ه بفتح اول فارسی ف پله ه ڈهاک طاح ق لمین۔

تمنیق الکاف

پلستک ف بکسر اول فارسی سکون ثانی وسین مهمله وضم فوقانی م پرستوک

پلنگ مشک۔ بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون وکاف فارسی وکسر میم وسکون شین معجمه م فرنجمشک ف بالنگوی خورد۔

تمنیق الکاف الفارسی

پلنگ ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون نون م درنده معروف ه تیندوا

تمنیق اللام

پلاس بیل ه بکسر اول فارسی بالام والف سین مهمله وکسر موحده فارسی ثانی وسکون تحتانی وفتح موحده فارسی ثالث ه پلاس بیل درخت هندیست

پلپل ف بکسر هر دو موحده فارسی وسکون هر دو لام م فلفل۔

پلول۔ ه بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح واو م ثمر هندیست که اکثر درکشت برگ تنبول میکارند ونان خورش نیکوست طح

تمنیق المیم

پلم۔ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی ومیم م خاک۔

تمنیق الهاء

پلغده۔ ف بفتح اول فارسی وثانی وسکون غین معجمه وفتح دال مهمله خفار بام تخم مرغ ومیوه که بوسیده شده باشد

پلّه۔ بفتح اول فارسی وثانی ه درخت ڈهاک ونیز بفارسی شیر حیوان نوزائیده که آنرا فادر ریگ نیز گویند۔

تمنیق التحتانی

پلچی۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر جیم فارسی م خرمهره۔

پلمینڈی - ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی و فتح تحتانی وسکون نون وکسر دال مہملہ نوعی از خربزہ۔

تسنیق النون وتمنیق الالف

پترلواہ بضم اول فارسی وثانی وسکون رار مہملہ وفتح نون ثانی وواو والف م بسکھپر۔

تمنیق الفوقانی

پنجنگشت ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح جیم وسکون نون ثانی وضم کاف فارسی وسکون شین معجمہ درخت سنبھالو واج اگویند ۲ی ۳ ق محلل ملطف منفشی خ تخم ز شین یک مثقال ص صمغ عربی ل دو وزن آن شہد اخ

تمنیق الدال المہملہ

پتدف بفتح اول فارسی وسکون ثانی م غلیوازہ چیل ط ۲ گرم وخشک

تمنیق الرار المہملہ

پنواڑہ بفتح اول فارسی وسکون ثانی وواو والف ووای ہندیست م طبی

تمنیق الکاف

پنج پاپک - ف بفتح اول فارسی وسکون نون وضم موحدہ فارسی ثانی والف وفتح تحتانی ع سرطان۔

پناتک - ف بضم اول فارسی باتون والف وفتح نون ثانی ع صمغ

پنیرک - ف بضم اول فارسی وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح رار مہملہ م گل خطمی

تمنیق الکاف الفارسی

پنگ - بفتح اول فارسی وسکون نون وکاف فارسی م خوشہ

تمنیق المیم

پنجہ مریم - بفتح اول فارسی ہ ہاتھا جوڑی۔

تمنیق الہاء

پلنبہ دانہ - ف ہ بنولا۔

پنج پایہ - ف خرچنگ ہ کیکڑا

پنجہ گربہ ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح جیم وہمزہ ملینہ وہا وضم کاف فارسی وسکون رار مہملہ وفتح موحدہ م بید مشک

تسنیق الواو وتمنیق الفوقانی

پوتہ ہ بضم اول فارسی وسکون واو فوقانی م جگر۔

تمنیق الشین المعجمہ

پوپش ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی ثانی ع ہدہد ف شانہ سر ومرغ سلیمان۔

تمنیق الکاف

پوپک ف بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی ثانی م ہدہد ط ۲ گرم وخشک وخراگیختہ او با جہت درد گردہ ومثانہ مجرب

پوشک ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وفتح شین معجمہ م گربہ۔

تمنیق اللام

پوپل ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وفتح موحدہ فارسی ثانی م فوفل وسپیاری ط ۲ سرد وخشک ومقوی دل واعضا۔

تمنیق الواو

پوپو - بہر دو موحدہ فارسی وسکون ہر دو واو م ہدہد آواز ہدہد

تمنیق الہاء

پویہ - ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحدہ فارسی وخفا ہا م ہدہد زہرہ او جہت بیاض چشم نافع وفوتیج را نیز پویہ گویند دگر گویند غیر فوتیج

پولہ - ف بضم اول فارسی وثانی مجہول ونسخ لام م خربزہ

دهند دانه و دیگر میوه ها که درون شان مضمحل و پوسیده باشد

تمنیق التحتانی

پوت پتهاری ه ف تخم خار واره گو نه م چهچهری کے بیج۔

پوش ور بندی بضم اول فارسی و سکون واو و کسر شین معجمه و فتح دال مهمله و سکون رای مهمله و فتح موحده و سکون نون و کسر دال مهمله ثانی ف شیاف ست که آنرا مس در هندی آرند و آن هنبا نیست که هیجان میگویند و شیاف میسازند تاب ی ال ماثیا یا عنب الثعلب یا بزر الهند یا حضض یا عصارهٔ ماثیا۔

پوی ه بضم اول فارسی و ثانی مجهول ف سبزی هندیست که رشتها تیل انگور بسیار دمید از وثمرش معنبه ثمر عنب الثعلب است و از تربهای ناخور است

تمنیق الهاء و تمنیق الالف

پهاساه بفتح اول فارسی و اظهار ها و سکون الام و سین مهمله م میوهٔ مشهور هندیست۔

تمنیق الدال المهمله

پهرهد ه بفتح اول فارسی و اظهار ها و سکون رای مهمله و فتح ها ثانی درخت هندیست م فربه۔

تمنیق الراء المهمله

پهنورف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو م بهی

تمنیق الکاف

پهمرک بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح میم و زای معجمه و سکون کاف م خار پشت

تمنیق اللام

پهکرمول ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف و سکون رای مهمله و ضم میم و سکون واو دوای هندیست

تمنیق الهاء

پهنانه بفتح اول فارسی و سکون ثانی یا نون یا الف و فتح نون ثانی م بوزنه ف میمون ه یا بندر۔

تمنیق التحتانی

پهٹکری ه بفتح اول فارسی و اظهار ثانی و سکون فوقانی هندی و فتح کاف و کسر رای مهمله م شب یمانی ف زاک سفید

پهی ف بفتح اول و کسر ثانی ع خنظل۔

تمنیق الیاء التحتانی و تمنیق الالف

پیاپانساه بکسر اول فارسی یا تحتانی و موحده و الف ثانی و خفا نون و سین مهمله قسمی از بانسا۔

تمنیق الموحده

پیکوپ ف طعامیست ترش که از جوز مغز و پنیر و جغرات سازند

تمنیق الدال المهمله

پیل امرود ف بکسر اول فارسی و تحتانی و لام نوعی از امرود است

تمنیق الراء المهمله

پیاره بکسر اول فارسی و تحتانی و الف م میوهٔ هندیست که ترش شیرین به ترشی خرما هندی ماند و از تخم او چرونجی یعنی نقل خواجه میرسید

پیپلا موره بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده فا ثانی و لام الف و ضم میم و سکون واو ف فلفلویه۔

تمنیق الزاء المعجمه

پیرزت بکسر اول فارسی و سکون تحتانی و ضم رای مهمله و زای معجمه ع طلب ه سال که در آبهار وید۔

تمنیق الشین المعجمه

پیش - بکسر اول فارسی وسکون تحتانی وشین معجمه م برگ خرما.

پیلگوش ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی ولام وضم کاف فارسی وواو مجهول ع اذان الفیل ولوف نگویند در فارسی گلست که برکنار هایش نقطها سیاه باشد.

تمیق الکاف

پیتریک ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی وفتح فوقانی کرمی ست که جامهای ریشمی وکاغذ را تباه سازد

پیچیک بکسر اول فارسی وثانی مجهول وفتح جیم فارسی ع عشقه لبلاب

تمیق اللام

پیپل ه بکسر اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده فارسی ف فلفل دراز ونیز نام درخت هندیست.

پیتیل ه بکسر اول فارسی وسکون ثانی وفتح فوقانی ف برنج

تمیق النون

پیغن - بفتح اول فارسی وسکون تحتانی وضم غین معجمه وسکون نون

تمیق الواو

پیلو ه بکسر اول وسکون ثانی وضم لام ع - اراک.

پینو - ف بکسر اول فارسی وسکون ثانی وضم نون ف دوغ ترش پخته م کشک وقسروت.

تمیق الهار

پیچه - ف بکسر اول فارسی وثانی مجهول وفتح جیم فارسی م چیچک

پیله ف بکسر اول فارسی وثانی مجهول وفتح لام غوره ابریشم -

تمیق التحتانی -

پی ف بفتح اول وسکون ثانی ع قصب ه باتش

ترقیم التاء الفوقانی وتنسیق وتمیق الالف

تالمکهاراه بفوقانی والف ولام وفتح میم وکاف واظهار ها والف ثانی ورار مهمله دوای مشهور هندیست -

تانباه بفوقانی والف واخفار نون موحده والف ثانی ف مس

تمیق الموحده

تاکوب - بر بری بفوقانی والف وضم کاف وسکون واو وموحده م قربیون

تمیق الفوقانی

تاسمصت - بربری بفوقانی والف وکسر سین مهمله وسکون میم وفتح صاد مهمله وسکون فوقانی ف ترشه ترنج.

تاغندست بربری بفوقانی والف وفتح غین معجمه وسکون نون وفتح دال مهمله وسکون سین مهمله وفوقانی ثانی م عاقرقرحا -

تمیق الخاء المعجمه

تاخ - بفوقانی والف وسکون خار معجمه درختی ست که چوب آن هیزم سازند گویند که آتش آن از هیزم های دیگر بیشتر ماند وآنرا تاغ نیز گویند

تمیق الدال المهمله

تارد ف بفوقانی والف وفتح رار مهمله م لنده برگ او دیگر حیوانات چسپید

تمیق الراء المهمله

تار ف بسکون رار مهمله درختیست شبیه درخت خرما که از ان آبی حاصل کنند که نشه آور دو سر دوا کثر در ملک هندوستان شود واز هم برگ آن از یک گز بیشتر باشد وبر همنان کتابها بران نویسند و هندوان زنان ایشان نرمه گوش خود پاره ساخته برگ آن درخت پیچیده دران نهند -

تالسفیس بربری بفوقانی والف وکسر لام سکون سین مهمله وکسر فا وسکون تحتانی

وکسر سین مہملہ ثانی ف تخم سپندان ہ اسپند۔

تالیسپتر۔ بفتح فوقانی والف وکسر لام وسکون تحتانی وسین مہملہ وفتح موحدۂ فارسی و فوقانی مشددہ و دوای ہندیست۔

تامر۔ بفتح فوقانی والف وفتح میم وسکون راء مہملہ م گل حنا ش

تمیق الغین المعجمہ

تاغ ف بفتح فوقانی والف م درخت تاغ و تخم مرغ۔

تمیق الکاف

تارتنک ف بفتح فوقانی والف وسکون را مہملہ وفتح فوقانی ثانی وسکون نون ع عنکبوت

تاشک ف بفتح فوقانی والف وفتح شین معجمہ م بسکہ ع زبدہ۔

تافشک ف بفتح فوقانی والف شین معجمہ م دیوچہ ع ارضہ۔

تاوکسا ف بفتح فوقانی و واو م خرو کا جوانہ۔

تمیق اللام

تال ف بفتح فوقانی والف سکون لام م درخت تاڑ۔

تامول و تامبول م بفتح فوقانی والف وضم میم و واو مجہول در لغت اول و سکون نون وضم موحدۂ وسکون واؤ در لغت ثانی ف برگ تنبول ہ پان و ناگبیل طب ای ۲ گویند حار ای ص فوفل و کاتت و آہک مجموعہ ل قرنفل۔

تاول ت بفتح فوقانی والف وفتح واو وسکون یا ولام م ناونکہ

تمیق النون

تارین بفتح فوقانی والف وکسر را مہملہ وسکون تحتانی ونون نیز آبیکہ از درخت تاڑ حاصل شود و آن شیرۂ بود کہ نشہ آرد

تمیق الواو

تاہو۔ بفتح فوقانی والف وضم ہا م شراب عراقی۔

تمیق الہاء

تارچوبہ۔ بفتح فوقانی والف راء مہملہ وضم جیم فارسی و واو مجہول و فتح موحدہ م ہلیون ہ ناگدون ط ۲ گرم و تر۔

تالانہ۔ بفتح فوقانی والف لام والف وفتح نون نوعی از شفتالو

تمیق التحتانی۔

تالگی۔ ف بفتح فوقانی والف وسکون لام وکسر کاف فارسی م کشنیز صحرائی

تمیق الباء الموحدہ و تمیق الدال

تبرزد ف بفتح فوقانی و موحدہ وسکون راء مہملہ وفتح زاء معجمہ نبات و شکر سفید نوعی از نمک سخت از قسم نمک سنگ و قسمی از انگور در نہایت شیرینی و صبر را نیز گویند۔

تمیق الراء المہملہ

تباشیر۔ ف بفتح اول و ثانی والف وکسر شین معجمہ و سکون تحتانی م بنسلوچن

تبر۔ ع بکسر اول و سکون موحدہ ف زر و طلاہ سونا۔

تمیق النون

تبرخون۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مہملہ و ضم خاء معجمہ و سکون واو ع عناب گویند چوبیست سرخ رنگ بسیار سخت و گران ... از چوب ... سازند و گویند سرخ بید گویند بقم و گویند ... از ... آنرا ترخان ترخون خوانند و معرب آن طبرخون

تنکان ف بکسر اول و سکون ثانی و کاف والف ف خارہ کا ...

تمیق الہاء

تبرزہ ف بفتح اول و سکون ثانی راء مہملہ وفتح زاء معجمہ م تیر ...

تین مگہ ع بکسر اول و سکون ثانی و نون و فتح میم م شبنم از خرد

تنسیق الفوقانی و تمیق الکاف

تتریک ہ بفتح اول و سکون ثانی و کسر را مہملہ و سکون تحتانی و کاف م سماق

تمنیق المیم

تتم ہ بضم ہر دو فوقانی م سماق ط ۲ سرد خشک۔

تمنیق التحتانی

تتری ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر را مہملہ م سماق

تتلی۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام ہ چوچہا۔

تنسیق الخار المعجمہ و تمنیق الموحدہ

تخم جاروب ف ع آطریلال ہ کاکنگی وسسی ط۳ گرم و خشک

تمنیق الفوقانی

تخم اپلیست بکسر ہمزہ و سکون سین مہملہ و کسر بار فارسی و سکون سین مہملہ ثانی و فوقانی م بزر الرجلہ۔

تمنیق الخار المعجمہ

تخ۔ بفتح اول و سکون ثانی ف کستہ و کنجارہ ہ کھل

تمنیق الضاد المعجمہ

تخم حماض۔ بفتح حار مہملہ و میم مشدد و الف بضاد معجمہ ہ چوکیکے بیج

تمنیق الکاف

تخم تورک ف ع۔ بزر الخرفہ۔

تمنیق اللام

تخم خلال ف بکسر خار معجمہ و لام و الف م آطریلال۔

تخم گل ف بضم کاف فارسی زردی میانہ گل۔

تمنیق المیم

تخم شاہسفرم ع بزر الریحان

تمنیق النون

تخم سپندان ہ اسپند۔

تخم کتان۔ ہ السی و تیسی ط۔ سرد و خشک۔

تمنیق الہار

تخم بنک دیوانہ بفتح موحدہ و سکون نون و کسر کاف فارسی و دال مہملہ و تحتانی مجہول و واو یا الف و فتح نون ہ خراسانی اجوائن

تخم پلہ بفتح موحدہ فارسی و لام ہ پلاس پاپڑا۔

تخم خرفہ ف بضم خار معجمہ و سکون را مہملہ و فتح فاہ لونیا کے بیج

تمنیق التحتانی

تخم تیر ماہی۔ بکسر فوقانی ثانی و سکون تحتانی و را مہملہ با میم و الف و ہ بکسر ہا ف زردک و گویند مال کنگنی۔

تخم شربتی ف تخمی ست از قسم ریحان لیکن بسیار کوچک از وست

تنسیق الدال المہملہ و تمنیق الواو

تدرو ف بفتح اول و ضم دال مہملہ و سکون واو م جانوریست سرخ رنگ بیشتر در خانہا پیدا میشود۔

تنسیق الذال المعجمہ و تمنیق الجیم

تذرج بفتح و ذال معجمہ و سکون را مہملہ ف تدرو ہ لاوا یا تیتر طرح یہ ہے گوشت او مقوی دماغ۔

تمنیق الواو

تذرو۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون را مہملہ و واو مجہول مرغ دشتی

تنسیق الرار المہملہ

تراب صیدا ع بضم اول و ثانی و الف و کسر موحدہ و فتح صاد مہملہ و سکون تحتانی و دال مہملہ ف خاکیست کہ از مقام صیدا

ترپھلا ہ بکسر اول و سکون را مہملہ و فتح موحدہ فارسی و الف ہار یا۔

ولام م لفظی ست هندی که معرب او اطریفل ست و آن عبارتست از ترکیب هلیله و بلیله و آمله۔
ترکتا۔ ه بکسر اول و سکون ثانی و ضم کاف با فوقانی هندی تیر لفظ هندیست که عبارتست از ترکیب زنجبیل و فلفل گرد
ترمرا۔ ه بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و راء مهمله م جرجیر

تمنیق الموحده

ترب۔ ع بضم اول و سکون ثانی ه مولی۔
ترپ۔ بفتح اول و موحدهٔ فارسی م قراقروت و کشک سیاه
تراب۔ ع بضم اول و فتح ثانی و الف ف خاک ه مٹی

تمنیق الجیم

ترنج ف بضم اول و فتح ثانی و سکون نون ع اترج ه بجورا۔

تمنیق الخاء المعجمه

ترخ۔ بفتح اول و سکون برنج و نام گیاهیست۔

تمنیق الدال المهمله

تربد۔ ع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده ه نسوت ناک تیرطاح ی سوق مسهل بلغم خ چینی مبیض مدور مصمغ مجوف و درون سفید تر و زود کوفته گردد و کهنه باریک نباشد و در مطبری میان خنصر و بنصر بود و بعد از کوفتن و بیختن ریشه برنیارد و تنگ سوراخ باشد و قسم سیاه آنرا استعمال نکنند مع خراشیدن چه کنجد دن بر روغن بادام پس کوفتن شربت نیم درم تا یکدرم و گویند از جرم یکدرم تا دو درم و در مطبوخ از سه درم تا چهار درم بدل پوست توت تا بیمون حب النیل و دو دانگ و بیموزن حنظل و دانه ی فوکد دانگ و گویند ترمس جهت سعال فرمن و درد سینه مجرب۔

تمنیق الراء المهمله

تره میرف بفتح اول و ثانی و همزه ملینه و ها و کسر میم و سکون تحتانی ه تیرورا

تمنیق الزاء المعجمه

ترازف بفتح اول و ثانی و الف م درخت صنوبر۔
تربزف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده م هندوانه و خیار و بادرنگ و بضم اول م تربت۔

تمنیق السین المهمله

ترفارس۔ بضم اول و سکون ثانی و فاء الف م کمات و سماروغ
ترمس ع بضم اول و سکون ثانی و کسر میم م باقلای مصری و شالمه چهالر طرح ای ۲ ق مجلی مفتح مدر محلل خ سفید فربه بزرگ شن ۲ درم ص نمک و صعتر ل برنج کابلی و شیخ ترکی و فود نج یا دو وزن باقلا یا لوبیا۔

تمنیق الشین المعجمه

ترغش۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر غین م نوعی از درالو۔

تمنیق الفاء

ترف۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و نام کشک سیاه و قراقروت ع قل

تمنیق الکاف

تراب الهالک۔ ع بها و الف و کسر لام م سم الفار ه سنکهیا
تربک۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده م نوعی از انگور و بفتح اول و موحدهٔ فارسی قراقروت۔
ترترک۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ثانی و راء مهمله ثانی م جانوریست که در ماوراء النهر دختر صوفی گویند۔
ترنگ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم فوقانی ثانی م کبک

ترروک. ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله م کرم گندم خوار

ترمذتک ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح دال مهمله و سکون نون ثانی و کاف م به ترترک ست۔

ترپاک. ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و الف و کاف م تریاق

تمیق النون

ترایمان. بفتح اول و ثانی و الف و کسر تحتانی با میم و الف و نون ثانی

ترابابان. یونانی بضم اول و سکون ثانی با دو موحده و دو الف م غاشیه

ترخان ف بفتح اول و سکون ثانی با خاء معجمه و الف نوع از سبزی که مانند پودنه با نان بخورند۔

ترخون. ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه و سکون واو ع بقم و عاقرقرحا ط ۲ گرم و خشک۔

ترنجان بضم اول و ثانی و سکون نون با جیم و الف م بادرنجبویه

ترنجبین م نیست یعنی انگبین ست که بر خار شتر در خراسان بخارا و فرشی نشیند طاج ی ر گویند ع ق ملین مجلی قامع صفرا خ تازه سفید که مانند خشت ... نیشاپور آید شن از هفت درم تا سی درم

[illegible]

ترنگبین. ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی و کسر موحده و سکون تحتانی ع ترنجبین۔

ترن. بفتح اول و ثانی م گل نسرین۔

تریاق روستان ف سیر ه لهسن۔

تمیق الهاء

ترابة النشارة. ف بفتح شین معجمه مشدد و الف و کسر راء مهمله ثانی و فتح دال مهمله و خفا را خاک جریره است۔

تراب الطریق المارلیه. لفظ عربیست ف خاک چاه راه

تربره. ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و راء مهمله ثانی م تریک

تربزه. ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و فتح زاء معجمه هندوانه و خباره بادرنگ و بضم اول م تربب۔

تربه. ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م قرقراوت۔

ترگمریه. بضم کاف فارسی م بادنجبویه۔

تریاق الحیه آ سنگیست که در گنج چشم گاو گوزن می باشد

تمیق التحتانی

تراب القی. ع بفتح قاف و سکون تحتانی م سم الفار۔

ترهتی ه بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و کسر فوقانی و کاف سفید

تریاق ترکی مومیائی خ اگر قدری از آن بخورند خون را روان سازد و اگر در شیر زنند به بندد۔

تریاق فارسی م پادزهر۔

تسیق و تمیق الزاء الفارسی

تشر. بکسر اول و سکون زاء معجمه فارسی م برگ گیاه نو برآمده۔

تمیق الکاف

تشروک. ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و فتح دال مهمله و سکون کاف م کرم گندم خوار

تسیق السین المهمله و تمیق الکاف الفارسی

تس سگ. ف بضم اول و کسر سین مهمله و فتح سین مهمله ثانی و سکون کاف فارسی م شاهسپانک ع بنفسج الکلاب۔

تسیق السین المعجمه و تمیق الجیم

تشمیرج. ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون تحتانی و فتح زاء معجمه ف چشمک ه چاکسو طرح ی خ سیاه براق تو به۔

تمییز الشین المعجمہ

تشش - ف بفتح اول م آتش -

تمییز النون

تشتیوان - یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی و سکون تحتانی وواو والف م بسفایج -

تمییز الفاء و تمییز الالف

تفسیا - یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر سین مہملہ یا تحتانی م تافسیا ف صمغ سداب کوہی -

تمییز الفوقانی

تفت - ع بفتح اول وسکون ثانی م شوکران -

تمییز الحاء المہملہ -

تفاح - ع بضم اول وثانی مشددہ والف ف سیب شیرین طامع گویند ح ب را ترش ب ی ۲ میخوش مع ح ب بہ مقوی دماغ مع حلوش از شراب او یک ا وقیہ ص عسل ال سفرجل

تمییز الراء المہملہ

تفوریہ - ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م خاک ع طین

تمییز الضاد المعجمہ

تفاح الارض - ع بضم اول وثانی مشددہ الف وضم خاء معجمہ بابونہ

تمییز النون

تفاح الجن - ع بکسر جیم ثمر یبروج

تمییز الواو

تفو - ف بضم اول وثانی م آب دہن -

تمییز الہاء

تفتہ - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح نون م پردہ عنکبوت

تمییز التحتانی

تفاح ارضی - م خوبانی -

تفاح بری - م زعرور ف کیل -

تفاح پارسی - م شفتالو -

تفاح مائی - م ترنج -

تمییز القاف و تمییز الہاء

تقدہ - ع بکسر اول وسکون قاف وفتح دال مہملہ ف کشنیز

تقرہ - ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مہملہ م کرویا ف زیرۂ رومی

تمییز و تمییز الکاف

تکک - بفتح اول وسکون کاف م گیاہیست کہ درمیان آب و در مصر از ان کاغذ سازند ع بردی وگویند کہ گیاہی ست کہ در گندم راز روید واز گیاہ گندم سخت تر باشد

تمییز الہاء

تکہ - ف بفتح اول وثانی برنر دسرگین گاؤ وگاؤمیش کہ بدست پہن ساختہ خشک کنند جہت سوختن -

تمییز الکاف الفارسی و تمییز الراء المہملہ

تگرہ - بفتح اول وکاف فارسی م اسارون -

تمییز السین المہملہ -

تگس ف بفتح اول وثانی فارسی م خستۂ انگور -

تمییز الکاف الفارسی -

تگرگ - بفتح اول وثانی فارسی وسکون واو مہملہ ف ژالہ اولا

تمییز اللام و تمییز الکاف

تلخ چوک و تلخ چکوک. ف نام تره ایست ع طرخشقوق
تلخک. ف گیاهیست بنایت تلخ وگویند حنظل۔
تلک ف بضم اول وسکون لام م لوبیا وبکسر اول وسکون ثانی نم نوعو ز

تمنیق اللام

تل۔ ه بکسر اول وسکون ثانی فت کنجد۔

تمنیق النون

تلنگبین۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم فارسی وکسر موحده وسکون تحتانی م ترنجبین۔

تمنیق الواو

تلو۔ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م خار۔

تمنیق التحتانی۔

تلسی۔ ه بضم اول سکون ثانی وکسر سین مهمله فت بادرنجبویه
تلی ه بکسر اول ثانی مشدده فت سپرز۔ ع طحال

تمنیق المیم [illegible] الحاء المهمله

تمساح۔ ع بکسر اول وسکون میم با سین مهمله والف وحاء مهمله ف نهنگ

تمنیق الراء المهمله

تمر۔ ع بفتح اول وسکون ثانی باصطلاح عربان چند نام دارد اول دراطلع گویند دوم اورا اغلاق نامند وسوم او را بلح وچهارم او را بسر وپنجم او را رطب او را در مرتبه ششم تمر خوانند ف خرما ه کهجور ط حار گویند ی [illegible] خ [illegible] صادق الحلاوه ص بادام وخشخاش ل کشنیز

تمنیق اللام

تملول۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو م قثاء بری۔

تمنیق المیم

تمتم۔ بکسر هر دو فوقانی وسکون هر دو میم سماقی وبضم هر دو فوقانی ف دم گاو گویند م قسطاس۔

تمنیق الواو

تمرو۔ ه تیندو۔

تمنیق التحتانی۔

تمرهندی۔ ع ف ثمر های هندی ه انبلی ط ب گویند ۲ گویند ب ی ۳ گویند ب قابض مره ومقوی ومفرح دل خ زرد نیسره دار بنایت ترش از طبیخ او نیم سکرینه گویند پانزده درم گویند رل ص شراب بنفشه شراب خشخاش ل در جلاب اجلاص

تمنیق النون وتمنیق الموحده

تنوب۔ روی بفتح اول وضم نون وسکون واو م صنوبر لوحه که ازو قطران وزفت سازند ه درخت چنیده ه ط ح ی ۲ ف قابض شر از صمغ او یکمثقال ص بادام شیرین ل [illegible]

تمنیق الراء المهمله

تنکار۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف ع بورق ه سهاگه

تمنیق اللام۔

تنبول۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون واو برگ پان ه ناگ بیل۔

تمنیق النون

تن۔ ه بضم اول وسکون نون گل زرد یست که صباغان از در رنگ میسازند ودر نقش بعینه چون درخت [illegible] وبارش چون باز [illegible]

تمنیق الواو

تندو. ف بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مهمله ع عنکبوت۔

تمیق الهاء

تنسته - ف بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح فوقانی م یافتهٔ عنکبوت -

تمیق الواو و تمیق الالف

توتیا - بضم اول و سکون واو و کسر فوقانی با تحتانی و الف نوعیست بهترش هندیست که آنرا توتیای سبز گویند و بهندی نیله تهوتها زهر یا تهوتها نامند بعد ازان کرمانی که بپارسی توتیای سفالک و بهندی گهریا گویند طب ای ۲ ال شادنج -

تمیق الجیم

توج - ف بضم اول و سکون واو م بهی -

توبج - ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح تحتانی بیاره ایست که بر هر درخت که بپیچد آنرا خشک کند ع عشقه -

تمیق الدال المهمله

توبال الحدید - بضم اول و سکون ثانی و موحده فارسی و الف و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح مهمله و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ف برادهٔ آهن -

توتیار زرد - ف سنگ بصری ه کهپریا ق یا بس قروح طب ای ۲ گویند ب ی ۲ -

تود - ف بضم اول و سکون واو م توت -

تمیق الراء الفارسی -

تور - ف بضم اول و سکون ثانی اکیا ایست ترش مزه م ترشه ساگ ... کا

تمیق الزاء المعجمه

توتیا ... ه ... توتیا -

تمیق ... الفارسی

... ف ... اول و ثانی مجهول و زاء فارسی پوست درخت ...

که بر کمان و تلوی تیر و تفای زین و امثال آن بپیچند -

تمیق السین المهمله

توبال النحاس - بضم نون مشدد و حاء مهمله و الف و سین مهمله م خبث النحاس ف برادهٔ مس ط ح ی ۳

تمیق الضاد المعجمه

توت الحامض - ع بضم اول و سکون ثانی ف توت نوبر و سیاه طب ی ۲ گویند ر گویند ی ی اق ملین خ سیاه و بزرگ شاز رب او یکو قیه ص جلنجبین ل جاص -

تمیق الغین المعجمه

تورغ - ف بضم اول و سکون ثانی هیزمیست که آتش آن دیر تمام تاغ فتح

تمیق الکاف

توتک - ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح فوقانی ثانی جانوریست که سخن آموزد - ع - طوطی -

توتیای سفالک - ف سنگ بصری ه کهپریا -

تورک - بضم اول و فتح ثانی و راء مهمله م خرفه لونیا -

توشک - ف بضم اول و سکون ثانی و شین معجمه م برخوان -

تمیق الکاف الفارسی

تورنگ - ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح راء مهمله و سکون نون و کاف فارسی م خروس صحرائی -

تمیق اللام

توبال - ف بضم اول و سکون ثانی با موحده فارسی و الف و لام ع زیرهٔ زر و سیم و امثال آن و آنرا براده نیز گویند -

تمیق النون

توباناولن۔ سریانی بضم اول وسکون ثانی باموحدہ و
الف وضم میم ولام وسکون واو ثانی نوعی از یتوعات یعنی درخت شیردار
تولیگن۔ بضم اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی وفتح
کاف فارسی م تملیوازہ جیل۔
تون۔ ہ گل سنبھالو۔

تمنیق الواو۔

توت حلو۔ ع ف توت شیرین سفید ط ح ار ۲ گویند ب
اق لمین م بزرگ سرین از رب او بکو قیہ ص جلنجبین ل
اجاص یعنی آلو بخارا۔

تمنیق الہاء

تغنیہ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی م بافنہ عنکبوت
تودرہ ف بضم اول ثانی مجہول وفتح دال مہملہ ورا، مہملہ طاریست
بزرگ جثہ کہ گوشتش نہایت لذیذ باشد م خرد وجال۔
تورہ ف بضم اول ثانی مجہول وفتح را، مہملہ م شغال

تمنیق التحتانی

توت وحشی م بملیق و توت سہ گل۔
تونی۔ ف بضم اول سکون ثانی وکسر فوقانی ثانی ع طوطی
توردی م بضم اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ وکسر را، مہملہ
ح ۲ی ۳ گویند اق مفتح مجلی بیخ زردش از نیم مثقال تا مثقال دو مثقال ان بہمن
توری۔ و بضم اول ثانی مجہول وفتح را مہملہ وکسر خرم ثمر تروہ ہندیست
کہ رشیہ میدہد و برگہایش برگ بید انجیر ماند و گلش زرد و ثمرش ک
طولانیست بدرازی خلہا بود و نا تخورش ہندیست و قسمی از و بالیدہ
دو قسم حر ب ثمر ست و خطہا ندارد و آنرا گھیا خوانند بکسر کاف

فارسی واظہار ہا با تحتانی والف طب
تونیڑی و بضم و سکون ثانی و خفا ر نون و فتح موحدہ و کسر را
مہملہ ف کدری تلخ و آن شیرین نیست و تلخ آنکہ تخمش نیز تلخ باشد

منسیق الہا، و تمنیق الکاف

تہکک ف بفتح اول و ہام خاک۔

تمنیق الواو

تہو۔ ف بکسر اول و ثانی م تیہو۔
تنسیق الیاء التحتانی و تمنیق الجیم
تیج۔ ف بکسر اول و سکون تحتانی و جیم م تخم آبریشم و پنبہ محلوج

تمنیق الراء المہملہ

تیر۔ ف بکسر اول و سکون ثانی م شگوفہ خرما ع طلع و نام
نوعی از ماہی و نیز نام نرگس۔

تمنیق الزاء المعجمہ

تیکوز۔ ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و واو مجہول م کشک و پنیر

تمنیق السین المہملہ

تین رطب و یابس۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون
و فتح را، مہملہ و موحدہ و تحتانی و الف و موحدہ ثانی و سین مہملہ
ف انجیر تر و خشک ط رطب گویند ح ار ۲ ی ۳ ج ۱ سع ی رہی
ق مجلی و منفخ مبہی م غ اربری پوست باز کردہ بعد از ان آنچہ میل
سفیدی داشتہ باشد مبدل از ان سیلہ یابس رطلی شش از دو و دو آنچہ
تا بہت دانہ تا زہ شلر بہ دو دو اقیہ ص از پس بادام گردگان
یا سکنجبین ل در انضاج حب صنوبر یا زبیب و ثمر۔

تمنیق اللام

تیغال - بکسر اول وسکون ثانی با غین معجمه والف ۶ شکر العشر
ف شکر کوہی -

تمیق الواو

تیندو - ہ بکسر اول و ثانی مجهول و خفاء نون و ضم دال مهمله و سکون
واو ثمر درخت هندیست که چوب او آبنوس است -

تمیق التحتانی

ٹیڈی - ہ بکسر اول هندی و سکون ثانی و کسر دال مهمله هندی ف [illegible]
تیر ماہی - ہ بکسر اول و ثانی مجهول و کسر راء معجمه م زنجبیل -

ترقیم التاء المثلثه و تنسیق و تمیق الالف

ثافسیا - یونانی بمثلثه والف و کسر فاء و سکون سین مهمله و تحتانی و
الف ثانی م صمغ سداب کوہی [illegible] محرق ق و مفرح و لذیذ ش یکدانگ
[illegible] حرف دچهار دانگ وزن آن [illegible] گویند فرفیون -

تمیق الراء المهمله

ثاقب الحجر - ۶ بمثلثه والف و کسر قاف و موحده و سکون
لام و فتح حاء مهمله و جیم و سکون راء مهمله م بسفایج -

تمیق السین المهمله

ثالسقیس - یونانی بمثلثه والف و کسر لام و سکون سین
مهمله و کسر قاف و سکون تحتانی و سین مهمله ثانی م خرف بابلی
ثامرس - ۶ بمثلثه والف و کسر میم م بسفایج -

تنسیق الخاء المعجمه تمیق الراء المهمله

ثخیر - ۶ بفتح اول و کسر خاء معجمه و سکون تحتانی و راء مهمله
ف گتھارہ و کھلی -

تنسیق الدال المهمله و تمیق التحتانی

ثدی - ۶ بفتح اول و کسر دال مهمله و فتح و سکون تحتانی ف
پستان ہ چوچی و چھاخ ماخوذ از حیوان معتدل -

تنسیق العین المهمله و تمیق الموحده

ثعلب - ۶ بفتح اول و سکون عین مهمله و فتح لام و سکون
موحده ف روباه ہ لوکھڑی و لومڑی -

تمیق المیم

ثعام - ۶ بفتح اول و ثانی والف و میم ف درمنه سفید

تنسیق الغین المعجمه و تمیق الراء المهمله

ثغاریر - ۶ بفتح اول و غین معجمه والف و کسر راء مهمله و سکون
تحتانی و راء مهمله ثانی ف دستنبویه ہ کچری -

تنسیق الفاء و تمیق النون

ثفان بضم اول و فاء والف و نون ف تخم تره تیزک ہ ہالون -

تنسیق اللام و تمیق الجیم

ثلج - ۶ بفتح اول و سکون لام و جیم برف ہ پالا طب ی -

تمیق النون

ثلثان - بضم اول و سکون ثانی بمثلثه والف و نون ۶ عنب الثعلب

تمیق التحتانی

ثلج چینی - بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و جیم فارسی و سکون
تحتانی و کسر نون و سکون تحتانی ثانی ف سنگ سفید که در شرها
بکار میبرند طب ی ق مجلی ش دو دانگ ص جلال سرطان بحری

تنسیق المیم و تمیق الالف

ثمرة الطرفا - ۶ بفتح اول و سکون میم و راء مهمله و ضم فوقانی و

و فتح طاء مشدد راء مهمله و سکون راء مهمله ثانی و فا و الف م جز
مازج دعد به ف گزمازو و مایین طرح ی او گویند بلدی ۲ ق
تا بقض ج تازه قبض و وو رم ص رو قو یا تخم گدول جوز السرو
یا تیموزان پوست انار یا آمله -

تمنیق الراء المهمله

ثمرة العرعر - بفتح اول و ثانی و راء مهمله و ضم فوقانی و فتح
هر دو عین مهمله و سکون هر دو راء مهمله م جوز ابهل و هو وبر
ثمرة الکبر - بسکون لام و فتح کاف باسو شدرف کوزک طرح گویند

تمنیق الکاف

ثمرة العلیق - بضم عین مهمله و فتح لام و سکون تحتانی و
قاف ف توت سیه گل طب ای ۳ -

تمنیق المیم

ثمرة المروم - بضم دال مهمله و سکون واو م مقل مکی گوگل طب ی ۱۲

تمنیق التحتانی

ثمرة الشوک المصری - بفتح اول و ثانی و فتح راء مهمله و ضم فوقانی
و شین معجمه مشدد و سکون واو و کسر کاف و سکون لام و کسر میم ثانی و
سکون صاد مهمله و کسر راء مهمله ف گلنار -

تسنیق الواو و تمنیق الشین المعجمه

ثوشش - یونانی و سریانی بضم اول و سکون واو و کسر میم و سکون
شین معجمه ف پودنه کوهی -

تمنیق المیم

ثوم - بضم اول و سکون ثانی و میم ف سیر و لهسن طرح ی
سهر ق مفرح و ملطف و مفتح بزرگ دانه شش سه دانه
ص ترشی و روغن و گوشت فرهل ثوم مری -

تمنیق الهاء

ثوم الحیه - بضم اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون لام و
فتح حاء مهمله و تحتانی مشدد [illegible] ف سیر دشتی

تسنیق الیاء التحتانی و تمنیق اللام

ثیل - بکسر اول و سکون لام م نوع از [illegible] ف
بید گیاه طب ی اش یک مثقال ص [illegible] -

ترقیم الجیم و تسنیق الالف و تمنیق الجیم

جاوزهرج - بجیم و الف و سکون واو و فتح راء مهمله و سکون
جیم ف گاوزهر و آن حجر البقر است و گاهی روغن -

تمنیق الراء المهمله

جاوالنهر - بجیم و الف و ضم راء مهمله و فتح نون مشدده و سکون ها
و راء مهمله ثانی م جاز النهر دستی الماء و آن نباتیست که در آب روید
و به نیلوفر ماند [illegible] آب پیدا باشد طب ق [illegible] الطباط
جای - به جیم و الف و فتح عین معجمه م چینیه [illegible]
جاوشیر - بجیم و الف و سکون واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی
و راء مهمله ف گاوشیر و آن صمغ درختی ست طرح ۳ ق مفتح
ملطف مدر محلل مفتی ج زعفرانی تازه و ترکه زود در آب
حل شود و اول که از شاخ بر آید سفید باشد و بعد از آن خشکی
زرد گردد و هنگام [illegible] بشیر ماند [illegible] ص مراخور ل
سکنجبین [illegible] وزن [illegible] وزن
لین لنین یا [illegible] وزن صمغ زیتون -

تمنیق الزاء المعجمه

جاویز - بجیم والف وکسر واو وسکون تحتانی وزاء معجمه گ تی روس - وسکون واو - ع تریاق -

تمیق السین المهملة

جاسیوس - بجیم والف وضم سین مهمله وسکون واو وسین مهمله ثانی - ع خشخاش زبدی -

جامکمکس - بجیم والف وفتح میم وسکون کاف وفتح میم ثانی وسکون کاف ثانی وفتح میم ثانی وسکون سین مهمله ه بهیملی -

جاورس - ع بجیم والف وفتح واو وسکون راء مهمله وسین مهمله ف گاورس ه باجرا طب اس ۲ ق قابض مجفف ص روغن با دام یا شیر یا روغن کنجد یا روغن گاو ل با رزن و دخن

تمیق الشین المعجمة

جاشن - لفظ یونانی در رومیت ف تخم کتان

تمیق الکاف

جامغوک - ف سبزی که شبیه بابریشم درمیان آب بهمرسد -

تمیق اللام

جال - ف بجیم والف لام ع اراک و بجیم فارسی هم قسمی از طائر که آنرا جرز گویند ع حباری ه نوعی از ماهی ط ۲ گرم و خشک مولد سوداوفتق مبرودین و گوشت وپیه او جهت ربو و ضیق النفس نافع -

جای پهل - ه بجیم والف وکسر تحتانی وفتح موحده فارسی اظهارا هام جوز بوا

تمیق النون

جامن - ه بجیم والف وضم میم وسکون نون م ثمر درخت هندیست بعطر تخم مانند بنگو سیاه گرد باشند و دراز و بالیده ه جلیندا طب ق قابض

تمیق الواو

جان دارو - ف بسکون نون و دال مهمله والف وضم راء مهمله

تمیق الهاء

جامسة - ع بجیم والف وکسر میم وفتح سین مهمله وخشتار ها هم باقلای قبطی و در مصر بسیار باشد -

تمیق التحتانی

جاوی - ع بجیم والف وکسر راء مهمله وسکون تحتانی م زعفران

جالی - ف بجیم والف وکسر لام و تحتانی ویه تحتانی نیز ع اراک ه درخت پیلوق لمین -

جامی بیری - ه بجیم والف وکسر تحتانی وفتح موحده فارسی وفوقانی مشدد وکسر راء مهمله وتحتانی وثانی م لبباس -

جامی ف - بجیم والف وتحتانی مجهول ه گل چنبیلی و بجیم فارسی حشیش مشکی است که از جانب ختامی آرند وآنرا در آب جوشانیده چون قهوه می خورند وآن را صالی بصاد مهمله نیز گویند -

تمیق الباء الموحده وتمیق الجیم

جبلهنج - بکسر اول وسکون موحده وفتح لام وها وسکون نون وکسر جیم ثانی م چلاهنگ وچلنگ ف چراهنگ وآن ثمر تخم زرد خارست و بیخ وی زبدزر دست وگویند تخم زبد سیاه است ش از نیم درم تا یکدرم ل حنظل

تمیق القاف

جبلن طب و عتیق - ع بضم اول و فوقانی و کسر نون ف پنیر تر و کهنه ط ر طب یعنی تر ب ای ۳ عتیق یعنی کهنه ح ی ۳ ط تر او مغذی و مقوی ص عسل یا قند صمغ با نفع

تمیق النون

جبسیین بکسر اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و سکون تحتانی و نون ع جبس ف گچ۔

تمیق الخار

جنه ف بفتح اول و ثانی و خار و هام رب ترنج و امثال آن

تنسیق و تمیق الثار المثلثه

جثیثت ع بفتح اول و کسر مثلثه و سکون تحتانی و مثلثه ثانی ف درخت جوز و خسه ما۔

تنسیق الخار المعجمه و تمیق الجیم الفارسی

ججخ ف بفتح اول و سکون خار معجمه و جیم فارسی م شپرک کلان که مانند غلیواز زیبا شد و سرنگون خود را از درختان آویزد م خرمیواره بڑیاگڑ

تمیق الشین المعجمه

خجش ف بفتح اول و سکون ثانی ٥ بر پرواز۔

تمیق النون

خجن ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون جیم م چاکسو۔

تنسیق الدال المهمله و تمیق الموحده

جدب ع بفتح اول و سکون دال مهمله م حمار النجد ف خرکره

تمیق الرار المهمله

جدوار ع بفتح اول سکون دال مهمله و واو و الف و رار مهمله م
ودوار و ماه فرقین و ماه پروین ٥ نربسی طح ی ۳ گویند تندیر یا
و قوی مفرح دل رخ خطائی که بعد از سودن ببنفسجی باند شش انار
نیم درم تا نیم مثقال ص کشنیز خشک ل در تریاق سه وزن زر بناد۔

تمیق التحتانیه

جدی ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح تحتانی ف غالیه یعنی جلوان

تنسیق الرار المهمله و تمیق الالف

جراسیا ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر سین مهمله و تحتانی بالف ف الزنبو
جرجیر الماء ع بکسر هر دو جیم و تحتانی و سکون رار مهمله اول و ضم رار مهمله ثانی
و سکون لام با میم و الف و همزه ع قرة العین ف کرنس آبی۔

تمیق الموحده

جرب ف بضم اول و فتح ثانی م دراج۔

تمیق الفوقانی

جرنوت بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو ف بادنجان کوهی

تمیق المثلثه

جریث ع بکسر اول و ثانی مشدد و سکون تحتانی و مثلثه ف مارماهی

تمیق الدال المهمله

جراد ع بفتح اول و ثانی و الف و دال مهمله ف ملخ ٥ ٹیڑی
طح ی ۲ ق مدر مصر قدخ فسر ص خس و خیار۔

تمیق اللام المهمله

جراد البحر ع بسکون لام و فتح موحده و سکون حار مهمله
رار مهمله ثانی از بیان و روبیان ف ملخ دریائی جھینگا۔

جرجر ع بکسر هر دو جیم و سکون هر دو رار مهمله باقلا۔
جرجیر ع بکسر اول سکون ثانی و کسر ثانی و سکون تحتانی ٥ ترتیرا
گرگر یند کف عائشه طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مبهی خ
بستانی کم حدت شش درم درم ص کاسنی و کافور و خرفه و سرکه ل خ دس مسلول

تمیق القاف

جردانق ع بکسر اول و سکون ثانی و میم و فتح دال مهمله و
الف و فتح نون و سکون قاف ف کرم دانه۔

تمیق الکاف

جرواسک۔ ف بضم اول و سکون ثانی و واو والف و فتح سین مہملہ ع ضرصرہ جھینگر۔

تمیق النون

جروان ع بضم اول و سکون ثانی و دال مہملہ والف ف موش چوہا۔

تمیق التحتانی

جرجیر المصری ع ترس۔

تنسیق الزاء المعجمہ و تمیق الجیم

جزمازج ع بکسر اول و سکون زا معجمہ با میم والف و فتح راء معجمہ ثانی ع ثمرۃ الطرفاء ف گز مازوہ ائین۔

تمیق الراء المہملہ

جرز ع بفتح اول و ثانی و سکون راء مہملہ ف گزر زرد ک گاجر طح ۳ راق منضج بہی خ زرد و شیرین شن دم در مل شلغم۔

تمیق التحتانے

جرز اقلیطے و جرریمی۔ بکسر اول سکون راء مہملہ و ہمزہ و سکون قاف و کسر لام و سکون تحتانی و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی ثانی در لغت اول و فتح موحدہ و کسر راء مہملہ ثانی در لغت ثانی م شقاقل زرد گذشتی

تنسیق السین المہملہ و تمیق الفوقانی

جست۔ ہ بفتح اول و سکون سین مہملہ و فوقانی ف روح توتیا

تمیق الدال المہملہ

جساد۔ بفتح اول و ثانی و الف و دال مہملہ ف زعفران

تمیق الواو

جسر و دارو۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مہملہ و سکون واو با دل

مہملہ والف و ضم راء مہملہ ثانی و سکون واو ثانی عم خولنجان است ف خسرودارو ہ کلیجن۔

تمیق التحتانی

جسمی بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون تحتانی ف خشک گوکھرو

تنسیق و تمیق الشین المعجمہ

جشش۔ ف بفتح اول و سکون شین معجمہ مہرہ ایست کبود کہ از آن نگین سازند و رنگش شبیہ برنگ فیروزہ باشد۔

تنسیق و تمیق الصاد المعجمہ

جص۔ بفتح اول و سکون صاد مہملہ ف گچ طب ی ق قابض مجفف خ سفید براق ص شوربای حریر ل طین قیمولیا

تنسیق العین المہملہ و تمیق الہاء

جعدہ۔ بضم اول و سکون عین مہملہ و فتح دال مہملہ دو نوع است کبیر و صغیر کبیر و ریان عنبہ گویند و صغیر و را الشیرازی گل انجیر نیز گویند نوعی از دو منہ است طح ۳ ی ۲ ق منضج ملطف مدر محلل قاطع دیدان خ شامی صغیر تازہ سفید شن تلخ م ص حابا کزو ل عدد اخراج وادرار حیض دست جوف انار ترباقوہ نخ حلبی یا شیح۔

تنسیق الغین المعجمہ و تمیق الفوقانی

جغرات بضم اول و سکون غین معجمہ و با راء مہملہ والف م ماست ع صفراء

جغشت۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون شین معجمہ تره ایست کہ در ابتدای بہار بیشتر از جمیع سبزیہا بروید و آنرا با ماست و نان خورش سازند

تمیق الراء

جغارہ۔ ف بفتح اول و ثانی والف و فتح راء مہملہ و جغارہا م نیز جغشت و نان ارزان۔

تمییق الفاء و تمییق الطاء المهملہ

جفت البلوط۔ ف پوست بیرون بلوط طب ہ ی ا۔

تمییق الکاف

جفتک۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی مرغیست کہ از آن کبک را دو بر جانبی گیر قلہ و مادہ آن نیز کبک مالی دارد و بر سوی دیگر حلقہ سیاہ کہ فرو دا نید از ہر دیگر جدا شوند بجز اشتغال گردند و ہمیشہ میل پرواز کنند زان قلابہ در حلقہ مالیدہ اندازد و باہم پرواز کنند ع و شیفلنہ بفتح اول فارسی و ثانی طاء کار دانک۔

تمییق التحتانی

حفبری۔ ع بفتح و ضم اول و سکون فا و کسر راء مهملہ و سکون تحتانی ف کفری یعنی پوست ریاحین تازہ خ خوشبو ل مودو نیم وزن پوست آزرد نموزن گل سرخ باد نبال خود و یا جلنار۔

تمییق الکاف الفارسی و تمییق الہاء

جگرنہ۔ ف بفتح اول و کاف فارسی و سکون راء مهملہ و فتح نون و خفاء ہا نوعی از کلنگ کہ کوچک تر باشد و بر گردنش پرہاے سیاہ باشند کہ آن را مردم بر سر گذارند۔

تمییق اللام و تمییق الالف

جلباتشا۔ سریانی بفتح اول و سکون لام با میم و الف و شلثہ ف خیار بالنگ یعنی بادرنگ۔

تمییق الموحدہ

جلبوب۔ لغتہ بفتح اول و سکون ثانی و ضم [illegible] جلبان را زہم [illegible]

تمییق الدال المهملہ

جلد۔ ع بکسر اول بسکون ثانی و دال مهملہ ف پوست و چرم ا۔

طبع قابض مخرج و مدمل جالینس درم ہ خ پوست حیوان شیر خوار ص سرسعہ کرم دارد ل اکارع۔

جلیہ۔ ع اول بکسر ثانی و سکون تحتانی ف بزدہ بالاب طب ی آ

تمییق الراء المهملہ

جلنار۔ ع بضم اول ف گلنار و آن گل انار بریست کہ بغیر از آن ثمری ندارد طب ا می ۲ گویند ب ی ۳ ق کابض خ فارسی یا مصری ش از یک بندرم تا دو درم ص کرایا یا روغن بادام ل جفت بلوط یا شگوفہ انار یا طراثیث

تمییق الزاء المعجمہ

جلوز بکسر اول و فتح ثانی و سکون واو ف چلغوزہ و گویند بادام کوہی طب ح اگویند ۲ ی ا۔

تمییق الشین المعجمہ

جلیشن۔ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و شین معجمہ ف حلبہ

تمییق القاف

جلباق۔ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون [illegible] معجمہ با موحدہ و الف ف بیخ حماض بری۔

تمییق الکاف

جلونک۔ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح نون ہم درخت خنزیرہ۔

تمییق الکاف الفارسی

جلبہنگ۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و ہا و سکون نون و کاف فارسی ہم جلنجہنگ۔

جلنگ۔ [illegible] اول و ثانی و سکون لام ہم [illegible] ہنگ۔

تلخ آبی که بهندی جهینگر گویند۔

تمیق اللام

جلل ع بضم اول و سکون لام ف گل کلال و بفتح اول و بهندی ابابا گویند بفارسی پرنده ایست که چون بلبل خوش آواز بود۔

تمیق النون

جلجلان ع بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم و لام و الف و نون ف کشنیز خشک ص تخم نیم برشت ل تخم کاهو۔
جلنجبین ع بضم اول و فتح ثانی و سکون نون و ضم جیم و کسر موحده و سکون تحتانی ثانی ف گلقند عسلی۔
جلنسری بضم اول و سکون ثانی و فتح و سکون سین مهمله و کسر رای مهمله و سکون تحتانی ف ورد چینی۔
جلبیان بضم اول و سکون ثانی با تحتانی و الف و نون ف غله ایست مانند عدس و بشیرازی شو خوانند۔

تمیق الواو

جلبو ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو سبزیست شبیه بنعناع
جلیدارو بفتح اول و سکون ثانی و سکون تحتانی و دال مهمله و الف و ضم رای مهمله و واو هم سرخس

تمیق الهاء

جلغوزه بکسر اول فارسی و تازی سکون ثانی و ضم غین معجمه سکون واو و فتح زای معجمه و هام حب الصنوبر الکبار۔
چلگوجه بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و واو مجهول و جیم تازی عربی م جلغوزه چلگوجا۔
جلنجبین جیم سبزیان بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم جیم ثانی
و سکون واو مجهول و فتح جیم ثالث و ها ف پودینه بری۔
جله بضم اول و فتح ثانی مشدد و خفا رها نباتی است که در جای نمناک روید سفید فام و کدر و تخم و برگ ندارد م سماروغ ه کهنه رس و بفتح اول سرگین شتر۔

تمیق التحتانی

جلجلان حبشی بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی با لام ثانی و الف و ضم نون و سکون لام ثالث و فتح حای مهمله و موحده و کسر شین معجمه و سکون تحتانی ف خشخاش سیاه و گویند پودنه بریست
جلجلان مصری ف بیش۔

تمیق المیم و تمیق الفوقانی

جمست ف بفتح اول و میم و سکون سین و فوقانی ف سنگیست بنفسجی گویند که چون در فطرت جمست هر چند شراب خورند مستی نکنند و اگر پاره جمست در قدح اندازند همین عمل کند و چون در زیر بالین نهند خواب نیکو بینند۔

تمیق الدال المهملة

جمد ع بفتح اول و ثانی و سکون دال مهمله ف یخ ه پالا۔

تمیق الراء المهملة

جمار النهر ع بفتح اول و ثانی مشدد و الف و ضم رای مهمله و فتح نون مشدد و سکون ها و رای مهمله ثانی م جار النهر ل بطباط۔
جمار ع بضم اول و ثانی مشدد و الف و رای مهمله ف ثمر سبز درخت خرما که آنرا سبز خرما گویند طب ی الگوینده بسرخ ترد و شیرین ص خرما یا عسل ل حامض۔

تمیق الزاء المعجمة

جمیزف بفتح اول و ثانی و سکون تحتانی و زاء معجمه ف انجیر آدم و گولر

تمبق اللام

جمل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام ف شتره اونٹ

تمبق المیم

جمجم بربری بکسر هر دو جیم و سکون هر دو میم ف بیخی ست که بشقاقل
ماند در رنگ و گویند که از زمین زر خیزد و آنرا نشون زرین از
زمین کشند و در میان اهل چین عزیز دارند و گویند از ترکستان
خیزد و معروف بود به بیخ خطائی۔
جمسفرم بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله و فتح فا و را مهمله و سکون
میم ف ریحان سلیمانی ل رنجوش نا نمیں شیح و نموزن عنب الثعلب

تمبق النون

جمان بضم اول و ثانی و الف و نون م جلیدار و۔

تمبق الواو

جمهلوف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها و ضم لام و سکون واو م سنگ

تمبق الهاء

جمعیره بفتح اول و سکون ثانی و کسر عین مهمله و سکون
تحتانی و فتح را مهمله و خفا هاء ه بهنگره۔

تمبق التحتانی

جمد چینی بفتح اول ع ثلج چینی۔
جمهوری ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم ها و سکون
واو و کسر راء مهمله و تحتانی ف شراب مثلث۔

تمبق النون و تمبق الالف

جنطیانا یونانی بکسر اول و سکون نون و کسر طاء مهمله با تحتانی

و الف و نون و الف ل بیخ سرخ گست باندازه انگشت سطبر
و بنام پادشاهی خوانند که اورا نشاه جنطی گفتند ه کهان
و گویند درخت سنبل رومی طح ۲ ی ۳ ق در مفتح
مفرح خ رومی بسیار سرخ خوشبو بنم مثقال ص ... نوشید
بار یو ... ل یک نموزن اسارون و نموزن بت بیخ کبر با زراوند مدحرج

تمبق الدال المهمله

جنبیدر بضم اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی و دال مهمله

تمبق الراء المهمله

جناح النسر ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم خاء معجمه و فتح
نون شدده و سکون سین مهمله و راء مهمله م با فلا۔
جنجر بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم ثانی و سکون نون و راء مهمله ف کسته
جند بید ستر بضم اول و سکون نون و دال مهمله کسر موحده و
تحتانی مجهول و فتح دال مهمله ثانی و سکون سین مهمله و فتح تای مثناه و سکون
راء مهمله ف آشن بچگان و کند بید ستر و خایه حیوان بحری خصیه سگ آبی
ه خایه او و بلاد طح ی ۳ گویند ۲ ق ملطف مدرخ هر دو خصیه
بهم چسپیده و رقیق پوست که بعد از شکستن رنگش سیاه بود و در
نزاکت و سبکی میانه باشد و بویش قوی و چربی داشته باشد شش انچ
ربعد رم باکبد رم و گویند کمشتاعال دو مثقال ل بیخ دکنیم وزن فلفل

تمبق الشین المعجمه

جناح البلیش ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم حاء
مهمله و سکون لام و کسر موحده و سکون تحتانی م کنکر۔

تمبق القاف

جناح مطلق ع بضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و سکون

قاف م راسن دگوبند ہیلگوش۔

تمیق الدال

جندل۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ ف سنگ بفتح اول فارسی ف صندل سفید۔

تمیق النون

جنبدالرمان۔ ع بضم اول وسکون ثانی وکسر موحدہ وضم دال مہملہ ورار مہملہ مشدد ومیم مشدد والف ونون ف گل انار بستانی بشیرازی گلک انار گویندہ انار کی کلی۔

جنطان۔ بکسر اول وسکون ثانی م جنطیانا۔

تمیق الیار

جنطوریا۔ سریانی بفتح اول وسکون ثانی وضم طار مہملہ وسکون واو وکسر رار مہملہ وفتح تحتانی وہام قنطوریون۔

تمیق الواو وتمیق الالف

جوالسا۔ ہ بفتح اول وواو والف وخفار نون با سین مہملہ والف ثانی ف خار شتر۔

جوانا۔ بفتح اول وثانی والف وخفار نون ہ دیجابا۔

جوزبوا۔ بفتح اول وسکون ثانی وزار معجمہ وفتح موحدہ وواو والف ہ جایپھل طرح می ۳ دگویند ملطف ومقوی کبد ومعدہ خ سرخ فربہ ش ۲ درم ص عسل صندل ل کمب بموزن سنبل الطیب بالبساسہ۔

تمیق الموحدہ

جوزالطیب ع بکسر طار مہملہ وسکون تحتانی م جوزبواہ جایپھل

تمیق الفوقانی

جوت۔ ہ بضم اول وثانی مجہول وفوقانی م گھونگھچی

تمیق الجیم

جوزالمرج۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم زار معجمہ وسکون لام وفتح میم ورار مہملہ وسکون جیم م حب کاکنج۔

تمیق الرار المہملہ

جوار۔ ہ بضم اول وفتح ثانی والف ورار مہملہ غلہ ایست مشہور ف ذرہ

جوالکھار۔ ہ بفتح اول وثانی والف وفتح کاف واظہار ہا والف ثانی ورار مہملہ م نطرون۔

تمیق الزار المعجمہ

جوز۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وزار معجمہ ف گردگان ہ اخروٹ طرح می ۲ گویند ح ۲ اق مثلن مہیج خ رقیق پوست ش از نخود م تا دہ درم ص سکنجبین با جشتہ با سرکہ وسماق فی نجم المحفرا با جوز ہندی بفندق ہا وبضم اول فارسی سکون ثانی وفا ف رائز

تمیق العین المہملہ

جوزالرفع۔ بفتح رار مہملہ مشدد وسکون فا وعین مہملہ م جوزالقی

تمیق الکاف

جوبنک۔ ف بضم اول وثانی مجہول وکسر موحدہ وسکون تحتانی وفتح نون م طارکارد ایک

جولاہک۔ بضم اول وثانی مجہول ولام والف وفتح ہا م عنکبوت۔

تمیق اللام

جوزالاہل۔ ع بسکون لام وفتح ہمزہ وسکون موحدہ وفتح ہا وسکون لام ثانی ہ موبر

جوزالکوتل۔ بفتح کاف وسکون واو وفتح مثلثہ م جوزالقی۔

جوزماثل۔ ع بضم میم والف وکسر مثلثہ ف گوزماہ ہ دترہ ط ب ی ۳ ق مخدر مفشی مقئی مسموم ش یک قیراط ص

جوز الحجر

جول - ف بضم اول و سکون ثانی م غلیواز۔

تمیق المیم

جوزخندم - بکسر زاء معجمہ و فتح جیم و سکون نون و ضم دال مہملہ و سکون نون بہمین نام مشہور ست بشیرازی گل گندم گویند۔

تمیق النون

جودان - بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ والف نوعی از کافر چینہ ان مثان و نوعی از مید و نوعی از انار کہ دانہ ان نخستگی برآب سنہ

تمیق الواو

جوزالسرو - ع بفتح سین مہملہ مشدد و سکون رائے مہملہ و واو مجہول - ف کوز کلاغ کہ ثمر درخت سرو ست طح ای ۲ گویند ب ی ق قابض و حابس خ تازہ ش از نیم درم تا نیم مثقال ص عسل ل نیموزن بہ انار یا نیموزن کوز د نیموزن ابہل و نیموزن گز مارک قوتش تا سہ سال باقی ماند

تمیق الہاء

جودانہ - ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ والف و فتح نون هم جودانہ

جوزالرتہ - بکسر راء مہملہ مشدد و فتح فوقانی مشددہ ہ رتھا۔

جولاہ - ف بضم اول و ثانی مجہول لام و واو اظہار ہا ع عنکبوت

جولاہہ - بفتح لام والف و ہاء اول و آخر م عنکبوت۔

جولہ - ف بفتح لام و اظہار ہا م عنکبوت۔

جولہہ - بفتح لام و اظہار ہاء اول م عنکبوت۔

تمیق التحتانی

جوزالقی - ع بضم زاء معجمہ و سکون لام و فتح ہمزہ بن ک ط ح ی ق قی ش از یک درم تا دو درم در قالنج و لقوہ مجرب ل بس د جمعہا ل خ نق سفید

جوز ہندی - بکسر و سکون ثانی و کسر دال مہملہ فا جیلہ ہ ناریل کھوپرا

تمیق الہاء و تمیق الواو

جھاؤ - ہ بفتح اول و اظہار ہا والف و ضم ہمزہ و سکون واو ع طرفا ف گز ط ا سر د ۲ خشک۔

تمیق الہاء

جھودانہ - ف بضم اول و ثانی و سکون واو با دال مہملہ و الف و فتح نون و خفا ہا درختی ست کہ صمغ آن اکلک و زدہ گویند بغربیدہ

تمیق التحتانی و تمیق الالف

جلیبہا - بکسر اول و سکون تحتانی و خفا نون و موحدہ والف ہ ددجوبہ ع عروق الصفر و عروق زعفران ط ۲ گرم و خشک

تمیق الکاف

جیوک - بکسر اول و سکون تحتانی و فتح واو و سکون کاف گھونگچی

تمیق اللام

جیبال - ہ بفتح اول و سکون ثانی با موحدہ فارسی الف و لام ع حب السلاطین ہ جما لگوٹہ۔

تمیق الواو

جلیدارو - بکسر اول و سکون ثانی با لام با دال مہملہ الف و ضم راء مہملہ م سرخ بل - در اخراج دود رنگ کابلی یا تنبل۔

تمیق الہاء

جیوہ - ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو و خفا ہا م سیماب

ترتیب الجیم الفارسی و تمیق الموحدۃ

چابپا - ہ بجیم فارسی والف و با فارسی نیز موحدہ م دواسے

هندیست که کچ بیل ثمر اوست

تمیق الکاف

چاوک ف بجیم فارسی والف وفتح واو م چکاوک ه طائر جل

تمیق اللام

چال ف بسکون لام قسمی از مرغ جر زرع حباری ه نوعی از آن است

تمیق النون

چاکون بجیم فارسی والف وسکون رای مهمله وضم کاف فارسی سکون واو و نون م ریا تیزی

تمیق الواو

چاکسو ه بسکون کاف وضم سین مهمله وسکون واو م تشمیزج [illegible]

تمیق التحتانی

چامی بتحتانی مجهول اخشیش خشکی است که از جانب خطا [illegible]
آب جوشانیده چون قهوه می آشامند و [illegible] گویند

تنسیق الموحده الفارسی وتمیق الشین المعجمه

چپیش ف بفتح اول فارسی وضم ثانی فارسی [illegible] سالہ

تمیق الغین المعجمه

چپاغ ف بکسر اول فارسی با فارسی ثانی و [illegible] نوعی از ماهی

تمیق الکاف

چپوک ف بضم اول فارسی ثانی وسکون واو و کاف م گنجشک

تنسیق التاء الفوقانی وتمیق الالف

چترا ه بکسر اول فارسی سکون فوقانی هندی وفتح جیم فارسی را مهمله الف خار [illegible]

تنسیق الجیم الفارسی وتمیق الالف

چچینڈا ه بفتح اول فارسی وکسر جیم فارسی ثانی وتحتانی مجهول [illegible]
ودال مهمله هندی ف سایه پرور [illegible] هندیست [illegible]

در از و بیات نوری و ناخورشی است

تمیق الواو

چچو ف بضم اول وثانی فارسی م پستان

تنسیق الدال المهمله وتمیق الالف

چدروار ف بضم اول فارسی دال مهمله وسکون را و واو الف م [illegible]

تنسیق الراء المهمله وتمیق الالف

چرایتا ه بکسر اول فارسی با راء مهمله والف وکسر تحتانی وفوقانی
ع قصب الذریره ط ۲ گرم وخشک م لطف و بدل

تنسیق الدال المهمله

چرغند ف با اول فارسی [illegible] گوسپند را گویند که گوشت [illegible]

تنسیق الراء المعجمه

چرز ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وزاء معجمه م حباری

تمیق الشین المعجمه

چرش ف بفتح اول فارسی سکون ثانی وکسر [illegible] سکون شین [illegible]

تمیق الغین المعجمه

چرغ ف بفتح اول فارسی سکون ثانی غ [illegible] جانوریست شکاری

تمیق الکاف

چرپلک ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح موحده و
سکون کاف م سر شیر و تر کی قیماغ ه ملائی
چرک ف بفتح اول فارسی سکون ثانی [illegible] از درخت [illegible]
چردک ف بفتح اول فارسی [illegible] ثانی وسکون واو م [illegible]

تمیق اللام

چرغول ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وضم غین معجمه وسکون

داء ع لسان الحجل-

تمیز الواو

چربوی ف بفتح اول فارسی سکون ثانی و ضم بوحده و سکون واو هم چربی -

تمیز الراو

چراغله ف بفتح اول فارسی و ثانی و الف و سکون غین معجمه و فتح لام هم کرم شب تاب-

چرغنده ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح غین معجمه و سکون نون و فتح دال مهمله روده گوسفند که گوشت پر کرده باشند هم کل

تمیز التحانی

چروبحی ه بکسر اول فارسی و فتح ثانی و سکون واو و حطار زون بکسر جیم ف نقل خواجه-

تمیز الزاء المعجمه و تمیز الدال المهمله

چرزد ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی جانوریست مانند ملخ که در تابستان در هوای گرم بیشتر بهم رسد و بسیار فریاد کند-

تمیز الزاء المعجمه

چرز ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی هم میمون-

تمیز الغین المعجمه

چرغ ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی هم خار پشت-

تمیز الکاف

چرک ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی هم خارپشت-

تمیز و تمیز الشین المعجمه

چشم گاو میش ف بفتح اول فارسی با کاف فارسی هم بابونه-

تمیز الکاف

چشتمک ف بفتح اول فارسی و سکون شین معجمه و فتح میم هم چاکسو

تمیز المیم

چشام و چشنجام ف بفتح اول فارسی و ثانی و الف در لغت اول و بفتح اول فارسی و سکون ثانی با فار منقوطه و الف در لغت ثانی هم چاکسو-

تمیز الواو

چشم گاو ف بفتح اول فارسی و با کاف فارسی هم بابونه-

تمیز الغین المعجمه و تمیز الدال المهمله

چغد ف بضم اول فارسی و سکون ثانی پرنده ایست مشهور و معروف که به نحوست اشتهار دارد هم الو-

تمیز الراء المهمله

چقندر ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و فتح دال ع سلق

تمیز الزاء المعجمه

چغز ف بفتح اول فارسی و ثانی و سکون زاء معجمه هم گیاه را از غوک-

تمیز الغین المعجمه

چغغ ف بضم اول فارسی چوب آبنوس-

تمیز الکاف

چغک و چغوک ف لغت اول بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون کاف و لغت ثانی بضم اول و ثانی و سکون واو هم گنجشک-

تمیز الدال

چغزداره ف بفتح اول فارسی و سکون زاء معجمه با دال مهمله و الف و فتح راء مهمله و خفا ها هم جل بکسر ه سوال

چغنه ف بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح نون هم گنجشک-

تمیز و تمیز الکاف

چکاوک ـ ف بفتح اول فارسی و کاف و الف و فتح واو و سکون کاف ثانی پرنده ایست از گنجشک اندک بزرگتر و خوش آواز بود هم چل ع قنبره و ابو الملیح و در عراق قوره نامند و سرخاب نیز گویند

تمیق الهاء

چکاسه ـ ف بفتح اول فارسی و ثانی و الف و فتح سین مهمله هم چانشب

تمیق التحتانی

چکری ـ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر راء مهمله نوعی از ریواس

تنیس الکاف الفارسی و تمیق الراء المهمله

چکندر ـ ف بضم اول و کاف فارسی سکون نون و فتح دال مهمله هم چقندر

تمیق الکاف

چگلک ـ ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی فارسی هم کنجشک
چگوک ـ ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی فارسی و واو مجهول ایم کنجشک و خرفه را نیز گویند۔

تمیق التحتانی

چگانی ـ ف بفتح اول فارسی و ثانی مشدد و فارسی و الف و کسر نون هم نوعے از خربزه۔

تنیق اللام و تمیق الکاف

چلانک ـ ف بضم اول فارسی و لام و الف و فتح نون هم سرگین گردانک ع جعل

تمیق الهاء

چلپاسه ـ ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی با موحده فارسی و الف و فتح سین مهمله و خفاء ه چھپکلی و چھپکلی
چلچله ـ ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و کسر جیم فارسی و فتح لام هم لاک پشت و کچھوا۔

تنیس المیم و تمیق الشین المعجمه

چمش ـ ف بفتح اول فارسی و سکون میم هم چاکسو۔

تمیق المیم

چمم ـ ف بضم اول فارسی و سکون میم هم تلف انگور که شیره آن گرفته باشند و بکسر اول چاکسو هم چل بک و سوال۔

تنیس النون و تمیق الالف

چنپا ـ ه بفتح اول فارسی و سکون نون و موحده فارسی شجر هندیست که گلش خوشبو و برگ صنوبریست و تخمی است درمیان گل وی که مسکر است ط ب ی

تمیق الفوقانی

چندرکانت ـ ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون راء مهمله و کاف و الف و خفاء نون ثانی ع حجر القمر۔

تمیق الراء المهمله

چندر ـ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح دال مهمله هم چقندر
چنگار ـ ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کاف فارسی و الف هم خرچنگ ع سرطان۔

تمیق الکاف

چنبک ـ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده هم سنگ آهن ربا ع مقناطیس۔

تمیق النون

چندن ـ ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح دال مهمله و سکون نون نوع صندل سفید۔

تمیق التحتانی

چنگلاہی - ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وکاف فارسی بالام والف وکسر ہا وسکون تحتانی ہم علیو از ـ

تنسیق الواو وتمیق الالف

چوزہ رباد چوزہ لواٹ لغت اول بفتح اول فارسی سکون ثانی وفتح زا معجمہ فارسی خفا ہا وضم را مہملہ با موحدہ والف ولغت دوم بفتح اول فارسی سکون ثانی وفتح زا معجمہ فارسی خفا ہا وضم لام واو دم علیو از ـ

تمیق الرار المہملۃ

چوبخوار - ف بضم اول فارسی ثانی مجہول وسکون موحدہ وضم خار معجمہ وواو معدولہ والف ورار مہملہ ہم دیوک ع ارضہ

چوریور وچور - ف لغت اول بضم موحدہ فارسی واو مجہول ثانی ولغت ثانی بضم اول فارسی وثانی مجہول ہم تدرو

تمیق الکاف

چوک - ہ بضم اول فارسی وسکون ثانی وکاف ع حماض بود فارسی جانوریست کہ خود را از شاخ درخت آویزد وحق حق بگوید تا آنکہ قطرہ خون از حلق او بچکد وبمعنی آلت تناسل ہم آمدہ وبواو مجہول ع اسپانخ

چولک ف بضم اول فارسی سکون ثانی وفتح کاف ہم طائر بوم

تمیق النون

چوبین - ف بضم اول فارسی وثانی مجہول وکسر موحدہ وسکون تحتانی ہم طائر کاروانک ـ

تمیق الہار

چوب دانہ - ف سنجد ع غبیرا

چوبینہ ف بضم اول فارسی ثانی مجہول وکسر موحدہ وسکون تحتانی وفتح نون وخفار ہا ہم چوبین ـ

تمیق التحتانی

چولائی - ہ بفتح اول فارسی وسکون ثانی بالام والف وکسر ہمزہ وتحتانی ف سبزی مشہور ہندیست کہانا تخویرش سازند ـ

تنسیق الہار وتمیق الالف

چھبررا - ہ بفتح اول فارسی واظہار ہا وکسر را مہملہ وسکون تحتانی با رار مہملہ ثانی والف ہم اشنہ ـ

تمیق الدال المہملۃ

چھبیر کند - ہ بکسر اول فارسی واظہار ہا وسکون تحتانی ورا مہملہ دوای ہندیست کہ قسم ثانی او کہ سفید است وہ بداری کند گویند

تمیق الرار المہملۃ

چھبر ہ بفتح اول فارسی واظہار ہا ثانی وسکون را مہملہ ع سنبل الطیب

تمیق التحتانی

چھڑامانسی ہ بفتح اول فارسی واظہار ہا وفوقانی ہندی والف ومیم والف ثانی وخفار نون وکسر سین مہملہ وتحتانی ہم سنبل ـ

تنسیق التحتانی وتمیق الالف

چلیتا - ہ بکسر اول فارسی سکون تحتانی وفوقانی والف ہم شیطرج

تمیق الہار

چیڈہ - ہ بکسر اول فارسی وسکون تحتانی وفتح دال ہندی وہاے ہندی ہم صنوبر صغار ـ

ترقیم الحار المہملۃ وتنسیق ہا وتمیق الالف

حاشا - یونانی بحا مہملہ والف وشین معجمہ والف ثانی قسما نوعی از

بودینہ کوہی گویند برگ سپید او دشتی است طح یی گویند ہو ق لطیف مفتح محلل مقطع تازہ و ترش نمود و ص نفاخ ع اطبا شیرل بوزینہ
حالوما۔ یبرانی بحار مہملہ والف و ضم لام و سکون واو با میم الف ثانی ہم شنکار۔

تمیق الجیم

حاج۔ ع بحار مہملہ والف و جیم ف خار ایست کہ ترنجبین از آن بہم رسد

تمیق الرار المہملہ

حافر الحمار۔ ع ف خر بخور ش جہت عسر ولادت مجرب
حافر۔ ع بحار مہملہ والف و کسر فا ف سم ہ گرم طب ی ف
مجفف خ ازجو ابکہ بخور ند ص دغن ل قرن۔
حافر المہر۔ ع بحار مہملہ والف و کسر فا و ضم را مہملہ و سکون لام و فتح
میم و سکون ثانی و را مہملہ ثانی ہم سر سجان بعت بربری ل سسالیوس

تمیق الشین المعجمہ

حافر حمار الوحش۔ ع ف سم گورخر دخشن انبر نشن خضر جہت صرع نافع

تمیق اللام

حافظ الاطفال و حافظ النحل۔ ع ہم فسر فیون۔

تمیق النون

حافر البرذون۔ ع ف سم خر بناور سوختہ او جہت شقاق نافع

تمیق الموحدة و تمیق الالف

حباق۔ سریانی بفتح اول و موحدہ و الف و قاف و الف ثانی ہم جند قوتی
حب الترشا۔ بضم فوقانی و سکون را مہملہ با شین معجمہ و الف
ف تخم ترشنگ کہ ہجر کے مکے بیج۔
حبۃ الخضراء۔ ع بفتح خا معجمہ و سکون ضاد معجمہ با را مہملہ و الف ضم نمر
درخت بطم ف شقاقل دست بطم طح ی گویند س گویند ہم ق مہی

خ بزرگ سبز تازہ شن ازو دو ہم مہاردرم ص کثیر ل مغز پستہ و مغز بادام
حبۃ السوداء۔ ع بفتح اول و ثانی شدد و ضم فوقانی و فتح سین مہملہ
شدد و سکون واو با دال مہملہ ف سیاہ دانہ۔
حب سنگلا۔ بفتح اول و کسر ثانی شدد و فتح جیم و سکون نون و فتح کاف با لام ہم بادام حب السمنہ
حبق القنا۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام
و فتح فا و فوقانی ہم برزنگوش ہ مرد اط ۲ گرم خشک۔
حبق الفنا۔ ع بفتح فا و نون ف روباہ ترکیب۔
حبق الماء۔ ع با میم مفتوحہ و الف ممدودہ ف پودینہ آبی۔

تمیق الموحدة

حب البیسب۔ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و فتح را معجمہ مشدد و کسر موحدہ
و سکون تحتانی و موحدہ ثانی ف تخم مویزہ اکرکی طب لحی ہم شیر نخود ہم حب کسر
حب المحلب۔ ع بکسر میم و سکون حا مہملہ و فتح لام و موحدہ ف بیوند
مریم و کمیلا طح ی گویند ع گویند ل مغز بادام تلخ۔

تمیق الفوقانی

حب القلقت۔ ع بکسر قاف و سکون لام و فوقانی ف اشن ہندی
دغزمہ و ٹھو گویند کاتھہ کاتھی ہ گویند ہ اشل تخم بلبور

تمیق المہملہ الجیم

حب الکاکنج۔ ع ف عروس بردہ طب ع گویند بہ بای الزنہ
موخ زرگ سرخ کوری با بستانی ص ری گلسرخ ل عنب الثعلب

تمیق الحاء المہملہ

حبوا التمساح۔ ع بکسر فوقانی و سکون میم و سین مہملہ الف ف پودینہ

تمیق الخاء المعجمہ

حب البطیخ۔ ع ف تخم خربزہ ل شونیز یا حب ہندوانہ۔

حبق الشیوخ ع ف مرو رشک۔

تمیق الدال المہملہ

حب ارشاد ع بفتح را مہملہ مشدد و شین معجمہ و الف و دال مہملہ ف تخم تره تیزک طح ی مرق مفتح ملطف مقطع مسہل البلغم و مرة صفراء بالی ورش و مثقال ص سکنجبین حریر خردل تخم زرب صعاتر الف

حب الفقد ع بفتح فا و قاف و سکون دال مہملہ ف تخم نخلکشت

حب الہیود ع بفتح تحتانی و ضم ہا و سکون واو م حب کا کنج۔

تمیق الرار المہملہ

حب الصنوبر صغار ع بفتح صاد مہملہ مشدد و نون و سکون واو و فتح موحدہ ثانی و کسر را مہملہ و صاد مہملہ ثانی با غین معجمہ و الف و رار مہملہ ثانی ف تخم کاج و نازده چند کبیر طح ی ش از سه درم تا چہار درم

حب الصنوبر کبار ع بکسر کاف و فتح با موحدہ ثانی ف چلغوزہ و ہ

چلگوزہ و ز طح را دگویند سم دگویند ح ب ق مبہی ش از سه درم تا پنجدرم ص با قند خوردن ل حب محلب مقشر یا تخم زن بادام مقشر یا مغز تخم خربزہ یا مغز جوز ہندی یا مغز بادام کوہی یا حب صنوبر صغار۔

حب العرعر ع بفتح ہر دو عین مہملہ و سکون ہر دو را مہملہ ف تخم دہل ہوہ بیر۔

حب العصفر ع بفتح عین مہملہ و سکون صاد مہملہ و فتح فا و سکون رای مہملہ ف خسکدانہ۔

حب الغار ع بغین معجمہ و الف و را مہملہ مشہور بہبین بست طح ی س ا ل حب محلب یا مغز بادام تلخ۔

حبق البقر ع بسکون لام و فتح موحدہ و نون ف بابونہ

تمیق الزاء المعجمہ

حب العزیز ع بفتح عین مہملہ و کسر زا معجمہ و سکون تحتانی و زا معجمہ ثانی م حب الزلم ف تخم کنکر۔

حب اللوز ع بفتح واو و سکون زا معجمہ مشدد ع لسان العصافیر

تمیق السین المہملہ

حب الآس ع بمد ہمزہ و سین مہملہ ف تخم مورد طب ی ۲ خ بستانی فربہ رسیدہ تازہ ش از سه درم تا پنجدرم ص صمغ عربی ل ا ب ورق آن یا صعتر۔

حب الانبرباریس ع بفتح ہمزہ و سکون نون و فتح موحدہ و سکون را مہملہ با موحدہ ثانی و الف و کسر را مہملہ ثانی و سکون تحتانی و سین مہملہ ص قرنفل و شکر ل گلسرخ و صندل سفید

حب الریباس ع بکسر را مہملہ مشدد و سکون تحتانی با موحدہ و نون و دیگر ملینعف تخم ریباس طب ی خ تازہ ل حماض بستانی

تمیق الطاء المہملہ

حب القراط ع بکسر را مہملہ مشدد و سکون تحتانی با موحدہ و الف ف تخم ریباس طب ی خ تازہ ل حماض بستانی۔

تمیق العین المہملہ

حب الخروع ع بضم خار معجمہ و سکون رار مہملہ و فتح واو و سکون عین مہملہ ف تخم بید انجیره ریندی طح ش ده دانہ مقشر ل مغز پستہ یا تخم زن تخم ترزد تخم زن مغز چلغوزہ۔

حب القرع ع بسکون لام و فتح قاف و سکون را مہملہ ف تخم کدو طب بج ۔ ماخوذ از کدو ی آب شیرین پرورش یافتہ باشد شربت ده درم ص تخم خس ل کثیرا یا مغز تخم ہندوانہ۔

تمیز القاف

حب العلق ع ف تخم نوت سه کل طاخام دردمون ب بی
حبق ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف ف پودنه۔

تمیز الکاف

حب الملوک ع م ا مودانه و جمال گوبط ۲ گرم ۳ گرم و خشک

تمیز اللام

حب الأثل ع بفتح همزه و سکون مثلثه و لام ف گزمازج
حب السفرجل ع بفتح سین مهمله و فاء و سکون راء مهمله و فتح
جیم ف بهدانه هی کیجیج طب ر ۲ خ ماخوذ از بزرش
ش ۲ درم ص قندل بزر قطونا۔
حب القلقل ع بکسر هر دو قاف و سکون هر دو لام ف تخم انار
دشتی طح ر ۱ گویندی ق رطب ش دو درم ص عسل مانند
ل منافات و حب الصنوبر و تودری سفید و چهار دانگ وزن آن
مغز تخم خیارین و نیم وزن ابهل گویند نارجیل۔
حب النیل ع بکسر نون و سکون تحتانی و لام ف کنکوار کوادودهی
طح ی ۲ گویند او گویند ۳ ق مسهل بلغم خ بستانی ش از نیم درم
تا یکدرم و در مطبوخ تا هفت درم ص بادیان برد غمی گرگان
اهلیله گویند در دل مقوی باد در اسهال و دفع سوداء نیم وزن
خنظل و دو دانگ وزن حجر ارمنی۔
حبق الفیل ع بفتح اول و ثانی و ضم ثالث و سکون لام و کسر فاء
سکون تحتانی مرزنگوش طلا بیش باخاد و حمام جهت صداع بارد مجرب

تمیز المیم

حب الزلم ع بفتح زاء معجمه مشدد و لام و سکون میم ف

تخم فلفل طح ۳ ر گوتیج ی ق بهی ح تازه ش دو درم ص
عاقرقرحا خشخاش تا رجیل و شقاقل در تقویت با حب الصنوبر و بوزیدان
حب المنتشم بضم میم و سکون نون و کسر شین معجمه ف نقل خواجه۔
حب النوم ع بفتح نون مشدد و سکون واو م حب کاکنج۔

تمیز النون

حب البان ع بموحده و الف و نون ف بسته غالیه لکا بن
کیجیج طح ی ۲ گویند ۳ گویند ر اخ خوشبوی ش دو درم ل
قشور سلیخه با فوه ودع و یک آن نیساسه ص انیسون۔
حب البلسان ع بسکون لام و فتح موحده ثانی لام و سین
مهمله و الف ف تخم بلسان طح ی ۲ م ملطف و مقوی کبد و مجلی
او ساخ قروح ش دو درم ص کتیرا ل عود بلسان و یک
نیم وزن سلیخه و دو آن یک لسباسه۔
حب البراسن ع براء مهمله مشدد و الف و فتح سین مهمله م نیم دریه
حب الرمان ع بضم راء مهمله مشدد با میم مشدد و الف و نون ف
انار دانه طاب ی اخ ترش و مفرح ش از ده درم تا بیست درم ل سماق
حب السلاطین ع بفتح سین مهمله مشدد و لام و الف و کسر طاء مهمله
و سکون تحتانی ف دنده جمال گوتا دم جیپال۔
حب القطن ع بضم قاف و سکون طاء مهمله و نون ف
پنبه دانه منوا طح ر ۲ د گویند ب خ بزرگ بر مغز ش هفت
درم ص خمیر منفشه ل حب الرشف نیم وزن۔
حب الساکین ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح
میم و سین مهمله و الف و کسر کاف و سکون تحتانی و نون م تخم لبلاب
عجبن ع بکسر اول و سکون ثانی و نون ف جوزبره۔

تمییز الهاء

حب السمنة ع بکسر سین مهمله شدده و سکون میم و فتح نون و ها
خفا ها ف نقل خواجه جرو بخی طرح راگویند ق مسمن برخ
انچه ازبلاد در نبود ش مثقال گویند از خشک او دو درم ص قند و شیره
ان تخم مغز پسته و تخم مغز بادام و تخم کنجد متقشرها حب المحلب
حب خلوه بضم خا معجمه و سکون لام و فتح واو ها ام انیسون
حبه ع بفتح اول و بای شدده با ها ف سرخ ه گهونگچی و رتی -

تمییز التحتانی

حباری ع بضم اول با موحده و الف و کسر را مهمله و سکون تحتانی
بفتح را مهمله و الف مقصوره طائریست ف جرز ط گوشت او ح ر
حب الکمثری ع بسکون لام و ضم کاف و میم شدده و فتح مثلثه و
را مهمله و الف مقصوره ف تخم امرود طرح ی خ بزرگ
زردی مائل ش ج چهار درم ص عناب یا بزر قطونا.
حب سجستانی ع بکسر سین مهمله و جیم و سکون سین مهمله ثانی با
فوقانی و الف و کسر نون ثانی ف دانه قاقله الایچی کے بیج -
حبق الراعی ع برا مهمله و الف و کسر عین مهمله و تحتانی هم ریحان سپ
حبق ریحانی ع بضم فوقانی و کسر را مهمله و سکون نون با جیم و الف
و کسر نون ثانی و تحتانی ف بالنگو ش دو مثقال ل تخم ریحان
حبق خراسانی ع بضم خا معجمه و را مهمله و الف و سین مهمله
و الف و کسر نون ف تره سعتر اسانی -
حبق صعتری بکسر صاد و سکون تحتانی با ف و بضم صاد مهمله و سکون
عین مهمله و فتح تحتانی و کسر را مهمله هم شاهسفرم ف تخم ریحان
حبق قرنفلی ... ف بالنگوی خرد و بادرنجبویه -

حبق کرمانی بکسر کاف و سکون را مهمله با میم و الف و کسر نون
هم شاهسفرم ف تخم ریحان و نیاز بو کے بیج -
حبق نبطی بفتح نون و سکون موحده ثانی و کسر طا مهمله ف بو دیه بستانی

تمییز الثاء المثلثة و تمییز الالف

حثرما - سریانی بفتح اول و سکون مثلثه و فتح را مهمله و میم و الف بود

تمییز الجیم و تمییز الالف

حجر الرحا - ع بفتح اول و جیم و ضم را مهمله و کسر را مهمله شدده
با حا مهمله ثانی و الف ف سنگ آسیا -

تمییز الموحدة

حجر الیشب - ع بفتح تحتانی و سکون شین معجمه و موحده ف سنگ یشب

تمییز الفوقانی

حجر الابهت ع بسکون لام و ضم همزه و فتح موحده شدده و سکون فوقانی ... گربه ...
حجر الحوت ع بسکون لام و ضم حا مهمله ثانی و سکون واو ف
سنگیست که در سر ماهی یابند در جائیکه دماغ است -

تمییز الجیم

حجر الاسفنج - ع بکسر همزه و سکون سین مهمله و فتح فا و سکون نون
و جیم ف سنگی است که در میان اسفنج یابند بهترین او سفید
صلب ط اگرم ۲ خشک قاطع نزف الدم -
حجر الافروج ع بفتح همزه و سکون فا و ضم را مهمله و سکون واو و جیم
ف سنگیست که از بلاد روم خیزد و سنگی بود که بر ... البدل حجر الشعنم

تمییز الدال المهملة

حجر الیهود ع بفتح تحتانی و ضم ها و سکون واو ف سنگ جهودان
که بزیتون ماند و خطوط بسیار در وی هست سرد طبع گویند با ... ۲

ق مفتت خ ریتونی شکل ش ق ن بمدم ام ص سکنجبین سفرجلی ل جهت نقرس

حجر الازورد ع بالام والف وسکون زار معجمه و فتح واو و سکون رار مهمله ف سنگ لاجورد۔

تمیق الرار المهمله

حجر الاحمر ع بفتح همزه و سکون حار مهمله و فتح میم ف سنگیست بلون لبسد از جمله سموم قتاله است۔

حجر البقر ع بفتح موحده و قاف ف سنگی است که در زهره گاو بهم رسد و آن پازهر است ع حجر زهر ف گاو زهره گاو سوس م

حجر البلور ع بضم موحده و لام ثانی و سکون واو ف سنگ بلور

حجر الطور ع بضم طار مهمله مشدد و سکون واو م حجر الدم

حجر القمر ع بفتح قاف و میم م بزاق القمر ف زبد القمر م چند ر کانت کر لبسب افزونی ماه یابند در بلاد عرب ط ۲ سرد خشک

حجر القیشور ع بفتح قاف و سکون تحتانی وضم شین معجمه و سکون واو و رار مهمله ف نوعی از کف دریا۔

حجر النسر ع بفتح نون مشدد و سکون سین مهمله و رار مهمله م انگشت ه کر نجوا۔

حجر النمر ع بفتح نون مشدد و کسر میم ف سنگیست که در دل پلنگ بهم رسد

حجر النار ع بفتح نون مشدد و الف ف سنگ چقماق و رنگ مختلف الالوان میباشد ط ب ای ۳ ق ذرور او مجفف خنازیر جهت التیام قروح عسر الاندمال جمله اعضا و تعلیقا در لته لبسته بر ران حامله نافع عسر ولادت۔

حجر النور ع بفتح نون مشدد و سکون واو م رقشیشا۔

تمیق السین المهمله

حجر اناغاطیس یونانی بفتح همزه و نون و الف و غین معجمه الف ثانی و کسر طار مهمله و سکون سین مهمله ف سنگی که چون بسیار نگاه کنی مانند

حجر التیس ع بفتح فوقانی مشدد و سکون تحتانی م زهر پانگاه و پازهر حیوانی آن از بیحرانی حاصل میشود که در آتش مخلصیست از زهر مهره

حجر المغناطیس ع بکسر میم و سکون غین و فتح نون و الف و کسر طار مهمله و سکون تحتانی و سین مهمله ف سنگ آهن ربا ه چمک پتهر

تمیق الطار المهمله

حجر السلطیط ع بفتح سین مهمله مشدد و سکون طار مهمله و کسر لام مهمله و سکون تحتانی و طار مهمله ثانی ف سنگ مرمر۔

تمیق الفار

حجر الخطاطیف ع بفتح خار معجمه و طار مهمله و کسر طار مهمله ثانی و سکون تحتانی ف سنگ پرستوک چون بچه نخستین پرستوک در افزونی ماه کشی و شکمش بشگافی دو پاره سنگ آید یکی برنگی دیگر به رنگ مختلف

حجر الشفاف ع بفتح شین معجمه مشدد و فار مشدد و الف م حجر فتیلہ

تمیق القاف

حجر مشقق ع بضم میم و فتح شین معجمه و قاف مشدد و سکون قاف ثانی م سنگیست زرد از بلاد مصر خرد و تو بر تو بود و رخ زعفرانی گیرد و زیر بیده شگافته تو بر تو

تمیق الکاف

حجر الدیک ع ف سنگیست که در شکم خروس بهم رسد ط ۲ گرم و خشک

حجر الکرک ۔ بفتح کاف و رار مهمله و سکون کاف ثانی ف سنگی است بغایت سفید بر ساحل بحر هند بهم رسد ط ب ی ۱۔

حجر الکرزنگ ۔ ه سنگ مصری ط ۲ سرد و خشک

حجر المحک ۔ ه کسوتی سنگیست سیاه ط ۲ سرد و خشک جهت درد گرده نافع

تمییز اللام

حجل - ع بفتح اول و سکون ثانی و لام ف کبکه التسخوانه -

تمییز المیم

حجر الحمام - ع بفتح حار مهمله ثانی با میم الف میم ثانی ف سنگیست که در کبوتر یا به

حجر الدم - ع بفتح دال مهمله مشدد ف شادنج -

حجر الرخام - ع بضم رار مهمله مشدد و ثانی با خار معجمه و الف هم طین

قیمولیا سنگی سفید مشهور است و دو اقسام باشد خ سفید طب

۲ ی ۳ ق قاطع نزف الدم و مدمل جراحات با سرکه و محلل

اورام و ذرور او قاطع بواسیر -

تمییز النون

حجر الزیتون - ع بفتح زار معجمه مشدد و سکون تحتانی و ضم فوقانی

و سکون واو و نون هم حجر الیهود ط اگرم ۲ خشک دگویند مع -

حجر المسن - ع بکسر میم و فتح سین مهمله و سکون نون ف سنگ فسان

تمییز الهار

حجر الاساکفه - ع بفتح همزه با سین مهمله الف و کسر کاف و فتح فا و خا و هار

ف سنگی است که کفشگران اوزار بدان تیز کنند -

حجر الحیه - ع بفتح حار مهمله و تحتانی مشدد و هار ف سنگ مار و پازهر

و سانپ کا من و آن سه قسمت معدنی و حیوانی را از افعی گیرند و آن را

پادزهر و باد مهره و مار مهره خوانند و آن طوطی رنگ بود امتحانش آن است

که چون در آب بیرون اندازند در حرکت آید جهت لسع و نیش مجرب -

حجر مثانه - ع بفتح میم و مثلثه و الف و فتح نون ف سنگی است

که در مثانه آدمی بهم رسد و پتھری گویند ط گرم و خشک -

حجر مشویه - ع بفتح میم و سکون شین معجمه و کسر واو و فتح تحتانی مشدد

ف کلس و نوره و چونه گلی -

تمییز التحتانی

حجر ارمنی - ع بفتح اول و ثانی و سکون را مهمله و فتح همزه و سکون را

مهمله ثانی و فتح میم و کسر نون ف گل ارمنی طب ی ا ق مسهل

خ سبز و لاجوردی مانند کبودی و لیس از شکستن جسمها در و مانند

دسیم باشد و بعد از تر کردن بوی فتیل یا بوی گل خوش دهد سن از خید درم

تا نیم شعال بعض گفته از افسون ل کمیم و زن حجر الازورد مغسول

حجر اعرابی - بفتح همزه و سکون عین مهمله با رار مهمله ثانی و الف و کسر

موحده ف شکر سنگ بشیرازی سنگ رخیم گویند -

حجر اللبنی - ع بفتح لام مشدده موحده و کسر نون ف سنگ

شیرین چون او را آب لیسانند شیر ماند -

حجر بحری - ع بفتح موحده و سکون حار مهمله ثانی و کسر رار

مهمله هم مرجان و مونگا و پرالی -

حجر حبشی - ع بفتح حار مهمله و موحده و کسر شین معجمه ف

سنگی است سبز رنگ مانند یشم -

حجر حدیدی - ع بفتح حار مهمله ثانی و کسر دال مهمله و سکون

تحتانی و کسر دال مهمله ثانی ف آهن و مندل حدیدی -

حجر خزفی - ع بفتح خار معجمه و زار معجمه و کسر فا و تحتانی ف سنگ

معرب است مانند خزف و زود از هم شگافد و صفایح بر یکدیگر دارد -

حجر روشنائی - ع بضم رار مهمله ثانی و واو مجهول و سکون شین

معجمه با نون و الف و کسر همزه هم مرقشیشا -

حجر عسلی - ع سنگیست که چون لیسانند رطوبت وے

بخاصیت شیرین بود بقوت شاده نباشد -

حجر قبطی ع بکسر قاف و سکون موحدہ و کسر طار مہملہ ف سنگی است مصری بغایت سست در آب بزودی حل شود در دکاکین مشکتان بدان شوید۔

حجر ہندی۔ بکسر و سکون نون و کسر دال ف نوع از سنگ ہند است

تمیق الدال المہملہ و تمیق الفوقانی

حدات ع بضم اول با دال مہملہ و الف و فوقانی ف موش گیرہ چوہے مار و چھیلیا۔

تمیق الجیم

حدج ع بفتح اول و دال مہملہ و سکون جیم م حنظل خشک۔

تمیق الدال المہملہ

حدید ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و دال مہملہ ثانی ف آہن ہ لوہا ط ب ہی ق مجففہ خ فولاد مح طبات لی نحاس

تمیق القاف

حدق ع بفتح حار مہملہ و دال مہملہ و سکون قاف ف بادنجان ہ بینگن

تمیق الرار المہملہ و تمیق الالف

حرا بضم اول و فتح رار مہملہ و الف م سداب کوہی کہ بہ شیرازی گور خر خوانند طح می۔

حراشا۔ رومی بفتح اول و ثانی مہملہ و الف و شین معجمہ و الف ثانی ف خردل بری ہ جنگلی رائی۔

حربا۔ سریانی بکسر اول و سکون ثانی و موحدہ ف آفتاب پرست و بطون ہ گرگٹ

حرملا ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حار و سکون لام با میم و الف معرب و حرمیست کہ در ریوند ہند قرۃ العیون طح می ۲ گویند ۲۰

تمیق الموحدہ

حرب بکسر اول و سکون ثانی و موحدہ ع طلع ف بہار خرما

تمیق الفوقانی

حرات۔ بفتح اول و ضم نیز و الف و فوقانی م حسرا۔

تمیق الرار المہملہ

حریرہ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و رار مہملہ ثانی ف ابریشم

تمیق الشین المعجمہ

حریش ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و شین معجمہ ف ماریکہ بر پوست او نقطہ ہائے سیاہ و سفید باشند و گویند کہ گدن

تمیق الضاد المعجمہ

حرض ع بضم اول و ثانی و سکون ضاد معجمہ م اشنان۔

تمیق الفار

حرشف ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح شین معجمہ و سکون فام کنگر طح معح رگ بیخ را گویند ب گو بیخ ر ق ہ ر مفرح بیخ تر و تازہ شن از صمغ او کیدرم حص سر کہ ل ہلیون۔

حرف ع بضم اول و ثانی و سکون فاع حب الرشاد ف تخم تزہ تیزک

تمیق اللام

حرجل۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون لام ف ملخ ایست کہ بال ندارد و سبز بود و بے پر۔

حرمل ع بضم اول و کسر و سکون ثانی و ضم میم و لام ف تخم سپند ہ البیم اسپند سوختنی طح مح ۲ گویند ۳ ق ملطف خ مزہ مس نم مشتعال حص لعوق و بر نزلہ کل بخم سدا بتعو ۱ تخم بنفشہ نیخ و چھول بیخ او با روغن ارسا منفح افواہ عروق و خون بواسیر۔

تمیق النون

حرجوان یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و واو و الف و نون حرباء
حرذون سریانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم ذال معجمه و سکون واو و نون
ف حیوانیست مانند سوسمار که بهندی سالامندر خوانند و از
جمله سموم قتاله است ه بهنی ط ۳ گرم و خشک۔

حرز الشیاطین ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم زاء معجمه و فتح شین معجمه مشدده و بتحتانی و الف و بکسر طاء مهمله و سکون تحتانی ثانی و نون م اطریلال

حرفقان ۔ رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و قاف و الف و نون
ع سم الفار مرگ موش ه سنکهیا ط ۴ گرم و خشک۔

تمییز الزاء المعجمه و تمییز الراء المهمله

حرز الصخر ع بضم اول و فتح ثانی و زاء معجمه و الف و ضم زاء معجمه ثانی و فتح صاد مهمله مشدده و سکون خاء معجمه و راء مهمله ع زهر الحجر گل سنگ آن
چیزیست مانند سبزی که در آب بسنگ پیدا میشود ط ب ی ا

تمییز السین المهمله و تمییز الفاء

حسن یوسف ع حاشیشه ط ۲ گرم و خشک و نیز راو متقی گردیده گشته

تمییز الکاف

حسک ع بفتح اول و سین مهمله و سکون کاف ف خار خسک ه گوکهرو
دست بنگهار ط ب ی اگو بنجو اگو بنجو گویند ح م ی ا ق
سعی بفتح مفتح بستانی سبز تازه شش آن سفید و گرم و تر گویند
تا طبع گرم برای حسن و دوغن بادام با انگبین و گویند در دل عصی الراعی

تمییز الام

حسل ع بفتح اول و ثانی مهمله بچه نوزاده ضب۔

تمییز الشین المعجمه و تمییز الالف

حشیش برزنطونا ع ف برگ بنگ ط ب ح تازه و تر۔

تمییز الفوقانی

حشیش الغافث ع ه برگ غافث ۲ گرم و خشک۔

تمییز الجیم

حشیشة الزجاج ع بضم زاء معجمه مشدده و فتح جیم و الف ف
گیاه آبگینه نباتی است که در آبهار روید ط ب ی ۲ ق راد دیش
از عصاره او دو درم ص خون تجمل لسان الحمل۔

تمییز الصاد المهمله

حشیش البرص ع بفتح موحده و راء مهمله م اطریلال

تمییز اللام

حشفیفل ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء و سکون تحتانی
و ضم فاء ثانی م شقاقل ط اگرم ۲ خشک و گویند تر۔

حشیش الطحال ع بکسر طاء مهمله مشدده و با حاء مهمله و الف
و لام م اسقولوقندریون ف زنگی دارد۔

تمییز الهاء

حشیشه دودیه بضم اول و سکون واو و کسر دال مهمله ثانی و فتح
تحتانی مشدده و ثانی و خفا ها م اسقولوقندریون۔

تمییز التحتانی

حشیش خراسانی ف درمنه خراسانی ع شیح ه چهوی جهری۔

تمییز الهاء المهمله و تمییز الجیم

حصاة الاسفنج ع بفتح اول و صاد مهمله و الف و ضم فوقانی و سکون
لام و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح فاء و سکون نون و جیم حجر الاسفنج

تمییز المیم

حصرم ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و سکون میم ف

غورہ انگورہ کچی الکہ طب امی ۳ ق مالبش خ صادق الحموضۃ شش دہ و فیہ ص انیسون رسل یا انگبین ات اضنار رح

یاریاس بضم اول و ثانی و فتح رار مہلہ مشدد ف سوار کہ در مرتبہ چہارم

تمبق الھار

حصر سیہ ع بکسر میم و فتح تحتانی مشددہ ف نام طعامی است

تنبیق و تمیق الضاد المعجمۃ

حفضض ع بضم اول و فتح ضاد معجمہ سکون ضاد معجمہ ثانی ف

ہلیلہ در سورت طبع ح ب گوینداح ۲ ب اق محلل ماندک

قبض حابس م خ جہت ورمہائی جہت سوری ہندی

ص خ حبس ل فیل سرج فوفل و صندل اسا دمی ا مینا یا

اق قیا و زعفران و مضمضہ او جہت تقویت لثہ مجرب۔

تنبیق الفار و تمیق الالف

حفار ع بضم اول فا و الف ممدودہ ھم ہری در لوح

تنبیق اللام و تمیق الموحدۃ

حلبلاب ع بفتح اول و سکون لام و فتح موحدہ بالام ثانی و الف و موحدۂ ثانی ھم لبلاب۔

حلبیب ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی و موحدۂ ثانی ھم سورنجان ہندی طح می ۲ گرہند ۳۔

تمیق الفوقانی

حلتیت ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی بافوقانی ف انگوزہ ہینگ طح می ۴ گویند ۳ ق ملطف

بہی خ منتن و سفید کہ زود حل شود منتن نم شتعال ص

اشق و جوز بوا گویند ابہر بارلیس ل محروث کہ بسیار

جوشانیدہ باشند یا جاوشیر و سکنجبین۔

تمیق الراء المہملہ

حلاق الشعر ع بفتح اول و لام مشدد و الف و ضم قاف و فتح شین معجمہ مشدد و سکون عین المہملہ و راء مہملہ ف آہک فورہ

تمیق اللام

حلاحل و حلحال بفتح اول و ثانی و الف بکسر حاء مہملہ ثانی و سکون لام ثانی در لغت اول و بکسر ہردو حاء مہملہ و سکون ہردو لام در لغت ثانی ہم بیار ملبوس۔

تمیق المیم

حلم ع بضم اول و ثانی و سکون میم و کلی ہم قراد کرمی است کہ بگوش سگ و دیگر حیوانات مے چسپد۔

تمیق النون

حلزون بفتح اول و سکون ثانی و ضم زاء معجمہ و سکون واو و نون ف نوعی از صدف است ھم شیخہ گھونگھا طب ی

ودفا کستر او ح اق مجفف ص فم اکلہ فالجنہ ل صدف

تمیق الواو

حلیمو ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم میم و سکون واو ف بیخ حماض بری ہ چوکا ط ۲ سرد خشک ص برائے ناسور و دمل الفابادو

تمیق الھاء

حلبہ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و خفاء ہا ہم میتھی و شنبلیت و میتھی طح می اگو ہندح ۳ ق منضج ملین نفخ

شم و درم و حقنہ نالست درم ص ذ غمز فسط تلخ ل برز کتان و اکلیل الملک و بابونہ کلف جہت جلاء بشرہ مجرب

خلیفہ ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و فتح فا و ہا م سداب کوہی دماتر اول در اعتدال مو گرم و خشک۔

تمیمۃ المیم و تمیمۃ الالف

حماما ع بفتح اول و میم و الف و میم ثانی و الف ثانی م ہیوج طرح ی ۲ گویند ۳ ق منضج مفتح منعش و مقوی کبد و منوم ف ارمنی ذہبی خوشبو شش و ورم ہی و دل بنام ؟ سبین خشک د گویند اشنہ و سنبل۔

حمیرا ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی با را مہملہ و الف م شنگار

تمیمۃ الموحدہ

حماض الارنب ع بکسر اول با میم و الف و ضم ضاد معجمہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون را مہملہ و فتح نون و سکون موحدہ م کشوث

تمیمۃ الجیم

حماض الاترج ع بضم ہمزہ و سکون فوقانی و ضم را مہملہ ف ترش ترنج ہا ببھی ۳ ص شراب خشخاش ل حماض لیمو۔

تمیمۃ الراء المہملہ

حماض البقر ع بفتح موحدہ و قاف ف حماض بری۔

حماض نہر ع بفتح نون و سکون ہا م لسباتی۔

حمر ع بضم اول و سکون ثانی و را مہملہ ف خرما ہندی املی

حمص الامیر ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد و ضم صاد مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و کسر میم و سکون تحتانی ف خار خسک۔

تمیمۃ الصاد المہملہ

حمص ع بفتح اول و کسر ثانی مشدد و سکون صاد مہملہ ف نخود ۔۔۔ حرا گویند ہی اد گویند ۳ مع ح ب ق منضج گویند

نابعین طبع خ سفید بزرگ ص خشخاش ل باقلا۔

تمیمۃ الضاد المعجمہ

حمر الارض ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم را مہملہ و لام و فتح ہمزہ و سکون را مہملہ ثانی م خسرا الطین۔

حمنض ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضاد معجمہ م اشنان

تمیمۃ الطاء المہملہ

حماط ع بکسر اول و ثانی و الف و طا مہملہ م نوعی از جمیرا۔

تمیمۃ اللام

حمل ع بفتح اول و ثانی و سکون لام ف برہ حلوان

تمیمۃ المیم

حماحم ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر حا مہملہ ثانی و سکون میم ملی۔ ف لبستان افروز طرح ی ۲۔

حمام ع بفتح اول و ثانی الف و میم ف کبوتر پریا طرح ی ۲

حمحم ع بضم ہر دو حا مہملہ و سکون ہر دو میم ف گاؤزبان۔

تمیمۃ التحتانیۃ

حمار اہلی ع ف خر و گدہا محمش ح ی ۲۔

حمار وحشی ع ف گورخر طرح ی ۳۔

حماض بستانی ع بفتح اول و ثانی مشدد و الف و ضاد معجمہ و ضم موحدہ و سکون سین مہملہ با فوقانی و الف و کسر نون و تحتانی ف اکثر و حقیقتہ صحرائی ہ ساگ جو کاٹ ب ی ق و مطفی ح بستانی ترش ص شراب عناب ل تخم حماض تخم ریحان ارنگ یا تخم خورد۔

تمیمۃ النون و تمیمۃ الالف

حمنانا ع بکسر اول با نون و الف ۔۔۔ ط ب ا ی ح ق ۔۔۔ ح ۔۔۔

سبز گردد چنانچه سیاه گردد شود تش حبّت فربه نیم مثقال از تخم این
حبّت دماغ و دو مثقال مسہل حب السمنہ یا کثیرالنفعا آس۔

تمیز الشین المعجمة

حشاء فرنیتس ع بکسر اول با ثانی والف وکسر همزه وضم قاف
وفتح راء مہملہ وسکون تحتانی وشین معجمہ م حرا از الصحرا۔

تمیز اللام

حنظل ع بفتح اول وسکون نون وفتح ظاء معجمہ وسکون لام
ف خربزہ تلخ ہ اندرائن کُبیل ط ۲ س ی ۲ گر منضج ہی ۱ ق
مسہل محلل خ تازہ رسیدہ منقی شحم از یک قیراط تا یکدرم ہار
تخم او نیم درم واز عسل او یکدانگ و نیم ہر کس کہ تیرا یا مسہلے گیرد صمغ و
نشاستہ ل حل و چہار دانگ وزن آن قیراط الحجر دا جب الخردل ع
وچہار دانگ وزن آن قند دگو نیم دو وزن او حب النیل
ونیم وزن ملح نفطی ونیم وزن محمودہ۔

تمیز النون

حشار مجنون ا بفتح میم وسکون جیم وضم نون وسکون واو ف
بوکسیر یعنی ہند قنابیل ع کتم ط ۲ گرم و خشک مس قبض قولنج ولادن۔

تمیز الهاء

حشاء الغولہ ع بضم ہمزہ وسکون لام وضم غین معجمہ وسکون واو مجہول
وفتح لام و حشار نام او خلیا و شتکار۔
حنظہ رومیہ بکسر اول سکون ثانی وفتح طاء مہملہ و حشار ہا وضم راء مہملہ
وسکون واو وکسر میم وفتح تحتانی مشددہ با میم م خندروس ہ کل جو بزنہ
حنطہ ع بکسر اول وسکون نون وفتح طاء مہملہ ف گندم ہ گیہوں ط ح
امع ر ی ق منضج خ میان سرخ و سفید نرم بسیار فربہ

تمیز الحساء

حند قوقی ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ وضم قاف
وسکون واو وکسر قاف ثانی وسکون تحتانی ف اندزہ قوقو دیو
ابیست و آن سبزہ ایست بری ط ح ی ۲ و گویند ۳ ق
ملطف مدرّ خ بستانی بش دو درم ص ہند با ل رطبہ

تمیز الواو وتمیز الفوقانی

حوت ع بضم اول وسکون ثانی ع سمک ہ مچھلی

تمیز الراء المہملہ

حور اسفندار ف بضم اول سکون ثانی وکسر راء مہملہ وہمزہ
وسکون سین مہملہ وفتح فاء وسکون نون با دال مہملہ والف
وراء مہملہ ثانی م لسان الثور ہ۔

حومر بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون راء مہملہ ف مرہندی

تمیز الکاف

حوکہ بفتح اول وسکون ثانی وکاف م بادر نجبویہ۔

تمیز المیم

حوجم بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف گلسرخ ہ گلاب کا پھول

تمیز الهاء

حومانہ بضم اول وسکون ثانی با میم والف وفتح نون و حشار
نام دو طائفہ اوراق وطریقین ہ سمسن کوہی۔

تمیز التحتانی

حواری ع بفتح اول و ثانی والف وکسر راء مہملہ وسکون
تحتانی ف آرد گندم از حریر بیختہ ہ میدا۔
حوزرومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر زاء معجمہ وضم راء مہملہ سکون

وادثانی وکسر میم م جوز رومی کہ گویند لہر با صمغ اوست ط
ب ی ق مجفف سش بیک مثقال ل دلب۔

تمیق الیاء التحانی و تمیق اللام

حیضل۔ بکسر اول وسکون تحتانی وفتح ضاد معجمہ وسکون لام م حنظل

تمیق المیم

حی العالم۔ ع بفتح اول وضم ثانی مشدد وسکون لام با عین مہملہ
والف وفتح لام ثانی وسکون میم گویند نوعی از سرح معروف است و این
دو نوع است کہ از جمیع دوا ہائی رومی گل را مہ بتجربہ رسیدہ و بزبان
ہندی زرد گل ست ط ب ۳ ی اق رادع خ لبتانی مرازیاقع
بجدرم ص لین ارسنی یا یونانی ل عصارہ کاہو یا عنب الثعلب

تمیق الہاء

حیدع بفتح اول و ثانی مشدد وخفا ہا دف ہارہ ساب
و بانگ ط ح ی ۲ ق ملطف خ الغی۔

تمیق التحتانی

حیات الموتی ع بفتح اول و ثانی والف وضم فوقانی وسکون لام
وفتح میم وسکون واو وفتح فوقانی والف مقصورہ م قطران۔

ترقیم الخاء المعجمہ و تمیق و تمیق الالف

خارا۔ ف بخاء معجمہ والف وراء مہملہ م سنگ سخت۔
خامالارف بمیم والف ثانی ولام و فتح الف ثالث
ممدودہ م ماذریون۔

تمیق الموحدہ

خانق الذئب ع بخاء معجمہ و کسر نون وضم قاف و کسر ذال معجمہ
مشددہ وسکون تحتانی و موحدہ م خربق سیاہ ف خال زنگی و

آن کشندہ گرگ ست ہ کشکی ط ح ی ۳۔
خانق الکلب ع بسکون لام وفتح کاف و سکون
لام ثانی ف غلوس ہا ہی ہ کچلا۔

تمیق الموحدہ الفارسی

خاسپہ۔ ف بکسر سین مہملہ وسکون موحدۂ فارسی م سیب

تمیق الفوقانی

خارپشت ف بسکون راء مہملہ و ضم موحدۂ فارسی و
سکون شین معجمہ با فوقانی م قنفذ ہ ساہی۔

تمیق الدال المہملہ

خاد۔ ف بسکون دال مہملہ م غلیواز ہ چیل۔

تمیق الراء المہملہ

خارشتر ف بکسر راء مہملہ و ضم شین معجمہ و فوقانی و سکون راء
مہملہ ثانی خلیلے از خار کہ شتر آنرا رغبت بخورد م اشترخار نیز گویند۔
خانق النمر ع بکسر نون و ضم قاف و فتح نون ثانی مشدد و کسر
میم م نوعی از مازریون و آن کشندہ پلنگ و سگ و خوک و
مانند آن ست ط ح ی ۲ گویند ب ی۔
خایہ گبر ف بفتح تحتانی و خفا ہا و کسر کاف فارسی وسکون
تحتانی ع ربیلام انگور کہ حیوانیست شبیہ بعنکبوت۔

تمیق الزاء المعجمہ

خایہ ریز ف بفتح تحتانی و خفا ہا و کسر راء مہملہ و تحتانی
مجہول و زاء معجمہ م خاگینہ خبیص البیض۔

تمیق السین المہملہ

خامادریوس یونانی بخاء معجمہ والف و میم والف ثانی و فتح دال

مہملہ و سکون راء مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو و سین مہملہ ف
کماذریوس ہ مونڈی طا اگرم ص کبیرال سیسالیوس بیس دم

خالاون لوقس ع یونانی بمیم والف ثانی و لام والف ثالث
و او و کسر نون و ضم لام و سکون واو ثانی و کسر قاف م
ماذریون سفید لوقس بیونانی سفید۔

خامالاون ملنس ع یونانی بمیم ثانی والف رابع و کسر لام ثانی
ملنس بیونانی سیاہ م ماذریون سیاہ و نیز اسم حرباست۔

خامانیطس ع یونانی بمیم والف ثانی و کسر نون و سکون تحتانی
و کسر طاء مہملہ کمافیطوس ف ماش دارد۔

خانہ پیس ف بفتح تحتانی و خفاء ہا و کسر دال مہملہ و سکون
تحتانی و سین مہملہ م کما ت۔

تمیم الشین المعجمۃ

خاوش ف بضم واو و سکون شین معجمہ م خار بکر ے انجم لگلہا زند
خانہ ریش ع بفتح نون و خفاء ہا و کسر راء و تحتانی مجہول ف
کلاہ ماران و سانپ کی ٹوپی۔

تمیم العین المہملۃ

خالع ع بخاء معجمہ والف و کسر لام و سکون عین مہملہ ف خر با ہر تمام بخشہ

تمیم الکاف

خانق الملک ع بکسر نون و ضم قاف و سکون لام و فتح میم و
کسر لام ثانی و سکون کاف سادادران ف سمک داد ران۔
خایہ گیرک ف بکسر کاف فارسی و سکون تحتانی و فتح راء مہملہ ع شالبا

تمیم اللام

خادال ف بضم واو و سکون لام م مور چہ۔

تمیم المیم

خالم ف بضم لام و سکون میم م فارف موش۔
خسام ف بسکون میم شراب را گویند۔

تمیم النون

خالادن ع یونانی بخاء معجمہ والف و لام والف ثانی و ضم دال
و سکون نون ع حنظل رومیہ و خندق لروس ف کاکل و جو بشہ
خالیدونیون ع یونانی بخاء معجمہ والف و کسر لام و سکون تحتانی و ضم
دال مہملہ و سکون واو و کسر نون و ضم تحتانی ثانی و سکون واو ثانی
دو نوع است بزرگ انرا ف زرد چوبہ گویند و کوچک آن را مامیران گویند
خامالادن ع یونانی بمیم والف ثانی و لام والف ثالث
و ضم دال و م ماذریون ف مست زرد گویند نام حرباست۔
خامالیون ع یونانی بمیم والف ثانی و کسر میم ثانی و سکون تحتانی
و کسر لام و سکون نون ف بابونہ۔

خان ف بسکون نون شان عسل و شان زنبور۔
خادلن جان ع بخاء معجمہ والف و فتح واو و کسر لام و سکون
نون با جیم والف ثانی ف خسرو دارو دہ کلیجن۔
خایہ غلامان ف بفتح تحتانی و ہمزہ و اظہار ہا و ضم غین معجمہ
با لام والف ثانی و میم والف ثالث نوعی از انگور سیاہ بزرگ است۔

تمیم الواو

خاکشوہ ف بسکون کاف و ضم شین معجمہ و سکون واو
تخمی است کہ سرخ میگون بود و بغایت ریزہ باشد م
خاکسی و تنفسرک ع بزر الخمخم ہ خوب کلان طرح ر۔

تمیم الہاء

خاروازگیه ـ ف بکسر رار مهمله با واو و الف و سکون زار فارسی و فتح کاف فارسی و سکون واو و فتح نون و خار هام حرحبا ـ

خامشه ـ بخار معجمه و الف و کسر میم و فتح شین معجمه و ها رقم هلام شیطرج خ سرخ زعفرانی مائل حرد شیرین ه چنیه ـ

خایه ـ ف بفتح تحتانی ف تخم هر جانور ع بیضه ـ

تمیق التحانی

خاکشی ـ ف لبکون کاف و کسر شین معجمه بسکون تحتانی م خاکشو ـ

خامارقطی ـ یونانی بخار معجمه و الف با میم و الف ثانی و کسر همزه و فتح همزه ثانی و سکون قاف و کسر طار مهمله م مل ـ

تمیق و تمیق الباء الموحده

خبث الذهب ـ بفتح اول و موحده و ضم مثلثه و فتح دال معجمه مشدد و ها و سکون موحده ثانی ف حرک طلا طرح ی

خبز الغراب ـ ع بضم اول بسکون موحده و ضم زار معجمه و سکون لام و ضم غین معجمه با رار مهمله و الف و موحده ثانی م قحوان و بابونه ـ

تمیق الخار المعجمه

خبز المشائخ لبکون لام و فتح میم و شین معجمه و الف و کسر تحتانی م شاشان ـ

تمیق الدال المهمله

خبث الحدید ـ ع بفتح اول و ثانی و ضم مثلثه و سکون لام و فتح حار مهمله و کسر دال مهمله و سکون تحتانی با دال مهمله ثانی ف ریم آهن ه لوه سنگهان بکیٹ طرح ی ۳ گویند ب ق مجفف خ بولادی الملس بزه ها ی کوچک بی خشونت شن کمشغال ص روغنهال اگر مدبر بود اطریفل کوچک و اگر غیر مدبر حرف او در امراض چشم ... پست تخم مرغ ـ

تمیق الزار المعجمه

خبز ـ ع بضم اول و سکون ثانی و زار معجمه ف نان و ریدی طرح امع ق مغذی خ ماخوذ از گندم آفتاب رسیده سریه بهک ملب ص بآب شستن ـ

تمیق السین المهمله

خبث النحاس ـ غ بضم نون و حار مهمله و الف و سین مهمله م توبال النحاس ف ریم مس طرح ی ۳ ق تالفتن مجفف اکال خ بسیار زنگ فتنه رم و در اکتحال ص کثیر او ضع ل سد سنجیج ـ

تمیق الصاد المهمله

خبث الرصاص ـ ع بکسر رار مهمله مشدد با صاد مهمله و الف و صاد مهمله ثانی ف ریم قلعی طب ی ل سپیده ارزیز لبوابیت قابض مسکن و موجب انبیام جراحت خشیم و تقویت اجزو و ضعیف جشن و اخشیم موثر ـ

تمیق الکاف

خبزدوک ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون زار معجمه و ضم دال مهمله و سکون واو و کاف جانوریست شبیه بجعل که آنرا اهل شیراز خزدوک گویند

تمیق الواو

خبزدو ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون زار معجمه و ضم دال مهمله و سکون واو م خبزدوک

تمیق الیار

خبث الفضه ـ ع بکسر فاو فتح ضاد معجمه مشدده و خفا ف حرک نقره طب ی سبز رنگ ـ

تمیق التحانی

خبازی ـ بضم اول و ثانی مفتوح مشدده و الف و کسر زار معجمه و سکون تحتانی ف نان کلاغ ه سونچل طب را گویند سعرح ب ق

ملین خم برہی شن جہۃ سعال دو مثقال ل خطمی۔

تمیق الباء الموحدۃ الفارسی وتمیق الکاف

چنگ ۔ ف بفتح اول وموحدہ فارسی وسکون کاف نان رگ

تمیق التاء الفوقانی وتمیق الجیم

خرفہ
تفنج ۔ ف بفتح اول وفوقانی وسکون فاء وفتح راء مہملہ وسکون جیم م

تمیق القاف

خترق ۔ بفتح اول وسکون فوقانی وفتح راء مہملہ م ا فستقین۔

تمیق الکاف

ختم الملک ۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون لام و
فتح میم ثانی وکسر لام ثانی وسکون کاف ف گل مختم م۔

تمیق الثاء المثلثہ وتمیق الراء المہملہ

خثاء البقر ۔ ع بکسر خاء وبا ثاء مثلثہ والف وضم ہمزہ وسکون لام
وفتح موحدہ وقاف وسکون راء مہملہ ف سرگین گاؤ گوبر ح
سبز بسیار غلیظ وحلقہ دار طرح رق منفج محلل ش بکفیر اط۔

تمیق الدال المہملہ وتمیق القاف

خذرنق ۔ بفتح اول وذال مہملہ وسکون راء مہملہ وفتح نون و
سکون قاف ع عنکبوت ف کارتنہ ہ مکڑی کا جالا ضماد سحوق
آن مانع ورم جراحات ومطبوخ او با روغن تخم خوبان محلل اورام

تمیق اللام

خداع الرجل ۔ ع بضم اول وفتح ثانی مشددہ والف وضم
عین مہملہ وکسر راء مہملہ مشددہ با جیم والف ولام م برزالبنج۔

تمیق الراء المہملہ وتمیق الالف

خرس گیا ۔ ف بکسر اول وسکون راء مہملہ وسین مہملہ وکسر کاف فارسی

باتحتانی والف بانیت کہ بیخ آن شقاقل است۔
خرما ۔ ف بضم اول وسکون ثانی با میم والف ہ کھجور خفہ
ح رص بادام وخشخاش وسکنجبین وکاہو۔

تمیق الفوقانی

خربت ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ وسکون فوقانی
بط کلان ق مابقی خرنوت ۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون
واو با فوقانی ف جنسی از توت باشد زبون وبے مزہ۔

تمیق الجیم

خرزہرج ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح زاء معجمہ وسکون
ہاء وفتح راء مہملہ وسکون جیم ف خرزہرہ ودفلی ہ کنیر ط گرم
وخشک ص عسل ل حلبہ وبرگ انجیر۔

خرمنج ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون نون م خرکس
خرء الدیکہ والدجاج ۔ ع بکسر اول وسکون ثانی وضم واو
کسر دال مہملہ مشددہ وسکون تحتانی وکسر کاف وفتح دال ثانی وضم دال
مہملہ ثانی با جیم والف وسکون جیم آخر سرگین خروس ہ مرغ
ہ بیٹ مرغ کی طرح ۔۔۔ ۲ ۔

تمیق الجیم الفارسی

خمروچ ۔ ف بضم اول وثانی وسکون واو وجیم فارسی خرم دست

تمیق الخاء المعجمہ

خرزد تلخ ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ وزاء معجمہ
ہمزہ ملیبہ با وفتح فوقانی وسکون لام وخاء معجمہ ثانی ہ اندرائن کا بیج

تمیق الدال المہملہ

خراد ۔ ف بفتح اول وثانی والف ودال مہملہ م خلوا ز۔

خربق اسود ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و سکون قاف و فتح ہمزہ و سکون سین مہملہ و فتح واو ہ کٹکی ط ح ی ۳ ہی مسہل خ متوسط در فربہی و لاغری و گرہ دار مجوف و سیاہ سعد ماننده که در بن او ریشہ ہای باریک باشد شش بید رم ص بادام و کثیرا گند شش بوست بیخ کبر و مساوی با ہموزن پلو بون ح جہار دانگ غاریقون و ہموزن ہیر بج یا سکبینج۔

خرندف بفتح اول و ثانی و سکون نون یا ہیئت مانند پستان

تمیز الراء المہملہ

خرورف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانی م غلیواز ہ چیل۔

خریف بفتح اول ع حمار ہ گدھا۔

خرؤ الفار ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم واو و سکون لام با فاء و الف و راء مہملہ ثانی ف فضلہ موش ہ چوہے کی مینگنی۔

تمیز الزاء المعجمہ

خربوزہ ف بضم موحدہ فارسی و سکون واو و زاء معجمہ م ہ خربزہ

خرمیوازج ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و تحتانی مجہول با واو و الف و زاء معجمہ ف شپرک کلان بمقدار طیوز کہ خود را سرنگون کردہ از درختہا بیاویزد ہ بڑا گادڑ۔

تمیز الشین المعجمہ

خرگوش ف بضم کاف فارسی و واو مجہول و شین معجمہ م درق بارنگ دار ب۔

خرموش ف بضم میم و سکون واو موشی است کہ اندک از خرگوش کوچکتر بود بزبان ہندی گلہری خوانند۔

تمیز الضاد المعجمہ

خربق ابیض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و کسر قاف و فتح ہمزہ و سکون موحدہ ثانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمہ گویند بیخ ست کہ پوست وے مستعمل است و بیخ کبر نامند و طعم از خربق سیاہ تلخ تر بود و تنبیس ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مقئ خ سفید و در شکند و چون بخایند بحالی ظاہر شود و زود بہ بار انگیزد و بعد نوشیدن بگردش و سستی نیدم ص مصطگی اج ز الہی با بیز ہیرج۔

خردل ابیض ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و کسر لام و فتح ہمزہ و سکون موحدہ و فتح تحتانی م ہ اسپند سفید۔

تمیز العین المہملہ

خرنوع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاو سکون عین مہملہ م ثمر درخت عشر ہ آگہ کا پھل۔

خرء الضفادع ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم راء و فتح ضاد معجمہ مشدد و با فاء و الف و کسر دال مہملہ م طحلب ف جامہ خواب بکہ ہ سبز سوال

خروع ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء و سکون واو و عین مہملہ بید انجیر و ارند ط ح ی ۳ ق محلل ملین خ بحری ش از سہ دانہ تا دہ دانہ مقشر ص کثیرا یا صمغ ل تخم ترب۔

خربع ع بفتح اول و کسر ثانی و فتح موحدہ و سکون تحتانی م خشخاش مصفد

تمیز الفاء

خرکوف ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون واو و فا جنسی است از لوم کہ بغایت بزرگ باشد۔

تمیز القاف

خرفق ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فاو سکون قاف م تخم سپندان

خرنق ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون قاف
ف بچہ خرگوش و بالفتح باد سخت سرد را گویند۔

تمیق الکاف

خرچکوک۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی
و ضم کاف و سکون واؤ و کاف ثانی م دستنبویہ کچری
خرک۔ ف بفتح اول و ثانی خرما خشک م خارک۔
خرگوشنگ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی
و واو مجہول و فتح شین معجمہ ورق بارتنگ۔
خرزہک۔ ف بضم اول و ثانی و سکون و او و فتح ہا م مرجان ہ پرہال ہنگا

تمیق الکاف فارسی

خرچنگ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی
و سکون نون ہنجابہ ہ کیکڑا۔

تمیق اللام

خرجال۔ ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم فارسی و الف م حزیرہ
خردل ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ رائی
... ح ی ہم گویند ۳ ق محرق ملطف خ بستانی تازہ ...
... کہ بعد از کوفتن زرد باشد ش دو مثقال گویند ...
... صندل ... کافور ... دو وزن ... ارشاد
دو وزن تخم شلغم۔ خرخول۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین
معجمہ و واو مجہول م گیاہ بارتنگ ... ز بان ... سعد
... ردیف ... ع لسان الحمل ... ہ خوب کلاں۔
خرمائی ابوجہل۔ ف بضم اول و سکون میم و الف ... و کسر تحتانی ...
ہمزہ و ضم موحدہ و سکون و او و فتح جیم و سکون ... م ...

تمیق النون

خراطین ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر طاء مہملہ و سکون
و نون ف زغارہ کینچوا طح ۲ ی ۳ ق ملحم ش جہت
یرقان و ورم ص روغن بادام یا زیت ل زبوطلا
او جہت بواسیر و نزف الدم و شقاق مقعدہ۔
خراہن۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و مد ہمزہ و فتح با ... نوع
از علف ہ خراتین ع۔ بفتح اول و ثانی و الف و کسر تا و سکون
تحتانی و نون ف زبوہ جونک و گویند خراطین۔
خرفطان۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و طاء مہملہ و الف
م ... کاسنی ... ل سنبل
خرمنیا۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم ... تحتانی و الف ... م خند ...

تمیق الواو

خرچکو۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و ضم
کاف و سکون واو ہ تخم کوابحز۔
خرد۔ بکسر اول و ضم ثانی م گل خیرو۔

تمیق الہاء

خربتہ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و فوقانی ... خرزہرہ
خربیت۔ خرزہرہ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زا معجمہ و سکون
... فتح ... ثانی ... کنیر ط ۳ گرم و خشک ص غسل ...
... الخبیر۔ خرستہ۔ ف بکسر اول و ثانی و سکون سین مہملہ ...
م جونک۔ خرخولہ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمہ و واو
مجہول و فتح لام م خرغول خرفہ۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح
فا ... ع بقلۃ الحمقاء لونیا ... ترہ گویند ...

خرمهره - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون ہا و فتح رار مہملہ سفید مهرہ سنگھ -

خروسہ - ف بضم اول و ثانی و واو مجہول و فتح سین مہملہ مرغ

خروہ - ف بضم اول و سکون ثانی و واو مجہول اظہار ہا م خروس

خیرہ - ف بفتح اول و ثانی م گنجارہ -

تمیق التحتانی

خرامی - بکسر اول ثانی والف و کسر میم و سکون تحتانی ف گل خیری بری طح ی ۲ ق محلل ص بنفشہ ل مرزنجوش و بابونہ

خردلارشی - ف بفتح اول و سکون رار مہملہ و فتح دال مہملہ بالام والف و رار مہملہ ثانی و کسر شین معجمہ یا تحتانی ف تخم سیندان

خرمای ہندی بضم اول و سکون ثانی و میم والف و کسر تحتانی و ہا و سکون نون و کسر دال مہملہ ف تمر ہندی -

خروب شامی - بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو و کسر موحدہ باشین معجمہ والفا و کسر میم ف کنیر گاؤ رونی طب ی ۲ گویند ح ق قابض خ خشک شیرین فربہ ش از پنج درم تا دہ درم ص عسل ل شاہ بلوط -

خرنوب مصری - بکسر میم و سکون صاد مہملہ و کسر رار مہملہ م قر

خرنوب نبطی - بفتح نون ثانی و سکون موحدہ و کسر طار مہملہ نبات جنس بر لیست طب ی ۲ ق قابض خ بزرگ ش سہ درم ص چوبلے ل جذبہ یا مازو ی سبلے

خرنوب ہندی بکسر ہا و سکون نون و کسر دال مہملہ ف چیاکڑ

خرمی ف بکسر اول و ثانی گلے ست زرد رنگ کر میانش سیاہ باشد خیری ہمیشہ بہار -

تسنیق الزار المعجمہ و تمیق الدال المہملہ

خرند بفتح اول و زار معجمہ و سکون نون و دال مہملہ گیا ہیست نابنا بانند

تمیق الزار المعجمہ

خرزفر - بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و سکون زار معجمہ گواخ

تمیق الفار

خزف - بفتح اول و ثانی و سکون فاہ ٹھیکری طب ی ق مجفف خ خزف تنور ص جلاب ل قیشور -

تمیق الکاف

خزوک - ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کاف م سرگین گردان ع جعل -

تمیق النون

خزمیان - بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم یا تحتانی و الف و نون جند بید ستر -

تمیق الہار

خزندہ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح دال مہملہ و خفار ہاع حشرات الارض -

تسنیق السین المہملہ و تمیق الالف

خستہ خرما - بفتح اول و سکون سین مہملہ و فتح فوقانی و ضم ملینہ و ہا و ضم خار معجمہ ثانی و سکون رار مہملہ م گٹھلی

تمیق الرار المہملہ

خس الحمار - بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و کسر مہملہ با میم والف و رار مہملہ م شنگارہ

تمیق السین المہملہ

خس ع بفتح اول وسکون ثانی ف کاہو ط ب ر ۳ گویند
ہرق منوم رخ تازہ بستانی سبز ورقباش دو مثقال ص کرفس
دلغتاع ل ہندبا و لبفارسی جانور لیست کہ پایہای باریک دار
و بروے آب برود و خستہ او شبیہ برانہ جو باشد کوچک
تراز جو وگو نیدمر غلیست سفید رنگ کہ بزرگ تراز کلنگ باشد

تمنیق الفار

خسف ع بفتح اول وثانی وسکون قاف گردگان ۃ اخروٹ

تمنیق القاف

خسق بکسر اول وسکون ثانی وقاف م گل معصفر -

تمنیق الکاف

خشک ف بفتح اول وثانی وسکون کاف عربی ہندی
گوکھرو بکسر اول وسکون ثانی م گل معصفر -

تمنیق الواؤ

خسو ف بفتح اول وضم ثانی وسکون داو م خستہ -
خسرو دارو بضم اول وسکون ثانی وفتح رار مہملہ وسکون
واو بادال مہملہ والف وضم رار مہملہ ثانی خولنجان -

تمنیق الہار

خستہ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی وخفا ؤ
م تخم میوہا مانند شفتالو وخرما -
خسکدانہ ف بکسر اول وسکون ثانی وکاف بادال مہملہ فتح نون گ م تخم معصفر

تمنیق التحتانی

خسروی ف بضم اول وسکون ثانی وفتح رار مہملہ وکسر واو
وسکون تحتانی م نوعے از شراب چکیدہ

تمنیق الغین المعجمہ وتمنیق الفوقانی

خشک پشت ن بضم اول وسکون شین معجمہ وکاف
وضم موحدۂ فارسی وسکون شین معجمہ ثانی وفوقانی لاک پشت

تمنیق الرار المہملہ

خشکار بضم اول وسکون شین معجمہ باکاف والف ورائ
مہملہ ف اردی کہ از وی نخالہ نگرفتہ باشدہ بن چھنا آٹا
خسیسار ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ونون
باسین مہملہ والف م نوعی از مرغابی کہ پشت آن سیاہ ومیان سرش سفید

تمنیق الزار المعجمہ

خسب الشونیز ع بفتح اول وثانی وضم موحدہ وشین معجمہ مشدد
ثانی وواو مجہول وکسر نون وسکون تحتانی م چوب سیاہ دانہ گویند سیادان

تمنیق الشین المعجمہ

خشخاش ع بفتح اول وسکون ثانی باخار معجمہ ثانی والف
وشین معجمہ ثانی ف کوکنارہ جھونز خ ابیض یعنی سفید ب ی
۳ و اسود یعنی سیاہ ب ی ۳ گویند ہ گویند شرخ سفید تازہ
فریہ ش از سفید او دو درم تا پنج درم واز سیاہ نیم درم
حل عسل با قند یا عصارہ لسان الحمل یا ز ازیانہ ال ز تخم
وے بادام شیرین -

تمنیق الفار

خشیف ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وقاف برف

تمنیق اللام

خشل بفتح اول وثانی وسکون لام م مقل -

تمنیق النون

خشانجیین بضم اول بسکون ثانی و فتح کاف و سکون نون و فتح جیم و کسر موحدہ و سکون تحتانی و نون م عسل خشاب ست کہ از کوهستان فارس بسیار خیزد در آنجا با فراط تمام پیدا شود طبع ی ان گرم و خشک

تمیق الواو

خشو ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م خرمای زبون

تمیق الهاء

خشکنانہ ف بضم اول و سکون ثانی و کاف با نون و الف و فتح نون ثانی و خفا ہا م نانخور سنبس۔

تنسیق الصاد المهملہ و تنیق المعجمہ

خصی الکلب ع بضم اول و سکون صاد مهملہ و ضم تحتانی و سکون لام و فتح کاف ت سکون لام ثانی ا مو حد و بیخی ست نوعی از خصیة الثعلب

خصیة الثعلب ع بضم اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و فتح ثملہ مشدد و سکون عین مهملہ و فتح لام م ثعلب مصری طبع ان گرم و تر گویند مع ق بهی مح شیرین فربہ کرد و گو منی آور د و تر او زیکمثقال تا دو مثقال و گویند بجند رم ص گرمی ل بوزیدان یا تخم ترب یا تخم جرجیر یا تخم الجزر یا تخم اسپست یا سقنقور یا شقاقل۔

تمیق الراء المهملہ

خصیة الجبر ع بضم اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و سکون لام و فتح موحدہ و سکون حاء مهملہ و راء مهملہ م جند بیدستہ۔

تمیق السین المهملہ

خصی الفرس بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون لام و فتح فا و راء مهملہ و سکون سین مهملہ م بلبوب۔

تمیق اللام

خصیة الایل ع بسکون لام و کسر همزه و فتح تحتانی مشدد و سکون لام ثانی ف خایہ بز کوهی۔

خصیة العجاجیل بسکون لام و فتح عین مهملہ با جیم و الف و کسر جیم ثانی و سکون تحتانی خایہ گوسالہ۔

تمیق الهاء

خصیہ ع بضم اول و سکون تحتانی و فتح تحتانی و خفا ہا ف خایہ ہمیں طرح گویند سبب ی خ خایہ خرو سپ فربہ۔

تنسیق الضاد المعجمہ و تمیق الفاء

خصف ع بفتح اول و ضاد معجمہ و سکون ف خربزہ نارسیدہ و خربزہ خرد

خصلان بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف ف نام درخت مقل۔

تنسیق الطاء المهملہ و تمیق الراء المهملہ

خطر ع بکسر اول و فتح طاء مهملہ و سکون لام م معجمہ۔

تمیق الفاء

خطاف ع بضم اول با ثانی مشدد و الف و فا ف پرستوک و پرستو ہ سیاہ مینی طرح ی اق نشست حصاة ل سرگین گاو۔

تمیق النون

خطبان بفتح اول و ثانی با موحدہ و الف و نون م خیطیا نہ

تمیق التحتانیہ

خطمی بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم گل مشہور ست که سبز رگ و بیخ ح ق ملین منضج محلل رخ سبز تازه گوہی سفید گل ص عسل با کتان ل نیلوفر یا خبازی۔

تنسیق الفاء و تمیق الجیم

خفج بفتح اول وسکون فا و جیم خردل بری -
خفرج - ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح را و جیم لقلب الحقا

تمیق الشین المعجمہ

خفاش - ف بفتح اول و ثانی مشدد و الف و شین معجمہ
شیرہ هرحیکا در طرح رنج بزرگ ص خشخاش -

تمیق الفار

خف - ف بفتح اول گیاہی ست نرم کہ آتش زود ازاں بر
پر سنگ آتش زنہ نہادہ چخماخ زنند تا آتش بگیرد م پدو ع

تمیق اللام و تمیق الدال المہملہ

خلیج - بفتح اول وسکون لام بادال کشمہ ص گشتہ برگ

تمیق الراء المہملہ

خلر - بضم اول و فتح ثانی مشدد وسکون راء مہملہ حبی ست ماش

تمیق الفار

خلاف - ع بکسر اول با ثانی ز الف وقاف ورقت بید
ب ی ق مجفف ح الخپہ کنار چشمہ رستہ باشد از آب اوست
مثقال ص گلاب یا مرزنجوش ل کل حنا دل کرم -

تمیق القاف

خلوق - ع - بفتح اول و ضم ثانی وسکون واو م زعفران

تمیق اللام

خلال خلیل - بکسر اول با ثانی و الف و کسر لام ثانی و فتح خا معجمہ
ثانی و کسر لام ثالث وسکون تحتانی و لام بارم درخت اطلا
خلال - ع بفتح اول و کسر ہمزہ و لام ثانی ف خوردہ خرما -
خل العنصل - ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد وسکون لام ثانی

فتح غین معجمہ وسکون نون و صاد مہملہ ف سرکہ پیاز دشتی
خل - ع بفتح اول و ثانی مشدد ف سرکہ طب ی ۳ گویند ب
ا ی ۳ ق لطف مقطع خ خل قرص شکر و روغن بادام
و بضم اول وسکون ثانی ف خاکستر -

تمیق الواو

خلو - ف بضم اول و ثانی م آلو -

تمیق الہار

خلہ - ع بفتح اول و ثانی مشدد و خفا ہا ف شراب ترش

تمیق التحتانیہ

خلال ماموئی بکسر اول با ثانی الف و ضم میم ثانی وسکون واو
و کسر نون وسکون تحتانی اذخر -
خلبای - بفتح اول و ثانی باموحدہ والف و کسر تحتانی مجہول م فندق ہندی

تمیق المیم و تمیق الفوقانیہ

خمستہ انگشت - ف بفتح اول وسکون میم و فتح سین مہملہ و فوقانی
و ہمزہ وسکون نون و ضم کاف فارسی سکون شین معجمہ و فوقانی ہ سبنھالو

تمیق الراء المہملہ

خمر الجار - ع بفتح اول وسکون ثانی و ضم راء مہملہ وسکون لام
و کسر حاء مہملہ یا میم و الف و راء مہملہ ثانی م اشخار -
خمر - ع بفتح اول وسکون ثانی ف شراب انگوری ہ واگھ مطح
ی ہ ق لطف ح ریحانی معتدل القوام زرد رنگ خوشبو آنکہ
ادویہ مدد کنند و میان نو و کہن ش ہفتاد و دو مثقال ص فواکہ
ز ش ل بہند خمیر - ع بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی م فطیر
ب ۲ - ا ق منفخ نفخ خ معتدل الملح ص حلبینین -

تمیق القاف

خمستہ اوراق ـع بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مہملہ و فوقانی وفتح ہمزہ وسکون واؤ بارار مہملہ والف و قاف ہ سنبھالو

تمیق اللام

خمل بفتح اول وسکون میم ولام م سورنجان ہ زین بالش وترو چشم در ریشہ وریزہ جامہ را نیز خمل گویند۔

تمیق المیم

خمم ـ بکسر متن گیاہیکہ دانہ اورا علف شتر سازند۔

تمیق النون

خمان ـ بفتح اول و ساٹی والف م خایلہ اقطی ـ

حماہن ف بضم اول وسکون ثانی و مد ہمزہ و فتح ہا سنگیست حدیدی سیاہ آن دو نوع ست یکی نر و دوم مادہ نر آن بغایت سخت تیرہ رنگ بو چون بآب سایند سرخ شود مادہ ہند وگویند در ظرف آن ہر چند شراب خوب رند مستی نیاورد صندل

تنمیق النون و تمیق الرار المہلہ

خنکسار ف بکسر اول وسکون نون وکاف فارسی با سین مہلہ والف ورار مہلہ شورہ کہ جزو بارود شود۔

تمیق السین المہملہ

خندروس ـع بفتح اول وسکون ثانی و فتح دال مہلہ وضم را مہلہ وسکون واو ـع خطہ روئے ف کاکل گندم صحرائی و جو سیاہ طرح ی گویند ح ر ل فرہ و شراب کہنہ و گندم کہنہ را نیز گویند

تمیق الکاف

خیجک ـ ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح جیم وسکون کاف

م در منہ و بکسر اول درخت بن و سیاہ دانہ وخار خسک را نیز گویند وبعضے گویند غلہ ایست کہ بہندی کلتھی خوانند۔

تمیق اللام

خندریل ـ بفتح اول وسکون ثانی و فتح دال مہلہ و کسر را مہلہ وسکون تحتانی ف کاسنی بری ـ

تمیق النون

خندقیون ـ بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مہلہ وسکون تحتانی وضم قاف وسکون واو و نون ثانی ف شرابیست کہ از عسل و شراب کہن یا مثلث سازند طرح ی ش ہیجدہ درم ـ

تمیق الہاء

خنجرہ ـ بفتح اول وسکون ثانی و فتح جیم ورار مہلہ با ہا ف حنجرہ ای ہندی

تمیق التحتانے

خنثی ـع بضم اول وسکون ثانی و فتح مثلثہ والف مقصورہ ف بیخ گیاہ سیرش طرح ی ۳ گویند ب رق مجلی و محلل ش بیحدرم داز ثمر و شگوفہ او دو درم ص شیر باسے حیز ب ل فوہ کہ بفارسی روناس و ہندی مجیٹھ گویند۔

تمیق الواؤ و تمیق الالف

خوا ـ ف بفتح اول با واو والف م گوشت ـ

خوبکلا ـ بضم اول وسکون ثانی و موحدہ و فتح کاف ف تخم بارتنگ

تمیق الفوقانی

خوست ـ بفتح اول و ثانی وسکون سین مہلہ و فوقانی ف خرزہ

تمیق الجیم الفارسی

خوچ ـ ف بضم اول وسکون ثانی م گل بستان افروز ـ

تمییق خار المعجمہ

خوخ ـ ع بفتح اول وسکون ثانی وخار معجمہ ثانی ف شفتالو ہ آڑو ط ب ر ۲ گویند اق قابض بر مخ آنچہ استخوان ز زرد از وجدا شود ش یک کف ص زنجبیل مربی باعسل ل شمش

تمییق الرار المہملہ

خوش نظر ـ بضم اول وثانی مجہول وسکون سین معجمہ وفتح نون وظار معجمہ ورار مہملہ م کلکہ گویند ـ سرخ مرد ـ

تمییق الصاد المہملہ

خوص ـ بفتح اول وسکون ثانی وصاد مہملہ م ورق مقل و ورق نخل وورق نارگیل را بدین نام خوانند ـ

تمییق العین المہملہ

خوخ خارقرع ـ بفتح اول وسکون ثانی وکسر خار معجمہ ثانی وفتح ہمزہ وسکون قاف وفتح رار مہملہ وعین م بہادج ہندی ـ

تمییق الکاف

خواتیم الملک ـ ع ف گل مختوم ونیز ختم الملک گویند بحذف واد ویاے تحتانے ـ

خوزدوک ـ ف بفتح اول وثانی وسکون رار معجمہ وضم دال مہملہ و واو مجہول خردک ـ خوک ـ ف بضم اول وسکون ثانی ع خنزیر

تمییق اللام

خوال ـ ف بفتح اول وثانی والف م دود نماز چراغ جامکی مشیو مرکب

تمییق النون

خولان ـ ع ـ بفتح اول وثانی والف ونون م حضیض ـ

خولنجان ـ بضم اول وثانی مجہول وکسر لام وسکون نون باجیم والف ہ گلیجن ط ح ی ۲ گویند م ق ملطف بہی خ سر مسخن معطر گم گرہ ش از نیم درم تا یک درم ص کتیرا و چیز ہای چرب وصندل و کافور با ابریشم ل قرنفل یا قرفہ یا درد گردہ و قوت باہ یک ہمو زن دار چینی و نیم وزن برگ فرلفیص

خون سیاوشان بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسین مہملہ با تحتانی والف وضم واو با شین معجمہ والف ثانی ع دم الاخوین و گویند بضم و وجہ تسمیہ آنکہ چون افراسیاب سیاوش را کشت جائیکہ خون او ریختہ در آنجا این نبات رستہ ہیر دکھی

تمییق الواو

خوللو ـ ف بضم اول وثانی مجہول وفتح لام وضم لام ثانی وسکون واو ثانی راز یانہ بری ـ

تمییق الہمار

خواجہ گیاہ بضم اول با تانی معدولہ والف وفتح جیم فارسی وخفار ہا وکسر کاف فارسی یا تحتانی والف ہ بانسا ـ

خوجہ ـ ف بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی م بستان افروز

خوخ فلیق استہ ـ بفتح اول وسکون ثانی وکسر خار معجمہ ثانی وفتح قاف وکسر لام وسکون تحتانی وقاف وفتح ہمزہ وسکون سین مہملہ وفتح فوقانی م قاقلہ

خود خردہ ـ ف بضم اول ثانی مجہول وکسر دال مہملہ وضم خار معجمہ ثانی ورار مہملہ وواو مجہول ثانی و اظہار ہام گل تاج خروس

خوی تاہ ـ ف بضم اول وثانی مجہول تحتانی وبانون والف و اظہار ہام خراطین ہ کینچوا ط اگرم وتر ـ

تنسیق الیار التحتانی وتمییق الالف

خیربوا بفتح اول وسکون تحتانی وکسر رار مہملہ وفتح موحدہ واو مشدد والف ع تاقلہ ضخار۔

تمیق الجیم

نعیروج۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم رار مہملہ وسکون واو جیم
جبنسونج بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمہ وضم نون وسکون
واو ف بذیہ دانہ

تمیق الدال المہملہ

خید۔ ف بکسر اول وسکون ثانی ودال مہملہ م خوید کہ عبارت
از جو وگندم ونخود با سبز باشد۔

تمیق الرار المہملہ

خیار چنبر وخیار سنبر۔ بکسر اول باثانی والف ورار مہملہ و
فتح جیم فارسی وسکون نون وفتح موحدہ وسکون رار مہملہ ثانی
در لغت اول وفتح شین معجمہ در لغت ثانی ہ کریالا وا ملتاس
و درہن بھیڑا و باندر لوری و باندر لکڑی طبع رح ب ق
محلل وملین ومسہل صفرا خ ہندی سطبر سیاہ رسیدہ عبرل
فلوس وپوستش براق ورقیق باد روقت استعمال از قلم بیرون
آرند ش از پنجدرم تا پانزدہ درم ص روغن بادام
وعناب با آب تمر ہندی تر نجبین و سہ وزن آن موز بدانہ دانہ

تمیق الرار المہملہ

خیار۔ ف بکسر اول باثانی والف ورار مہملہ م بادرنگ
ہ کھیرا طب ر ۲۔

تمیق النون

خیزران۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وضم زار معجمہ بارار مہملہ

دلون و بیت طبع ر ۲ گویند ع ی ق نفث حماۃ ش
دو درم ص غافث ا ل بنج علیق۔

تمیق الواو

خیار کدو۔ ف بکسر اول باثانی والف وکسر رار مہملہ وفتح کاف
وضم دال مہملہ وسکون واو ع ہند و دانہ ہ تربوز طب۔
خیرو۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم رار مہملہ م گلیست مشہور
کہ سرخ وسفید رنگ باشد ع خطمی۔
خیلو۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وضم لام م خیرو۔
خیو۔ ف بکسر اول وضم ثانی لعاب دہن۔

تمیق الہار

خیارزہ۔ ف بکسر اول باثانی والف وفتح زار معجمہ وخفا
ہاہ ککڑی طب ر ۲۔

تمیق التحتانی

خیزران بلدی۔ بکسر اول وثانی مجہول وفتح زار معجمہ بارار مہملہ
والف وکسر نون وفتح موحدہ ولام وکسر دال مہملہ وسکون
تحتانی ثانی ف سوری صحرائی۔
خیری۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر رار مہملہ م گلیست زرد
رنگ کہ میان آن سیاہ باشد و آنرا ہمیشہ بہار نیز گویند۔

ترجمہ الدال المہملہ وتمیق الالف وتمیق الدال المہملہ

دارو۔ بدال مہملہ وفتح رار مہملہ سکون واو مہملہ ثانی ہم گندم

تمیق الرار المہملہ

دار... فتح ... ران رار مہملہ ... سبز ... متعارف

درختان را سوراخ کند آمزا لبشیر تری نمک بکیلانی در آب گویند

داشخوار - ف بسکون شین معجمہ با خار معجمہ و الف ع خبث الحدید

داغ سر - ف بسکون غین معجمہ و فتح مہملہ جانوریست کہ در میان سر آن چند پر زرد باشد و مانند بلبل و جبل و سبزہ خوش آواز بود

تمیق الزار المعجمہ

دالپوز - ف بسکون لام و ضم موحدہ فارسی و واو مجہول و زار معجمہ م فراشترک -

تمیق السین المہملہ

داس - ف بسکون سین مہملہ م سداب استخوان ماہی -

تمیق الشین المعجمہ

دار سوش - بفتح اول با الف و کسر رار مہملہ و ضم میم و سکون آخر بن نام گیاہیست چون ورا برداغ بر مہر طلا کنند پیش رنگ کند و ستعیہ

تمیق الصاد المہملہ

دار صوص و دار منصوص بکسر رار مہملہ و فتح صاد مہملہ و ضم عین مہملہ و سکون واو و صاد مہملہ ثانی در لغت اول و فتح میم و سکون نون و ضم صاد مہملہ و سکون واو در لغت ثانی م دار چینی -

تمیق الکاف

داربک - بکسر رار مہملہ و فتح میم و سکون کاف م نوعی از زر

تمیق اللام

دار فلفل بکسر رار مہملہ و فار و سکون لام و کسر فار ثانی و سکون لام ثانی ف فلفل دراز ہ پیپل طرح ہی ہ ق ملطف منفتح سبتری کہ بطعم چون فلفل بود شش بیند رم ص صمغ عربی یا صندل و گلاب ل زنجبیل یا رزنباد یا دلفل ہ

دار تنہال - ف بکسر رار مہملہ با نون ہا و الف م درخت بقم -

دار شنجال - بسکون شین معجمہ با خار و الف و لام ع خبث الحدید

داول - بفتح داو ہند روغن کتان -

تمیق المیم

دارم ہ بدال مہملہ و الف و بفتح رار مہملہ و سکون میم ف انار

تمیق النون

داتون - ہ بدال مہملہ و الف و بفتح فوقانی و سکون واو و نون ثانی ف بیخ حب السلاطین م جمال گوٹے کی جڑ -

دار پرنیان - ف بکسر رار مہملہ و فتح موحدہ فارسی و سکون رار مہملہ ثانی و کسر نون یا تحتانی و الف ف چوب بقم -

دار شیشعان - بدال مہملہ و الف و بکسر رار مہملہ و شین معجمہ و سکون تحتانی و فتح شین معجمہ ثانی و عین مہملہ و الف ثانی و نون ہ کا بسیمل طرح ای ہ ق قابض رنج گران سرخی مائل خوشبو سطبر اندک تلخ ش از یک درم تا دو درم ص دو قوما را زیان اسارون یا تخرہ الطرفا یا چہار دانگ وزن آن زرادند و نیم وزن آن دروج یا را یک و سعد -

دارقن بدال مہملہ و الف و بکسر رار مہملہ و فتح قاف و سکون نون ف شفتالو ع خوخ ہ آڑو ڈاسرا و تر -

تمیق الہار

دار پرزہ - بفتح موحدہ فارسی و سکون رار مہملہ و فتح زار معجمہ و خفا ہا م فراشترک -

دار کیسہ بکسر رار مہملہ و کسر کاف و سکون تحتانی و فتح سین مہملہ م بسباسہ گویند تا البیفر

داکه - ه بفتح دال مهمله با الف وسکون کاف داخطاز خبث
ف انگور ط گرم وتر دو غذائیت بهترین میوه‌ها وابو ره
ف بسکون لام وضم موحده فارسی و واو مجهول و
فتح زاء معجمه م فراستر دک -

تمیق التحتانی

دادرومی - بکسر دال مهمله ثانی و تحتانی وضم راء مهمله و
واو وکسر میم وسکون تحتانی ثانی م هو فاریقون -
داریوی - بسکون راء مهمله وضم موحده و واو مجهول ع
دارصینی ع بکسر راء مهمله وصاد مهمله وسکون تحتانی وکسر نون
د دال صینی طرح ی س گویند ه گویند ملطف مفتح مدر مقوی
اول دکبد ومعده ومبهی خ سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرین
۲ شیر ش از یک درم تا دو درم ص اسارون یا صندل ل
پوست بلیلجه و نیم وزن کبار یا ابهل یا زرنب یا خولنجان -

تمیق الباء الموحده و تمیق الالف

دبا ع بضم اول با لموحده مشدد و الف ف کدو -

تمیق الموحده

دباب - بضم اول با ثانی و الف و موحده ثانی م سپیبوش
بری و بستانی میباشد و بری قوی تر از بستانی ست ط ۲ گرم
خشک ص کثیر ش ل زخشک و بکیشال ل مرز نجوش -

تمیق الراء المهمله

دیودار - بفتح اول وضم ثانی وسکون واو با دال مهمله ثانی
و راء مهمله ع بحرالجن و اهل الهندی وصنوبر هندی شیر و تنه
و محرق و معطس طح به گرم ۳ خشک و از سموم قتاله

تمیق السین المهمله

دبس ع بکسر اول وسکون ثانی وسین مهمله ف دوشاب
خرمائی طاخ رخ بصری آتش ندیده که از رطب ریزگرفته
باشند ص بادام وکاهو ل خشخاش و سکنجبین -

تمیق القاف

دبق - بکسر اول وسکون ثانی و کاف م مویزج مسهل ط
ح ۲ ی ۳ ق محلل ملین خ تازه املس که درونش گرانی
بر دنش سیاه سرخی مائل باشد ص ربا بنا ول نیموزن عاقرقرحا
فرقاد چهار دانگ وزن آن جوز السرو و نیموزن آن اهل

تمیق اللام

دبول - بفتح اول وضم ثانی وسکون واو و لام ف زردکستان

تمیق الهاء

دباله - ف بفتح اول و ثانی و الف و فتح لام وخفاء هاء م تره -
دبله بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و هاء ف بار درخت که بر سر شاخ

تمیق و تمیق الجیم

دجاج ع بضم اول با جیم والف و جیم ثانی ماکیان م کوکری
و بزبان شاهجهان آباد مرغی ط معج وگوشت از تعدیل
مقوی ع آنکه بیضه نزاده باشد و بهتر از آن جوزه بود ص نایل
دج ع بفتح اول وسکون ثانی ف رغ بری طیهوج بزبان هلی

تمیق الراء المهمله

دجره - ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون راء مهمله ف لوبیا -

تمیق الخاء المعجمه و تمیق الالف

دخیسار - بضم اول وسکون خاء معجمه وکسر سین مهمله وسکون تحتانی

باسین مہملہ ثانی والف ف روغن بلسان

تمیق الخار المعجمہ

درخ ف بضم اول وسکون خار معجمہ م گیاہیست کہ آرسیانش آب برویدوازان حصیر بافندم لوخ

تمیق المیم

درخت مریم ـ بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وفتح میم وسکون رار مہملہ وفتح تحتانی وسکون میم ثانی دت پوست درخت سنبھالو چھال سنبھالو کی ـ

تمیق النون

دخان ـ ع بضم اول خار معجمہ والف ونون ف دود دہنوان حاح ی ق ملطف مجفف ص شراب خشخاش

دخن ـ ع بضم اول وسکون ثانی ونون ف ارزن چینا ی ۲ وگویند ۳ وگویند ص قند مصطگی لب غ ـ

تنسیق وتمیق الدال المہملہ

دد ـ ف بفتح دال اول وسکون دال مہملہ ثانی م جانوران درندہ چون شیر ببر وگرگ وامثال آن ـ

تمیق الہار

دودہ ـ ف بفتح ہر دو دال مہملہ وخفار ہا سیئے دونہ لو

تنسیق الرار المہملہ وتمیق الالف

درخت رلیشیا ـ ف بفتح اول وثانی وسکون خار معجمہ وکسر فوقانی ورار مہملہ ثانی وتحتانی مجہول شین معجمہ والف درخت

درخشک انار ـ ف بفتح اول وثانی وسکون خار معجمہ وفتح فوقانی وکسر کاف بادال مہملہ ثانی باد م لف درختیست کہ بجانب آفتاب

بگردد وبرگہای آن رو بجانب آفتاب کنند وگویند درخت فواق وبوحکھی

تمیق الموحدہ

درداب ـ ع بفتح اول وسکون ثانی با دال مہملہ ثانی والف وموحدہ ف دستبویہ ہ بچری ـ

تمیق الفوقانی

درخت آفتاب پرست ـ ف بفتح اول وثانی وسکون خار معجمہ وکسر فوقانی ومد ہمزہ وسکون فا یا فوقانی ثانی والف موحدہ ساکنہ وفتح موحدہ فارسی ورار مہملہ ثانی وسکون سین مہملہ وفوقانی ثالث

تمیق الجیم

دراج ـ ع بضم اول وثانی مشددہ با الف وجیم ف تراج ہ یتر طبع گوشت او مقوی دماغ ـ

دراشج ـ بفتح اول وثانی والف وفتح شین معجمہ وسکون جیم م نوعی از لیلاب

دربج ـ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی دراج ـ

تمیق الخار المعجمہ

دراوخ ـ بفتح اول وثانی والف وکسر واو وسکون تحتانی وخار معجمہ

تمیق الرار المہملہ

دردار ـ بفتح اول وسکون ثانی با دال مہملہ ثانی والف ورار مہملہ ثانی ف درخت پستہ وسپیدلو ورق ادب ی ہ ق قابض مجلی

دردی الخمر ـ ع بضم اول وسکون ثانی وکسر دال مہملہ ثانی وضم تحتانی مشددہ وسکون لام وفتح خار معجمہ وسکون میم ورار مہملہ ثانی ف دردی شراب ہ شراب کی تلچھٹ طرح ی ح از شراب کہن

درونبطار ـ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح موحدہ با طار مہملہ والف ورار مہملہ ثانی ف توت سگ ـ

تمیق السین المہملہ

دِرافس۔ شامی بفتح اول و ثانی و الف و کسر فا و سکون سین مہملہ ف شفتالو ہ آڑو۔

تمیق الشین المعجمہ

ورش۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون شین معجمہ م نوعی از خیار کہ آنرا کلونذہ و درشی نیز گویند۔

تمیق العین المہملہ

درجع۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون عین مہملہ ف ستا غل ہ ارہر۔

تمیق الفار

درخف۔ ف بضم اول و سکون ثانی و ضم خار معجمہ و سکون فا م زنبور سیاہ

تمیق اللام

دراز دنبال۔ بفتح اول و ثانی و الف و زار معجمہ و ضم دال مہملہ و سکون نون با موحدہ و الف ثانی و لام ف گاو دنگا و میش۔

دردی الخل۔ ع بضم اول و سکون رار مہملہ و کسر دال مہملہ ثانی و ضم تحتانی مشدد و سکون لام و فتح خار معجمہ ف دردی سرکہ ہاح ی ق مجبقبنخ کہہ ھص ر عن گل ل ر ریخ سح یا سرکہ یا خر آب

تمیق المیم

درازدم۔ ف بفتح اول و ثانی و الف و زار معجمہ و ضم دال مہملہ ثانی و سکون میم ف م سگ ہ کتا

تمیق النون

درخت گلچگان۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون خار معجمہ و کسر فوقانی و ضم کاف فارسی و سکون لام و فتح جیم فارسی با کاف و الف و نون ہ مہوئے کاروکھ۔

درن۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون م زلوہ جونک۔

تمیق الہار

درخت سنبہ۔ ف بضم سین مہملہ و سکون نون و فتح موحدہ و خفا نورسیت کہ درخت را سوراخ کند و سبز رنگ باشد م سبز کٹھپھیا کٹرس

دردہ۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ ثانی م دردے شراب و آب و روغن و دل آن۔

درگالہ و درگلالہ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف فارسی و الف و فتح لام در لغت اول و ضم کاف فارسی با لام و الف و فتح لام ثانی در لغت ثانی م زنخ۔

درمنہ۔ ف بفتح اول و ثانی و سکون میم و فتح نون خفا ہا و جوہی ہے جھاؤن

درونہ۔ ف بفتح اول و ضم ثانی و واو مجہول و فتح نون گیاہیست کہ شبیہ بگزدم باشد و درونج عقربی۔

درہ۔ ف بفتح اول و ثانی مشدد و مخفف خشکبنہ۔

تمیق التحتانی

درونج عقربی۔ ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح نون و سکون جیم و فتح عین مہملہ و سکون قاف و فتح رار مہملہ و کسر موحدہ و سکون تحتانی ہ الو آہس ط ی ح ۳ گویند ملطف مفرح مقوی د ل خ ر وجی ش از سیند رم تا یک د م ص ر از یانہ یا انیسون ال منر نبابد و و دو انگک و زن آن قرنفل گویند عاقر قرحا دو وزن سے ترنجان

دری۔ ف بفتح اول و کسر ثانی م نوعے از کبک۔

تمیق و تمیق السین المہملہ

دس۔ ف بضم اول و سکون سین مہملہ م گل نخچہ۔

تمیق الما -

دستبویہ - ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح فوقانی وسکون نون وضم موحدہ و واو مجہول و فتح تحتانی و خفاء ہاء ع در داب شمام کتھاہ وکچری نیز قسمی از دست و در افعال مثل خربزہ گرمک بویدن آن سخن دماغ و مقوی آن و مفتح سدہ دماغی -

تنسیق الشین المعجمہ و تمیق الراء المہملہ

دسمر - ف بفتح اول وسکون شین معجمہ و فتح میم وسکون راء مہملہ م شاخل ع درج ہ ارسر -

تمیق التحتانیے

دشنی - ف بضم اول وسکون ثانی وکسر فوقانی وسکون تحتانی م ز لوہ جونک -

تنسیق الفاء و تمیق الراء المہملہ

دفار - بفتح اول با فاء الف و راء مہملہ کوار -

تمیق التحتانی

دقلے - ع بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وسکون تحتانی ف خرزہرہ ہ کنیر طرح ی ۳ ق محلل خ سطبر بزرگ و رق لب یار تلخ سرخ گل سخت ثمر شش بندرم -

تنسیق الکاف و تمیق النون

دقطالانون - بفتح اول وسکون قاف با طاء مہملہ و الف و میم و الف ثانی وضم نون وسکون واو و نون م مشلطرا مشیع

تنسیق اللام و تمیق الموحدہ

دل آشوب - ف بکسر اول وسکون لام و مد ہمزہ وضم شین معجمہ وسکون واو و موحدہ م بجنگشت ہ سنبھالو -

دلب - ع بضم اول وسکون ثانی ف درخت چنار و چوب و پوست اوی اگویند ۲ ب او چوب او ب رق مخفف خ تازہ ص عو ریاد ار چینی ل فتور الرمان

تمیق الثلثہ

دلبوث - بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون واو و ثلثہ ف نوعی از سوسن برے -

تمیق السین المہملہ

دلیفسن - بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر فاء وفتح نون وسکون سین ف نوعے از صدف کوچک -

تمیق العین المہملہ

دلاع - ع بضم اول با ثانی مشدد والف و عین مہملہ سندہ

تمیق الکاف

دلمک - ف بفتح اول و ثانی و میم وسکون کاف م نیر ترک

دلیک - بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف ثمر گل چون بریزد آن ثمر حاصل شود

تمیق الکاف الفارسی

دلنگ - ف بفتح اول و ثانی وسکون نون و کاف فارسی م علاقہ خوشہ خرما

تمیق اللام

دلدال - بفتح اول وسکون ثانی با دال مہملہ ثانی و الف و لام ف خارپشت ہ ساہی -

تمیق النون

دلفین - بضم اول و فتح ثانی وکسر فاء وسکون تحتانی و نون ماہی بزرگ سیاہ رنگ کہ سرش بخوک ماند ع خنزیر البحر

خوک ماہی ہ سوس طاسر د و تر قریب بع د سوں خلط غلیظ ومنقوی اعضا و بہ ادگرم گلا وند بینا جبت درد مفاصل جوں درجوف خطل گذاشتہ باشد جبت گرانی سامعہ د آو کختن دندان ادرا فع صرع اطفال د سریع الاثر۔

تمیق الہار

دلمہ۔ ف بفتح اول د ثانی و میم دخفا ہام پنیر تر۔

دلہ۔ ف بفتح اول و ثانی م گریہ صحرائی وبکسر اول م زل

تمیق المیر و تمیق الجیم۔

دم الدجاج۔ ع بفتح اول و ضم میم مشدد و دال مہملہ مشدد تا ذ با جیم والف وجیم ثانی ف خون کیان خ ماخوذ از طائر سلیم

تمیق السین المہملہ

دم التیس۔ ع بفتح اول وضم میم مشدد و کسر فوقانی مشدد و سکون تحتانی و سین مہملہ ف خون بز کوہی خ ماخوذ از بز کوہی چہار سالہ در وقتیکہ انگور رنگ گیر و خلقش ببرند و خون اول و آخر بگیرند و آنچہ متوسط بستانند و در دیگ سنگین کنند سر شود پس قرصہا ساختہ خشک سازند و از غبار محافظت نمایند و در جا ر ...

تمیق العین المہملہ

دم الضفدع۔ ع بفتح اول و ثانی مشدد و فتح ضاد معجمہ مشدد و سکون فا و فتح دال مہملہ ثانی و سکون عین مہملہ ف خون غوک رخ از ضفدع زرد و سیاہ۔

تمیق العین المعجمہ

دماغ۔ ع بکسر اول با ثانی والف و عین معجمہ ف مغز سر طب رقیق لمین و معتدی دماغ و مسمی خصوصا سر دماغ کنجشک

وبرہ بسیار سبی ست خ ماخوذ از مرغہای کوہی و از اشتر دو دکوسالہ ص بودنہ و فلفل و خردل و دارچینی د سرکہ ل منور ق

تمیق القاف

دستق۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ و سکون قاف ف ابریشم سفید۔

تمیق المیم

دمادم۔ بفتح اول و ثانی والف و فتح مہملہ ثانی و سکون میم ثانی ع حجر الدام۔

دم الحمام۔ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و فتح حا مہملہ یا میم ثانی والف و میم ثالث ف خون کبوتر۔ خ خون طائر سلیم۔

دم ع بفتح اول و سکون ثانی ف خون ہ دہر طح رق ... ص نامحرم اندگی

تمیق النون

دم الاخوین۔ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و بسکون لام و فتح ہمزہ و خا معجمہ و واو و سکون تحتانی و نون ف خون سیاوشان ہ ہیرا دوکھی و رنگت و گویند بقم طب ای ۲ گویند ج ل ی ۲ ق قابض طبع و مجفف و حابس دم و مدمل خ چکیدہ صمغ کہ اصلا چوب دروی نباشد بدل رم ص صمغ عربی یا کتیرا یا پید دینل عصارہ اویا خس الحمار یا اقاقیا۔

دم الانسان۔ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و کسر ہمزہ و سکون نون با سین مہملہ والف ف خون آدمی۔

دم الثعبان۔ ع بضم مثلثہ مشدد و سکون عین مہملہ ماخوذ بلفظ دم الاخوین

تمیق الہار

دسہ - ف بکسر اول وسکون ثانی و فتح سین مہملہ و ہا مخفی م ابریشم سفید ع دسق -

دسیبچہ - ف بضم اول وسکون و کسر سین مہملہ وسکون تحتانی و فتح جیم فارسی کار زگساز ج سودھولا -

تمییق النون وتمییق الدال

دند - ف بفتح اول وسکون نون و دال مہملہ ثانی م ابنوع حب السلاطین و جمال گوٹھا ح ی ہ ق سسپل خ چینی بحا زرد و بحری بعد از و ہندی بش از کینہ نیتہ تا دو حبہ دگویند از دو دانگ تا نیمدرم ص فشاستہ بضم اول ف گو عجز از زر ونیز -

تمییق الرار المہملہ

دنقر بفتح اول وسکون ثانی و فتح قاف وسکون رار مہملہ ف شورہ ہ باجی ط ح سے -

تمییق الہار

دنقہ بفتح اول وسکون ثانی و فتح قاف و خفار ہا ف یاسمین ہ چنبیلی

تمییق الواو وتمییق الالف

دوباف - بضم اول مہملہ و واو مجہول با موحدہ فارسی الف م شیریست کہ در درخت بلوط یابند و بآن ابریشم و مثال آن رنگ کنند

تمییق الحار المہملہ

دوباروح - بضم اول و ثانی مجہول با موحدہ والف بفتح رار مہملہ وسکون واو ثانی وحار مہملہ م کا کنج -

تمییق الخار المعجمہ

دوخ - ف بضم اول وسکون ثانی وخار معجمہ م نسخہ دوخ

تمییق الرار المہملہ

دودا الحریر - ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مہملہ ثانی وسکون لام و فتح حار مہملہ وکسر رار مہملہ وسکون تحتانی ورار مہملہ ثانی ف کرم ابریشم -

دوسر - بضم اول و ثانی مجہول و فتح سین مہملہ م کاکل جو سیز دگندم صحرائی ط ح رای ہ گویند ب ق سسہل خ سیاد ش دو درم ص کثیرا و مثل ل ہمیوزن حب النیل -

تمییق الزار المعجمہ

دودا القرمز - ع بضم اول وسکون ثانی وضم دال مہملہ ثانی وسکون لام وکسر قاف وسکون رار مہملہ وکسر میم وسکون زار معجمہ ف کرم ابریشم سرخ ط ب ی -

تمییق الصاد المہملہ

دوص - ع بضم اول وسکون ثانی وصاد مہملہ ف آبی است کہ آہن تافتہ درو اندازند -

دوقص - بضم اول وسکون ثانی وکسر قاف ع بصل -

تمییق الغین المعجمہ

دوغ - ف بضم اول و ثانی مجہول وغین معجمہ چھاچھ -

تمییق الکاف

دوالک - ف بضم اول با ثانی والف و فتح لام وسکون کاف ع اشنہ ہ چھڑیلا -

دولک بضم اول با ثانی و فتح لام ف فلفلمویہ -

تمییق اللام

دوال - ف بضم اول با ثانی والف لام م زمرد و بعضے گویند طالیسفر ف پوست بیخ زیتون -

[illegible] ۲

دویال - ف بضم اول و ثانی مجهول با جیم و الف و لام مرزو بجان

دویل ف بضم اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول م ابریشم کنند که از پیله حاصل شود که دو کنار ع در میان او باشد -

تمیق المیم

دوم ع بضم اول و سکون ثانی و میم م درخت مقل

تمیق الواو

دوقو - ع بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون واو ف تخم جرزیری که بیخ وی شقاقل است و گیاه وی که خزین گیاه بارد طرح سوی اق منضج ملطف خ تازه زردش یک درم صرع م تخم سوردیا بوطیا مصطگی طیا شیرل و وزن تخم گزدیا در وزن تخم کرفس حراف

تمیق الهار

دواوالحیه ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم و همزه و سکون و فتح حار مهمله و تحتانی مشدد و خفار هام خبطیانا -

دورژهر - بضم و با زار فارسی ف نیش پشه و زنبور کند

دوهداه - بالفتح بچه شتر -

دولیسمه - ف بالفتح مورچه -

دواله ف بضم اول با ثانی و الف و فتح لام م اشنه

دوده - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله نلی م دود چراغ که از دو سیاهی حاصل کننده کاجل

دوزه - ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح زار معجمه گیاهی است که بجامه آویزد و چنبرام خار داز گون -

تمیق التحتانی

دوارالخطائی بفتح اول و ثانی با الف و ضم همزه و سکون لام

: ضم خار معجمه با طار مهمله و الف ثانی و کسر فا و سکون تحتانی م مایران

دودهی - ف بضم اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله ثانی و اظهار ها دوای هندی نیست م سوسفید و شیرگیاه و قسم خرد او م نگار اجنی

دورحونی - بضم اول و سکون ثانی و رار مهمله و ضم حار مهمله و سکون واو و کسر نون ف نوعی از سوسن بریست -

دونه ترکی بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و همزه ملینه با ها وضم فوقانی و سکون رار مهمله و کسر کاف ه جوهری اجوئن

تمیق الهار و تمیق الالف

دهنیا بفتح اول و اظهار ها و سکون نون با تحتانی و الف کشنیز

تمیق الفوقانی

دهمست ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون سین مهمله و فوقانی م درخت غار گویند نخست تریاق همین بود که بعسل می پروردند طرح سوی رخ ثمر و برگ او -

تمیق الجیم

دهنج ع - بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم سنگیست سبز و دهانه طب ی رخ فرنگی شیرین چون آنرا بسایند و برای آئینه بگذارند تا خشک شود اگر آئینه زنگ بردار در تلخ است و الا شیرین -

تمیق الدال المهمله

دهن الورد - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح واو و سکون رار مهمله و دال مهمله ثانی ف روغن گل طب را -

تمیق الرار المهمله

دهن اصفر - ع بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و فتح همزه و سکون [illegible]

عصارہ مہملہ و فتح قاف روغن زردی بیضہ مرغ د انڈے کا تیل۔

دہن الغار ع بسکون لام با غین معجمہ و الف ف روغن غار ل زفت تر۔

تمیق الزاء المعجمہ

دہن الجوز ع بسکون لام و فتح جیم و سکون واو و زاء معجمہ ف روغن گردگان ل ای ا۔

دہن اللوز ع بفتح لام مشددہ و سکون واو ف روغن بادام ل روغن امستہ شفتالو۔

تمیق السین المہملہ

دہن النرجس ع بفتح نون مشددہ ثانی و سکون راء مہملہ و کسر جیم و سکون سین مہملہ ف روغن نرگس مبہی مقوی دماغ ل نرجیم

تمیق العین المہملہ

دہن الخروع ع بسکون لام و کسر خاء معجمہ و سکون راء مہملہ و فتح واو و سکون عین مہملہ ف روغن بیدانجیر ل روغن بادام تلخ یا روغن خسکدانہ۔

تمیق القاف

دہن الزنبق۔ بفتح زاء معجمہ مشددہ و سکون نون و فتح موحدہ ف روغن گل زنبق ل روغن یاسمین یا روغن سوسن۔

دہن الخلوق۔ بفتح خاء معجمہ و ضم لام ثانی و سکون واو ف روغن زعفران

تمیق اللام

دہن الحنظل ع بفتح اول باء مہملہ و ضم نون و سکون ن م با حاء مہملہ ثانی و سکون لام ثانی ف روغن کنجد در روغن شیر جن ہ تلون کا تیل و میٹھا تیل طرح را۔

دہن السفرجل۔ بفتح سین مہملہ مشددہ و فاء و سکون راء مہملہ و فتح جیم ف روغن آبی ل دہن التفاح۔

دہن الفجل ع بسکون لام و ضم فاء و سکون و جیم ف روغن ترب د مولی کا تیل طرح ی ۳ ل روغن زیت کہنہ

دہن النارجیل بنون مشددہ ثانی و الف و سکون راء مہملہ و کسر جیم و سکون تحتانی ف روغن جوز ہندی ل روغن گردگان

تمیق المیم

دہن القرطم۔ بسکون لام و ضم قاف و سکون راء مہملہ و ضم طاء مہملہ ف روغن خسکدانہ ل روغن انجیر۔

تمیق النون

دہامن۔ ہ بفتح اول و اظہار ثانی و الف و کسر میم و سکون نون یہ درخت مشہور ہندیست و نیز نام مار سیاہ۔

دہن البان۔ بسکون لام با موحدہ و نون روغن بکائن ل روغن بنفشہ

دہن البلسان بسکون لام و فتح موحدہ و لام ثانی و سین مہملہ و الف و نون روغن بلسان ح تازہ قوی کو ن اوزن آن و دہن اذخر یا نیموزن دہن نارجیل با دو دانگ نیموزن آن زیت کہنہ گویند کہ حب بلسان کوفتہ و در آن روغن زنی بجوشانند یا روغن گاو دیکہ در آن ریختہ با پانزدہ درم روغن زیت دو درم روغن نارجیل و پنجدرم عصارہ ترب با ہم مخلوط کردہ بجوشانند تا بر روغن آید و در ظرف آبگینہ نگاہ دارند و گویند کہ زیر ہر بر گشش بیشتر نشگافتہ نزدیک تر نگا فتش شیشہ آویزند کہ زرد بچکد طرح می ۲ گویند ۳

دہن السوسن بضم سین مہملہ مشددہ و واو مجہول و فتح سین مہملہ ثانی م روغن سوسن ل روغن مجاز۔

دہن النسرین بفتح نون مشددہ و سکون مہملہ و کسر راء مہملہ

وسکون تحتانی م روغن نسرین ل روغن بادام۔
دہن بضم اول وسکون ثانی ف روغن طرح رق ملین خ تازہ

تمیق النار

رباہہ۔ ف بفتح اول و اظہار ثانی والف و فتح نون و خفا رنجار معدنیست سبزرنگ وتلخ واز کان مس خاص شود و بیخ
دہن الانجرہ ف بسکون لام و فتح ہمزہ و سکون نون و کسر جیم و فتح را مہملہ ف روغن کزنہ ل روغن خکدانہ۔

تمیق التحتانی

دھانگی۔ بفتح اول و اظہار ثانی والف و فوقانی و کسر کاف وسکون تحتانی م گل وہادی۔
دہن الخیری۔ بکسر خار معجمہ وسکون تحتانی وکسر رار مہملہ ف روغن خیری در روغن چنبیلی ل روغن چنا۔
دہن السوانی۔ بکسر سین مہملہ مشدد باواو والف وکسر لام ف روغن کتان
دہن العسلی۔ بفتح عین مہملہ وسین مہملہ وکسر لام او تالے۔

تمیق التحتانی و تمیق الالف

دیاقودا۔ یونانی بفتح اول وکسر آن یا تحتانی والف وضم قاف وسکون واو بادال مہملہ والف ثانی ف شراب خشخاش کہ با پوست
دیلویا۔ ف بکسر اول و ثانی مجہول و واو باموحدہ فارسی عنکبوت و گیاہی ست کہ بعربی آنرا حبہ قوبی خوانند۔

تمیق الفوقانی

دیواسپست۔ بکسر اول و ثانی مجہول و واو مجہول کسر ہمزہ و سکون سین مہملہ و کسر موحدہ فارسی سکون سین مہملہ ثانی و فوقانی م حبہ قوتی

تمیق الرار المہملہ

دینار۔ بکسر اول وسکون ثانی بانون و الف و را مہملہ م تخم کشوث
دیودار۔ بکسر اول و تحتانی مجہول و واو مجہول و دال مہملہ ثانی و الف وسکون رار مہملہ صنوبر ہندیست ف درخت زد جنبد طرح ی۔

تمیق السین المہملہ

دیلفروجسن یونانی بکسر اول و سکون ثانی و ضم فا و را مہملہ وسکون واو وکسر جیم وسکون سین مہملہ م سہ نوع ست اول معدنی کہ در جزیرۂ قبرس از جا بہم رسد و نوعی از طین ست لیکن چون بآفتاب خشک کنند بصلبی سنگ بود دوم نقلی کہ از مس میگیرند چون نحاس بگذارند در آب بروے میریزند واز بوتہ بیرون آورند در شب او یابند سوم قشیلیاست کہ میسو را نند مانند کلس دیون و بنقرہ مانند
ڈینڈس۔ ہ بکسر اول ہندی و ثانی مجہول و خفا نون و فتح دال ہندی ثانی ثمرہ ہندیست بکلانی مانند بادنجان لیکن اکثر ش گرد باشد و نان خورشی ست خوب طرح ی۔
دیوباقونیطس۔ یونانی بفتح اول و ضم ثانی وسکون واو باموحدہ والف و ضم قاف وسکون واو و ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ثانی وکسر طار مہملہ م پیلگوش۔

تمیق الکاف

دیک بردیک۔ بکسر اول وسکون ثانی و کاف و فتح موحدہ وسکون را مہملہ وکسر دال مہملہ وسکون تحتانی و کاف ف مرگ موش عملی و گویند زرنیخ و اہک و رنجار و زہق ست کہ مجموع را سائیدہ در دو دیگ مضاعف تصعید کنند از جملہ سمومات قویہ تند و جہت بردن گوشت متعفن زخمہا و قلاع خبیثہ و قروح ساعیہ و اکلہ و تخفیف رطوبات و قطع سیلان خون جراحات باعمل

حبت قلع آثار جلد و دانه بواسیر مجرب۔

زیگ ع۔ بکسر اول و سکون ثانی و کاف ف خردی و نگرہ آن گوشت او ح ر گویندی خ نر۔

ویلک۔ ف بکسر اول و ثانی مجہول و سکون لام و فتح ع زیتلا

ویوک۔ ف بکسر اول و ثانی مجہول و فتح واو و سکون کاف ع از ضیه دوپه

تمنیق المیسم

ویسیم۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ و سکون میم ف بستان افروز۔

دلیوگندم۔ بکسر اول و ثانی مجہول و واو مجہول و فتح کاف فارسی و سکون نون و ضم دال مہملہ ثانی ف جنسی از گندم که دو دانه در یک غلاف باشد و گویند خوشه بزرگ سبلے دانه۔

تمنیق الواو

دیخو۔ بکسر اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه ثمر درخت کز بیره نیست

ویدہ گاؤ۔ ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ یا ثانی وہمزه ملینه باہا و کاف فارسی با الف م بابونہ۔

تمنیق الهاء

ولیسمه۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ و میم د غفار نام موریه

دلیوچه بکسر اول و ضم ثانی و سکون ثالث و فتح جیم فارسی ف زلوه جونک و نیز کرم دلیوک۔

ترقیم الذال المعجمه تسنیق الالف و تمنیق الموحده

ذات الذوایب۔ ع بذال معجمه و الف و ضم فوقانی و فتح ذال معجمه مشدده مالی و او و الف و کسر موحده دیگر سوحده ثانی ه درخت بر۔

تسنیق و تمنیق الموحده

ذباب۔ ع بضم ذال معجمه یا موحده ثانی ف مگس مکھی طرح ق ملین و مقوی۔

تمنیق اللام

ذبال۔ ع بضم اول با ثانی و الف لام ف کاسه پشت و سنگ پشت

ذیل۔ بفتح کیم و سکون دوم م سنگ پشت دریائی دامن چیزیست مانند عاج و آنرا باخه و گوش ماهی نیز نامند۔

تسنیق الراء المهمله و تمنیق الفوقانی

ذرت۔ ع بضم اول و فتح راء مہملہ مشدده و سکون فوقانی ه جوار طب ی و قوی الغذا و غلیظ تر از ه خن خفیف و نیز اسهال و در جمیع احوال مانند خندروس ص وغیرهما شیر نهان

تمنیق الجیم

ذراریح۔ ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مہملہ ثانی و سکون تحتانی و جیم ف حیوانی ست از مگس سبز رنگ تر بقدر زنبور سرخ لیکن باریک تر و نقطها سیاه بران و آن سم قاتل است پیدا طرح ی ح خ ذهبی رنگ ق مفرح ش یک طرح ص تشر تازه و روغن بادام و جلاب طین مختوم و باید که آنها را در کوزه نو کنند و سر کوزه لته کتان بسته سرنگون بر بخار سرکه جوشان گذارند تا مختنق شده بمیرند ل طینوت اکرم سبز که درخت صنوبر می یابند ش یک حبه

تمنیق الفاء

ورق الخطاف طیف۔ بفتح اول و سکون ثانی و ضم قاف و سکون لام و فتح خاء معجمه و طاء مہملہ و الف و کسر طاء مہملہ ثانی و سکون تحتانی و قاف سرگین پرستوک۔

ذرف ۔ بالفتح اشک از چشم رفتن ۔

تمیق القاف

ذرق ۔ بفتح اول و سکون ثانی با قاف م سپستی و آنرا شنبلید
ہند قوقی گویند کہ قسمیت گیا و نیز اطلاق مکینند بر پھیل کہ ریحان

تمیق التحتانی

ذرانی ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و سکون تحتانی ف مگس سفید

تنسیق الفار و تمیق الرار المہملہ

ذفکر ۔ بفتح اول و کسر نیز و سکون فا و فتح کاف و سکون را
مہملہ ف تخم کرفس کوہی ۔

تمیق التحتانی

ذفری رومی بکسر اول و سکون ثانی و کسر رار مہملہ و سکون
تحتانی م نوعے از سداب بری ست

تنسیق اللام و تمیق الواو

ذلو ۔ بضم اول و لام و سکون واو جونک ۔

تنسیق النون و تمیق الرار المہملہ

ذنب الفار ع بفتح اول و نون و ضم موحدہ و سکون
لام با فا و الف ہند بارتنگ ۔

تمیق اللام

ذنب الخیل ع بسکون لام و فتح خار معجمہ و سکون تحتانی و لام م التحیہ

تنسیق الواو و تمیق الفوقانے

ذو ثلاث حبات ع بضم اول و سکون واو و فتح ثلثہ
و لام و الف و ثلثہ ثانی و فتح حار مہملہ و موحدہ مشدد و الف
ثانی و فوقانے م د عر در ۔

ذو ثلاث شوکات ع بضم اول و سکون ثانی و فتح ثلثہ و لام و الف
و کسر ثلثہ ثانی و بفتح شین معجمہ و سکون واو با کاف و الف ثانی و فوقانی

تمیق العین المہملہ

ذو خمسہ اصابع ع بضم اول و سکون ثانی و فتح خار معجمہ و سکون
میم و فتح سین مہملہ و فوقانی و ہمزہ با صاد مہملہ و الف و کسر موحدہ
و سکون عین مہملہ ف پنجگشت ہ سنبھالو ۔

تمیق القاف

ذو خمسہ اوراق ع بفتح ہمزہ و سکون واو با را مہملہ
و الف ثانی و قاف م پنجنگشت ۔

تنسیق الہار و تمیق الموحدہ

ذہب ع بفتح ذ با و سکون موحدہ ف زرہ سونا ج گویند
مع ق در فش مقوی دل شہ یک قیراط من عسل و مشک ل محلول

تنسیق الیار التحتانی و تمیق الموحدہ

ذئب ع بکسر اول و سکون تحتانی و موحدہ ف گرگ ہ بھیڑیا

تمیق الفنون

ذلیقان ع بکسر اول و سکون ثانی با فا و الف و نون ف
زہر قاتل و زہر قتال ہم گویند ۔

ترقیم الرار المہملہ و تنسیق الواو و تمیق الالف

راونا ۔ یونانی رار مہملہ و الف و واو و نون و الف ثانی ف امار
زاورا ۔ ف بسکون واو با رار مہملہ ثانی م خارپشت ۔

تمیق الجیم

رائینج ۔ رومی برار مہملہ و الف و بکسر فوقانی و سکون و فتح نون

نون وسکون جیم م صمغ درخت صنوبر ف زنگیار رجی ح
۲ ق بنت اللحم محلی قرہ س خ سفید زردی مائل کہ بوئے
صنوبر ماند ص اسفیداج ورد غنگل ل اقیۃ وعاک البطم بار زفت تمین
رازیانج ع برار مہملہ والف وسکون زار معجمہ یا تحتانی الف و
نانی وفتح نون م رازیانہ ف بادیان ہ سونف ط ح
ی ا ق مفتح مدر منتت رخ بستانی ش از اوست او
یک مثقال تا دو درم ص صندل و کافور یا زعرور ل تخم
رانج بفتح اول با الف و فتح نون و سکون جیم ف نارگیل

تمیق الحار المہملہ

راح ع برار مہملہ والف وحار مہملہ ف شراب۔
رایح۔ گاو وحشی۔

تمیق الدال المہملہ

راوند ع برار مہملہ والف و فتح واو وسکون نون و دال مہملہ
ف بیخ زیباس ست م ریوند چینی ط ح گویند یبع وگویند
ح ۳ ی اگویند ح ی ۳ ق مقوی معزی رخ چینی کہ بعد
از سحق زعفرانی شود وبعد از شکستن درونش بگون گاو بانم
ویرا ریوند لحمی میخوانند و مانند سم اسپ باشد کہ اصلاً سودے
درو نباشد ش از نیم درم تا دو درم وگویند از دانگی تا یک درم
ص صمغ عربی با مار الہند بال بوزن زراوند مدحرج و
بوزن وورق گلسرخ وسنبل وبعضے گویند زرشک وطباشیر زعفران

تمیق الزار المعجمہ

راز۔ ف بسکون زار معجمہ م خار پشت۔
راویز۔ ف بکسر واو وسکون تحتانی م درخت شتر خار

تمیق السین المہملہ

راس۔ ع بفتح اول و ہمزہ ساکنہ ف سر ہ مونڈ۔

تمیق الفار

رافت۔ ع برار مہملہ والف و قسام لبسباسہ۔

تمیق الکاف

رامک۔ ہ برار مہملہ والف و فتح میم وسکون کاف م
مرکبی ست از مازو و پوست آنار وزاج سیاہ و صمغ دو دوشاب
یا عسل وگویند از مازو و پوست آنار و زبیب درد و دا چینی
طب ی گویند ح ق قابض خ انچہ سرخی زند ش نیم مثقال
ص عسل ل اقاقیا سواد القضات یا جلنار یا آملہ۔
راوک۔ ف بفتح واو وسکون کاف م شراب صاف ع راوق

تمیق الکاف الفارسی

رانگ۔ ہ بھار نون ف ارزیر۔

تمیق اللام

رال۔ ہ برار مہملہ والف ولام م قیر

تمیق المیم

رازیام ف بسکون زار معجمہ یا تحتانی والف و میم م رازیانہ

تمیق النون

رادن۔ بکسر دال مہملہ ف زعفران۔
راسن۔ ف برار مہملہ والف و بفتح سین مہملہ م زنجبیل شامی
وگویند قبل گوش ہ راسنا ط ح ی ۲ گویند ۳ ق مقطع ملطف
منفح خ سبز تازہ ش یک مثقال ص مصطگی و حماما یا سیر
کہ یا خس ل ایرسا باد ح وگویند قسط شیرین۔

ران ۔ بسکون نون ف درخت انگوزه۔

رالیسن ۔ ه بکسر تحتانی وسین مهمله نام درخت هندیست

تمیق الواو

رابو ۔ ف بضم موحده وسکون واو نام گلی ست ۔

راسو ۔ ف بضم سین مهمله م موش خرما ع ابن عرس ه نیولا

تمیق الهار

راچه ۔ ف بسکون واو وفتح جیم فارسی م نوعی از انگور

راوسه ۔ بسکون واو وفتح سین مهمله م اشتر غار ۔ حلتیت

راوماده ۔ ف بسکون واو با میم والف وفتح دال مهمله م انگور ع

رافه ۔ ف بفتح فا وخفا ها م گیاهیست مانند سیر آنرا برانی گرده و نجد گویند

تمیق التحتانی

رادلوی ۔ ف بسکون دال مهمله وضم موحده وواو مجهول با تحتانی ۔ ..

رزنقی ۔ بکسر زار معجمه وقاف ف گل زنبق ۔

رازیانج شامی ورومی ۔ بسکون زار معجمه با تحتانی والف ونون وکسر جیم ما بشین معجمه والف وکسر میم وسکون تحتانی وفتح واو وضم رار مهمله ثانی وسکون واو ثانی وکسر میم ثانی م انیسون ۔

راطینی ۔ یونانی برار مهمله والف بکسر طار مهمله وسکون تحتانی وکسر نون ... وهام سبزه شنگهار الهند نام میخوانند ملک یعنی الخه نوان خایند دفرد ... بر دمشلا مصطگی ه سقره رائی ه برار مهمله والف بکسر همزه وتحتانی ...

تمیق الباء الموحده وتمیق الالف

ربتیا ۔ ع بفتح اول وکسر موحده وسکون تحتانی با فوقانی والف ف ماهی کوچک طاح

تمیق السین المهمله

رب السوس ۔ ع بضم اول وثانی مشدد وسین مهمله مشدد وسکون واو وسین مهمله ثانی ف عصاره مهاک ۔

تمیق القاف

ریرق ۔ سریانی بکسر اول وسکون ثانی وکسر رار مهمله ثانی وسکون قاف م عنب الثعلب ۔

تمیق اللام

ربل ۔ رومی بفتح اول وسکون ثانی ولام م آفسنتین کوهی

تمیق الموحدة الفارسی وتمیق الدال المهمله

ریدو ریود ۔ ف بفتح اول وموحده فارسی وسکون دال مهمله در لغت اول وضم ثانی فارسی وسکون واو در لغت ثانی م گیاهیست که جرنده را مست کند ۔

تمیق الفوقانی وتمیق الالف

ریتیلا ۔ ه یونانی بضم اول وفتح فوقانی وسکون تحتانی با لام والف حیوانیست مانند عنکبوت ف خایه گیرک دوله وانگور ک نامند واز سموم قتاله بارده است وگزیدن ودخوردن عدوی از آن قتال ست وضماد کوبیده او برگزیده اش جذب ورفع سم میکند

تمیق الکاف

رنگ ۔ ف بضم اول وفتح ثانی بز وحشی بری ۔

تمیق الهار

رته ۔ ف بفتح اول وثانی مشدد وخفا ها ه ریٹھا ۔

تمیق الجیم وتمیق الالف

رجل العقاب ۔ ع بکسر اول وسکون ثانی وضم لام وسکون ثانی وضم عین مهمله با قاف والف وموحده م اطریلال

رجل الغراب ع بسکون لام ثانی وضم عین معجمہ با را مہملہ والف حشیشی ست کہ ف سبزی پائے کلاغ گویند و گویند آن اطریلال ست طاخج دسے ح ای م

تمیق الدال المہملہ

رجل الجراد ع بکسر اول و سکون ثانی وضم لام و سکون لام ثانی و فتح جیم با را مہملہ والف و دال مہملہ م زر نب سر زر کسانی

تمیق الرار المہملہ

رجل الطیر ع بفتح طار مہملہ مشدد و سکون تحتانی و را مہملہ م رجل الغراب

تمیق المیم

رجل الحمام ع بسکون لام ثانی و فتح حار مہملہ با میم والف و میم ثانی ف شنگار۔

تمیق الہار

رجلہ ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و خفار ہاف تورک م بقلۃ الحمقا و بفتح اول ف سمار وغ۔

تنیق و تمیق الخار المعجمہ

رخ ف بضم اول و سکون خار معجمہ جانوریست مشہور کہ مانند عنقا وجود خارجی ندارد و خیالیست در شطرنج مہرہ بنام او موسوم است و رخ بالضم مع التشدید گیاہ نرم و نبات تازہ۔

تمیق المیم

رخام ع بضم اول و نیز بکسر اول و فتح ثانی والف و میم سنگے ست سفید طب ی و گویند خ ق و گویند حق مجلی خ سفید ہر روغن گل ل شاخ ایل سوختہ۔

تمیق النون

رخنین ف بضم اول و سکون ثانی و کسر موحدہ فارسی و ساکن تحتانی نون م قروت طرح ی ہ گویند بمعنے دوغ ست

تمیق الہار

رخمہ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم خفار ہا ف مرغ و مرادکی

رخنہ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م کاغذ قرطاس مراد اطبا ازان کاغذ مصریست طاسرد خشک ش یکمثقال ل روئیدہ خون

رضینہ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م نجبار کی

تنیق الدال و تمیق الواو

ردنجو بفتح اول و دال مہملہ سکون نون ضم جیم و سکون واو کریم عزار

تمیق الہار

ردہ ہ بکسر اول و فتح ثانی مشدد و اظہار ہا دوای ہندیست

تنیق و تمیق الزار المعجمہ

رزر ف بفتح اول و سکون زار معجمہ م بیارہ انگور و انگور و زہر ازکو

تمیق الہار

زرہ ف بفتح اول و ثانی و خفار ہا م عنب الثعلب کوند

تنیق السین المہملہ و تمیق الفوقانی

رسوت ہ بفتح اول و سکون سین مہملہ و فتح واو و سکون فوقانی داروئے ہندیست کہ در امراض چشم بکار برند م حضض

تمیق السین المہملہ

رس ف بفتح اول و سکون سین مہملہ م طلا و نقرہ و مس و آہن و سیماب و دیگر فلزات کشتہ

تمیق الہار

رستہ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م شیرینی ست شبیہ لقیروت ع کعب الغزال ہ تباشا

تنسیق الشین المعجمه و تمیق الفوقانی

رشت - ف بفتح اول و سکون شین معجمه و فوقانی م خاک

تمیق الدال المهمله

رشاد - ع بفتح اول و ثانی والف و دال مهمله م تره تیزک ح ی م منضج محلل خ سبز بستانی ش ۲ د مثقال من سند بلوخم کرفس ل جرجیر

تمیق الشین المعجمه

رش - ف بفتح اول و سکون ثانی م قسمے از خرما که بالیده و سیاه رنگ بود و نوعے از انجیر و سیماب -

تمیق الکاف

رشک - ف بضم اول و سکون ثانی با کاف ع عقر بیض

تمیق الهاء

رشینه - بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح نون م زنگبارتی

تنسیق و تمیق الصاد المهمله

رصاص - ع بکسر اول و فتح صاد مهمله والف و صاد مهمله ثانی ف قلعی و ارزیز ه رانگا و رانگ طاب ر ۲ گویند ی ق سوخته او مدمل خ الحیه نرم تر باشد ل اثمد -

تنسیق الطاء المهمله و تمیق الموحده

رطب - ع بضم اول و فتح ثانی و سکون موحده ف خرما تره پنڈ کهجور ح ۲ راح چینی ص بادام و خشخاش بادی خوردن و بعد ازان بمغز کاهو یا خیار بسبزه یا سکنجبین خوردن

تمیق الهاء

رطبه - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و خفاء ها ف اسپست تر ط خ ر ق منضج مفتح خ سبز تازه ص خرنوب ل جندبیدستر

تنسیق السین المهمله و تمیق الدال المهمله

رعاد - ع بضم اول و عین مهمله و الف و دال مهمله م جیوانی دریائی ف ماهی رعاده -

تمیق المیم

رعی الحمام - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون لام و فتح حاء مهمله یا میم و الف و میم ثانی غلبه الیست غالباً ه غله از هر طرح می -

تنسیق العین المعجمه و تمیق الثاء المثلثه

رغث - بفتح اول و سکون ثانی و مثلثه ف گلنار -

تمیق الحاء المهمله

رغوة الملح - بکسر اول و سکون ثانی و فتح واو و ضم فوقانی و لام و کسر میم و سکون لام ثانی و حاء مهمله ف کف آب نمک

تمیق الراء المهمله

رغوة القمر - ع بسکون لام و فتح قاف و میم و سکون راء مهمله م حجر القمر ف در تحفه ه جیند رکانت -

تمیق النون

رغوة الحجامین - ع بسکون لام و فتح حاء مهمله یا جیم مشدد و الف و کسر میم و سکون تحتانی م اسفنج ف ابر مرده ط ا گرم م خشک مجفف و محلل د باقوت جاذبه و حمول قطعه ازان باعث نشفن رطوبت فرج -

تنسیق القاف و تمیق الالف

رقعا - بفتح اول و سکون قاف و فتح عین مهمله و الف م

تمیق السین المهمله

رقاس - بضم اول و فتح ثانی و الف و کسر قاف ثانی و سکون سین مهمله م خصی الثعلب و گویند لعبت بربری -

تمیق القاف

رق - ع بفتح اول و سکون قاف ف پوست سنگ پشت

تمیق النون

رقون - ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و نون م حنا و گویند زعفران

تمیق الهاء

رقعه - بضم اول و سکون ثانی و فتح عین مهمله و خفاء ہا م اسم حجری ست سرخ رنگ و مهردار وی که جبر کسر کند آنرا رقعه خوانند مثل انجبار و بنتومه و خار اقطعی -

تنسیق الکاف و تمیق الموحده الفارسی

رکت پھیپ - ہ بفتح اول و کاف و سکون فوقانی و ضم موحده فارسی و اظهار ہا و سکون موحده فارسی ثانی ف خرزهر سرخ لال کنیر

تمیق الهاء

رکاسه - یہ بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین مهمله یا معجمه و خفاء ہا م خار پشت -

تنسیق المیم و تمیق الدال المهمله

رماد - ع بفتح اول و میم و الف و دال مهمله ف خاکستر ہ راکھ ط ح ی ق مجفف خ خاکستر ملوط س ہم ورم ص جلاب ذر دعن گل -

تمیق الراء المهمله

رمان البر - ع بضم اول و فتح ثانی مشدد و الف و ضم نون و سکون لام و فتح موحده و راء مهمله مشدد درختی ست که بدرخت انار ماند و کوچکتر از دو حب فلفل دانه و لیست و منافع بنجاو

تمیق السین المهمله

رماس - ف بفتح اول و ثانی و الف م مصطکی علک الروم ط ۲ گرم و خشک مقوی معده و جگر هاضمه و اشتها محرک آروغ ... پیچش ص گردگان و کتیرا ل بوزن آن کندر و یا کمینم وزن علک البطم و در تقویت معده و جگر ادخرش یکمثقال

تمیق الضاد المعجمه

رمان حامض - ع بضم اول و فتح ثانی مشدد و الف و کسر نون با حاء مهمله و الف ثانی و سکون ضاد معجمه ف انار ترش ط اب ی گویند مع ری خ بزرگ ش دو اقیه از شراب او ص رمان حلو یا زنجبیل مربا یا حلواے عسل یا قند ل حصرم

تمیق اللام

رمان السعال - ع بضم سین مهمله مشدد با عین مهمله م خشخاش -

رمل - ع بفتح اول و سکون ثانی ف ریگ ماهی و ریت -

تمیق المیم

رم - ع بکسر اول و سکون میم ف مغز و خاک و بافتح و سیندان و بزمان و اسیان و مثل آن -

تمیق الواو

رمان حلو - ع بضم حاء مهمله و لام و واو ف انار شیرین ط ب راگویند مع ح ی مبهی مقوی دل خ رسیده مسهی ش دو اقیه از شراب او ص رمان حامض با لمو یا بعد از و

تنسیق النون و تمیق الالف

رنگنیا - ف بفتح اول و سکون نون و کسر کاف فارسی و سکون نون

تحتانی بانون ثانی والف م سفرنگ۔

تمنیق الدال المہملہ

رندہ۔ بفتح اول وسکون ثانی م مورد وگویند درخت پاک وخوب وخوشبوے وبعضے درخت عود راہم گویند۔

تمنیق الفار

زلف۔ بفتح اول وسکون ثانی ف بیہ مشک۔

تمنیق الکاف الفارسی

زنگ۔ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی م بزکوہی۔

تمنیق الواو وتمنیق الالف

رویا۔ ہ بضم اول وسکون واو باموحدہ فارسی لغت ف نقرہ بموحدہ تازی ھ روباہ تریک۔

روجتاہ بضم اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی بافوقانی م کشنیز

روح توتیا۔ ہ بضم اول وسکون ثانی وحار مہملہ وضم فوقانی وسکون واو ثانی وکسر فوقانی یا تحتانی والف ہ جست۔

روہینا۔ ف بضم اول وثانی مجہول وکسرہا وسکون تحتانی بانون والف م پولادجوہردار۔

رو کوتیا بضم اول وسکون ثانی وتحتانی مجہول وضم فوقانی وسکون واو ثانی وکسر فوقانی ثانی یا تحتانی جست

تمنیق الجیم

سنج ت بضم اول وسکون ثانی وفتح سین مہملہ وسکون خا معجمہ وفتح فوقانی وسکون جیم ف مس دردو سوختہ ... م زاج بفتحتالک ... مصری ... م صنعتکر آلود

نوالج۔ دج بضم اول وسکون ثانی وفتح نون وسکون جیم م ریوند

تمنیق الخار المعجمہ

روزخ۔ ف بضم اول وسکون ثانی وخار معجمہ گیاہی ست کہ از میان آب بروید از ان حصیر بافند م نوزخ دلخ۔

تمنیق السین المہملہ

روس ع بضم اول وہمزہ وسکون واو وسین مہملہ ف نوک رق مغذی رح تکہ حیوانات معتدل الرطوبۃ الاکارع وبتقدیم وسکون واو ف روباہ۔ روناس بضم اول وثانی مجہول بانون والف ع فوۃ الصبغ ہ مجیٹھ ط ۲ سرد وخشک مفتح سدد ومدر بول وحیض وعرق ومقوی معدہ ومسقط جنین ص کتیرا وانیسون ش یکنیم تا الکبابہ ولیخہ وغیرہ

روہنس۔ ہ بضم اول وثانی مجہول وفتح ہا وسکون نون باسین م کنبہیل ع اذخر

تمنیق الشین المعجمہ

روشت حمار الوحش ع بفتح اول وسکون ثانی وضم مثلثہ وسکون لام وکسر حار مہملہ باہیم والف وکسر رار مہملہ ثانی وسکون لام ثانی وفتح واو وسکون حار مہملہ ثانی ف سیرگین گورخر۔

تمنیق الکاف

روباہ تریاک۔ ف بضم اول وسکون ثانی باموحدہ والف اظہار ہا وضم فوقانی وسکون رار مہملہ ثانی وفتح موحدہ ثانی وسکون کاف ع عنب الثعلب۔

روودک۔ ف بضم اول وثانی مجہول وفتح دال مہملہ جانورست کہ ہرچند ش بزنند فربہ شود وآنرا تبرک وشفت خوانند واز پوستش پوستین سازند۔

روشنک۔ ف بضم اول وثانی وفتح شین معجمہ ونون

داروئیست ہندی مانند کمات خشک م شاطل۔

تمیق النون

ردبیان۔ ع بضم اول وثانی مجہول وکسر موحدہ با تحتانی والف نون م اربیان ف ملخ دریائی ہ جھینگا۔

زوین بضم اول وثانی مجہول با تحتانی مفتوح م مجیٹھ

تمیق الواو

رونجو۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وضم جیم و سکون واو ثانی۔ ع ارضہ۔

تمیق الہاء

روچھ۔ ہ بضم اول وثانی مجہول وفتح جیم فارسی اظہار ہاف نیلگو

روس انگوہ ف بضم اول وسکون ثانی وسین مہملہ وفتح ہمزہ وسکون نون وضم کاف فارسی وسکون زاء معجمہ وفتح دال مہملہ ع عنب الثعلب ج روس

روباہ وانگزدہ انہ انگور روین بیچیدہ۔ ف بضم اول وثانی مجہول وفتح تحتانی وکسر نون وموحدہ فارسی وسکون تحتانی ثانی وکسر جیم فارسی وسکون تحتانی ثالث وفتح دال مہملہ کبیسہ

تمیق التحتانی

روباہ ترکی۔ بضم اول وثانی مجہول باموحدہ والف واظہار ہا وضم فوقانی وسکون راء مہملہ وکسر کاف وسکون تحتانی م بشست

روئی۔ ف بضم اول وسکون ثانی وکسر ہمزہ یا تحتانی ع صفرہ کانسی م جلد

تنسیق الہاء وتمیق الراء المہملہ

رنبج الفار۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم وسکون الجیم م بافا والف وراء مہملہ م سم الفار ہی ف مرگ موش سنکھیا۔

تمیق التحتانی

رہشی۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وکسر شین معجمہ وسکون تحتانی ف آرہ کہ از کنجد سازند طرح ر۔

تنسیق الیاء التحتانی وتمیق الالف

رٹیھا۔ ہ بکسر اول وسکون تحتانی وفتح فوقانی ہندی اظہار والف ع بندق ہندی۔

رنیکا۔ ہ بکسر اول وسکون ثانی وضم نون با کاف الف تخم بنجنکشت

تمیق الفوقانی

رکمیسعت۔ یونانی بکسر اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون سین مہملہ وفتح عین مہملہ وسکون فوقانی م سعد۔

تمیق الجیم

ریباج۔ بکسر اول وسکون ثانی با موحدہ والف وفتح نون سکون جیم ف نوعے از سرطان بحری طب را۔

ریتانج بکسر اول وسکون ثانی با فوقانی والف فتح نون وسکون جیم م رانیج

ریواج۔ ف بکسر اول وثانی مجہول با واو والف م ریباس

تمیق الدال المہملہ

ریحان داؤد۔ بفتح اول وسکون ثانی با حاء مہملہ والف وکسر نون با دال مہملہ والف ثانی وضم ہمزہ وسکون واو ودال مہملہ ثانی ف مرزنگوش

تمیق الراء المہملہ

ریخیہ۔ ف بکسر اول وثانی مجہول وفتح خاء معجمہ م نوعی از بازہ تیز

تمیق السین المہملہ

ریباس۔ ع بکسر اول وثانی مجہول با موحدہ والف ریواس ف در ایران ریوند چینی بیخ اوست طب ی ۲ قابض مرہ و مفرح مقوی دل ف فارسی شرب و یک او نیز شبت از ینسون اترشی برہ عود

تمنیق الشین المعجمہ

ریش ـ ع بکسر اول وسکون ثانی وشین معجمہ پرہ تیجھ

تمنیق النون

ریحان سلیمان ـ بفتح اول وسکون ثانی با حار مہملہ والف وکسر نون وضم سین مہملہ وفتح لام وسکون تحتانی ثانی وفتح میم والف ثانی ونون ثانی م مرزنجوش ـ

ریحان ـ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح حار مہملہ الف مازبوہ کالی تلسی ط ح ی ۲ ق محلل خ خوشبو ش از تخم او دو درم ص گلاب وکربہ ۂ وخیار ل تخم مرو ـ

ریم آہن ـ ف بکسر اول وسکون و کسر میم ومد ہمزہ فتح ہا ف چرک آہن ہ لوہ سکھان وکیٹ ـ

ریہقان ـ بفتح اول وسکون ثانی وفتح ہا با قاف والف ونون ف زعفران ہ کیسر ط ۳ گرم ۲ خشک ص انیسون و سکنجبین ش دو درم وگویند سہ درم او گشندہ تبفریح مفرط ل قسط و مثل دانہ ترنج وربع آن سنبل وسدس آن سلیخہ وچون دہ درم او را آب سرد سرشتہ مثل گردگان مدبر ساختہ تعلیق نمانیہ جہت عسر ولادت مجرب ـ

تمنیق الواو

ریلو ـ ف بکسر اول وسکون ثانی وضم لام م شخار

ریئہ بخوف ـ بکسر اول وسکون ثانی وفتح واو وسکون نون وضم جیم و واو م ولوک ع ارضہ ـ

تمنیق الہار

ریکاسہ ـ ف بکسر اول ثانی مجہول با کاف والف وفتح سین مہملہ م خار پشت ـ

ریگ زادہ ـ ف بکسر اول وثانی مجہول وکاف فارسی با زار معجمہ والف وفتح دال مہملہ م ریگ ماہی ع سقنقور

ریہ ـ ع بکسر اول وفتح ثانی ف ششش ہ پھیپڑا ط ح ق قلیل الغذا رش دہ درم ص نان میدہ وبثانی مجہول واظہار ہا خاک شور ـ

تمنیق التحتانی

ریسی ـ ف بکسر اول وثانی مجہول وکسر سین مہملہ وسکون تحتانی نوعے از انگورست ـ

ترقیم الزار المعجمہ وتنسیق الالف وتمنیق الجیم

زاج ـ ع بزار معجمہ والف وجیم ف زاک ہ پھٹکری وان الوزع باشد سفید را شب وقلقدیس وسرخ را سوری وسبز را قلقند وزرد را قلقطار وسبز زاک سیاہ نیز نامند در ہندی کسیس خوانند وزاک زرد را بہندی ہیرا کسیس وزاک ترکی را نیز ہندی کسیس خوانند ط ح ی ۳ ق قالبض محرق مفرح ح مصری براق زرد ریزندہ وپاک لوض شیر تازہ زنان ومسکہ یا شکر ل زنگار اکتحال ش جہت تنقیہ گوشہائے چشم

زارج ـ ف بکسر رار مہملہ م زرشک ع امبر باریس و ہندی گویند مراد از مطلق او دانہ بیرون کردہ است ط ۲ سرد و خشک باقوت قابضہ مقوی معدہ ودل وجگر ص قرنفل و شکر وجلہ شیر نہا یا اش از آب او تا بیست مثقال واز جرم آن تا پانزدہ مثقال واز دانہ او تا سہ مثقال ل مثل آن گلسرخ دو ثلث او صندل سفید ـ

تمیق الجیم الفارسی

زاغچ - ف بفتح اول و الف و کسر غین معجمہ و سکون جیم فارسی نام

تمیق القاف

زاوق - بضم ہمزہ و سکون واو ف سیماب -

تمیق اللام

زاخل - بکسر خا معجمہ ف درخت زقوم گویند و درخت

زازل - ف بہر دو زا معجمہ ہر دو للف م مرغی سیاہ
پا کوتاہ چون بر زمین نشیند نتواند برخاست و بصرستوک نامند

تمیق الہاء

زافہ - ف بفتح اول و الف و فتح فا و خفا ہا م خار پشت

تنسیق و تمیق الموحدہ

زبل الذئب - ع بفتح اول و موحدہ و ضم لام و کسر ذال معجمہ
مشددہ و سکون تحتانی و موحدہ ثانی ف سرگین گرگ
خ کہ از بالای خار بگیرند و سفید و درد استخوان و سوی
و از زبل سگ کہ از استخوان خورہ باشد ل زبل کلب -

زبیب - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی با موحدہ
ثانی ف مویز م کشمش ط گوشت اوح رادہ انہ ادب ی
ق ملین منضج ش دو درم ص خیار بالنگ سبز یا خس ل
عناب با مویز منقے -

تمیق الدال المہملہ

زباد - ع بفتح اول و ثانی و الف و جنسی از عطریات از
کہ سبید پدید آید و بضم زا و تشدید با گیاہیست بخوشبو مخصوص
شیرین خوردنی و گویند دارو ئیست خوشبو و گویند جانوریست گربہ

ف تراوش خصیۂ مستیۂ زباب و میدہ شاخ ط ح ۳
مع ری خ قدری از و بر سر چوب المدوزی کردہ قرب آتش
خارند اگر زیان نشود جید ست و الا مغشوش -

زبد - ع بفتح اول و ثانی و سکون دال مہملہ ف مسکہ و بشیرازی
مشک - م مکھن ط و تین ط ح راق منضج محلل مرخی خ تازہ
ماخود از شیر میش ص شکر یا رب ربوب حامض ل روغن شستہ

زبرجد - ع بفتح اول و ثانی و سکون را مہملہ و فتح جیم و سکون
دال مہملہ م ہمین نام سنگیست کہ اہل فارس زمرد خوانند

تمیق الراء المہملہ

زبد البحر - ع بفتح اول و ثانی و ضم دال مہملہ و سکون لام
و فتح موحدہ و سکون حاء مہملہ و راء مہملہ ف کف دریا سمندر
پھین ط ح ی ۳ گویند ہ رق محلل خ از وے زردی
مائل ش از یک دانگ تا دو دانگ ص کتیرا و روغن کدو
ل حجر القیشور یا بورق ارمنی -

زبد البحر - ع بسکون لام و فتح موحدہ و کسر حاء مہملہ و سکون
تحتانی ف چیزیست کہ گرد بر گرد نی جمع شود مانند یخ در نیسان
نیسان و گیاہ یابند مانند حجر السیوح بود و بشکل زبد البحر بیت لیسا رسوا

زبد القمر - ع بفتح قاف و میم م حجر القمر -

زبد القواریر - ع بسکون لام و فتح قاف و واو و الف
و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی و راء مہملہ ثانی ف کف آبگینہ کانچ نون

تمیق اللام

زبل - ع بکسر اول و سکون ثانی با لام ف سرگین و لید
ق قابض زبیب الجبل - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم موحدہ

ثانی وسکون لام وفتح جیم موحدہ ثالث م مویزج۔

تمنیق الواو

زبان گاؤ ۔ ف بفتح اول وثانی والف وکسر نون با کاف فارسی وواو مجہول م گاؤزبان

تمنیق الہاء

زبان برہ ۔ بفتح موحدہ ثانی ورای مہملہ وخفاء ہا م بارتنگ

زبودہ ۔ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح مہملہ ع کراث م النبطی

تنسیق تمنیق الجیم

زجاج ۔ ع بضم اول یا جیم والف وسکون جیم ثانی ف آبگینہ وشیشہ ہ کانچ ط ای ۲ گویند ب ۱ ق ملطف مجلی خ سفید شفاف ط اگرم ۲ خشک ص کثیرا ش زنیمدرم تا یکدرم ل زبرجد واستعمال او مسحوق مثل غبار باید۔

زج ۔ ف بضم اول وسکون ثانی م قراقروت۔

تمنیق اللام

زجمول ۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم میم وسکون واو ولام م تخم شلشم

تنسیق الدال المہملہ وتمنیق الراء المہملہ

زددار ۔ ع بفتح اول وسکون دال مہملہ با واو والف ورا مہملہ جدوار ف ماہ پروین ہ نربسی۔

تنسیق الراء المہملہ وتمنیق الالف

زریرا ۔ سریانی بفتح اول وکسر راء مہملہ وسکون تحتانی با راء مہملہ ثانی والف ع لحیۃ الحمقا۔

تمنیق الموحدہ

زرنب ۔ ع بفتح اول وضم ثانی وفتح نون وسکون موحدہ ف سرو ترکستانی ہ برہمی ط ح ی ۲ ق ملطف خ تازہ خوشبوش نیمدرم ص جلاب نیم گرم با صندل یا نیشکر ل دارچینی یا کبابہ یا سلیخہ یا قشر اترج۔

تمنیق الفوقانیہ

زرین درخت ۔ ف بفتح اول وکسر ثانی مشدد وسکون تحتانی ونون وفتح دال مہملہ ورا مہملہ ثانی وسکون خا معجمہ م درخت اترج وگویند درختی ست کہ در ولایت گاززرون مشہور بہمین نام ست ص حب الاس ل قنطوریون باریک یا تخم خیار زرہ یا حب الاترج یا بموزن زعفران۔

تمنیق الجیم

زراج ۔ ف بفتح اول وثانی والف وجیم م زرشک

زراوند مدحرج ۔ بفتح اول وثانی والف وفتح واو وسکون نون وکسر دال مہملہ وضم میم وفتح دال مہملہ ثانی وسکون حا مہملہ وفتح را مہملہ ثانی م زراوند گرد ط ح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف مفتح مقطع خ فربہ زعفرانی ش از یک مثقال تا دودرم ص عسل یا انرباریس ل زراوند قسط و دو دانگ وزن آن بیاسا وبمیزان ریوند وگویند کہ نیم وزن زراوند طویل۔

زرغنج ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح غین معجمہ وسکون نون مع جیم عربی م حلبہ چینی گیاست بغایت بدبو کہ از چین دستہ بدستہ بیارند وبرگش برگ سداب ماند ط ب ۲۔

زرنج ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی سکون نون م زرغنج۔

زرنج ۔ ف بکسر اول وثانی وسکون نون ع صمغ۔

زرنیلج - بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی و فتح لام م زرنباد

تمنیق الجیم الفارسی

زرچ - ف بفتح اول وسکون جیم فارسی م کبک -

تمنیق الخاء المعجمه

زرنیخ سرخ - بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وضم سین مهمله وسکون راء ثانی وخاء معجمه ثانی ه نسل گرم وخشک

تمنیق الدال المهمله

زرسود - بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مهمله وسکون واو ودال مهمله ف زردچوب -

زرنباد - ع بضم اول وثانی وسکون نون باموحده والف ه نزکچور بخیست یا عطریت وتلخی وانچه شیرین باشد ضعیفست وقوتش تا سال باقیماند طرح ی ۲ ملطف مغثی مفرح مقوی دل ومعده ومسهی خ انچه در ترشی بکار رو پاره نکرده باشند وتلخ ترش مکدر م ص قوتیخ وسنبل یا صندل ل یک نیم وزن درونج وچهار دانگ وزن آن طرحشقوق بری و نیموزن حب الاس باشیطرج وراسن با نیموزن سنبل -

زرنیخ زرد - بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر خاء معجمه وفتح زاء معجمه ثانی وسکون راء مهمله ثانی ه هرتال بهترین آن صفایحی براق نرم ست که ورقه ورقه وطبقه طبقه باشند طرح ی ۳ ق معفن مفرح قاتل خ ارمنی تو بخوش نیمدرم ص قی کردن بآب گرم ورروغن وشیر تازه ل نوره -

تمنیق الراء المهمله

زهیر - بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وراء مهمله ثانی ف زهر مرگ

تمنیق الکاف

زرشک - بکسر اول وثانی وسکون شین معجمه وکاف ع انبر باریس گویند قاطع صفراو تشنگی ومسکن حرارت معده جگر وغلیان خون ووبا وادویه حاره خوشبو مثل سنبل الطیب واشال آن مفتح سده جگر ومقوی جگر سرد وتر وسایر احشا وجهت اسهالی که از سردی وضعف جگر واحشا باشد وگویند قسمیست از گل خوشبودار که آنرا نیز زرشک خوانند

زرک وزرمک - ف بکسر اول وسکون ثانی در لغت اول وکسر ثانی وسکون تحتانی در لغت ثانی م زرشک

تمنیق الکاف الفارسی

زرنگ - ف بفتح اول وسکون ثانی نون وکاف فارسی زرد آب وگل کاریزه ونیز درختیست کوهی وچوبش بسیار سخت باشد وآتش او دیر پاید واگر اخگرش در زیر خاکستر بدارند بموارنه پانزده روز آتش بماند وزردچوبه را نیز گویند وگویند خردل ست که اهل هند رائی خوانند وچوبست که ازان نیزه وتیره وتیر ودستهای زین واشال آن سازند

تمنیق اللام

زراوند طویل - بفتح طاء مهمله وکسر واو وسکون تحتانی ولام م زراوند دراز طرح ۳ ی ۲ ق مفتح محلل مغثی مدمل رخ زعفرانی سطبر تر از انگشت شربش از یکدرم تا دو درم ص انبربس ل شیطرج یا زرانباد وقسط ونیموزن فلفل ودار فلفل وزن آن لسفایج ونیموزن آزردت -

تمنیق النون -

زرقون سریانی بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو و نون م سرخ ه سندور۔

زربون بفتح اول وسکون ثانی وضم تحتانی وسکون واو م گل شقایق

تمنیق الواو

زردخو - ف بفتح اول وسکون ثانی ودال مهمله وفتح خای معجمه وسکون واو م گیاهی ست که گلشن زرد و خوشبوست۔

زرد - ف بفتح اول وضم ثانی م زلو۔

تمنیق الهار

زرافه - ع بضم اول وثانی والف وفتح فا وخفا ها شتر گاو پلنگ

زرده - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله م زردی تخم مرغ

زرنبله - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وفتح لام نوعی

تمنیق التحتانی

زرجامی - ف بفتح اول وسکون ثانی یا جیم والف وکسر میم وسکون تحتانی م نوعی از انگور۔

زردک رنگی - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مهمله وکسر کاف ونون وکسر را مهمله ثانی وتحتانی مجهول وکسر کاف فارسی م شتقاقل۔

زرقوری - رومی بفتح اول وسکون ثانی وضم قاف وسکون واو وکسر را مهمله وسکون تحتانی م رجل الغراب۔

تمنیق العین المهمله وتمنیق الدال المهمله

زعفران الحدید - ع بفتح اول وسکون عین مهمله فتح فا والف را وضم نون وسکون لام وفتح حا مهمله وکسر دال مهمله وسکون تحتانی مهمله ثانی ف زیم آهن زنگ آهن که آنرا سوهان کرده بر روی صفحه آهن کرده تر کنند و در جای نمناک گزارند تا زرد شود بعد از آن کوبیده اجزای زرد شده را بگیرند و باز بدستور بگذارند و تکرار عمل نمایند تا همه زعفران گردد و بهترین اقسام او خصوصا در صناعت آنست که براده آنرا با ربع او نوشادر ساییده در زمین نمناک دفن کنند تا ده روز مجموع زعفران میشود وگرم وخشک وقابض و از جمله سموم طرح ۲ ی او ضماد او جهت نقرس وبواسیر ودافس وخشونت پلک چشم وناخنه وبا سرکه جهت باد سرخ وجوششهای حاره مجرب وفرزجه او جهت قطع حیض وذرور او جهت قطع خون بن دندان وتقویت آن نافع وخوردن یکقیراط آن مانع آبستنی است

تمنیق الرار المهمله

زعرور ع بضم اول وسکون ثانی وضم رار مهمله وسکون واو ورار مهمله ثانی ف کیل طب ی ۲ ق قابض سرخ برسیده بش از سه درم تا پنجدرم ص رانویا نه لی عنبرا۔

تمنیق النون

زعفران - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فا ورار مهمله والف ونون ه کیسر طرح ۲ می اگویند محلل مفتح منضج مفرح مقوی دل ومدوم خ تازه سرخ تیز بوی ش از نیمدرم تا یک درم ص انیسون ودرزشک یا جوارش سفرجل ل قسط بوزن وسپیه ویک سیوزن آن پوست سلیخه۔

تمنیق الغین المعجمه وتمنیق الرار المهمله

زغار - ف بفتح اول وغین معجمه والف ورار مهمله م شاخ درخت کهجور

زغیر - بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ورار مهمله ف مرو سفید وتخم کتان والسی۔

تمیق الکاف

زخاک۔ ف بفتح اول وثانی والف شاخ درخت انگور

تمیق اللام

زغلال۔ بضم اول وفتح ثانی والف ولام ہ کویلا۔

تمیق النون

زغن۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون م غلیوارہ چیل

تنسیق الفاء وتمیق الفوقانی

رفت۔ ف بکسر اول وسکون فا وبا فوقانی دوائیست چسپندہ
کہ از صنوبر بے بر حاصل شود آن بر قسم ست رومی ویابس
ورطب طح ۲ ق محلل لحم محلی قروح خ براق صاف پاک
المس ش ازرومی یکدرم تا دو درم ص کتیرا یا اسفیداج
وکافور ل جاؤشیر وعلک البطم وموم وقطران۔

تمیق الفاء

زیرف۔ اندلسی بکسر اول وثانی وسکون تحتانی وبغیر تحتانی
نیز آمدہ وفتح زاء معجمہ ثانی وفاء ثانی ف عناب۔

تنسیق القاف وتمیق المیم

زقوم۔ بفتح اول وضم قاف وسکون واو ومیم ہ سینڈ ھ تھوہر خاردار
شجریست واقسام میباشد ط ۲ گرم وخشک ریاح وجالی وزنہار
وسپر جہت فالج ونقرس واشال آن شیر او ضماداً نافع
ومصدع محرور وسیاہ کنند وجلد ص شیر تازہ ش چہار قیراط الفاظ

تنسیق الکاف وتمیق الموحدہ

زکاب۔ ف بفتح اول وکاف والف باموحدہ م سیاہی نوشتن عرب دوحبر گویند

تنسیق الکاف الفارسی وتمیق الموحدہ

زگالاب۔ ف بضم اول وکاف فارسی والف ولام و
الف ثانی وموحدہ م زکاب۔

تمیق اللام

زگال۔ ف بضم اول وکاف فارسی والف ولام انگشت
ناافروختہ واخگر نیز گویندہ کویلہ بن سلگا۔

تمیق الہاء

زگالہ۔ ف بضم اول باثانی فارسی والف وفتح لام وخفاء ہا ع داد

تنسیق اللام وتمیق الکاف

زلوک۔ بفتح اول وضم لام وسکون واو وکاف م جونک۔

تمیق الواو

زلوف۔ بفتح اول وضم لام وسکون واو م دیوجہ ع حلق

تمیق الہاء

زلہ۔ ف بکسر اول وفتح ثانی مشدد وخفاء ہا م جانوریست
مانند ملخ کہ در ہوای گرم بخانہ وصحرا فریاد کند۔

تنسیق المیم وتمیق الجیم الفارسی

زمچ۔ بفتح اول وسکون میم وجیم فارسی جھینگر وبکسر اول
وفتح ثانی مشدد م جانوریست کہ آنرا خرخ گویند۔

تمیق الدال المہملہ

زمرد۔ بضم اول وثانی وراء مہملہ مشددہ وسکون دال مہملہ نیاد پانا
طب ی ۲ ق مفسخ سبزہ شفاف کہنہ ش یکقیراط ص مشک ل جانان

تمیق الغین المعجمہ

زماردغ۔ ف بفتح اول وثانی والف وضم راء مہملہ وسکون
واو وغین معجمہ م سمارو غ۔

تمنیق النون وتمنیق الموحدہ

زنجبیل الرطب ۔ ع بفتح اول وسکون نون وفتح جیم وکسر موحدہ وسکون تحتانی وضم لام وفتح رار مہملہ مشدد وسکون طار مہملہ وموحدۂ ثانی ہ ادرک تر۔

تمنیق الدال المہملہ

زند ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی ودال مہملہ م درخت ...

تمنیق الرار المہملہ

زنبر ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون رار مہملہ عنبر ...

زنجار ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح والف ف زنگار ی بہق حادا کال خ ماخوذ از معدن مس بسیار سبز ... تے کردن بآب گرم وشیرازہ وروغن وشوربای ... ل افلیما وتیموزن زنجرف بار ومتبج۔

زنجفر ۔ بفتح اول وسکون نون وفتح جیم وسکون قاف ف شنگرف ہ انیگر طرح ی ۲ گویند ب اق مغسل ص روغن زرد وآب گرم ل مردا سنج یا باسلیقون۔

زنگبار ۔ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی باموحدہ ...

زنور ۔ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو م بن خوشہ خرما ...

تمنیق الفار

زنجرف ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون رار مہملہ وفا م شنگرف

تمنیق القاف

زنبق ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ وسکون قاف گلبست کہ آنرا سوسن سفید گویند طرح ۲ گویند مع ری

تمنیق اللام

زنبل ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون لام ...

زنجبیل ۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحدہ وسکون تحتانی ولام وسونٹھ وسندھی طرح ۳ ی م ق ملطف منفشی ومقوی دماغ ومبہی خ چینی زردی مائل ... ص یا قرص کافور ل دار فلفل یا عاقرقرحا۔

تمنیق المیم

زنجبیل العجم ۔ بسکون لام ثانی وفتح عین مہملہ وجیم م اشترغار

زنخم ۔ بفتح اول وسکون ثانی ومیم م معصفر۔

تمنیق النون

زنیان ۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وتحتانی والف ونون ثانی م نانخواہ ہ اجواین۔

زن ۔ بضم اول وسکون ثانی م خندروس ف ذرۃ مکہ ورومیہ وگندم مکہ ہ مکئی جوار ط مائل بحرارت ۲ خشک ومحلل بلغم وخون جامد وقابض طبع وتقیل ونفاخ وغذائیت ...

تمنیق الواو

زنجرو ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم جیم ورار مہملہ وسکون واو م صمغیت ...

تمنیق الہار

زنبورہ ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون واو وفتح رار مہملہ وخفار ہا م زنبور بزرگ۔

زنبہ ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحدہ م گلبست ... خوشبو ع زنبق م سوسن آزاد ط ۲ گرم ی مع ملطف مقوی دماغ

تمنیق التحتانیہ

زنجبیل شامی ۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وکسر موحدہ وسکون ...

تحتانی وکسر لام باشین معجمہ والف وکسر میم وسکون تحتانی م رسن
زنگار معدنی - ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی و
الف وکسر را مہملہ وفتح میم وسکون عین مہملہ وفتح دال مہملہ وکسر
نون وسکون تحتانی م توتیاے سبز نیلا تھوتھا -
زنگباری - ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی باموحدہ
والف وکسر را مہملہ م صمغ صنوبر ع راتیانج ہ رال -

تمنیق الواو وتمنیق الالف

زوفرا - ع بضم اول وسکون واو وفتح فا با را مہملہ والف
ف برگ گاؤزبونی طرح ی ۳ ق ملطف خ نوشش
بیندر م ص شقاقل ل زیرہ کرمانی -

تمنیق الموحدہ

زوفا رطب - ع بضم اول وسکون ثانی بافا والف وکسر
ہمزہ وفتح را مہملہ وسکون طا مہملہ وموحدہ ف چرکیست
کہ در روجہ وموی زیر شکم وکنج ران گوسفند جمع میشود بسبب
گیاہی کہ شیر دارد وآن از یتوعات بود چون بچرند بسبب حدت
وقوت آن شیر وسنج میرد نہ پیشان طبع شود باشد کہ روان بود
بپزند وبقوام آورند وگویند ہرگاہ کہ اہل افعی را بخورد وقوت طبیعت
اہل وافع سموم ست حرکت کند تا دفع ضرر سم کند عرق بسیار بر
پیشانی او جمع شود وکثیف گردد وآنرا زوفای تر خوانند وآن در
غایت قوت بود طرح ۳ راق منفج محلل ملین خ بسیار چرب ص
دردل مغز ساق گاؤ یا موم روغن دلاون

تمنیق الجیم

زونج - ف بفتح اول وثانی وسکون نون باجیم م معارہ دزدہ

گوسفند کہ بگوشت وپیہ پر کردہ قاق کنند م کلمہ

تمنیق السین المہملہ

زوفا یابس - ع بکسر ہمزہ وفتح تحتانی والف وکسر موحدہ
ف گیاہی ست کہ برگ حنا ماند وبزر وفا ر مصری مشہور طرح
ی ۳ ق ملطف منفج مدر قاطع کرم ہاخ مصری کہ از کوہ
بیت المقدس گیرند ش چہار درم ص صمغ عربی یا عناب
ل فوونج ویر سیاؤشان ونیز زن مرزنجوش -

تمنیق الفاء

زوف - بضم اول وسکون ثانی وفا بزبان سغدی وسمرقندی
لسان الحمل کہ بپارسی بارتنگ گویند وخرغول نیز خوانند -

تمنیق القاف

زواوق - بضم اول وبا تا ثانی والف وضم ہمزہ وسکون واو
ماے ف سیماب -
زوق بضم اول وسکون ثانی ف تخم خرماے جنگلی -

تمنیق النون

زوان - بفتح اول وثانی والف ونون یاسمین -

تمنیق التحتانی

زونی ف بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی م زہر

تمنیق الہاء وتمنیق الالف

زہر گیا - ف بفتح اول وسکون ثانی ورا مہملہ وکسر کاف
فارسی با تحتانی والف م گیاہی ست کہ ہرگاہ در نی اد
آدمی بخورد بمیرد -

تمنیق الہاء المہملہ

زهرة الملح ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح رار مهمله وضم فوقانی وسکون لام وکسر میم وسکون لام ثانی وحار مهمله فنای نمکست که در نیل مصر بر روی آب پیدا شود و در آبها ایستاده شود و در نهرها نیز روید خ زعفرانی تندن شور گزنده -

تمنیق الرار المهمله

زهر الحجر ع بسکون لام وفتح حار مهمله وجیم وسکون رار مهمله خم ارا لفتح

زهر - ف بفتح اول وسکون ثانی خ سم ه بس -

تمنیق السین المهمله

زهرة النحاس ع بضم فوقانی وفتح نون مشدده با حار مهمله والف ف چیزیست که چون مس بگدازند و آب بر آن زنند پیدا گردد و آنرا بدین نام خوانند خ سفید -

تمنیق الکاف

زهک - ف بفتح وسکون ثانی وکاف م شیر زنان و شیر ... حیوان نو زائیده ه پیوسی -

تمنیق المیم

زهم - بضم وفتح اول وسکون ثانی ومیم م زر نباو -

تمنیق الیار التحتانی وتمنیق الالف

زیرا - ه بکسر اول وسکون تحتانی بارار مهمله والف ع کمون

تمنیق الموحده

زیتون الکلب ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو وضم نون وسکون لام وفتح کاف وسکون لام ثانی وموحده م زیتون بری -

تمنیق الفوقانی

زیت ع بفتح اول وسکون ثانی وفوقانی ف روغن و دن طرح رخ ترص غسل ل زرنب کمن و روغن حسنه روج یار و عن ترب و در ادویه قتاله زبد البحر -

تمنیق الجیم الفارسی

زریج - ف بکسر اول وسکون ثانی وجیم ف م نوعے از انگور که بغایت نازک وخوش لذت باشد -

تمنیق الرار المهمله

زتیار ع بفتح اول وسکون ثانی بافوقانی والف ورار مهمله پ ثقل و درد زیت -

زیر - ف بکسر اول وسکون ثانی م ابیرک -

تمنیق الزار المعجمه

زیر - ف بکسر اول وسکون ثانی بازار معجمه ثانی م کتان ه السی

تمنیق السین المهمله

زیتون الحبش بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وواو وضم نون وسکون لام وفتح حار مهمله وموحده وسکون شین معجمه م زیتون الکلب

تمنیق الضاد المعجمه

زیتون الارض - بسکون لام وفتح همزه وسکون رار مهمله وضاد معجمه م مازریون -

تمنیق القاف

زیبق ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح موحده وسکون قاف فارسی جیوه وسیماب ه پارا طرح ی مجرق گویند ب رحق مفسد خ زنده که مستعمل نکرده باشند وبغایت جهنده که از کرپاس نرود برآید و بلغت اکسیریان نامهای بسیار دارد

تمیق الکاف

ریچک - ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی وسکون کاف م رودۂ گوسپند کہ برنج وگوشت بامصالح پر کردہ قاق از نمیم کلمہ
زیرک - ف بکسر اول وسکون ثانی وفتح رار مہملہ م فولاد جوہر دار

تمیق الکاف الفارسی

زیگ - ف بکسر اول وسکون ثانی وکاف فارسی م جانور حقیر جثہ خاکستری رنگ کہ زیر ہر دو پایس سرخ وکوچکتر از کنجشک خانگی بود وآوازش بغایت خوش وحزین۔

تمیق النون

زیت السودان - ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وفتح سین مہملہ مشددہ وسکون واو با دال مہملہ والف ونون روغن بجرک یعنی روغن بادام کوہی۔
زیت الہرجان - بفتح ہا ورار مہملہ با جیم والف م زیت السودان
زیتون - ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی وسکون واو درختیست مشہور طرسیدۂ او سیع گویند ح ی ونارسیدۂ ب ی او گویند اطراف وبرگ او ب ۲ وانچہ از و سبز ونارسیدہ است آنرا زیت الانفاق گویند۔
زیزفون - ع بکسر اول وسکون ثانی وزار معجمہ ثانی وضم قاف وسکون واو ونون نوعے از درخت سنجد کہ ہر ہند ہر زتیان بکسر اول وثانی بانون والف ہ اجوائن۔

تمیق التحتانی

زیت رکابی - بفتح اول وسکون ثانی وکسر فوقانی ورار مہملہ وکاف وکسر موحدہ وسکون تحتانی م زیت شامی۔

ترقیم الزار الفارسی وتنسیق الالف وتمیق الزار الفارسی

ژاژ - ف بہر دو زار فارسی گیاہیست کہ بی تخم روید ودر غایت تیزگی باشد وچندانکہ آنرا شتر بخاید نرم شود۔
ژاژ بیشر - ف بکسر موحدہ وسکون تحتانی وزار فارسی ثانی م کوپادزہر

تمیق الکاف

ژاژ ماک - ف بضم زار معجمہ فارسی وسکون واو وفتح میم وسکون کاف م لوبیاع لبا۔

تمیق الہار

ژاژہ - ف بفتح زار فارسی وخفار ہام ژاژ۔
ژالہ - بفتح لام م تگرگ وشبنم۔

تنسیق الغین المعجمہ وتمیق الہار

ژغارہ وژغالہ - ف بفتح اول وفارسی وغین معجمہ والف وفتح رار مہملہ در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی نان ارزن وسرخی کہ زنان بر روے خود مانند۔

تنسیق الواو وتمیق الزار الفارسی

ژوژ - ف بضم اول فارسی سکون واو وزار فارسی ثانی م خارپشت

تمیق الکاف

ژوژک - ف بفتح اول فارسی وسکون ثانی وفتح زار معجمہ وسکون کاف م پرندہ ایست سرخ فام بقدر کنجشکی وگویند سرخ نابے

تنسیق التحتانی وتمیق الہار

ژیوہ - بکسر اول فارسی وتحتانی مجہول وفتح واو وخفار ہ م سیماب ع زیبق ہ پارہ

ترقیم السین المہملہ وتنسیق وتمیق الالف

سالامندرا - بسین مهمله والف ولام والف ثانی وفتح میم وسکون نون وفتح دال مهمله ورار مهمله والف ثالث م نوعی از عظا است که چهار پای دارد ودر کان نوشادر بسیار بود وذنب وی کوتاه بود وسرش سیاه بود وآن بزرگتر وپهن تر از سام ابرص باشد وگردن وی باریک بود ولون وی ابلق زرد وسیاه بود وگویند چون در آتش اندازند نسوزد وچون اورا سنگ زنند کارگر نشود واز جمله سموم قتاله است مانند زراریح -

تمیق الفوقانی

ساسارکشت - سریانی بهر دو سین مهمله وهر دو الف وراء مهمله وکسر کاف وسکون شین معجمه وفوقانی ف تخم الجزره -

تمیق الجیم

سابنیزج ف بکسر موحده وسکون تحتانی وفتح زار معجمه وسکون جیم ف مردم گیاع لفاح واقسام میباشد وقوتش تا چهار سال باقیماند وقویترین اجزا پوست بیخ لفاح ومستعمل از ان عصاره وآب سائله او وپوست بیخ او در سوم سرد وخشک وثمرش سرد وتر وجوف بیخ او عدیم القوت

ساج - ف بسکون جیم م ماده مرغ کنجد خور ونام درختست که بهندی سانگه گویند طب ی ۳ -

سادج - ع بسین مهمله والف وبکسر دال مهمله وسکون جیم ف گویند برگ قرنفل ست وگویند برگ درختیست که دار چینی پوست اوست وکبابه ثمر او وگویند برگ درخت صندل ست ه پترج طح ۳ ی ۲ گویند ح را گویند

ملطف ومقوی معده تازه که بگردش بزردی مائل بود ودروی بسبزی مائل باشد وقوی رایحه سیاه ومانند قرنفل وزرد شکننده بناشد شربتش یک مثقال ص مصطگی یا شراب بدلش سنبل الطیب یا سلیخه یا طالیسفر -

سارح - ف بکسر راء مهمله جانوریست پرنده خوش آواز ناو را بآواز چهار تازه تشبیه کنند م سارو وسار وسارچه وشارک

ساریخ - ف بفتح رار مهمله وسکون نون م غلیست کوچک وضعیف سیاه رنگ که در آذربایجان سواران گویند وسارنگ وسلیح نیز خوانند

تمیق الدال المهمله

ساو - ف بسکون دال مهمله م خوک -

سارو - ع بکسر راء مهمله ف کنو که در بدن حیوان چسپد -

تمیق الراء المهمله

سابر - ه بسین مهمله والف وفتح موحده وسکون راء مهمله ف حیوانی هندی که از چرم وسلوار سازند وبند کمر وبند شمشیر نیز ظ گوشت او می

ساخکدار - وسارشکدار - ف بفتح راء مهمله وسکون خاء معجمه وکاف با دال مهمله والف در لغت اول وسکون شین معجمه در لغت ثانی ع شجرة البق -

سار - ف جانوریست پرنده سیاه رنگ که خالها سفید دارد وخوش آواز بود وبیشتر شکار ملخ کند وتیز شتر را مانند

سار - ف بفتح سین مهمله ثانی م شارک ه شارو وبضم سین مهمله ثانی نی که ازو قلم سازند -

سامندر - ف بفتح میم وسکون نون وفتح دال مهمله م جانور سمندر که در آتش متکون شود -

ساموُر - بضم میم وسکون واو م الماس -

سایہ پرور - ہ بفتح تحتانی وخفار ہا و فتح موحدۂ فارسی وسکون رار مہملہ وفتح واو م جنیڈ -

تمیق الزار المعجمه

سامیز - ف بکسر میم وسکون تحتانی وزار معجمہ م سنگے کہ بدان کارد وشمشیر تیز کنند -

تمیق السین المهمله

سارس - ہ بسین مہملہ والف وفتح رار مہملہ وسکون سین مہملہ ثانی م جانوریست ہندیست -

ساسالیوس - بہر دو سین مہملہ وبہر دو الف وکسر لام وضم تحتانی وسکون واو وسکون سین مہملہ ثالث م انجدان رومی وکاشم رومی طرح ی ۲ ل خردل سفید یا انجدان طیب

ساس - ف سین مہملہ والف ہ کٹھل کرمیست خورکہ خون آدمی نخورد

ساولیس - ف بکسر واو وسکون تحتانی م نخالہ -

سایوس - بضم تحتانی وسکون واو م اسبغول -

تمیق الشین المعجمه

سایہ حوش - ف بفتح تحتانی وخفار ہا وضم خار معجمہ و واو مندولہ وشین معجمہ درخت نازون -

تمیق الصاد المهمله

سام ابرص - ع بسین مہملہ والف وکسر میم وفتح ہمزہ و سکون موحدہ وفتح رار مہملہ وسکون ضاد مہملہ ف مازنگ و بلپاسہ ہ سیکا وچھپکلی طرح ی ق مفسد خ الجہ در ساتین باشد ص روغن زرد وغسل وآب گرم ل دسغ

تمیق العین المعجمه

ساغ - ف بسکون غین معجمہ م غیست مانند سازند -

تمیق الکاف

سابنزک - ف بکسر موحدہ وسکون تحتانی وفتح زار معجمہ وسکون کاف سابنج م سارخک وسارشک ف بفتح زار مہملہ وسکون خار معجمہ در لغت اول سکون شین معجمہ در لغت ثانی م - سارک - ف بفتح رار مہملہ م سارند -

تمیق الکاف الفارسی

سایہ برگ - ف بفتح تحتانی وخفار ہا وفتح موحدہ ورار مہملہ گیاہیست کہ چون شتر بخورد بخواب رود -

تمیق اللام

سال - ہ بسکون لام ع ساذج -

تمیق المیم

سام - ف بفتح سین مہملہ ثانی وسکون میم درختیست سیاہ م آبنوس

سام - ف م آتش -

سالم - پوستیکہ میان بینی وچشم ست -

سام - حرزہ -

تمیق النون

ساخن - ف بکسر خار معجمہ وسکون نون ع سار د ح -

ساداوران - بدال مہملہ والف ثانی وفتح واو ورار مہملہ والف ثالث م سواد القضاة وسیہک واذران گویند چیزیست مانند صمغ کہ در اندرون بیخ درخت گردکان مجوف شدہ باشد یابند وگویند درمیان درخت بطم کہن پیدا شود واو را بن آب خوانند طب ۲ ی ۳ ق قابض خ مائل بسرخی بش یکدانگ ص زعفران ل

نیلہ ہر ج یا دو دانگ وزن آن تخم سنے یا آملہ واقیا

ساطرلون - بفتح طا، مہملہ وسکون را، مہملہ وضم تحتانی وسکون واو م خصی الثعلب -

ساگون - ہ بفتح کاف فارسی وسکون واو درخت مشہور ہندیست کہ برگہائیش بگوشت فیل ماند و درشتی قلمش برگش چون لسبوہان

سالیون - ف بکسر لام وضم تحتانی وسکون واو م تخم کرفس کوہی

سانبھر لون - ہ بسین مہملہ والف وخفا، نون وضم موحدہ وسکون را، مہملہ وضم لام وسکون واو ونون تا ، نمک سانبھرین وملح اندرانی

سان - ف سوہان وسنگی کہ بدان خنجر وکارد وغیرہ تیز کنند و آنرا فسان نیز خوانند ع مس -

ساوان - ہ بسین مہملہ والف وخفا، نون وواو والف ونون غلہ ایست ہندی ف سامخ -

تمیق الواو

سارو - ف بضم را، مہملہ وسکون واو م سار وجہ بواو مجہول م جانوریست سیاہ رنگ کہ در ہند بہم رسد وماند طوطی سخن گوید وآنرا شار اشار وشارک نیز گویند -

شاد - ف زرخالص کہ شکستہ وریزہ باشد ع قراضہ ونیز بوتہ خاردار وسفید رنگ کہ درازیش یک گز باشد وآنرا چون ہمیہ لسبوزند ونیز در میان کرم پیلہ بگذارند تا پیلہ برآرند

تمیق الہار

سادہ - ف بفتح دال مہملہ وخفار ہا ع سافج -

سارونہ - ف بضم را، مہملہ وسکون واو وفتح نون م

سالنقہ - بکسر نون وفتح قاف پرسیاوشان -

تمیق التحتانی

ساٹھی - ہ بکسر فوقانی ہندی واظہار ہا وسکون تحتانی ف قسمی از شالی برنج ہندیست -

ساجی - ہ بکسر جیم ف شخار -

ساری - ف بکسر را، مہملہ م سار -

سالی - بکسر لام م الجدان رومی وکاسم رومی -

تمیق الموحدہ وتمیق الالف

سبع الشعرا - بفتح اول وسکون موحدہ وضم عین مہملہ وشین معجمہ مشددہ وفتح عین مہملہ ثانی با را، مہملہ والف م افیتمون -

تمیق الفوقانی

سبلت - ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر لام وفتح فوقانی م ریش

تمیق الجیم

سبج - ع بفتح اول وموحدہ وسکون جیم ف شبط - ب ی

تمیق الخار معجمہ

سبخ - ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون خار معجمہ م نمک

تمیق الدال المہملہ

سپیوسپند - ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وکسر سین مہملہ ثانی وفتح موحدہ فارسی وسکون نون ہ جوانسا -

تمیق السین المعجمہ

سپیوش - ف بکسر اول وسکون ثانی فارسی وضم تحتانی وسکون واو وشین معجمہ ثانی م تخم اسپغول -

تمیق الضاد المعجمہ

سبع الارض - ع بفتح اول وثانی وضم عین مہملہ وسکون لام

وفتح ہمزہ وسکون رار مہملہ ف پرسیاوشان سنبل ع کزبرۃ البیر ہ راج ہنس وکرجاہ ورنکوٹ ط مع مائل بگرمی وخشکی وملطف مجفف ومحلل ومنضج و مدر ص مصطگی ش الزحرم او تا ہفت درم و ازانست طبیخش تا بیست درم ل حبت آلام ششش بوزنش بنفشہ و بعلت آن اصل السوس۔

تمنیق الکاف

سبزک۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح زار معجمہ م جانوریست کاسکینہ
سبک۔ ف بکسر اول وفتح ثانی م جانوریست پرندہ کہ بخلاف شیرہ عاشق نور آفتاب باشد۔

تمنیق اللام

سبزال۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وزار معجمہ بایم والف ولام م نوازانگور ریز

تمنیق الہار

ساؤہ۔ ف بضم اول ثانی والف وفتح دال مہملہ وخفار ہا م سنگی کہ ازان فسان سازند وحکاکان نگین را بدان تراشند وجلا دہند سبکنابہ
سبوسہ۔ ف بفتح اول وضم ثانی وواو مجہول وفتح سین مہملہ وہار م کرم گندم خوار وسبوس آرد۔

تمنیق التحتانی

سبز مالی۔ ف بفتح اول وسکون موحدہ وزار معجمہ بامیم والف وکسر لام وسکون تحتانی م نوعے ازانگور۔

تمنیق الموحدۃ الفارسی وتمنیق الفوقانی

سپست۔ ف بفتح اول وکسر موحدۂ فارسی وسکون سین مہملہ ثانی وفوقانی م اسپست۔

تمنیق الخار المعجمہ

سیاناخ۔ ف بکسر اول با ثانی فارسی والف ونون با الف ثانی وخار معجمہ ساگ پالک ط اسر دوتر و گویند مع در طبع و با قوت جالیہ درادعہ وسریع الہضم تر و کم نفع تر از از سائر البقول مصر سپرز ص گل مختوم ش دو درہم۔

تمنیق الضاد المعجمہ

سیندیا الارض۔ بکسر اول وفتح ثانی فارسی وسکون نون وفتح دال مہملہ با تحتانی والف وضم نون ثانے وسکون لام وفتح ہمزہ وسکون رار مہملہ م فراسیون۔

تمنیق الکاف

سپاروک۔ ف بفتح اول و ثانی فارسی والف وضم رار مہملہ وسکون واو وکاف ف کبوتر۔
سپرک۔ ف بکسر اول وسکون ثانی فارسی وفتح رار مہملہ م اسپرک۔

تمنیق اللام

سپل۔ ف بفتح اول و ثانی فارسی م سم ستر۔

تمنیق المیم

سپرغم۔ ف بکسر اول وفتح ثانی فارسی وسکون رار مہملہ وفتح غین معجمہ وسکون میم ع ریحان وضیران بادروج ہ بیری۔
سپرم وسپرہم۔ ف بکسر اول وفتح ثانی فارسی ورار مہملہ در لغت اول وسکون رار مہملہ وفتح ہا در لغت ثانی م سپرغم۔

تمنیق النون

سپستان۔ بکسر اول و ثانی فارسی وسکون سین مہملہ ثانی با فوقانی والف ونون ف سگ پستان ہ لسوڑا ط مع گویند بارد ح رق ملین منضج خ بر گوشت ش از پانزدہ تا سی عدد ص آملہ ل عناب

سپندان ۔ بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و دال مہملہ والف و نون ۔ دا سپند ۔

تمیتق الواو

سپیدمرد ۔ بفتح اول و کسر ثانی فارسی و تحتانی مجہول و دال مہملہ و فتح میم و سکون را مہملہ و واو مجہول نباتیست تشبیہ بستان افروز کہ ساق آن سپید بود ۔

تمیتق الہار

سپارہ ۔ ف بفتح اول و ثانی فارسی و الف و فتح را مہملہ م سدا دو

تمیتق التحتانی

سپاری ۔ د بضم اول و ثانی فارسی و الف و کسر را مہملہ تحتانی فوفل ۔
سپیدروی ۔ ف بضم اول و فتح ثانی فارسی و تحتانی مجہول و دال مہملہ و ضم را مہملہ و سکون واو و تحتانی م قلعی

تنسیق التاء الفوقانی و تنسیق الراء المہملہ

ستاور ۔ ہ بفتح اول و فوقانی و الف و فتح واو و را مہملہ و استور بہت سے
ستور ۔ ف بضم اول و ثانی و سکون واو و را مہملہ بطریق عموم ہر جانور چہارپا و بطریق خصوص اسپ و شتر ۔

تمیتق الکاف

ستباک ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی با موحدہ و الف و کاف ہند م تمباکو

تمیتق الکاف الفارسی

سترنگ ۔ ف بفتح اول و سکون فوقانی و فتح را مہملہ و سکون نون و کاف فارسی نباتیست شبیہ بآدمی کہ در زمین چین روید و کرگو نسا نبود چنانچہ ریشہ اش بمنزلہ موی سر باشد و نیز دو پا و دستہا و دیگر اعضا ہم آورده باشد و پا یہا در ہم محکم ساختہ و نیز آنرا باید پیچ پانی چیپ افتادہ و مادہ او بر عکس آن و بر سر کہ آنرا بند در زبان ہندی یا بعد از سالی بمیرد و ہر گاہ کہ این را کنند از اطراف گرد آن خاک را خالی کنند چنانچہ باندک قوت کندہ شود پس ریسمانی گاو یا سگ یا حیوانی دیگر کہ بغایت گرسنہ باشد بر بیخ آن ببندند و علف یا پارچہ نان در پیش او بر دارند ۔۔۔ تا بیخ آن برآید ہستر نگ رم گیاہ و کمگن عرب ۔۔ ۔ وہ

تمیتق الہاء

ستہ ۔ ف بفتح اول و ثانی و خفا ہا م انگور ۔

تنسیق الجیم و تمیتق الطاء المہملہ

سجلاط ۔ یونانی بفتح اول و سکون جیم بالام و الف و طاء مہملہ و ف یاسمین ۔

تمیتق الکاف

سجک ۔ ف بفتح اول و ضم ثانی م شیر و دوغ کہ باہم بیامیزند و شبت را ریزہ ریزہ کردہ دران بریزند و آنرا دوزاغ و شیراز نیز خوانند

تمیتق اللام

سجنجل ۔ ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم ثانی و لام م زعفران

تنسیق الخاء المعجمہ و تمیتق السین المہملہ

سخینوس ۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو و سین مہملہ ثانی م اذخر ۔

تنسیق الدال المہملہ و تمیتق الموحدہ

سداب ۔ بضم اول و دال مہملہ و الف و موحدہ بہندی آنرا جالول و سازی خوانند و تران رح می ۲ و خشک آن ۳ گویند تر او ۳ گویند بہ ق مقطع محلل و ملطف در بعضے مفرح ح ابنا سبز تیز بوے کہ نزدیک درخت انجیر رستہ باشد بس در م

انیسون یا لقلۃ الحمقاء ل نعناع دقوتیج یا سیسنبر

تمیق الراء المهمله

سدر ع بکسر اول وسکون ثانی ورا مهمله ف درخت کنار هر کار دکهو طب ی اق قابض خ سنبر شیری این ترق ش ام

تمیق الهاء

سنپایه - ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده فارسی و فتح تحتانی وخفاء ها خزنده ایست که در گوش رود م هزار پا

سمره - ف بفتح اول وثانی وخفاء ها درختی ست که در دار الهجر گویند و ماورا النهر از دیگر بلاد ایران وتوران بیشتر شود وشاخه بزرگ باشد که تنه او بدشواری در بغل سه چهار کس آید و برگها بیشتر انبوه بود که باران ازان نگذرد وتا دو بیست سوار در سایه او آرام توانند گرفت و بجه سد سرو راست که بیستگی از دیگر درختها آن بلندتر باشد و ساقش بغایت موزون بود و بر این درخت چیزی گرد مانند خریطه که از چرم ساخته باشند بهم رسد و پر از پشه باشد و در ایام بهار در میان آن خریطه آبی بهم رسد و در تیرماه منجمد گردد مانند صمغی که آن را العوض صمغ در سیاهی کنند سیاهی را رنگین تشفا دن سازد و آنرا پشه خانه و پشه دار و پشه غال و سار خکدار و سار شکدار و بالاین کژم در شکر و غال پشه و کبجنشک و کنجک و در دار تبریز خوانند ع شجر البق -

تمیق التحتانی

سدی - ف بفتح اول وسکون ثانی و تحتانی مجهول بلغت اهل مینه ع خلال ف غوره خرما -

تمیق الراء المهمله و تمیق الالف

سرکهونکا - د بفتح اول وسکون را رامهمله وضم مد ها فارسی واظهار ها وسکون واو و نون با کاف و الف م قسمی از حرمل

تمیق الموحده

سراج القطرب - ع بکسر اول با ثانی و الف وضم جیم کوه لام وضم قاف وسکون طاء مهمله وضم را مهمله ثانی وسکون موحده گویند که این نام مشتق از دو چیز ست یکی سراج وآن چراغ ست دوم قطرب وآن جانوریست که آنرا اللیه گویند و در شب روشن ست وچون این گیاه بشب روشن با نامیکه تر ست پس شباهت بسراج وقطرب هر دو که در شب روشن اند وگویند که قطرب این گیاه را دوست دارد و در شب طلب کند طح ی اق قابض مجدد رخ نوش هند رم ص کثیرا لمرداز دیاما

سرب - ف بضم اول وسکون ثانی ه سیسا -

سرخاب - بضم اول وسکون ثانی با خاء معجمه والف م مرغابی سرخ رنگ که ماده آن حیض کند و سرخی که زنان با سفیداب بجهت خوش آیندگی بر رخساره بمالند و شراب -

تمیق الجیم

سرنج - ف بکسر اول وثانی وسکون نون و جیم ه سندور

تمیق الدال المهمله

سراد بفتح اول وثانی والف ودال مهمله ع خلال ف غوره خرما

سرخ مرد - بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمه وضم میم وسکون را مهمله ثانی ودال رستنی باشد که گلش شبیه بهر گلبستان افروز ساق آن سرخ خوش رنگ و خوش آینده و آنرا نار کهبد لا نیز خوانند

سرساد - بفتح اول وسکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف ف پنجگشت

سرند - بکسر اول وثانی وسکون نون ودال مہملہ ف جائیکہ
ہ سوال وعشقہ را نیز خوانند -

تمیق الرار المہملہ

سرر - ف بفتح اول وسکون رار مہملہ ع راس وبضم اول تیرا نکہ
از برنج سازند ونام نوعے از ماہی کہ طول آن یک گز است
وخرطومی بزرگ دارد مانند پیکان واکثر حیوانات را بدان گزند رساند
سرمور - ہ بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون واو و
رار مہملہ ثانی م ساگ چوگ -

تمیق الزار المعجمۃ

سرخ مرز - ف بضم اول وسکون ثانی وخار معجمہ وفتح
میم وسکون رار مہملہ ثانی وزار معجمہ م سرخ مرد -
سروناز - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر واو ونون والف م سرو نوستہ

تمیق السین المہملہ

سرخس - ع بفتح اول وثانی وسکون خار معجمہ وسین مہملہ ف
وکیل دارو وآن چوبیست سیاہ رنگ کہ بر ساحل دریا خزر یابند
وآن زوماده است ہ لبسوطح ۲ وخشک اق مفتح مجفف
جالی بے لنع خ سیاہ بزرگ کہ بعد از شکستن فستقی بود
ش - از نیم مثقال تا دو درم ص شیخ ارمنی یا شاہ بلوط وشکر
سرخ ل تخم شبرم یا کشوث یا قنبیل -

سرخینوس - یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر خار معجمہ و
سکون تحتانی وضم نون وسکون واو با سین مہملہ ثانی م
شنطرج معرب از چیتہ ہندی بیخ نباتیست طہ گرم وخشک و
جالی ومحرق جلد ومسہل خلاط لزجہ واستعمال او با شیر وسرکہ مفتح

سدہ باہ ومہیج باہ ومسقط جنین وضماد برگ او مقرح جلد است
ش یکدرم ومضر ریہ ص صمغ عربی ومصطگی ل زرنباد وفو در
علل سیر زمرجان ولبسد در تہیج -
سرس - ہ بکسر اول وسکون ثانی وسین مہملہ ثانی درخت
مشہور ہندی پر منفعت ست ع لحیۃ التیس -

تمیق الشین المعجمہ

سرمش - بکسر اول وسکون ثانی وکسر میم وسکون شین معجمہ خوانی

تمیق الفار

سرشف - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح شین معجمہ وسکون فا ہ سرسون

تمیق القاف

سرمق - ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم وسکون قاف ہ
ساگ تھواط ر ۲ ق ملین ص نمک وا باز برل اسپاناخ -

تمیق الکاف

سرمک - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون
کاف م اسفاناخ رومی ع سرمق -

تمیق الکاف الفارسی

بفتح اول وثانی وسکون نون وکاف فارسی م زاو درخت

تمیق النون

سرسون ہ بفتح اول وسکون ثانی وضم سین مہملہ ثانی وسکون
واو ونون ف سرشف واسفند سفید و اسفاد سفید ع خردل
فارسی ابیض وخرنوب خزلق وحرف ابیض گویند مشہی ومشف
رطوبات وآروغ آرندہ ودر سائر افعال مانند رشادر -
سیرگین گردان - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی

وسکون تحتانی ونون وفتح کاف فارسی ثانی وسکون راء
مہملہ بادال مہملہ والف ونون م حبل۔
سرون۔ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو شاخ حیوان
سریقون۔ سریانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی
وضم قاف وسکون واو ونون ہ سیندور۔

تمیق الواو

سرو۔ بفتح اول وسکون ثانی وواو مجہول ف درخت
مشہور رط مع گوینح ب ری ۲ گویند ب گوینح ی ۲
ق قابض خ سبز تازہ ص صموغ ل نمونز یوست
انار وگویند قرومانا وانزروت وبضم راء مہملہ م شاخ حیوان

تمیق الہاء

سرلہ۔ بضم اول وسکون ثانی وفتح لام وخفاء ہا م شقاقل
سروالہ۔ ف بضم اول وسکون ثانی باواو والف وفتح لام م علفی است
کہ بر سرش خارہائے تیز بود وہر گاہ کہ بجامہ رسد در جامہ فرو رود وجدا نشود
سروسیاہ۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر واو وسین مہملہ
ثانی باتحتانی والف واظہار ہا م درخت کاج ونارو ع صنوبر
صغار ہ چیڑ ا ط ۳ گرم وخشک ص سکنجبین ل در قوت ہ
وحب المحلب در علل معدہ واحشاء الغار۔
سرتجہ۔ ت بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح جیم
فارسی م مرغ فاطمہ ع صعوہ ہ ممولا۔

تمیق التحتانی

سرخ پای۔ ف بضم اول وسکون ثانی وخاء معجمہ یاموحدہ
فارسی والف وتحتانی م سبزۂ ترش ع حماض ہ چوکا۔

سرطان بحری وسرطان نہری وسرطان ہندی
ع لغت اول بفتح اول وسکون ثانی باطاء مہملہ والف وکسر
نون وفتح موحدہ وسکون حاء مہملہ وکسر راء مہملہ ثانی وسکون
تحتانی ولغت ثانی بفتح نون وسکون ہاء مہملہ وکسر راء مہملہ وسکون
تحتانی ولغت ثالث بکسر ہاء مہملہ وسکون نون وکسر دال مہملہ
وسکون یاء تحتانی ف خرچنگ ہ کیکڑا ط بحری یعنی دریائی ک
ب ی ونہری یعنی جوئی ب ر وہندی ب ر ومحرق اوے
سوق بحری مجلی ح نہری از جوی بزرگ شیرین آب عمیق از
یکدرم تا بہ نیمدرم ص ماش بختن یا طین قرشی ل از بحری ونرنج
یا سرطان خشک یا صدف یا خزف چینی۔
سرکہ ہندی بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف وہمزۂ ملینہ
وہاء ثانی وسکون نون وکسر دال مہملہ ویاء تحتانی ف ا بکاسہ ہ کانجی
سروجیلی۔ بفتح اول وسکون ثانی وکسر واو وفتح جیم موحدہ
وکسر لام ویاے تحتانی م درخت ع ع۔
سروسہی۔ بفتح اول وسکون ثانی وکسر واو وفتح سین مہملہ
ثانی وکسر ہا یاء تحتانی م سروے کہ راست باشد۔
سروی۔ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وبایاء تحتانی م شاخ حیوان

تمیق السین المہملہ وتمیق الدال المہملہ

سسعند۔ یونانی بفتح اول وسکون سین مہملہ ثانی وفتح عین
مہملہ وسکون نون ودال مہملہ م عود بلسان۔

تمیق السین

سیمسالیوس۔ بفتح اول وثانی والف وکسر لام وضم
تحتانی وسکون واو وسین مہملہ ثالث م انجدان وکاشم رومی

تمیق النون

سسطیعون - سریانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طار مهمله و سکون تحتانی و ضم عین مهمله و سکون واو و نون ف بیخ ذرد گاذ نی

تنسیق الطار المهمله و تمیق الالف

سطرکا - رومی بفتح اول و طار مهمله و سکون رار مهمله با کاف والف م اسطرکٹ ہ گرم اخشک ص تخم رازیانہ ل ساعیه سائلمه

تمیق الحار المهمله

سطاح - ع بفتح اول و ثانی والف و حار مهمله م ہر نباتیکه بر زمین گسترده شود او را بدین نام خوانند۔

تمیق السین المهمله

سطراطیوس - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و رار مهمله والف و کسر طار مهمله ثانی و فتح نیز و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله ثانی ف بناتی ست که او را بیخ نیست و بر روی آب پیدا شود در فش مانند ورق بادرنجبویه بود و کوچک تر از دو از نعناع بزرگ تر ط

ب - سطیوس - یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و سین مهمله ثانی م گلنار۔

تمیق الکاف

سطراک و سطواک - سریانی بفتح اول و سکون ثانی و رار مهمله والف و کاف در لغت اول و با واو در لغت ثانی م زرنباد

تمیق النون

سطرونیون - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم رار مهمله و سکون واو و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو و نون ثانی ف چوبک اشنان

تنسیق العین المهمله و تمیق الدال المهمله

سعدرة بضم اول و سکون عین مهمله و دال مهمله و تماط ... ی اگویند آق حفیف در رقت مغشی مقوی دماغ و دل و معده گوئی فربه خوشبوی ببستانی سفید بعد از ان شیرازی بعد از ان هندی که چون سیاهی از نجراشند سفید فربه بود ش یکدرم ص قند و صندل و انیسون و گویند خس و خیار ل دارچینی دو ج

تمیق الرار المهمله

سعتر - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون رار مهمله گیاهیست مثل تره گرده سناتهر۔

تنسیق الغین المعجمه و تمیق الدال المهمله

سغود - ف بضم اول و غین معجمه و سکون واو و دال مهمله م مرغ سنگخوار

تمیق الرار المهمله

سغبر - رومی بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و رار مهمله م خس سیا
سغر - ف بضم اول و فتح ثانی جانوریست که سیخها ابلق بر پشت آن باشد و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که آن سیخها بر انگسیز یخیزه ساهی۔

تمیق النون

سغنین - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر معجمه و سکون تحتانی و نون م سکنجبین

تمیق الهار

سغرنه - ف بضم اول و فتح ثانی و سکون رار مهمله و فتح نون خار آهن سهی م ماهی

تنسیق الفار و تمیق الجیم الفارسی

سفچ - ف بفتح اول و سکون فا و جیم فارسی م خربزه نارسید

تمیق الدال المهمله

سفرود - ف بفتح اول و سکون فا و ضم رار مهمله و واو مجهول

و دال مہملہ مرغ سنگخوار ع قطاۃ۔

سفند سفید۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و کسر دال مہملہ و فتح سین مہملہ ثانی و کسر فا ثانی و تحتانی مجہول ہ اسپند۔

تمنیق الراء المہملہ

سفر۔ ف بضم اول و ثانی و سکون را مہملہ ہم مجہول ماہی۔

تمنیق السین المہملہ

سفاویکوس۔ یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر دال مہملہ و سکون تحتانی و ضم کاف و سکون واو و سین مہملہ ثانی ف نوعے از پیاز بری طرح می۔

تمنیق اللام

سفال۔ ف بکسر اول و فتح فا یا الف و لام گل پختہ ہ ٹھیکری و استخوان و پوست گردگان و بادام و پستہ و فندق و پوست انار خشک شدہ و امثال آنرا نیز گویند۔

سفرجل۔ بفتح اول و ثانی و سکون را مہملہ و فتح جیم و سکون لام ف آبی ہ بہی طب ی ق قابض و حابس خون و مقوی و مفرح دل و معدہ خ بزرگ رسیدہ ش دہ درم از آب ص طب یا عسل ل کمتری گویند و لے اور شش سال دو گر آنی ناگیرہ کند و چشم را بصارت دہد و اگر زن حاملہ بخورد و فرزند خوب رو گردد و ہشیار شود۔

تمنیق النون

سفندولیون۔ یونانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مہملہ و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و سکون نون ثانی ف زیرہ بری۔

تمنیق الہاء

سفیجہ۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خفاء ہا ہم خربزہ نارسیدہ

تمنیق القاف و تمنیق الالف

سقمونیا۔ ع بفتح اول و سکون قاف و ضم میم و سکون واو و کسر نون یا تحتانی و الف صمغیست مسہل و از نوع انسبت ف محمودہ طرح می گویند برق مسہل صفرا خ اطفال کی صافی سبک برنگ بریشم و بمالیدن سست خرد شود و سفید گردد چون در آب حل کنند مانند شیر ماند ش از یک قیراط تا دو دانگ ص معجون ساختن با آب بہ ترش و سیب گلاب در و نفیع کردہ با سماق را و آواز و قرص تنک ساز ند و در سایہ خشک کنند و تمر شربت بیشتر از معجون ندانند بعد از انکہ در بہ یا شراب یا سیب یا پیاز یا زردک مشوی کردہ باشند ص کثیرا یا مصطگی و انیسون و نشاستہ یا روغن بادام و دوقو و اگر محمودہ را با نفشہ صلایہ کنند مشوی کنند ل سہ وزن حب الخروع یا ماہواد انہ۔

تمنیق الراء المہملہ

سقالر۔ بضم اول و فتح ثانی و الف ف ساجی۔

سقنقور۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف ثانی و سکون واو و را مہملہ ف ریگ ماہی و گویند کہ از نسل تمساح است و آن چنان است کہ تمساح بر ساحل رود نیل خایہ می نہد و بچہ ہا آید و ہرچہ در آب رود نہنگ است و آنچہ بر ریگ بماند سقنقور است و چون تازہ بود رطوبت نمکسو کنند خشک گردد و حرارت از رطوبت زیادہ تر شود و گویند ح ۲ ی اق ماہی خ تر لہ در وقت بہار و موسم ہیجان ایشان صید کردہ باشند ش از گوشت وی یک مثقال تا نیم مثقال ص عسل یا شوربا عدس ل خصی الثعلب یا خردل

یا ذکر گاؤ خشک سودہ و نیم وزن تخم زردک۔

تمنیق الزاء المعجمہ

سقز۔ بفتح اول و کسر ثانی مشدد و سکون زاء معجمہ ع علک الانباط و علک البطم ف صمغ درخت بن۔

تمنیق السین المہملہ

سقنقس۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم قاف ثانی و سکون سین مہملہ ثانی م سقنقور۔

تمنیق اللام

شقاقل۔ بفتح اول و الف و ضم قاف ثانی و سکون لام م شقاقل کہ بیخیست ق تا چہار سال باقیست ط اگرم ۲ تر مبہی مفتح قاطع بلغم مقوی کمر مسخن گردہ و معدہ و جگر و مصرع و مفر شنہا ص عسل و مربا ادبا عسل بیخایلہ و مقوی ارواح ش تا پنجدرم ل در تقویت باہ حب صنوبر و بوزیدان۔

تمنیق النون

سقن۔ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون ع و لبس ف بیلان یعنی عسل رطب۔

سقوردیون۔ یونانی بضم اول و ثانی و سکون واو و رار مہملہ و فتح دال مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م سیر بری۔

سقولوقندریون۔ یونانی بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم لام و سکون واو ثانی و فتح قاف ثانی و سکون نون و فتح دال مہملہ و سکون رار مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو ثالث و نون م اسقولوقندریون ف زنگی دار و طح ای ہ گویند ع ق بلیش بس دو درم ص درد یا مصطگی یا عسل ل ازخافت گا بس یا دریوں

یا پوست کبر یا نیموزن آن تخم کرفس۔

تمنیق الکاف و تمنیق الالف

سکیر حلا۔ یونانی بفتح اول و کسر کاف و سکون تحتانی و فتح بار مہملہ و سکون عین مہملہ با لام و الف م بسفائج۔

تمنیق الجیم

سکبینج۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی و فتح نون و سکون جیم ف صمغی ست شل انگوزہ کند خوانند طح ی ۳ ق محلل ملطف مفتح خ صافی بیرون سرخ اندرون سفید زرد گداز ندہ و بویش مشابہ حلتیت و فتنہ و تیز بوی باشد ش از یکدرم تا یک مثقال ص رب السوس ل بازرو سفید یا نیموزن جاؤشیر یا مقل و صبر و آس و جاؤشیر از ہر یک یکدانگ یا نیموزن آن۔

سلج۔ ف بفتح اول و کسر ثانی م مویز۔

سکوہنج۔ ف بضم اول و ثانی و واو مجہول و فتح ہار و سکون نون م خار خشک

تمنیق الراء المہملہ

شکر العشر۔ بضم اول و فتح ثانی مشددہ و ضم رار مہملہ و سکون لام و ضم عین مہملہ و سکون شین معجمہ و رار مہملہ ثانی ف صمغیست کہ از درخت عشر یعنی اگ بیرون می آید در موضع گل وی کہ خشک گرد جمع میشود و آنرا بدین نام خوانند م تبغال و شکرک کوہی ط مع

سکر۔ ع بضم اول و فتح ثانی مشدد ف شکر طح را گویند ی ق مجلی بلین خ سفید شفاف ہندش نسبت درم ص رمان ترش سائر خموضات یا بہ و طباشیر ل الوی سیاہ یا مویز خراسانی یا عسل

تمنیق الزاء المعجمہ

سکز - ف بفتح اول وکسر ثانی وزا معجمه م مصطکی وگویند بستق

تمیق الکاف

سک المسک - بضم اول وکاف مشدد وسکون کاف وفتح میم وسکون سین مهمله ثانی وکاف ثانی ف مرکبی ست از مازو و فاذره ونلیخه وبسباسه وصندل وسقاصری وسنبل الطیب وعسل وطرح ی آ

سکساک - بضم اول وسکون ثانی وضم سین مهمله ثانی م درخت تاخ

سک - بضم اول وسکون ثانی ع مرکبی ست وگویند عصاره آمله طرح ی ق مقوی دل خ خوشبو ص صندل ل الیاء گویند سنبل وبفارسی بکسر اول م سرکه -

تمیق النون

سکاهن - ف بکسر اول وسکون ثانی ومد همزه وفتح ها وسکون نون م رنگ سیاهی که از سر گرد آهن سازند وبدان جامه جرم رنگ کنند

سکنجبین ع بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وضم جیم وکسر موحده وسکون تحتانی ف سرکه وانگبین که مساوی ممزوج کنند ق مقی مفتح مقطع ملطف غلیظ ومسکن حدت خون وصفرا سعال وسجح وآبله حصبه ص مارالشعیر ل جلاب وشربت نیلوفر

سکنابین - ف بکسر اول وفتح ثانی وسکون نون وضم کاف فارسی وکسر موحده وسکون تحتانی م سکنجبین -

تمیق الهاء

سکاسته وسکاشه وسکاسته وسکاشته - بضم اول وثانی والف در همه لغات وسکون سین مهمله ثانی وفتح فوقانی وخفا ها در لغت اول وفتح سین مهمله در لغت ثانی وسکون سین معجمه وفتح فوقانی در لغت ثالث وفتح شین معجمه در لغت رابع م رکاسه

سکسنبویه - رومی بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون نون وضم موحده وسکون واو وفتح تحتانی ف تخم سپستان وگویند بیخ پنجکشت -

تمیق الکاف الفارسی وتمیق الموحده

سکلاب - ف بفتح اول وسکون کاف فارسی بالام والف وموحده حیوانیست شبیه که در دریا بسر سدم جند بیدستر اودولاد

تمیق الراء المهمله

سکر - ف بضم اول وثانی م رکاسه -

سکنگور - ف بفتح اول وثانی فارسی وسکون نون وضم کاف فارسی ثانی وسکون واو ع عنب الثعلب -

تمیق الکاف

سکاک - ف بفتح اول وثانی فارسی وسکون کاف ه خنجر -

تمیق الکاف الفارسی

سگ - ف بفتح اول وسکون ثانی ع کلب ه کتا -

تمیق الواو

سکلاو - ف بفتح اول وسکون ثانی فارسی بالام والف وواو مجهول م سگلاب -

تمیق الهاء

سکاله - ف بفتح اول وثانی فارسی وفتح لام وخفاء ها م سرگین سگ

سگرنه - ف بضم اول وثانی فارسی وسکون راء مهمله وفتح نون وخفاء ها م

تمیق التحتانی

سنگ آبی وسگلابی وسکلاوی بفتح اول وسکون ثانی فارسی در همه لغت ومد همزه وکسر موحده وسکون تحتانی در لغت اول ولام والف

کسر موحده ه در لغت ثانی و کسر واو در لغت ثالث م جندبیدستر

تنسیق اللام وتمنیق الالف

سلق الماء ع بکسر اول وسکون لام وضم وسکون لام ثانی بامیم والف ممدوده م جار النهر۔

تمنیق الفوقانی

سلاجت۔ د بفتح اول وثانی والف وکسر جیم وسکون فوقانی م قسمے از سلارس۔

سلت۔ ع بکسر اول وسکون لام ف جو برهنه۔

سلحفات ع بضم اول وفتح ثانی وسکون حاء مهمله و واو والف وفوقانی ه کچھوا ط مع ق مرطب خ بزرگ ص درزه

تمنیق الدال المهمله

سلسد۔ ه بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون دال مهمله سلسی

تمنیق الراء المهمله

سلور۔ بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وراء مهمله ف نوعی از ماهی ست در نیل مصر۔

سلارس۔ ه بکسر اول وثانی والف وراء مهمله وفتح راء ثانی وسکون سین مهمله ثانی م صمغ سائله۔

تمنیق الطاء المهمله

سلیط۔ یونانی بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وطاء مهمله روغن زیتون غیر مغشوش وسریع الانتشار بر سطح بدن

تمنیق القاف

سلق۔ ع بکسر اول وسکون ثانی وقاف ف چقندر طح ملین

ق محلل ملطف مجلی خ شیرین سفید ص سرکه اشلغم۔

سلمق۔ بفتح اول وسکون ثانی وفتح میم ه کیتی۔

تمنیق الکاف

سلک۔ ع بضم اول وفتح ثانی وسکون کاف کبک بچه نر۔

تمنیق المیم

سلجم ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون میم ف شلغم طح ر ۲ ق مدر خ بستانی تازه ص تازه حبس تازه تو ابل

سلم۔ بفتح اول وثانی درخت مغیلان۔

تمنیق الهاء

سلاحه۔ بفتح اول وثانی والف فتح حاء مهمله خفاش یافته برکوهی ست که هنگام بهیج بر سنگ گرده باشد و سنگ سیاه گرد مانند فرز

سلاقه۔ بفتح اول با لام والف وفتح قاف شیره انگور وگویند ثمرده

سلخ الحیه ع بفتح اول وسکون ثانی وضم خاء معجمه وسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدد ف پوست افگنده مار کنچلی طب ی خ ماخوذ از مار تر سفید۔

سلیخه۔ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح خاء معجمه ف پوست درختی ست ه کھیلی وکھیلاط ح ی ۳ گویند ۳ مخفف ملطف مدر مفرح ومقوی دل ومعده خ سرخ سطبر اندک تلخ تمام عفص وچون اشکنند ریوند لحمی ماند ودراز تیفه وسوراخ مانند قرفه پیچیده ش بکیدرم ص کثیرا یا لاک ل داچینی یا سارون

تمنیق التحتانی

سلق بری۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر قاف وفتح

سلق جبلی ـ ع بفتح جیم و موحده و کسر لام م حلیو طرح ر ـ

تمنیق المیم و تمنیق الالف

سمکۃ الصیداء ـ ع بفتح اول و میم و کاف و همزه و طنیه با و فتح صاد مهمله و سکون تحتانی با دال مهمله و الف ماهی ست که در چشمه بود نزدیک بجزیره صیدا از زمین خام و مانند ریگ ماهی کوچک بود و بجز فصل بهار که هنگام هیجان آبهاست صید نتوان کرد رخ نرطح ... سپندرم

سمیکا ـ ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی با کاف ف ماهی خرد

تمنیق الخاء المعجمه

سماروخ ـ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون واو و خاء معجمه م سماروغ ـ

تمنیق الراء المهمله

سم الحمار ـ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و کسر حاء مهمله با میم ثانی و الف و راء مهمله ف خرزهره ـ

سم الفار ـ ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام با فا و الف ف مرگ موش ه سنکھیا کهار ـ

سمندر و سمندل ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول و سکون او و در لغت ثانی جانور مشهور که در آتش زاید

سموره ـ بفتح اول و ضم ثانی و سکون جانوریست مشهور که در ترکستان بسیاری باشد م طنطنک طرح ی ـ

تمنیق الغین المعجمه

سماروغ ـ بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون واو سمجه ف کلاه ماران و کلس ه هتول و کهمی ـ

تمنیق القاف

سماق ـ ع بضم اول با ثانی و الف و قاف ف ترتی تم و لیتر و تم تم ف درخت است که مستعمل پوست دانه او ست و قوتش تا سه سال باصماند ط ب ۲ گویند ی ۳ ق قابض مقوی معده خ تازه و سرخ ص مصطگی ل حامض و اترج یا رزشک یا خطمی ه پرشیا وشان و بفتح اول ه غله کنگنی ـ

سمق ـ بکسر اول و بفتح نیز و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی و سکون نیز ع اذان الفاره ه موساکنی اقسام بسیار شد ...

تمنیق الکاف

سماروک ـ ف بفتح اول و ثانی و الف و ضم راء مهمله و سکون واو کنبو ...

سم السمک ـ بفتح اول و ضم ثانی مشدد و فتح سین مهمله مشدد ثانی و میم ثانی ماهی زهر ـ

سمک ـ ع بفتح اول و ثانی ف ماهی ه مچھلی زمین ط تازه او بارد ر ۲ گویند ی ۲ و نمکسود ح ی ق مغزی سفند ... صنوبری رقیق پوست کوچک فلوس متوسط در خردی و بزرگی و لاغری منزه از بدبوی و مسکنش آب شیرین سنگریزه ... بریان کرده ص عسل و روغن بادام و فلفل بعد از زنجبیل و شراب ...

تمنیق اللام

سماقیل ـ بفتح اول و ثانی و الف و کسر قاف و سکون و ضم لام م سماق

سمندل و سمندول ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله در لغت اول و سکون واو در لغت ثانی م سمندر ـ

تمنیق المیم

سمسم ـ ع بکسر هر دو سین مهمله و سکون هر دو میم ف کنجد ه تل ـ

طرح را گویند ح ق محلل سهی خ تازه بزرگ دانه ش نک کنند ۳ بریان کردن و با عسل خوردن ل بزرگتان د مجلس
و در معاجین مغز بادام یا خشخاش سفید و عسل
سهم ع بفتح اول و سکون ثانی ف زهر و بیش لبس

تمیق النون

سمندر یکهیمین بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهمله و سکون را ر مهمله کسر موحده فارسی و اظهار ها تحتانی مجهول و نون ف کف دریا۔
سمندر لیون۔ د بفتح اول و ضم ثانی و دال مهمله مشدده و سکون را ر مهمله و ضم لام و واو مجهول ع ملح محیط ف نمک دریا
سمندر سمولنا۔ بفتح اول و ضم ثانی و فتح قاف و سکون میم مهمله ثانی و فتح میم ثانی و ضم را ر مهمله و سکون واو م اذان الفار
سمن ع بفتح اول و ثانی ف روغن گاو ه گهی و گهیو ط ح راق منضج محلل ملین خ تازه ص جمیع مقویات معده
و انار ل مسکه بضم اول و فتح ثانی ف گل سه برگ۔
سمور یون۔ یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و را ر مهمله و کسر موحده و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف کرفس بری
سمین ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف چربی گوشت طرح رخ ناخود از حیوان مستکل ص زنجبیل ق محلل۔
سمنون۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تحتانی و سکون واو م سمنه و هیر ترکیبی که بدن را فربه کند آنرا سمنه خوانند۔

تمیق الهاء

سمانه ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح نون و خفاء ها م جانور سیت حقیر

سمنه ع بضم اول و سکون ثانی و فتح نون م حب السمنه ف نقل خواجه ه چرونجی۔
سمه۔ فنه بکسر اول و فتح ثانی م رنگ سبز که بر روی آب بستم

تمیق التحتانیه

سمانی۔ بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون ف خیست ه گدا و راقتیل ۱ خوانند بدان سبب چون آواز رعد بشنود بمیرد
سمسم بری بکسر هر دو میم مهمله و سکون هر دو نیم و فتح موحده و کسر را ر مهمله مشدد و یای تحتانی میم بلبهنگ جلبهنگ ف تخم زرد خار

تنسیق النون و تمیق الالف

سنا ع بفتح اول و نون و الف ه جهونر ه دو چهار قوانه طرح ی ق مسهل سوداخ مکی و حجازی که بابر گها مورد ماند و برگ زهرد و طرف املس و خصر تش مائل بزردی و پاک از خوب وحش ش در مطبوخ از چهار درم تا هفت درم و از کوفته تا سه درم ص هلیله زرد و بنفشه و ورق گل و عربی و کتیرا یا اجاص و تمر هندی ل از مکی یک وزن و نیم سنا رنجدی یا مصری یا دو وزن سنای دیگر و گویند بسفایج و شاهتره۔
سنگهارا۔ ه بکسر اول و خفاء ثانی و فتح کاف فارسی و اظهار ها والف و را ر مهمله م ثمر یست مثلث خاردار ستنی هندیست بشکل فندق که در آبها روید بالای ثمر او سه خار باشد

تمیق الموحده

سنبل الطیب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده لام و کسر طار مهمله مشدده و سکون تحتانی و موحده ثانی ه بالچهڑ ی ۲ گویند ۳ بفتح محلل مقوی دماغ و دل خ سوری تازه

سبک خوشبوے چون سعد واشق کوچک خوشہ دمحفف زبان وچون بخانید بولیش زرد با ان ورنگ کندش بیدرم ص گنبز یا طباشیر ل بوزن آن اذخر بیک وزن سادج ہندی با یک نیم وزن اذخر و نیم وزن سادج و مصطگی۔

سنبل الکلاب ع بضم اول وسکون ثانی وضم موحدہ ولام وسکون نیم ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث ف میوہ درخت بید دار دگوید گل لسان العصافیر۔

سنجاب ف بکسر اول وسکون ثانی باجیم والف م جانور است شبیہ گربہ اندک از موش کلان تر باشد واز پوستش پوستین سازند گرمی وے کمتر از سمور است طرح ی۔

تمیق الفوقانیہ

سبنوت۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم موحدہ وسکون واو وتحتانی اہل ہند زیرا خوانند۔

سنگ پشت۔ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وضم موحدہ فارسی وسکون شین معجمہ م لاک پشت ہ کچھوا۔

تمیق الجیم

سنباذج۔ بضم اول وسکون ثانی با موحدہ والف وفتح ذال معجمہ وسکون جیم ف سنباوہ ہ گزنڈ کہ بر و فرار ہا تیز کنند ب ۲ ی ۳ ق مفرح۔

تمیق الخار المعجمہ

سنخ۔ ف بفتح اول وثانی وسکون خار معجمہ م نمک۔

تمیق الدال المہملہ

سنجدر ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر جیم وسکون دال مہملہ م عنبر

سنساد۔ بفتح اول وسکون ثانی با سین مہملہ ثانی والف جانوری

تمیق الرار المہملہ

سنجفر بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون فا ورار مہملہ م شنجرف

سندر۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مہملہ م سندروس

سندور۔ ہ بکسر اول وخفار ثانی وضم دال مہملہ وسکون واو م سرخ

سنگمیر۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وکسر میم وتحتانی مجہول م جانور یست پرندہ۔

سنگین سار۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی وسکون تحتانی ونون ثانی با سین مہملہ ثانی والف نام طائر یست سیاہ رنگ کہ بر پشتش نقطہا سفید باشد م سارنر۔

سنور ع بکسر اول وفتح ثانی مشدد وسکون واو ف گربہ ی طحر

تمیق الزار المعجمہ

سنیز۔ ف بضم اول وکسر ثانی وسکون زار معجمہ م سیاہ دانہ۔

سنگوبیر۔ بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر واو وسکون تحتانی ع زنجبیل ہ سونٹھ۔

تمیق السین المہملہ

سندروس ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح دال مہملہ وضم رار مہملہ وواو مجہول وسین مہملہ ثانی صمغیست شبیہ کہربا در رنگ وازان سست تر وسرخ وبراق وبہترین اقسام و دیگر مائل بکبودی دست ویکی سیاہ وسبک وصلب وخوب طرح ی گویند اق مجفف خ صافی نیم مثقال ص بوزیدان ل کہربا ولک

سندوقس۔ یونانی بفتح اول وسکون ثانی وضم دال مہملہ

وسکون واو وکسر قاف وسکون مهمله م مریخ

تمنق الکاف الفارسی

سنگرک - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وراء مهمله وسکون کاف ثانی م تراله

سنگگ - بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی م کرک

تمنق اللام

سنبل - ف بضم اول وسکون ثانی وضم موحده وسکون ع سنبل الطیب یونانی ناردین ه بالچهر وجٹاماسی د ۱ م گرم وخشک ومفتح مقوی فم معده وجگر بارده مدر بول وحیض کرده ص کثیرا شربتش یک مثقال ل اذخر۔

تمنق المیم

سنگم - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون میم جانوریست پرنده وگویند گرمی است که می پرد۔

تمنق النون

سندهان - بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله واظهار ها والف ونون ثانی ح عود اگر بهترین او سیاه وصلب و براق خوشبوی تلخ ست که در نه آب نشیند طرح می ا-

سنگ اشکن - ف بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر همزه وسکون شین معجمه وفتح کاف کلیتی نام غله ایست دنوع از جو

سن - د بفتح اول وسکون ثانی نباتی ست مشهور که در هند از ریسمان سازند ع قنب ه انباری.

تمنق الواو

سناؤ - ف بفتح اول با ثانی والف وواو مجهول م سوسن لغو در ازه ... یمن

سنبهالو - ف بفتح اول وسکون ثانی با موحده والف وضم لام ونون

تمنق الهاء

سنباده - ف بضم اول وسکون ثانی با موحده والف وفتح دال مهمله واظهار ها م سنگیست که بدان کارد وشمشیر وغیره تیز کنند ونگینها تراشند واز جزایر چین خیزد۔

سنسنه - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی م زنبور سیاه ودانگور سیاه۔

سنگهه - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف واظهار ها م سفید مهره

سنگچه - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وجیم فارسی م نگرک

سکسنبویه - رومی بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف وسین مهمله ثانی وضم موحده وواو مجهول وفتح تحتانی ح کلکشت ل قصب الذریرة

سنگ مثانه - ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر کاف فارسی وفتح میم ومثلثه والف وفتح نون ح پتهری که از مثانه آدمیان بیرون می آید

تمنق التحتانی

سنبل رومی - بفتح سین مهمله وسکون نون وفتح با وکسر لام وضم رای مهمله وسکون واو وکسر میم وسکون تحتانی م ناردین

سنبل هندی - بکسر ها وسکون نون ثانی وکسر دال مهمله م سنبل الطیب وگویند دار شیشعان۔

سنبهلی - بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده واظهار ها وکسر لام هندی

سنجد لوبی - ف وکسر اول وسکون ثانی وفتح جیم وسکون دال مهمله وضم موحده وسکون واو ویای تحتانی نام گلی ست۔

سندهی - د بکسر اول وسکون ثانی وکسر دال واظهار ها غرنجبیل

سنگهاهوئی - د بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف واظهار ها والف

وضم ہا ثانی و واو مجہول و کسر لام م دوائے ہندیست مشہور ط ح ف ملین

سنگ بصری - بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف فارسی و فتح موحدہ و صاد مہملہ و کسر راء مہملہ و یای تحتانی م توتیا ہند الکحل

سنی - ف بکسر اول و ثانی م ریم آہن -

تمنیق الواو و تمنیق الالف

سونا - ہ بضم اول و واو مجہول با نون و الف م زر و طلا

تمنیق الموحدہ الفارسی

سوپ - ہ بضم اول و سکون واو با موحدہ فارسی ف آب

تمنیق الفوقانی

سواد القضاۃ - ع بفتح اول و ثانی و الف و ضم دال مہملہ و سکون لام و ضم قاف و فتح ضاد معجمہ مشددہ و الف ثانی و فوقانی م مازو عفص ماجو بہترین او سبز سے سوراخ ط ۲ سرد ۳ و خشک

تمنیق الجیم

سوریج - ہند بضم اول و سکون ثانی و واو و فتح راء مہملہ جیم ف نوعے از کف دریا -

تمنیق الخاء المعجمہ

سوخ - ف بضم اول و سکون ثانی و خاء معجمہ م پیاز -

تمنیق الدال المہملہ

سواد السند و سواد الہند - بفتح اول و ثانی و الف وضم دال مہملہ و کسر سین مہملہ مشدد و ثانی و سکون نون با دال مہملہ در لغت اول و کسر ہا در لغت ثانی م نوعے از سلیخہ است کہ آنرا اسلیخہ سودا گویند ط ۲ گرم و خشک ص کتیرا و پستان تش و درم دہ دارچینی

سوسنپد - ف بضم اول و سکون ثانی و سین مہملہ ثانی و فتح موحدہ فارسی و سکون نون و دال مہملہ م شیر گیاہ و دودھی

تمنیق الراء المہملہ

سواد النہر - بفتح اول و ثانی و الف و ضم دال مہملہ و فتح نون مشدد و سکون ہا و راء مہملہ م گشت برگشت -

سوسمار - بضم اول و سکون ثانی و سین مہملہ ثانی با میم و الف م جانوریست مثل شکل راسو ع ضب ہ گوہ -

سویق الشعیر - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و فتح شین معجمہ مشدد و کسر عین المہملہ و سکون تحتانی ف پست جو ہ ستو جو کے ط ب ی آص قند سفید -

تمنیق السین المہملہ

سوس - ع بضم اول و سکون ثانی و سین مہملہ ثانی ف مہک ہ مرہٹی ط ح ی گویند ہ گوبند ب مقوی دل و محلل و ملطف و مجلی خ بیخ زرد رنگ ش بمثقال ص دردل تین و نیز زر جلد و نیز بزبان ہند جانورے آبی مشہور است کہ بصورت خوک و سگ بود و در عربی نیز گرم گندم خوار است کہ در غلہ خوردنی بیفتد و آنرا تباہ کند و نیز در فارسی کرمیست کہ در جامہائے ابریشم افتد و تباہ سازد و نیز سوسمار ع ضب د گوہ ط ۳ گرم و خشک و گوشت او مقوی باہ و سرگین او باسرکہ جہت بیاض چشم و کلف و نمش و ضماد شق کردہ او جاذب پیکان و خار و سموم جانوران و طلاء جلد سوختہ او موروث بہ حسی عضو بجدیکہ از قطع ست الم نگردد و مخرّ محرورین مصلح بقول بارده -

تمنیق السین المہملہ

سوسنش - ع بضم اول و سکون ثانی و کسر نون و سکون شین معجمہ

ف۔ برادۂ ہر چیز را بدین نام خوانند۔

تمیق الفاء

سولف۔ ہ بفتح اول و سکون ثانی و خفاء نون ف بادیان

تمیق القاف

سویق۔ ع بکسر اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و پست و قلقان و سوی آنرا از گندم و جو و برنج و نخود بریان سازند لیکن از گندم ح ی او از برنج مع باعتدال بریان کرده کم دود نکال

تمیق الکاف

سوسک۔ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ ثانی باکاف ف تیہو و جانور تذرو۔

تمیق النون

سورنجان۔ بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مہملہ و سکون نون با جیم و الف و نون ثانی ف لعبت بربری ہ خنگی سنگھاڑا طرح ۳ ی ۲ ق سہی خ مصری کہ در ونش و برونش سفید و در شکستن صلب باشد شش از نیم مثقال تا یکمثقال اکثرا و شکر و زعفران و فلفل و زنجبیل یا بیخ سورنجان ل تر تحمّل و تمک و زن آن افیتمون د ن یک آن خربق سفید و در ہیج مفاصل بوزن آن ورق حنا و نیم وزن مقل الیہود و اگویند بزرنان

سورن۔ بضم اول و سکون ثانی و فتح راء مہملہ و سکون نون بیخ مشہور ہندیست م بجز کند۔

سوسن اول و ثانی مجہول و فتح سین مہملہ ثانی و سکون نون ف گلیست مشہور طرح ی ۳ گویند مسحق طین مختل در حیض خ آسمان گون ی و گویند سفید آزادش از جرم یکمثقال

در مطبوخ تا سہ مثقال ص کافور یا نیلوفر ل نرگس۔

سوقطیون۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون طاء مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و نون م خصی الثعلب

سوبخیرلون۔ ہ بضم اول و ثانی مجہول و خفاء نون و فتح جیم فارسی و سکون راء مہملہ و ضم لام و واو مجہول ثانی و نون نمک سیاہ

تمیق الہاء

سوسہ۔ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح سین مہملہ ثانی و ہاء م گرم گندم و دارک و گویند کرمیکہ در شکم افتد و نیز کرمیکہ در پشم افتد

سونٹھہ۔ ہ بضم اول و ثانی مجہول و خفاء نون و فتح فوقانی ہندی و اظہار ہاء ع زنجبیل۔

تمیق التحتانی

سوبدی۔ ف بضم اول و سکون ثانی و موحدہ و کسر دال مہملہ م سارح ع مرد و آن طائریست کہ آنرا سودانی نیز گویند۔

سوری۔ بضم اول و سکون ثانی و کسر راء مہملہ ف نوعے از زاج سرخ ست کہ زاج کفشگران خوانند طرح ی۔

سومبلی۔ ہ بضم اول و ثانی مجہول و میم و فتح موحدہ و کسر لام دوائے مشہور ہندیست۔

سونامکھی۔ ہ بضم اول و ثانی مجہول و نون ساکن با میم و الف و کسر کاف و اظہار ہاء م سنا مکی

تمیق الہاء و تمیق الالف

سہاگا۔ ہ بضم اول و اظہار ہاء و الف با کاف فارسی و الف ثانی تنکار

سہجنا۔ ہ بفتح اول و کسر ثانی و سکون جیم و فتح نون با الف نام درختست ہندیست و گویند فلفل سفید تخم اوست۔

سهورا - ه بفتح اول وضم ثانی وفا ومجهول بارار مهمله والف درخت مشهور هندیست که بالخاصیة مار گرد چوب او نگردد

تمیق الرار المهمله

سهر - ف بکسر اول وسکون ثانی ورار مهمله م - گاؤ -

تمیق الکاف

سه کوهک - ف بکسر اول وخفار ثانی وضم کاف وواو مجهول وفتح ها وسکون کاف ثانی م خار خشک ه گوکهرو -

تمیق اللام

سه گل - ف بفتح اول وخفار ثانی وضم کاف فارسی وسکون لام م درختیست که چون میوه پخته شود سرخ گردد قابض

تمیق التحتانی

سهدئی - ه بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وتحتانی مجهول وکسر همزه وسکون ثانی م دوای هندیست طب دافع حرارت اگر بیخش را سائیده بر قضیب طلا کنند باهر زنیکه مقاربت نمایند وفریفته گردد وچون کوفته پارچه تر نموده ببول انسان سرشته قرص ساخته بر دهن عرقی مرتی بربندند از بیخ برآرد

تمیق التحتانی وتمیق الالف

سبا - بفتح اول باتحتانی والف م سنا -

سیبیا - بکسر اول وسکون ثانی وکسر موحده باتحتانی ثانی ف نام ماهی مشهور ست در نواح بیت المقدس -

سیسا - ه بکسر اول وسکون ثانی وسین مهمله ثانی ف سرب

تمیق الموحده

سباب - بکسر اول وفتح ثانی وباالف وموحده بلغت بربر الفرار م خلال

سیف الغراب - ع بفتح اول وسکون ثانی وضم فا وسکون لام وضم غین معجمه بارار مهمله والف م نوعی از سوسن م بلبوس

سیماب - ف بکسر اول وسکون ثانی بامیم والف ه پارا

سینیب - ه بکسر اول وثانی مجهول وخفار نون ف قسمی از باقلای هندیست

تمیق الفوقانی

سیگران الحوت - ع بکسر اول وسکون ثانی وفتح کاف ورار مهمله والف وضم نون وسکون لام وضم حار مهمله وسکون واو وفوقانی م ماهیزهرج -

تمیق الجیم

سیج - ف بفتح اول وسکون ثانی وجیم م سونیز

تمیق الخار المعجمه

سیالخ - ف بفتح اول وسکون ثانی والف وکسر لام وسکون خار معجمه م [illegible]

تمیق الدال المهمله

سیهنڈ - ه بکسر اول وثانی مجهول وضم ها وخفار نون ودال هندی م زقوم شجریست داقسام میباشد م ۲ گرم خشک ومحلل ریاح و جالی ورافع سدد وسپرز وجهت فالج ونقرس واشال آن شربا وضمادا مجرب وضیع محرو وسیاه کننده جلد ص شیر تازه ش چند قیراط الفط

تمیق الرار المهمله

سیار - ف بکسر اول باثانی والف م کشلنیه وآن نادست که از [illegible]

سیخ پر - ف بکسر سین مهمله وسکون ثانی وخار معجمه وفتح موحده فارسی بچه جانوران پرنده که نو پربرآرند -

سیر - ف بکسر اول وسکون ثانی ه لهسن -

سیسنبر - بکسر اول وسکون ثانی وفتح سین مهمله ثانی وسکون

نون و فتح موحده م سی سنبل و سنبل و تمام سبزی باشد مانند نعناع و پودینه زیرا که پودینه چون در کرزه وسعت نشان نماید سیسبر روید و چون باز بکرزه دیگر نقل کند نعناع برآید و بوش تیز باشد طی ۳ ل در تحلیل و تلطیف باروح -

تتمیق الزاء المعجمه

سیاکیزر - ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر کاف و سکون تحتانی ثانی و زاء معجمه م ...

تتمیق السین المهمله

سیسالیوس - بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف و کسر لام و ضم تحتانی ثانی و سکون واو و سین مهمله ثالث ف نوعی از وجع ... مثل انگوزه و آن انجدان رومی و کاشم رومی ... و گمیده تخمی است مثل کمون کرمانی که بوی ترنج دهد طی ۳ ... محلل ملطف ... زرد کو ... ق ... خوشبو ... حلتیت ... کاشم ... سفید با انجدان ... با فطراسالیون -

تتمیق الکاف

سیسبرک و سیسنک و سبلک و سلک - ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله ... و سکون راء مهمله و کاف در لغت اول ... کسر سین مهمله در لغت ثانی و کسر اول در لغت ثالث و کسر لام در لغت رابع م کرم گندم خوار -

تتمیق الکاف الفارسی

سماهنگ - ف بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف و فتح ها و سکون نون و کاف فارسی م تنار بری -

تتمیق اللام

سیال - بفتح اول و ثانی و الف و لام ف یا سین و بکسر اول اسم هندیست ف شغال ع ابن آوی و کلب بری گیدڑ ر و سیار ط ۳ گرم و خشک در خواص مانند کلب اهلی و غیر ...

سیخول - ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه و سکون واو م خار پشت ع تشی و سیاهی -

سیسنبل - ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار یا و ضم سین مهمله ثانی و سکون نون و ضم موحده م سیسبر -

تتمیق النون

سیبوسن - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و فتح سین مهمله ثانی و سکون نون م اسبغول -

سیمرن - بکسر اول و سکون ثانی و فتح میم با الف ... م یاقوت سرخ

سیسارون - بکسر اول و سکون ثانی با سین مهمله ثانی و الف و ضم رای مهمله و سکون واو ف چوب سیاه دانه طی ۳ -

سیسبان - بکسر و فتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله ثانی با موحده و الف م حب الشمد -

سیسون - بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله ثانی و سکون واو م درخت هندیست مشهور که در تغنیه خون دوای قوی است

سیکران - بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و راء مهمله و الف ع بزر البنج

سیلان - ف بکسر اول و ثانی مجهول با لام و الف م شیره که از خرما برآید

سیندهالون - و بکسر اول و ثانی مجهول و نون ... دال مهمله و اظهار یا و الف و ضم لام و واو مجهول م نمک سنگ -

تتمیق الواو

سیسرو - ف بکسر اول و ثانی و سکون سین مهمله ثانی و ضم راء ...

وسکون واو م کرم گندم خوار۔

سیو۔ ف بکسر اول و ضم ثانی و واو مجهول م سیب۔

تمنیق الهاء

سیاه دانه۔ ف بکسر اول با ثانی والف و اظهار ہا و دال مهمله والف ثانی و فتح نون ه کلونجی۔

سیچغنه۔ ف بکسر اول وسکون ثانی و کسر جیم فارسی وسکون عین معجمه و فتح نون و ہا مهمله جانور باشه که شکاریست

تمنیق التحتانے

سینی۔ ف بکسر اول وسکون ثانی و کسر نون وسکون تحتانے ثانی م ریم آہن۔

سی۔ ف بکسر اول م سنگ۔

ترقیم الشین المعجمه و تمنیق الالف و تمنیق الفوقانے

شاه درخت۔ ف بفتح اول وسکون ثانی و اظهار ہا و فتح دال مهمله و را مهمله وسکون خا معجمه و فوقانی م درخت صنوبر

تمنیق الجیم

شادنج۔ بشین معجمه والف و بفتح دال مهمله و نون وسکون جیم م شادنه و حجر الدم ط ناشته و ح ای ۲ و شسته اذ اب آگوینده ۲ ق قابض مجفف محلل جالی خون رخ عدسی که از عدس بهین تر باشد و بسیار سرخ سیاهی مائل نه و دشکن دشوار شکن ش نیم مثقال ص عصاره زرشک ل همون زن آن رو سوخته وچهار دانگ و زن آن توتیای کرمانی یا حجر مقناطیس سوخته

شاهترج۔ ع بشین معجمه والف و ہا و فتح فوقانی و را مهمله وسکون جیم ف شاهتره ه پت پڑا ط ح ای ۲ گوینده ب اق

هفتح منقی و مسهل صفرا خ سبز تازه تلخ ش از آب او نیم رطل تا دو ثلث رطل و خشک مطبوخ تا ده درم در خیر مطبوخ تا هفت درم ص لیمو عسل ل همون زن سنا مکی چهار دانگ و ان اهلیله زرد بهیا

شاهلوج۔ ع بشین معجمه والف و ہا و ضم لام وسکون واو ف شاه آلو زرد رسیده۔

تمنیق الخاء المعجمه

شاخ۔ ف بسکون خا شاخ درخت و شاخ حیوانات و عطریست که از گربه حاصل شود ع زباد

شامامخ۔ ف بشین معجمه والف و میم الف و خا معجمه نخله سالوم نخل

تمنیق الدال المهمله

شاکمند۔ ف بفتح اول و الف و سکون کاف و فتح میم و سکون نون و دال مهمله

تمنیق الراء المهمله

شار۔ ف بفتح اول با الف وسکون را مهمله م شغالی جانوریکه مانند طوطی سخن گوید و آنرا شارک و شار ونیز گویند۔

شانه سر۔ بفتح اول با الف و فتح نون و خا ہا و فتح سین مهمله ع هدهد

شاه انجیر۔ ف بفتح اول با الف و اظهار ہا و فتح همزه و سکون نون و کسر جیم وسکون تحتانی م انجیر وزیری۔

تمنیق الطاء المهمله

شاه بلوط۔ بفتح اول با الف و اظهار ہا و ضم موحده و لام وسکون واو با طاء مهمله م بلوط الملک و آن شیرین تر از بلوط ط ح ی ا ق قابض خ رسیده و ترش و درم ص شکر یا عسل ل غر لوب یا بلوط یا مغره۔

تمنیق القاف

شادانق - بفتح اول با الف و فتح دال مهمله والف ثانی و فتح نون م شهدانج ف تخم بنگ

تتمیق الکاف

شارک - ف بفتح اول با الف و فتح رار مهمله و سکون کاف م جانور ساروک سخنگو است -

شاسک - بفتح اول با الف و فتح سین مهمله م بهوآل

شالوک - ه بفتح اول با الف وضم لام سکون واو ف بیخ کنول

شانک - ف بفتح نون م سنگدانه مرغان -

شانه سرک - ف بفتح نون و خفاء ها و فتح سین مهمله و رار مهمله م هدهد

شاهباک - ف بسکون ها با موحده والف و فتح نون م النش سگ ع بفتح الکاف ب شاهبانج ط ۲ گرم و خشک

تتمیق الکاف فارسی

شاشنگ - ف بفتح شین معجمه ثانی و سکون نون و کاف فارسی م تهوهر

تتمیق اللام

شاخل - ف بفتح خار معجمه و سکون لام م غله ایست ه ارزن

شاطل بکسر طار مهمله دوائیست هندی مانند کمات خفیف

ه ساتل طح می ۲ ش نیندرم -

تتمیق المیم

شاه اسپرغم و شاه اسپرو شاه اسپرهم و شاهسپرغم

شاه هسیه و شاه هسفرم - ف باظهار ها و کسر همزه و سکون سین مهمله و فتح بار فارسی و سکون رار مهمله و فتح عین معجمه و سکون میم در لغت اول و سکون رار در لغت ثانی و فتح هار ثانی در لغت ثالث و فتح هار اول و سکون سین مهمله در لغت رابع و سکون هار اول و فتح هار ثانی در لغت خامس و فتح فا در لغت سادس گویند در عهد کسری یعنی نوشیروان باری بزرد سر بر آمد و از دهن قدری تخم سیاه خرد میند اخت کسری فرمود تا این تخم را بکشتند از ان این ستع ریحان طح ای ۲ ق تخمش قابض و منوم رخ سعتری که کرمانی و ریحانی خوانند ص ملوف

تتمیق النون

شابرن و شابوکان و شابورن و شادران ف

بضم موحده و فتح رار مهمله و سکون نون در لغت اول و واو مجهول و فتح رار مهمله با کاف والف در لغت ثانی و فتح رار مهمله در لغت ثالث و ضم دال مهمله با رار مهمله والف در لغت رابع م لادن معد

شان - ف بسکون نون خانه زنبور عسل که دران عسل باشد م گواه

شاهین ف بکسر ها و سکون تحتانی م جانوریست شکاری -

تتمیق الواو

شاه دارو - ف باظهار ها و دال مهمله والف وضم رار مهمله و سکون او م شراب گویند جمشید خواست که اکثر اوقات خلق از انگور منقطع شوند آب انگور را بگرفت و ظرفی نهاد چون بجوشید و آمد هر روز بجشید چون از خوشیدن باز ایستاد تلخ شد گمان برد که مگر زهر قاتل گشته و آنرا در گوشه نهاد جمشید را کنیزکی بود که معشوقه او بود ناگهان بدرد شقیقه مبتلا شد دازور و بیطاقتی گشته برگ تن نهاد و با خود اندیشه که از ان زهر مقداری بخورم تا بکلی خلاص شوم قدحی برداشت و بخورد اثری بران مترتب نگشت قدحی دیگر بخورد اهتزازی در خود یافت پس چند قدحی پی در پی بخورد و بخفت که نه عنوده بود سر بالش نهاد و کشتان در خفت چو بیدار شد از ن

اثرے نماندہ بود واقعہ را بعرض جمشید رسانید جمشید آنرا شاہ اردوم نام نہاد

تمنیق الہار

شادنہ - ف بفتح اول مہملہ با معجمہ و نون و خفار ہاء شادنج سنگ سرخیست کہ بسیاہی زندہ زود بشکنند و آن عدسی ست وگاورسی واز دیار ہند و طور سینا آورند۔

شانہ - ف بفتح نون و خفار ہام شان۔

شاہ لبسہ - ف باظہار ہا و ضم موحدہ و فتح سین مہملہ ع اکلیل الملک

شاہترہ - ف باظہار ہا و فتح فوقانی و رار مہملہ مشددہ ع شاہترج

شاہ دانہ - ف باظہار ہا و دال مہملہ و الف و فتح نون م تخم بنگ

شاہیہ - ف بفتح تحتانی م میوہ۔

تمنیق التحتانے

شاب رومی - بکسر موحدہ و ضم رار مہملہ و سکون واو و کسر میم و سکون تحتانی ف فلفل سفید۔

شانہ وشتی - ف بفتح نون و ہمزہ ملینہ ہا و فتح دال مہملہ و سکون شین معجمہ ثانی و کسر فوقانی ہ کنگھی۔

شاہ بومی - ف باظہار ہا و ضم موحدہ و واو مجہول عنبر۔

شاہ چینی - ف باظہار ہا و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون تخم کنگر

منیق و تمنیق الموحدہ

شب - ع بفتح اول و سکون موحدہ مشددہ ف زاج بلور وزاک سفیدہ پھٹکری طرح ی ۳ گویند رق قابض مجفف خ یمانی سفید مائل بزردی ص مسکہ دشیر تازہ و شکر و لعابات ل نمک تلخ و نمک سیاہ نیموزن

شبان فرمیہ - ف اول و فتح ثانی و الف و نون و کسر فا

ورار مہملہ و سکون تحتانی و موحدہ ثانی م مرغ کوچک شبیہ با باشہ و ہرگاہ برزمین نشنید چنان معلوم شود کہ قوت برخاستن و پریدن ندارد و ہمین کہ کسی قصد گرفتن او کند پریدہ اند کے دورتر نشیند و ہرچند کہ پیشتر روند او بیشتر رفتہ نشیند

شب تاب - ف بفتح اول و سکون ثانی با فوقانی و الف م کرمکے کہ در شب روشن نماید از طرف ذنب کہ ہندش جگنو گویند

تمنیق الفوقانے

شبت - ع بکسر اول و ثانی و سکون فوقانی ہ سواطہ گرم خشک ۲ نفخ و منضج منوم خ سبز تازہ شگفتہ گل ش د و قوم ص دار چینی یا قرنفل یا لیمو یا عسل یا شلغم ل نیموزن بادیان یا بابونہ

تمنیق الرار المہملہ

شبانور - ف بفتح اول و ثانی و الف و خفار نون و فتح واو و سکون رار مہملہ م شب پرہ۔

شب یار - ف بفتح اول و سکون ثانی با تحتانی و الف م گیاہیست تلخ کہ آنرا ایلوا نیز گویند ع صبر طرح ی ق مسہل صفرا۔

تمنیق الزار المعجمہ۔

شباز - ف بفتح اول و ثانی مشددہ و الف و زار معجمہ م شپرہ۔

شب افروز - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ہمزہ و سکون فا و ضم رار مہملہ و واو مجہول و زار معجمہ م کرم شب تاب۔

شب انگیز - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح ہمزہ و سکون نون و کسر کاف فارسی و تحتانی مجہول م بیخ درخت بزرالبنج ہ خراسانی اجوین کی ج

شب آویز - ف جد ہمزہ و کسر واو و تحتانی مجہول مرغیست کہ شب ہا خود را بپا از شاخ درخت آویزد و حق حق فریاد کند تا وقتیکہ چند قطرہ خون از گلو فرو چکد

تمنیق الطار المہملہ

شبطباط - بفتح اول وکسر ثانی وسکون طار مہملہ با موحدہ ثانی والف وطار مہملہ ثانی ف لستہ۔

شیدوطا - بفتح اول وضم ثانی وسکون اول و طار مہملہ

تمنیق الغین المعجمہ

شب چراغ - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی ورار مہملہ والف وغین معجمہ گوہری کہ در شب روشنائی دہد گویند گاوی از دریا بر می آید بشبہا گوہر مذکور را از دہن بر آوردہ بر زمین می نہد و بر دشتی آن چرا می کند۔

تمنیق الکاف

شبان فریبک و شبان فریوک - بفتح اول وثانی با الف ونون وکسر فا و رار مہملہ وتحتانی مجہول وفتح موحدہ ثانی وسکون کاف در لغت اول وفتح واو در لغت ثانی م مرغ شبان فریب۔ شب چراغک - بفتح اول وسکون ثانی وفتح جیم فارسی و رار مہملہ والف وغین معجمہ کرم شب تاب۔

شب خیزک - بکسر خار معجمہ وتحتانی مجہول وفتح زار معجمہ ترہ تیزک ع حرف وحب الرشادہ ہندی تخم آنرا ہالون نامند بری و بستانی میباشد طا ۳ گرم وخشک ص شکر وخیار خرد

تمنیق الکاف الفارسی

شبرنگ - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح رار مہملہ وخفار نون وکاف فارسی م گلی ست خرد سیاہ رنگ باندک زردی در دوسگ سیاہ براق کہ آنرا شبہ نیز خوانند طب ی

تمنیق السین

شبرم - بکسر اول وسکون ثانی وکسر رار مہملہ وسکون میم قسمی از یتوعات ست و بلوطی ہی ۳ ق مسہل مفرح سبک کہ در زمین قشر ثانی سرخی با شیرش الگی دوونہ از یتوعات یا یکدرم خون سرکہ یا در شیر تازہ خیسانیدن بعد آن بخوبی فربو باز

تمنیق النون

شگون - ف بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف فارسی وسکون واو ونون م شب چراغ۔

تمنیق الواو

شبان فرلو - ف بفتح اول وثانی والف ونون وفتح فا وکسر رار مہملہ وتحتانی مجہول واو مجہول م شبان فریبک۔

تمنیق الہار

شبارہ - ف بفتح اول وثانی مشددہ والف وفتح رار مہملہ وخفار ہا م شبرہ

شب الاسکافہ - بفتح اول وضم ثانی مشددہ وسکون لام وفتح ہمزہ وسکون سین مہملہ با کاف والف وفتح قاف قلیہ سباجی

شبوقہ - بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح قاف م عنا بن

شبہ - ف بفتح اول وثانی م سنگ سبز رنگ۔

شب یازہ - بہ تحتانی والف وفتح زار معجمہ چمگادڑ۔

تمنیق التحتانے

شبوی - ف بفتح اول وضم ثانی مشددہ وواو مجہول وتحتانی مجہول م گلیست کبود سفید و دیگر الوان کہ شب بوے دہد۔

شبیبی - ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر موحدہ ثانی و ن برگ بزر البنج ق مخدر کیف۔

تمنیق الموحدۃ الفارسی وتمنیق الزار المعجمہ

شیورف بفتح اول و ضم موحدہ فارسی مشددہ و واو مجہول و زاء معجمہ م شیرہ

تمیق الکاف

شیرک - ف بفتح اول و ثانی فارسی مشدد و راء مہملہ چمگادر

تمیق الہاء

شیرہ - ف بفتح اول و ثانی فارسی مشددہ و راء مہملہ و خفاء ہا م چمگادڑ

شبشہ - ف بفتح اول و کسر ثانی فارسی و فتح شین معجمہ ثانی کرم منتنی کہ اکثر در تابستان در جاہای پشمینہ و گندم و دیگر غلہ ہا بہم رسد و آن را تبلہ سازد

تمیق التاء الفوقانی و تمیق الراء المہملہ

شترخار - ف بضم اول و فتح فوقانی و سکون راء مہملہ با خاء معجمہ و الف و راء مہملہ ثانی جنسی از خار کہ شتر از رغبت تمام چرا کند

شترمور - ف بضم میم و سکون واو م اشتر مور -

تمیق الزاء المعجمہ

شترغاز - ف بغین معجمہ و الف و زاء معجمہ م درخت انگدان

تمیق النون

شتروندان - ف بفتح دال مہملہ و سکون نون با دال مہملہ ثانی و الف و نون ثانی نوعی از زالج مصر بسیت -

تمیق النون

شترگاو - ف بکاف فارسی و الف و واو مجہول م زرافہ کہ سر آن بسر شتر ماند و گویند بسر گاو کوہی ماند و سینہ و سم و شاخ ہمہ بگاو ماند و شاخش از شاخ گاو کوچکتر و باریک ست و پوستش چون پوست پلنگ خال دار و دم بدم آہو و دندان بدندان گاو ماند و گردن و دست ہا بسیار دراز و پا ہا کوتاہ و گویند انو ندارد و گویند کہ چون ناقہ حبشی با گاو کوہی جمع شود بچہ تولد شود در بلاد نوبہ بہم رسد

تمیق الہاء

شتہ - ف بفتح اول و ثانی و خفاء ہا م انگور -

تمیق التحتانی

شترپای - ف بموحدہ فارسی و الف و تحتانی مجہول م گیاہیست کہ برگش چون پای شتر ماند -

تمیق الجیم و تمیق الموحدہ

شجرۃ الدب - بفتح اول و سکون جیم و فتح راء مہملہ و ضم فوقانی و دال مہملہ مشددہ م درخت رعدر -

تمیق الفوقانیہ

شجرۃ الحیات بسکون لام و فتح حاء مہملہ و تحتانی مشدد و الف م درخت سرو

تمیق المثلثہ

شجرۃ البراغیث بسکون لام و فتح موحدہ و راء مہملہ و الف و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی م درخت غافث

تمیق الزاء المعجمہ

شجرۃ الوز بسکان لام و فتح واو و سکون زاء معجمہ م درخت اہر کہ ثمر آن لسان العصافیر است

تمیق العین المہملہ

شجرۃ الضفادع بفتح ضاد معجمہ مشدد با فا و الف و کسر دال مہملہ م کنکنج و موسک و نتوپری و اگیا نباتیست شبیہ بکشنیز و چہار قسم میباشد و نبتش نزدیک ابہامی جاری دارد و اقسام ۴ گرم و خشک و باحدت و محرق جلد ص مصطگی شب یک مثقال قاتلہ و دوا ش حلیبی

تمیق الفاء

شجرۃ الخطاطیف - بسکون لام و فتح خاء معجمہ با طاء مہملہ و الف و کسر طاء مہملہ ثانی و سکون تحتانی م مامیران قسمیست از زرد چوب

د ۳ گرم و خشک و قوتش تا بیست سال باقیست بفتح سدد و مفرح جلد و مدر و جالی ص ۔ د مضر بباہ روغن بادام و آب قرطم ل باقلی و دو رمیرو دین جوارش کمونی و خردل و عسل

تمنیق القاف

شجرۃ البق ۔ بسکون لام و فتح موحدہ م بغداد ف درخت پشہ

شجرۃ البہق ۔ بسکون لام و فتح موحدہ و ہاء قاف ف شبرم

شجرۃ الدیق بکسر دال مہملہ مشددہ و سکون موحدہ م درخت

شجرۃ النبق ع بکسر نون مشدد و سکون موحدہ ف درخت کنار

تمنیق الکاف

شجرۃ ابی مالک ۔ بہمزہ ملینہ و ہا و فتح ہمزہ و کسر موحدہ و سکون تحتانی با میم و الف و کسر لام ف نوعے از اشنان ۔

تمنیق المیم

شجرۃ ابراہیم ۔ بکسر ہمزہ و سکون موحدہ بارا مہملہ و الف و کسر ہا و سکون تحتانی ف پنجنکشت ۔

شجرۃ الدم ۔ بفتح دال مہملہ مشدد ف تنندگاہ ۔

شجرۃ رستم ۔ بہمزہ ملینہ و ہا و ضم را مہملہ ثانی و سکون سین مہملہ و ضم فوقانی م زراوند طویل ۔

شجرۃ مریم بہمزہ ملینہ و فتح و ہا میم و سکون را مہملہ و فتح تحتانی م بخور مریم

تمنیق الہاء

شجرۃ اکلہ ۔ بہمزہ ملینہ و مد ہمزہ و کسر کاف و فتح لام خفا ہاء م شجرۃ اللہ

شجرۃ السرع بفتح اول و سکون ثانی و را مہملہ و ضم فوقانی لام مشدد و با الف تقدیری و اظہار ہا ف درخت دیوانہ

شجرۃ باردہ بہمزہ ملینہ با موحدہ و الف و کسر را مہملہ ثانی و فتح دال

شجرۃ حرہ ۔ بہمزہ ملینہ و ہا و ضم خا مہملہ ثانی و فتح را مہملہ مشددہ ثانی از آزاد درخت ۔ نیب ۔

تمنیق التحتانی

شجرۃ موسی ۔ بہمزہ ملینہ و ضم میم و سکون واو با سین مہملہ و الف مقصورہ ف درخت سہ گل بدان سبب بموسی علیہ السلام نسبت کردہ اند کہ گویند موسی علیہ السلام آتش از ان درخت دید

تمنیق الحار المہملہ و تمنیق الموحدہ

شحم الدب ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و دال مہملہ مشدد و سکون موحدہ ف پیہ خرس ل پیہ سگ ۔

تمنیق الحار المہملہ

شحم المرج ۔ بسکون لام و فتح میم و سکون را مہملہ و حا مہملہ م خطمی بری

تمنیق الرار المہملہ

شحم البقر ع بسکون لام و فتح موحدہ و قاف ف پیہ گاو ل پیہ بیل

شحم الخنزیر ع بسکون لام و کسر خا معجمہ و سکون نون و کسر زا معجمہ و سکون تحتانی م پیہ خوک خ ماخوذ از خنزیر جوان ل پیہ سگ

تمنیق الضاد المعجمہ

شحم الارض ع بسکون لام و فتح ہمزہ و سکون را مہملہ ف پیہ زمین

تمنیق الطار المہملہ

شحم البط ۔ بسکون لام و فتح موحدہ و سکون طا مہملہ ف پیہ قاز ق مسکن و جاذب ۔

تمنیق اللام

شحم حنظل بکسر میم و فتح حا مہملہ ثانی و سکون نون و فتح ظا معجمہ و سکون لام م مغز تمر اندر این ق مسہل بلغم ش از یک دانگ

تا دو ثلث درمی یا نیدبرم ص اگراز نکایت سجہ او تبرسی پس سحق کن یا شل او کثیرا او ازہ قرص تنگ سازد و در سایہ خشک کن

تمیق المیم

شحم ع بفتح اول وسکون ثانی و میم ف پیہ چربی ٹ ح ر گوندہ ب ق ملین خ از حیوان کامل ص آن لیموں زنجبیل مر بال آمین

تنسیق الخار المعجمہ و تمیق الرار المہملہ

شخار - بضم اول و خار معجمہ والف و رار مہملہ م قلیہ سجی

تمیق الہار

شخکاسہ - ف بفتح اول وسکون ثانی باکاف والف و فتح سین مہملہ و خفار ہا م ژالہ -

شخیرہ - بفتح اول و کسر ثانی وسکون تحتانی و فتح رار مہملہ م شخار

تمیق التحتانے

شخلی - ف بفتح اول وسکون ثانی و کسر لام م خار گیا -

تنسیق الرار المہملہ و تمیق الموحدہ

شراب - بفتح اول و رار مہملہ والف ع خمر و نیز اطلاق کنند بر نبیذ

تمیق المثلثہ

شربث ع و سریانی بفتح اول وسکون رار و فتح موحدہ سکون مثلثہ م فراسیون ف گندنا ے گوہی -

تمیق الفار

شرزف - بکسر اول وسکون ثانی و فتح زار معجمہ وسکون فا م شیرہ خفاش

تمیق الکاف

شرزدک - ف بکسر اول و ثانی وسکون زار معجمہ و فتح دال مہملہ م الوی گوہی و ان زرد ست ع رعدر -

تمیق الکاف الفارسی

شرنگ - بفتح اول و ثانی وسکون نون م خربزہ تلخ ع حنظل

تمیق النون

شربین - بفتح اول وسکون ثانی و کسر موحدہ وسکون تحتانی و نون ف درخت قطران جنسی ست از شجرۂ صنوبر ط ح ی ۲ قابض ش یک مثقال ص انسنہ ل ابہل -

تمیق التحتانے

شربتی - ف بفتح اول وسکون ثانی و فتح موحدہ و کسر فوقانی وسکون تحتانی م تخم ریحان کوچکتر -

شری - بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی ف درخت حنظل

تنسیق السین المعجمہ و تمیق اللام

ششقاقل - بفتح اول وسکون شین معجمہ ثانی با قاف و الف و ضم قاف ثانی وسکون لام م شقاقل -

تمیق الہار

ششترہ بفتح اول وسکون ثانی و کسر فوقانی و فتح رار مہملہ و ہا م قوۃ الصباغین ہ مجیٹھ -

تنسیق الطار المہملہ و تمیق الہار

شطریہ - بکسر اول وسکون طار مہملہ و کسر رار مہملہ و فتح تحتانی و خفار ہا م نوعے از صعتر -

تنسیق العین المہملہ و تمیق الرار المہملہ

شعاریر ع بفتح اول با عین مہملہ والف و کسر رار مہملہ سکون تحتانی و رار مہملہ ثانی ف خیار زہ ہ ککڑ ی -

شعر الجبار - ع بفتح اول وسکون ثانی و ضم رار مہملہ وسکون لام

و کسر جیم با موحدہ والف وراء مہملہ ثانی ف پرسیاوشان ح

شعر ـ ع بفتح اول وسکون ثانی ف موی رہ بال ط ی ح ۲ ق مجفف خ موی آدمی معتدل کہ سوختہ باشد ل صوف

شعیر ـ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ف جو ط ب ی اگویند ۲ ق محلل مجلی خ سفید تازہ بزرگ دانہ فربہ ش از آب او صد درم ص ایاز یر گرم ل ماشی ـ

تمنیق النون

شعر الجن ـ بفتح اول وسکون ثانی و ضم راء مہملہ وسکون لام وکسر جیم وسکون نون ف پرسیاوشان ـ

تمنیق الہاء

شعر الصفالیہ ـ ع بفتح اول و ثانی وسکون واو و ضم راء مہملہ وسکون لام وفتح صاد مہملہ با قاف والف وفتح موحدہ وخفاء ہاء ف زعفران

تمنیق التحتانیے

شعیر رومی ـ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وکسر راء مہملہ و ضم راء مہملہ ثانی وسکون واو وکسر میم وسکون تحتانی م خندروس

تمنیق الغین المعجمہ وتمنیق التحتانی

شغالی ـ ف بکسر اول با غین معجمہ والف وکسر لام نوعی از انگور

تمنیق الفاء وتمنیق الجیم

شغلج ـ بفتح اول وسکون فاء وفتح لام وسکون جیم م کرنب

تمنیق الکاف الفارسی

شفترنگ ـ ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح فوقانی و راء مہملہ وسکون نون و کاف فارسی میوہ سرخ وسفید شبیہ بشفتالو شلیل

تمنیق الواو

شفا دارو ـ بکسر اول با ثانی والف و دال مہملہ والف ثانی و ضم راء مہملہ وسکون واو م پازہر ـ

تمنیق التحتانیے

شفنتین بری ـ ع بفتح اول وکسر اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی وکسر نون ثانی وفتح موحدہ وکسر راء مہملہ مشددہ ف مرغ بوتیمار خ کوچک

تمنیق القاف وتمنیق الراء المہملہ

شقار ـ بضم اول با قاف والف و راء مہملہ ف ساجی ـ

شقر ـ بفتح اول و ثانی م شقایق ـ

تمنیق القاف

شقراق ـ ع بفتح اول وسکون ثانی با راء مہملہ والف وقاف ثانی ف مرغیست کہ کاسہ شکنک گویند و آن کلاغ سبز ست ـ

تمنیق اللام

شقاقل ـ ع بفتح اول و ثانی والف و ضم قاف ثانی ف گزر دشتی ہ پہاڑی گاجر و برائی دوودھالی وسوالی وکاکولی وسیالی طرح را گویند ۳ گویندی ۲ ق مبہی مفرح مقوی دل و گرم وسخن گردہ ومعدہ وجگر قاطع بلغم خ زرد ہندی ش دو درم ص آملہ با عسل ل بوزیدان یا چلغوزہ یا دارچینی یا تخم زردک و در تقویت باہ حب الصنوبر ـ

تمنیق النون

شقایق النعمان ـ بفتح اول و ثانی والف وکسر تحتانی و قاف ثانی وکسر نون مشددہ وسکون عین مہملہ با میم والف ثانی ف گل لالہ ط ح ی اگویند ۲ گویند ح راق مجلی جاذب منوم

ش بیدرم از گل اوص عبیر ال تیخ۔

شقردیون رومی۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم را مہملہ وسکون واو وفتح دال مہملہ وضم تحتانی واو ونون م اسقوردیون ف سیر صحرائی

تنسیق الکاف وتمنیق الالف

شادنا۔ بضم اول وکاف وسکون واو ما شلنہ والف ف تخم کشوث

تمنیق الموحدہ

شکب ع بفتح اول وسکون ثانی ع سم الفار ف گ موش کافی

تمنیق الجیم

شکنج۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون وجیم م نوعی از زنار

شکونیج۔ بکسر اول وضم ثانی و واو مجہول وفتح ہا وسکون نون م خارخسک

تمنیق الدال المہملہ

شکند۔ ف بفتح اول وثانی وسکون نون و دال مہملہ ع خراطین

تمنیق الکاف

شکانک۔ ف بفتح اول وسکون ثانی والف وفتح نون م سنگدان مرغ خانگی

شنگ ف بفتح اول وسکون نون با کاف ع سم الفار ف مرگ موش کافی و نیز طائر حکہ۔

تمنیق الکاف الفارسی

شکربرگ۔ ف بفتح اول وثانی وسکون را مہملہ وفتح موحدہ وسکون را مہملہ ثانی وکاف فارسی جنسی ست از شکرہای صافی

تمنیق المیم

شکربادام۔ ف بفتح اول وثانی وسکون را مہملہ وفتح موحدہ والف ودال مہملہ والف ثانی م خوبانی۔

تمنیق التحتانیہ

شکاعی۔ ع بضم اول وثانی والف وعین مہملہ والف مقصورہ ن بادآورد ط ح ی ۳ گویند ح ای ۲ ق محلل رخ سبز تازہ ش دو درم ص عسل۔

تنسیق الکاف الفارسی وتمنیق الراء

شگار۔ ف بفتح اول وکاف فارسی والف م شغال وبضم اول م کال

تمنیق اللام

شگال۔ ف بفتح اول وثانی فارسی والف ولام م شغال وبضم اول م زگالی۔

تنسیق اللام وتمنیق الالف

شلکا۔ بفتح اول وسکون لام با کاف والف م زلوہ جونک

تمنیق الراء المہملہ

شاعفار۔ بفتح اول وثانی وسکون غین معجمہ با فا والف و را مہملہ ع اصل السوس ہ ملہٹی۔

شلیر۔ ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی قسمی از شفتالو م شفرنگ

تمنیق الکاف

شلتوک۔ ف بفتح اول وسکون ثانی وضم فوقانی و واو مجہول وکاف م شالی ہ دھان۔

شلک وشلوک۔ ف بفتح اول وسکون ثانی در لغت اول وضم فوقانی و واو مجہول در لغت ثانی م زلوہ جونک۔

تمنیق اللام

شلل۔ ف بفتح اول وسکون ثانی ثمریست ہندی مانند لطعم تلخ وشند فی الجملہ آنرا سنرجل ہندی خوانندہ ط ر ل ط ا خشک ۳ گرم محلل مقوی ملطف واقع اخلاط غلیظ ومسہل ورافع ریاح وحبس صلابت

عصب و عرق النسا و قولنج نافع و مفر ریص عسل شن تا بیند م ہو بیرست

شلیل ۔ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م شلیر ۔

تمیق المیم

شلجم ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون میم شلغم ط ح

شلم ۔ ف بفتح اول و ثانی م شاعم و بکسر اول ع صمغ ۔

تمیق النون

شلون ۔ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م ضبلی شغال

تمیق الهاء

شلمایہ ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی با میم الف و فتح تحتانی
م شلنمیا در آب جوشانیدہ باشند ۔

تمیق المیم و تمیق الالف

شمشیرا ۔ بفتح اول و سکون میم و کسر شین معجمہ ثانی با راء مہملہ الف م اذن القار

تمیق الفوقانی

شملیت ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی بہیۃ حلبہ

تمیق الحاء المهملہ

شمح ۔ بفتح اول با ثانی م حلزون ف سفید و مہرہ سنگھ

تمیق الخاء المعجمہ

شماخ ۔ ف بفتح اول با ثانی والف م شاماخ ۔

شملخ ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م شلغم ۔

تمیق الدال المهملہ

شمشاد ۔ ف بفتح اول یا کسر اول و سکون ثانی با شین معجمہ ثانی
والف م درختے معروف است و بیری و نیز نام مرزنجوش

شلید ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی ع حلبہ منتھی

تمیق الراء المهملہ

شمار ۔ بفتح اول و سکون ثانی با الف ف بادیان ۔

شمشار ۔ ف بکسر اول و سکون ثانی با سین معجمہ ثانی و الف وام درخت شمشاد

شمشیر ۔ بضم اول و سکون ثانی و کسر شین معجمہ ثانی و سکون تحتانی
م قاقلہ صغار ۔

تمیق الزاء المعجمہ

شملیز ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی م حلبیت

تمیق العین المهملہ

شمع ۔ ع بفتح اول و سکون ثانی ف موم ہ مین طمع ق
شمع ملین نرخ زر بے خلط کہ بوئے عسل باند ۔

تمیق المیم

شمام ۔ ع بفتح اول و ثانی با الف و میم ثانی ف دستنبویہ کری

تمیق الهاء

شمدانہ ۔ ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ و الف و فتح
نون و خفار ہام عناب بہترین او رسید و مالیدہ شیرین و خشک بہتر از ناخ طبعہ

شمہ ۔ ف بکسر اول و فتح ثانی م سر خیرہ بلائی ۔

تمیق النون و تمیق الفوقانی

شنبلیت ۔ ف بفتح اول و سکون نون و فتح موحدہ و کسر لام
و سکون تحتانی و فوقانی گلیست زرد رنگ بشکل و قد مانند بہار
نارنج و ہیجان شگفتہ و بوئے بر دارد و از آن گل را ہر و نیز خوانند

تمیق المیم

شنج ۔ ع بفتح اول و سکون نون و جیم م نوعے از حلزون ق
کنجک و گویند قصبک طب کی ۲ گویند ر ۔

تمیق الدال المهمله

شنبلید - بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی ودال مهمله ف شنبلیت وگویند گل سوسن جان طرح ی خ بشیاره سفید

تمیق الرار المهمله

شنجار وشنقار وشنگار - بفتح اول وسکون ثانی باجیم والف ورار مهمله در لغت ثانی وباقاف در لغت ثانی وباکاف فارسی در لغت ثالث م ابوخلیا گیاهیست که برگش سیاه وبیخش سرخ ست

تمیق الزار المعجمه

شنگبیر وشنگوبیر - بفتح اول وسکون ثانی وکاف فارسی وکسر موحده وتحتانی مجهول در لغت اول وکسر واو در لغت ثانی م شیرابیکه از درخت خرما حاصل شوده سیندعی وبزبان پهلوی زنجبیل گویند

تمیق الشین المعجمه

شبشش - ع بضم اول وثانی وسکون شین معجمه ثانی خرما که دانه آن سخت نشده باشد-

تمیق الغین المعجمه

شنغ - ف بضم اول وثانی م شاخ گاو-

تمیق الکاف الفارسی

شنگ - ف بفتح اول وسکون ثانی م درختیست خوش وضع کرتنه اش سفید وراست والملس باشد وسران چتر زند وچوب ان در کمان بکار آید ودر خراسان نغنش خوانند وبکسر اول ونیز قسمی از خیار که دراز وکج بود ودر شیراز کلونده خوانند وگیاهیست که در اصفهان لاله شنگ گویند-

تمیق اللام

شنگال - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف فارسی ولام وسکون لام ثانی م غنه تنگ -

تمیق النون

شنان - بضم اول باثانی والف م فراسیون-

شنشن - ف بفتح اول وسکون نون م گیاهیست که از پوستش ریسمان سازند-

تمیق الهار

شبلیله - ف بفتح اول وسکون ثانی وفتح موحده وکسر لام وسکون تحتانی وفتح لام ثانی م حلبه-

شنندله بضم اول وسکون ثانی وفتح وکسر دال مهمله وفتح لام م تودری

تمیق التحتانی

شنگرف زاولی - ف بفتح فارسی وسکون ثانی وفتح کاف فارسی وسکون رار مهمله وکسر فا بازار معجمه ولغت واو وکسر لام م سرخ هندی

تمیق الواو وتمیق الالف

شواصرا - بفتح اول وواو والف وفتح صاد ورار مهمله والف ثانی ف نوعی از برنجاست طرح ی هر درجه-

شوکة البیضاع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وهمزه المنفتح بادفتح موحده وسکون تحتانی باضاد معجمه باداو ورد-

شویلا - بضم اول وفتح ثانی وسکون تحتانی بالام والف م بر بجاست

تمیق الموحده

شوب - ع بفتح اول وسکون ثانی م عسل-

تمیق الفوقانی

شوات - ف بفتح وضم اول باثانی والف جانور نیست

پرندہ مانند مرغابی کہ ہم در آب ہم در خشکی زندگانی کند وگوشت...

پرندہ ایست سرخ رنگ کہ ہر زمان برنگی درآید نی آدم بوقلمون

تمیق الدال المہملہ

شواذف - بفتح وضم اول یا ثانی والف ودال مہملہ م شوا...

تمیق الرار المہملہ

شوغار - بضم اول وثانی مجہول با غین معجمہ والف ورار مہملہ م [illegible]

تمیق الزار معجمہ

شورہ گز - ف بضم اول وثانی مجہول وفتح رار مہملہ وخفار وفتح کاف فارسی ع اثل ہ درخت جہاؤ-

شوشمیز - ف بضم اول وسکون ثانی وشین معجمہ ثانی وکسر میم وسکون تحتانی ع قاقار صغار-

شونیز - ع بضم اول وسکون ثانی وکسر نون وسکون تحتانی ف سیاہ دانہ طح سوق مقطع مجلی محلل مدرش از نیم مثقال تا دہ درم ص کتیرا وکاسنی ل صمغ زیتون یا تخم ترہ تیزک

تمیق الطار المہملہ

شوخط - د بفتح اول وسکون ثانی وفتح خار معجمہ وطار مہملہ م خوشہ [illegible]

تمیق العین المہملہ

شوع - ع بفتح اول وثانی وسکون ثانی وعین مہملہ ف درخت بان

تمیق الکاف

شوالک - ف بفتح اول وثانی والف وفتح لام ہ مرغی کہ ہر زمان برنگی نماید ع ابو براقس-

شوشنک - ف بضم اول وسکون ثانی وفتح شین معجمہ ثانی م جانورہ شہو...

شوکۃ العلک - ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم فوقانی وسکون لام وکسر عین مہملہ وسکون لام ثانی نوعی از ماذریون-

تمیق النون

شوکۃ الدمن - ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف وضم فوقانی وفتح دال مشددہ ومیم وسکون نون م کنگر-

شوکران - بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف ورار مہملہ والف ونون م تفت بیزد وگویند کہ تخم بنگ رومی ف دوروس طب ی ۲ ق مخدر ح شیر وی ش نیدرم ص شراب مرف ل بزر البنج وتخم الفاح-

تمیق الواو

شوشو - ف بضم ہر دو شین معجمہ وسکون ہر دو واو م ازان

تمیق الہار

شوکہ - ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح کاف م خشکاعی-

تمیق التحتانی

شوہی - ف بکسر اول وثانی م شبت ہ سوالبقلہ ایست وقوتش تا دہ سال باقی ماند ط ۲ گرم وخشک محلل منضج ...

تمیق الہار وتمیق الموحدہ

شہاب - ف بفتح اول یا والف وموحدہ رنگ سرخی کہ مرتبہ اول از گل کاریزہ کشند ودر عربی شیر بنگ با آب آمیختہ وگویند شیر وشکر خورد ولی کہ با آب آمیختہ باشد-

تمیق الجیم

شہدانج - ع بفتح اول وسکون ثانی با دال مہملہ والف وفتح نون م شہدانہ ف تخم بنگ طح ی ۳ ق مجفف ح بستانی ش سہ درم ص بریان نمودن ل بوزن آن کنجد ونیموزن قلفل

تمنیق الناء

شهدانه - ف بفتح اول و سکون ثانی با دال مهمله و الف
و فتح نون ع شهدانج -

شهنگاه - ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف
فارسی و الف و فتح نون م ژاله -

تمنیق الیاء التحتانی و تمنیق الف

شیبا - ف بکسر اول و سکون تحتانی با موحده و الف افعی

شیرگیا - ف بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و کسر کاف
فارسی با تحتانی ثانی ه دودهی -

تمنیق الفوقانی

شیرخشت - با اول و سکون ثانی و راء مهمله و کسر خاء معجمه
و سکون شین معجمه ثانی نمیست که در خراسان چون شبنم بر درخت
سیاه چوب که درختش بی بر و بغایت صلب باشد منشبند طمع
گویند ح ق مسهل صفراء شفاف مانند صمغ ش از هفت درم
تا سی درم ل یک نیمو زن آن ترنجبین یا یکوزن آن -

تمنیق الجیم

شیرامیلج - بکسر اول و سکون ثانی و کسر راء مهمله و مد همزه و سکون
میم و فتح لام و سکون جیم ف شیراماه چون املہ را در شیر خیسانیده
باشند آنرا بدین نام خوانند طب ی ۳ گویند ح خ آنکه
چند روز املہ در شیر خیسانیده باشند ش یک مثقال -

شیرج - بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله و سکون جیم
ف روغن کنجد و روغن شیرین ه میٹھا تیل ط ح ق ملین
ص فواکه قالبض ل زیت مسغول -

شیرزنج - بکسر اول و سکون تحتانی با راء مهمله و زاء معجمه و سکون
جیم ف سپر و خفاش ط ح ی -

شیطرج - ع بکسر اول و سکون تحتانی و فتح طاء مهمله و راء مهمله
ف سفره حیتا ط ح ی ۲ ق مجلی منقی خ هندے ش
یک مثقال ص مصطگی یا در و یا صندل ل ده یا بیخ کبر یا عاقرقرحا

تمنیق الحاء المهمله

شیح - ح بکسر اول و سکون ثانی و حاء مهمله ت درمنه ط ح
ی ۳ گویند ۲ ی ۳ ق مقطع محلل خ از منی ش نیم درم ص
ترمس یا شراب ریباس یا شراب اترج یا بنفشه ل
برنگ یا افسنتین رومی -

تمنیق الراء المهمله

شیرخشیر - بکسر اول و سکون ثانی و راء مهمله و فتح موحده و سکون
خاء معجمه و کسر شین معجمه ثانی و سکون تحتانی ثانی و راء مهمله
ثانی ف بخیست زرد رنگ که از هندوستان کشمیر خیزد
ه هرنی طرح ی ش از دو انگے با نیم درم

تمنیق الزاء المعجمه

شابیه العجوز - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ضم
فوقانی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون واو م اشنه

شیراز - بکسر اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله با الف ع ریحان

شنینز - بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون با تحتانی با زاء معجمه م شونیز

تمنیق السین المهمله

شیرملس - ف بکسر اول و سکون مجهول و راء مهمله و فتح
میم و کاف فارسی ع عنکبوت -

تمنیق الکاف

شیرروق ـ بکسر اول وسکون ثانی باراء مهمله وضم زاء معجمه وسکون واو وقاف م شیرج ـ

تمنیق الکاف

شیرخشک ـ بکسر اول وسکون ثانی باراء مهمله وضم خاء معجمه وسکون شین معجمه ثانی ف بید خشک و بید انگبین نیست یعنی لقمه کسیت که چون شبنم در خراسان بر درخت بید نشیند طح گویند مع ی گویند ح ق ملین خ سفید شیرین ش ه دم ترنجبین ـ

شیشک ـ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر سین معجمه ثانی وفتح تحتانی ثانی م گوسپند یکساله ـ

شیشک ـ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر شین معجمه وفتح تحتانی ثانی م تیهو ـ

تمنیق المیم

شیلم ـ ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح لام وضم آن وسکون میم گویند دانها صلب گردست که بعضے سیاه وبعضے سرخ درمیان کشت گندم روید وگویند یاسمین جنگلی ست طح ی ۳ وگویند ح ای ۲ ق ملطف مجلی محلل مسکر ح بزرگی و بخره ص کزیره خشک ل خند قوتی ۶ درد فع قوت یا گندم م شیم ـ ف بکسر اول وسکون ثانی یا میم م ماهی ست فلیو ع از خزرج

تمنیق النون

شیان ـ بکسر اول با ثانی والف ف پرسیاوشان ـ

تمنیق الواو

شیشو ـ بکسر اول وسکون ثانی وضم شین معجمه ثانی وسکون واو م تیهو

تمنیق الهاء

شیرابه ـ بکسر اول وسکون ثانی باراء مهمله والف وفتح موحده ف خشخاش ط ۲ سرد ار مخدر منوم منضج مواد رقیقه صفراوی دو درم او با شکر جهت خشونت وسرفه حار یابس ونفث الدم وتپ دق وحرقت مثانه وامراض حاره آن ومقوی جگر ضعیف وگرده ش تا پنجدرم واز تخم او تا ده درم واز پوست او یکمثقال و نیم واز گل تا یکدرم ومداومت او مفر یه ص عسل ومصطگی شبیره بکسر اول وسکون ثانی وفتح راء مهمله نوعی از بوزه که از برنج وجو سازند وکشک و جوار ب

شیلانه ـ ف بکسر اول وسکون ثانی با لام والف وفتح نون م عناب

شیلونه ـ ف بکسر اول وثانی مجهول وضم لام وسکون واو وفتح نون م لاک پشت ـ

شیمه ـ ف بکسر اول وثانی مجهول وفتح میم م نوعی از انگور ـ

تمنیق التحتانی

شیاف خوری ـ بکسر اول با ثانی والف وکسر فاء وضم خاء معجمه وواو مجهول وکسر زاء معجمه وسکون تحتانی م بوش در بندی

شیح حبشی ـ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر حاء مهمله وفتح حاء مهمله ثانی وموحده وکسر شین معجمه ثانی ف فلفل سیاه ـ

ترقیم الصاد المهمله وتمنیق الالف وتمنیق الموحده

صاب ـ بصاد مهمله والف وموحده م حنظل وگویند شیار الحمار ست وگویند نوعے از یتوعاتست وگویند دیو دارست ـ

تمنیق الفاء

صابون القاف ـ بضم موحده وسکون واو وضم نون

وسکون لام بقاف والف ونام حوکب اشنان ـ

تمیق النون

صابون ـ بضم موحده م ط ح ی ۳ ق مفرح محرق خ کهنه ص قی کردن آب گرم وروغن کنجد وخوردن شوربا جرب باروغن ومرغ ل بوره اشنان ـ

تمیق الهاء

صاحبه بالمهمله والف وکسر حاء مهمله وفتح تحتانی وهام حرزفرب کرده گاه کرچ

تنبیق الباء الموحدة وتمیق الراء المهمله

صبار بضم اول با موحده والف وراء مهمله م تمر هندی ـ

صبر ـ ع بفتح وکسر اول وسکون موحده ه الیا و شبر ط ح ای ۲ گویند ۳ ق مجفف ومدل ومسهل خ سقوطری که لونش بجگر ماند وبویش بمر وبراق چون صمغ باشد وچون بدست بمالند زود ترخرد شود وبلون زعفران بند وخوبی گوسپند دهد ومقطع سنگریزه زرد باشد ش ناسده رم وگویند تنها ازود ورم ودیگر مسهلات انزیکه نیدر هم یکمثقال ص صمغ وکتیرا ام ام

تمیق التحتانی

صبی ـ ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م عصاره مناپسنا

تنبیق الحاء المهمله وتمیق الالف

صحناء ـ ع بفتح اول سکون حاء مهمله ونون والف ماهی به کرمی گویند ح ای ۲ ق مقطع مجلی ش از کبد رم دو ورم حمره ثیرا دمیگه دردرد ومقل واگر اسافل شخصی عق نا تبید بپاشد داورا مثل صبت مبرد ی دمحرور برابه کبیر المخلوط زده اگر معده ضعیف گردد غلت باشد با صعفتگی وگل سرخ ید بدل ـ

حنفض وور نفخ معده نسنتین ـ

تنبیق وتمیق الدال المهمله

صدپوند ـ بفتح اول وسکون دال مهمله کسر موحده فارسی وتحتانی مجهول فتح واو وسکون نون م عصی الراعی ـ

صدید الحدید ـ بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وضم دال مهمله ثانی وسکون لام وفتح حاء مهمله وکسر دال مهمله ثالث وسکون تحتانی ثانی م زعفران آهن ـ

تنبیق الفاء

صدف ـ بفتح اول وثانی وسکون فاء سیپ وسپی طب ای ۲ ق مجفف خ سفیدی که در آب شیرین باشد ش از یکمثقال ازآنچه سه درم ص عسل شاخ گاو وکوهی سوخته یا کربا

تنبیق الراء المهمله وتمیق الالف

صبراء ـ ع بفتح اول وکسر راء مهمله وسکون تحتانی با راء مهمله ثانی والف م بادروج ـ

تمیق الموحدة

صرب ـ بفتح اول وسکون ثانی وموحده ع صمغ ه گوند ـ

تمیق النون

صرفان ـ ع بکسر اول وسکون ثانی بعد الف نون هم نوعی از خرما هندی سرخ فربه خرمای کتوم وسرشتر بمین نام خوانند ـ

تمیق الواو

صرو ـ ع بفتح اول وسکون راء مهمله م شوکران ـ

تمیق الهاء

صرابه ـ بفتح اول وسکون راء مهمله والف وفتح موحده وخفا ها

حنظلی کہ زرد خواہد شد۔

صبر۔ بالفتح م شیر ترش۔

صبریہ۔ بالکسر اشتر دہ سالہ۔

صرصرہ ع بفتح ہر دو صاد مہملہ و سکون راء مہملہ اول و فتح راء مہملہ ثانی ف جرواسک ہ جھینگر ش عدد پانچ یا ہفت جانور

تمییق العین المہملہ و تمییق الراء المہملہ

صعتر ع بفتح اول و سکون عین مہملہ و فتح فوقانی و سکون راء مہملہ م نوعی از پودینہ بری ست ف اوسہ و کاکوتی ہ ساتھل گیا ہیست کہ بری و بستانی میباشد اقسام او تند و خوشبو ط ح ی ۳ ق با تریاقیت و مفتح و ملطف و محلل بلغم و ریاح مشتہی و مقوی معدہ دیگر و ہیمہ خ کر حکیم رف ش از نیم مثقال تا یکدرم مص سرکہ ل فو تنج

تمییق العین المعجمہ و تمییق النون

صغبین بفتح اول سکون عین معجمہ کسر موحدہ و سکون تحتانیہ و زن نعم بجم

تمییق القاف و تمییق الراء المہملہ

صقر ع بفتح اول و سکون قاف و رای مہملہ طائری ست شکاری ف چرغ ط ح ی۔

تمییق السین المہملہ

صقالبس بفتح اول و ثانی و کسر تحتانی و سکون سین مہملہ ہ بکری

تمییق ... تمییق اللام

صلصل ع بفتح ہر دو صاد مہملہ و سکون لام و لام ... ہ ...

صل ع بکسر اول و سکون ثانی ف ماریست کہ افسون نمی پذیرد۔

تمییق النون

صلون ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و نون نام خرنوب نبطی

تمییق المیم و تمییق الموحدہ

صمغ السداب بفتح اول و سکون میم و ضم عین معجمہ و سین مہملہ شدہ با دال مہملہ و الف ہ سداب کا گوند ل دو وزن آن حلتیت

تمییق المثلثہ

صمغ المحروث ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم عین معجمہ و سکون لام و فتح میم ثانی و سکون حاء مہملہ و ضم راء مہملہ و سکون واو با مثلثہ م حلتیت

تمییق الدال المہملہ

صمغ القباد بفتح اول و ثانی و ضم غین معجمہ و سکون لام و فتح قاف و مثلثہ و الف و دال مہملہ ہ کتیرا۔

صمغ سفید بفتح اول سکون ثانی و کسر عین معجمہ و فتح سین مہملہ و کسر فا با تحتانی مجہول ہ گوند درخت کریری۔

تمییق الدال المہملہ

صمغ الصنوبر بفتح صاد مہملہ با میم و سکون غین معجمہ و سکون لام و فتح صاد ثانی با نون و سکون واو و فتح موحدہ و سکون راء مہملہ م ...

صمغ الکنگر ع بفتح لام و فتح کاف و سکون نون و فتح کاف فارسی مشہور است ہمین نام ل ... ش ... دو ...

تمییق الراء المعجمہ

صمغ اللوز ع بفتح لام شدہ و سکون واو م صمغ بادام خ سفید با خود از درخت جوان ل ہمیں عربی و کتیرا۔

تمییق الصاد المہملہ

صمغ الاجاص سکون لام و کسر ہمزہ با جیم شدہ و الف ...

صمغ الورق ... ل خ با خود از درخت کمن۔

تمییق الطاء المہملہ

صمغ البلاط - بکسر موحده با لام و الف و طاء مهمله ف از سنگ ساخته و آن چیزیست که از رخام سنگ سازند و گویند که از معدن بهم رسد و نام مرکبی ست که از صبر و مر و خون سیاه شان و ملک و انزروت و صمغ عربی از هر یک جزوی و اصل مرجان و زاج از هر یک نیم جزو کوفته بیخته با آب صمغ عربی بسرشند و بر دیوار گچی بند در آن کنند تا خشک شود و هر چند کهنه شود نیکو بود -

تمیق الغین المعجمه

صمغ - ع بفتح اول و سکون ثانی و غین معجمه صموغ جمع و رطوبتی که از درخت ف از درخت تراوش کند طح ی گویند مع ق مغربی قانص ظلیس خ عربی شفاف سفید صاف حب زود گدازنده در آب -

تمیق الفاء

صمغ الحرشف بسکون لام و ضم موحده و سکون راء مهمله و فتح شین معجمه م کنگری

تمیق المیم

صمغ البطم بسکون لام و ضم موحده و سکون طاء مهمله و میم ثانی م سقر طح ی ۲ ق یک درم ص سفر جل و کمثری ال کثیرا -

تمیق النون

صمغ الزیتون - بفتح زاء معجمه مشدده و سکون تحتانی و ضم فوقانی و سکون واو م مسطرک ال عصاره طراثیث یا شوبر -

تمیق الیاء

صمغ الجوز الرومی - ع ... م فتح جیم و سکون واو و کسر زاء معجمه و ضم راء مهمله مشدده و سکون واو و کسر میم و سکون تحتانی ف کهربا -

صمغ الکمثری - بسکون لام و ضم کاف و فتح میم مشدده و سکون ثاء و فتح راء مهمله و الف مقصوره ف صمغ درخت امرود

خ از درخت کمن ش دو مثقال -

صمغ عربی - بفتح غین معجمه و فتح عین مهمله و راء مهمله و کسر موحده گوند درخت کیکر طح مع گوینده گویند ب ی ش دو مثقال ص کثیرا و شراب صندل و گل سبل صمغ بادام و حب الآس

تمیق النون و تمیق الراء المهمله

صندل احمر - ع بفتح اول و سکون نون و فتح دال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون حاء مهمله و فتح میم و سکون راء مهمله ف صندل سرخ ه رکت چندن طب ی ۲ گویند ۳ ال قرنفل -

صنوبر صغار - ع بفتح اول و ثانی و سکون واو و فتح موحده و کسر راء مهمله و صاد مهمله ثانی با غین معجمه و الف ه درخت چیڑ اطمع گویند ح ۲ ی ۳ گویند ال زفت -

صنوبر کبار - ع بکسر کاف با موحده و الف ف درخت چلغوزه طح ا ر ۲ ق سمن خ تازه برگ سفید ش نیم درم ص جوارش سفرجل ل زود وزن از خشخاش سفید -

تمیق الضاد المعجمه

صندل ابیض - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله و کسر لام و فتح همزه و سکون تحتانی و فتح تحتانی و سکون ضاد معجمه ف صندل سفید ه چندن طب ی ۲ گویند ۳ گوینه یاقوت و مروری ملح خ معاصری ش نیم مثقال ص جلاب شکر طبرزد ل ا ... باقوت ملح

تمیق الواو و تمیق الضاد المعجمه

صوف الارض بضم اول و سکون واو و فتح فاء و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ع ذراسیون -

تمیق الفاء

صوف - ع بضم اول و سکون ثانی و فا هم پشم طح ی
سرق منسحق مخفف الال ای شعر -

تمیق الفار

صوطله بضم اول و سکون ثانی و فتح طای مهمله و لام و ها ف نوعی از خفا حنطه

ترقیم الضاد المعجمه و تمیق الالف و تمیق اللام

ضال - ع بضاد معجمه و الف و لام ف کنار -

تمیق النون

ضان - ع بضاد معجمه و الف و نون ف میش ه بهیری -
ضاین - گوسپند -

تمیق البار الموحده و تمیق الالف

ضبعه عرجا - ع بفتح اول و سکون موحده و فتح عین مهمله و همزه ملینه و ها و فتح عین مهمله ثانی و سکون رار مهمله با جیم و الف ف کفتار طا گوشت او ح می ۲ -

تمیق الموحده

ضب - ع بفتح اول و ضم نیز و سکون موحده ف بچه سوسمار که اول می زاید او را حل میگویند و بعد ازان غیدا ق خوانند و بعد ازان مطبخ و بعد ازان حصرم و چون تمامی رسد ضب گویند طح ی ق مجلی خ متوسط ص حصرم -

تمیق الرار المهمله

ضبر - بفتح اول و ثانی و سکون رار مهمله م درخت جوز بوا -

تمیق الرار المهمله و تمیق الموحده

ضرب - بفتح اول و رار مهمله و سکون موحده م عسل گویند خاثر نفت

تمیق الزار المعجمه

ضرس العجوز - ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم سین مهمله و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم و سکون واو و زار معجمه ف خسک ا

تمیق العین المهمله

ضرع - ع بفتح اول و سکون ثانی و عین مهمله ف پستان غیر انسان ه چوچی طب ی خ ماخوذ از حیوان که گوشتش نیکو بود در وی شیر بسیار باشد -

ضریع - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف نباتی استوانی که بر ساحل دریای چند یا بند طح ی -

تمیق المیم

ضرم - بفتح اول و سکون ثانی و میم م اسطوخودوس

تمیق الواو

ضرو - بفتح اول و ثانی و واو مجهول م نوعی از حبة الخضراط خ ی ۳ گویند ۲ نیخ راق مخفف خ سبز تازه ص سفرجل

تمیق الهار

ضروع الکلبه - ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم عین مهمله و سکون لام و فتح کاف و سکون لام ثانی و فتح موحده و خفا ها ف درخت زقوم -

تمیق الغین المعجمه و تمیق السین المهمله

ضغابیس - ع بفتح اول با غین معجمه و الف و کسر موحده سکون تحتانی و سین مهمله جمع ضغبوس ست ف جنازه ککڑی

ضغبوس - ع بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو ف جنازه گویند خبزه نارسیده

تنبیق الفاء و تمیق العین المهمله

صفدع ـ ع بفتح اول و سکون فا و فتح دال مهمله و سکون عین مهمله ف غوک و بکبه هندی دادر نامند ـ

تمیق النون

صفار الجن ـ ع بفتح اول و ثانی لعت و کسر تحتانی و ضم رای مهمله و سکون لام و کسر جیم و سکون نون ف پرسیاوشان ـ

تنبیق الواو و تمیق الراء المهمله

صنوبر ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون رای مهمله ه درخت

تمیق النون

صومران ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و رای مهمله ف نعت و نون ف بید مشک گویند ریحان و گویند سپرغم ه نمسی ط ۱ گرم ۲ خشک و محلل جمیع اورام و منوم و مفتح سده دماغی و رائحه او نافع و رافع درد سر محرورین و مسافرین و گریزاننده هوام و جهت خفقان و ضعف معده و ریاح غلیظ و عصاره او با شکر رافع درد سینه و ربو و سرفه و مضمضه و خاییدن او جهت قلاع و ضماد تر کرده او با آب سرد و مقوی اعضا و تخم او تمام سموم بالخاصیت و معدل جمیع امزجه و لهذا دوده او قاطع اسهال و جبر فرس خصوصاً که در گلاب جوشانیده باشند و ضماد او جهت حب القرع و جهت آن ... مرهم و از عصاره دار حریم او ... برای سعال نافع ... بلو مصلح و مانع ... ل ... ریحوبه ـ

تنبیق الیاء والتحتانی و تمیق النون

صیمران ـ ع بفتح اول و سکون تحتانی و ضم میم و رای مهمله و نون ف ... ریحان زرقیم

الطاء المهمله و تنبیق الالف و تمیق الراء المهمله

طالیسفر ـ لعت و المهمله و الف و کسر لام و سکون تحتانی و سین مهمله و فتح فا و سکون رای مهمله ف پوست بیخ زیتون هندی و آن قشور هندی است ط مع گویند ی ۲ ق قابض ش تمسقال ص عسل یا رب السوس ل سنبل الطیب و نیموزن سادج یا سنبل یا ابهل سادی یا چهار دانگ وزن آن کمون و نیموزن ابهل یا بوزن او عذبه و نیموزن لسباسه ـ

تمیق السین المهمله

طاوس ـ ع بضم همزه و سکون واو ه مور ط گوشت او ح ریاحات غلیظ و صلب و دیر هضم و مولد خلط کثیف ـ

تمیق الکاف

طاخک ـ ف بفتح خای معجمه ف بار درخت ثمره ثبولی و نکولی ـ

تمیق المیم

طالم ـ بفتح لام و سکون میم ف زرنیخ زرد

تمیق النون

طالقون بکسر لام و ضم قاف و سکون واو ف نحاس است مصنوعی که مدبر کرده باشند و بالخاسی که در کمیز گاو خیسانیده باشند

تمیق الیاء

طارطیقه ـ یونانی بطاء مهمله و الف و کسر رای مهمله و کسر طای مهمله ثانی و فتح قاف و ها هم حب الملوک ـ
طارنقه ـ یونانی بطاء مهمله و الف و کسر رای مهمله و سکون تحتانی و فتح قاف و ها هم ...

تنبیق الباء الموحده و تمیق الالف

طبقا ـ بفتح اول و سکون موحده با قاف و الف م خندروس

تمیق الخاء المعجمه

طبیخ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و خار معجمه ف خربزه و ادویه که بآب بجوشانند و بپزند۔

تمیق الدال المهمله

طبرزد بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و فتح زار معجمه معرب تبرزد است یعنی نبات سفری از جنس ابلوج و نمک را نیز بدین نام خوانند از جهت سختی و صلبی هر دو

تمیق الرار المهمله

طبار بکسر اول و ثانی والف ف نوعی از انجیر سرخ بزرگ

طباشیر ع بفتح اول و ثانی والف و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و رار مهمله بنسلوچن ط ب ی ۲ گویند ۳ ق قابض و مجفف و مقوی دل م معده خ سفید سبک زود خرد شونده ش دو دانگ و گویند از یکدرم تا دو درم ص گلاب و گویند مصطگی و بیدانه و عناب و گویند رب السوس ل تیموزن کافور یا عصاره لحیة التیس یا بوزن آن مغز خیار زه و چهار وزن بزرقطونا یا گل مختوم کاغذ سوخته یا تخم کاسنی یا نیم وزن صندل یا تخم خرفه بود و ده بعضی ع سماق و گل مختوم

تمیق القاف

طباق بکسر و یا بضم اول و فتح ثانی والف و قاف م غافث

تمیق التحتانی

طبی ع بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول ف پستان چارپا و پستان سباع

تنسیق الثار الثلثه و تمیق الجیم

طبرج بفتح اول و سکون مثلثه و فتح را مهمله و سکون جیم ف نوعی از کرمک چوبی

تنسیق الحار المهمله و تمیق بالالف

طحارومی بفتح اول و سکون حار مهمله یا میم و الف م شوکران

تمیق الموحده

طلحب ع بضم اول و سکون ثانی و ضم حار و فتح لام و سکون موحده ف جامه خواب که بر روی آب پدید آید و سوال کنند که در آبها بود ط ب ۳ ی ۲ ق را دع خ آنچه در آبهای شیرین روید ص الحال ی العالم

تمیق اللام

طحال ع بکسر اول و ثانی والف ف سپرز بلی ط ح ی گویند ب ح ماخوذ از حیوان جوان فربه ص روغن و سرکه

تمیق الیار

طحینه ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح نون ف آرد

تنسیق الخار المعجمه و تمیق النون

طخشیقون رومی بفتح اول و سکون خار معجمه و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ف دوائی است که اہل ارمن پیکان را بوی زهر آلوده کنند۔

تنسیق الرار المهمله و تمیق الالف

طرفا ع بفتح اول و سکون را مهمله یا فا و الف ف درخت گز ده جهاو ط ب ی گویند سوح ب ق قابض مجفف خ آنچه از آب دور باشد ش بخ درم ص روغن بادام یا عسل ل عذبه یا جلنار

تمیق المثلثه

طرائیث ع بفتح اول و ثانی والف و کسر مثلثه اول و سکون تحتانی و مثلثه ثانی ف اصل شیرین ط ب ی ۳ ق قابض خ سفید ش یک مثقال ص کتیرا ل نیم وزن پوست مرغ بشور خشتو یک وزن آن عفص و ده یک آن صمغ عربی یا جلنار یا جفت بلوط

طرثوث بفتح اول و سکون ثانی و ضم مثلثه و سکون واو

نشتهٔ ثانی م درخت اشق و گویند اشترغار۔

تمییز الجیم

طرسیوج بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و ضم تحتانی و سکون واو و جیم ف ماهی دریائی۔

تمییز الخاء المعجمة

طربخ ۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و خاء معجمه ف نوعی از ماهی کوچک م شاه ماهی طبع سی ق مقطع خ تازه ص روغن سرکه ل ماهی نیک۔

تمییز السین المهملة

طربخوانس ۔ یونانی بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم جیم و سکون واو با میم والف و کسر نون ثانی و سکون سین مهمله ف برباد شنان

تمییز الشین المعجمة

طراغوریعان ۔ یونانی بفتح اول و ثانی و الف و ضم غین معجمه و سکون واو و کسر راء مهمله و سکون تحتانی با غین معجمه ثانی و الف ثانی و کسر تحتانی ثانی ف بودینه کوهی۔

تمییز القاف

طرخشقوق بفتح اول و سکون ثانی و فتح خاء معجمه و سکون شین معجمه و ضم قاف اول و سکون واو ف کاسنی بری طب گرم خشک مفتح شش پ کمشغال ص سکنجبین ل زراوند

تمییز النون

طرحاطیقون بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مهمله با الف و کسر طاء مهمله ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ف نوعی از سرمه یا داستی خسیم

طرخون ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمه و سکون واو نون م طرخونی ف عاقرقرحا بستانی طبع سی ۲ ف مخدر خ تازه بستانی ص کرفس ل در تخدیر فم حل۔

طردلیون ۔ رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و ضم لام و سکون واو و نون م سیسالیوس

طرنجبین ۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر موحده و سکون تحتانی ف ترانگبین۔

طرنوقون ۔ یونانی بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم هردو قاف و سکون هردو واو م زعرور۔

طردقون ۔ یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو ثانی ف لسان الثور خوانند۔

طیرلفان یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی با غین معجمه والف و نون ف تخم معصفر بری لشیرازی اگر یز گویند۔

طرنغلس یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فاء و ضم و فتح لام ف اسم شتر کیست چند نوقی در بناء خفی ثعلب عسس کوهی طرحی

طریقان ۔ گویند قسم طم بری است۔

طیریقون بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ف بو بنار۔

طریقون ۔ نباتیست بقدر شبری و برگ شبیه بیل و از آن غلیظ تر۔

تمییز الهاء

طربیلہ ۔ بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی و فتح لام و خفا هاء م طرنغلس۔

تمییز الفاء و تمییز اللام

طفشیل ۔ م بکسر اول و سکون فا و کسر شین معجمه و سکون تحتانی و لام۔

ف عدس مقشر که با سرکه پخته باشند -

تمنیق اللام و تمیق الالف

طلا - ع بکسر اول لام و الف ف خمیر کشش نیز بمعنی زر و نیز داروئی که از بتین ساخته باشند

طلیسا - بفتح اول و کسر لام و سکون تحتانی آبی که از انفه و نوعی از شمد و نیکن

تمنیق الحاء المهمله

طلح - ع بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م موزه کیلا -

تمیق العین المهمله

طلع - ع بفتح اول و سکون ثانی و عین مهمله اول خوره نخل که بهار خرما گویند طب ای ح ق مجفف ممسک ص عسل کمنه

تمیق القاف

طلق - ع بفتح اول و سکون ثانی م کوکب الارض سنگ ابهر مجهول طلبی - ق ملطف ح یابس تملکیا ق شمع مستعمل ص م غ اگر میسر طین قیمولیا

تمنیق المیم و تمیق الالف

طمرا - سعدی بفتح اول و سکون میم با راء مهمله و الف ف بیخ ابجره ارند طمطم بکسر هر دو طاء مهمله و سکون هر دو میم م سماق ده تن تبنک

تمنیق الواو و تمیق الموحده

طوب بضم اول و سکون واو بلغت اهل ف خشت پخته -

تمیق الطاء المهمله

طوط - ع بضم اول و سکون ثانی و طاء مهمله ثانی ف پنبه

تمیق النون

طوطافاغیرون - یونانی بضم اول و سکون ثانی با طاء مهمله ثانی و الف و فتح همزه و سکون غین معجمه و کسر راء مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و نون ع سان حیلی م حلیمو -

طولیدون - رومی بضم اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون واو ثانی ع عنب الثعلب

تمیق الهاء

طوارد - یونانی بفتح اول و ثانی و الف و فتح راء مهمله و حفار باف شیرین

تمنیق الهاء و تمیق الفاء

طهف - بفتح اول و سکون ها و فاء ف ذرت یا طعامی است که از ذرت یعنی از جوار سازند -

تمنیق الیاء التحتانی و تمیق الالف

طیا - یونانی بفتح اول با تحتانی و الف ف نوشادر -

طین قیمولیا بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون و فتح قاف و سکون تحتانی ثانی و ضم میم و سکون واو و کسر لام و تحتانی ثالث ف سنگ رخام طین مصری -

تمیق الموحده

طیب العرب - ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح عین مهمله و راء مهمله و سکون موحده م اذخر -

تمیق الفوقانی

طین الحکمت - ع بکسر اول و سکون تحتانی و ضم نون و سکون لام و کسر حاء مهمله و سکون کاف و فتح میم و سکون فوقانی ف گل حکمت و آن مرکبی است -

تمیق المثلثه

طینوث - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون واو شنگرف و بعضی گویند مزه ریزکه جوشیده مسرخ گردد و بعضی گویند سیاه بود از ذراریح خرد تر اگر در خیسانده شیره انگور بود کم بخورد ...

تمیق الجیم

طیهوج - بکسر اول و سکون ثانی و ضم ها و سکون واو و جیم ف تیهوه بود ناط مع خ فربه که در فصل خریف گیرند۔

تمیق الراء المهمله

طین احمر - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون و فتح همزه و سکون حاء مهمله و فتح میم و سکون راء مهمله ف گل سرخ که آنرا مغره نیز گویند۔

طین اخضر - ع بفتح همزه و سکون خاء معجمه و فتح ضاد معجمه ف گل نیل

طین اصفر - ع بفتح همزه و سکون صاد مهمله و فتح فاء طین الصنم است زرد تیره رنگ که هندوان در قشقه بکار میبرند ه پوری۔

تمیق السین المهمله

طین شاموس - بسین و الف و ضم میم و سکون واو و سین مهمله م کوکب شاموس و آن قائم مقام گل مختوم است ط مع خ ب

تمیق المیم

طین مختوم - ع بفتح میم و سکون خاء معجمه و ضم فوقانی و سکون واو ف گل مختوم گل سرخ رنگ است بغایت املس ط مع ح ب ق قابض و مفرح و مقوی دل و حابس خون و بدلش دو درم گل ارمنی و تریاق بدل ندارد و در قبض خون مغره با طین ارمنی که بخون ابشعری مشهور باشند گرچه اگر وی شبت دهد و یاب جیبد۔

تمیق النون

طیطان - سریانی بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله ثانی و الف و نون ف گندنای صحرائی۔

طیلافیون - یونانی بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و فتح فاء و ضم تحتانی ثانی و سکون واو و نون ف نوعی از حی العالم

طین - ع بکسر اول و سکون ثانی ف گل ه متی ط مجموع گلها ب ی ق مجفف ش یکدرم ص هندبال از بعضی بعضه

تمیق التحتانی

طینی رومی - بکسر اول و سکون تحتانی و کسر فاء و سکون ثانی تحتانی دادی

طین ارمنی - بفتح همزه و سکون راء مهمله و فتح میم و سکون نون ثانی ف گل ارمنی گلی است تیره رنگ ط ب ی خ درد ی بیل بعد از سحق چون بر زبان نهند بچسپد ص گلاب ل طین لائی۔

طین فارسی - بفاء و الف و سکون راء مهمله و کسر سین مهمله ف گل سیر شوی ط ب ی خ مائل بسرخی ش دو مثقال۔

طین قبرسی بضم قاف و سکون موحده و فتح راء مهمله و کسر سین مهمله گلی است سرخ گلگون که چون در دست بمالند سرخی او در دست بماند و چون بشکنند در اندرون وی رنگهای زرد بود چون بر زبان نهند بغایت بچسپد ل طین مختوم۔

طین نیشاپوری - بکسر نون و سکون تحتانی با شین معجمه و الف و ضم موحده و سکون واو و کسر راء مهمله گل ماکول و گل خراسانی و آن را خام و بریان کرده بخورند و بدان تنقل نمایند ش از یک درم تا دو مثقال۔

ترقیم الظاء المعجمه تنسیق الباء الموحده و تمیق التحتانی

ظبی - ع بفتح اول و سکون موحده و تحتانی ف آهو ه بیرن مرگ۔

تنسیق الفاء و تمیق الالف

ظفرا - بفتح ظاء معجمه و سکون فاء با راء مهمله و الف ف یودنه بری آ

تمیق الزاء المعجمه

ظفیرة الصحویه ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح رار مهمله وضم فوقانی وسکون لام وفتح عین مهمله وضم جیم وسکون واو وذال معجمه ف خار خسک -

تمییز الفار

ظفیره بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وفتح رار مهمله وخفا رام یود نیزی -

تمییز اللام وتمییز الفار

ظلف - ع بکسر اول وسکون لام وفا ف سم گاو وگوسپند واهوه کهر طب ی حق مجفف خ سخت ن ہو شاخ وسوخته مجموع آن مسهل زرد آب وضماد آن با شراب جهت گزیدن هوام وبا عسل جهت نقرس ووجع مفاصل نافع

تمییز المیم

ظلیم ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی یا میم ف نر شتر مرغ

تمییز الیار التحتانی وتمییز النون

ظیان ع بفتح اول وتحتانی والف ونون ف یاسمین بری که گل کوچکتر دارد جالی جوہی طح ی لہ ق محرق کاذی حص روغن گل ل دمای عبتیل -

ترقیم العین المهمله وتمییز وتمییز الالف

عاقرشمعا - بعین مهمله والف وکسر قاف وسکون رار مهمله وفتح شین معجمه وسکون میم با عین مهمله ثانی والف م شنگار -

عاقرقرحا ع بعین مهمله والف وفتح هر دو قاف وسکون رار مهمله با حار مهمله والف ه اکرکرا طرح می سوق محلل جاذب ملطف خ تیز محرق گزنده زبان قرب غلیظ

وبعد از شکستن زرد اش سفید باشد حق ف واند بعضی گویند از دو درم تا سه درم حص مویزج با سوس والی در غرغره خود بخ ودرد مضمضه معنه را سود دارد فلفل وعسل دگویند شیطرنج -

تمییز الجیم

عاج ع بسکون جیم ف دندان فیل ه هاتھی دانت طب ی ق مجفف ح سفید یک ش نیم درم اند ثناره او ص لب الصنوبر ل شاخ بز -

تمییز اللام

عاقول - بعین مهمله والف وضم قاف وسکون واو ولام ف درخت ساج ه سال -

تمییز وتمییز البار الموحده

عب - بفتح اول وموحده وسکون موحده ثانی ف مصحح موهم ثمر کاکنج -

تمییز الرار المهمله

عبهر ع بفتح اول وسکون ثانی وفتح ها وسکون رار مهمله ف نرگس

عبیر - بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی م زعفران -

تمییز الطار المهمله

عبیطه ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وطار مهمله ف سپنه

تمییز الدار الفوقانی وتمییز المیم

عتم - بضم اول وسکون فوقانی ومیم ف زیتون کوہی طح ی اق قابض -

تمییز الجیم وتمییز الموحده

عجب ۔ بفتح اول و سکون جیم ہم حب النیل ۔

عجم الزبیب ۔ ع بفتح اول و ثانی و ضم میم و سکون لام و فتح زار معجمہ مشددہ و کسر موحدہ اول و سکون تحتانی م دانہ مویزہ داکھ کے بیج طب ا ی ۲ ۔

تمیق الذال المعجمہ

عجالدو عجلدۃ ۔ بفتح اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون دال مہلہ در لغت اول و ضم اول و سکون ثانی و فتح لام در لغت ثانی ف شیر حجرات شدہ ۔

تفسیق الدال المہلہ و تمیق الالف

عدرنا ۔ سریانی و بقولی یونانی بفتح اول و ثانی و دال مہلہ و سکون رار مہلہ با نون و الف م کندش ۔

عدس الماء ۔ ع بفتح اول و ثانی و ضم سین مہلہ و سکون لام با میم و الف ممدود ہ ف سبزی ست مانند دانہ عدس کہ بر روے آب شل رنگ پیدا سے شود ۔

تمیق الرار المہلہ

عدرس م ۔ بفتح اول و ثانی و کسر سین مہلہ و ضم میم و سکون رار مہلہ ف مشک تلخ ل نیمو زن دانہ حنظل و دو وزن عدس یا دکھ جالی

تمیق السین المہلہ

عدس ۔ ع بفتح اول و ثانی و سکون سین مہلہ ف نو سرخ ہ غلہ مسور طب ع فرنیدح ب ی ۲ پوست ا ی ح ا مقشر ب ۲ گویند ای ۳ ق ا نفخ سپید ہیں کہ نیم کوفتہ شود و در آب پیاز شود و ضر زبانہ و معتدل باشد یا نافع

تفسیق الذال المعجمہ و تمیق الراء

عذ بیع ۔ بفتح اول و سکون ذال معجمہ و فتح موحدہ و حیوانا م عہ جزمانج و ثمرۃ الطرفاہ جھوٹی مائیں ۔

تفسیق الرار المہلہ و تمیق الالف

عرطنیثا ۔ بفتح اول و سکون رار مہلہ و فتح طار مہلہ و کسر نون و سکون تحتانی با ثلثہ و الف ف جو کلیب اشنان ل زراوند طویل ۔

عروق حمرا ۔ ع بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر قاف و ضم حار مہلہ و سکون میم با رار مہلہ ثانی م فوہ درونا س ہ مجیٹھہ ۔

تمیق الموحدہ

عرطب ۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح طار مہلہ و سکون موحدہ م خشک

تمیق الرار المہلہ

عرار ۔ ع بفتح اول و ثانی و الف و رار مہلہ ثانی م بابونہ ۔

عرعر ۔ بفتح ہر دو عین مہلہ و سکون ہر دو رار مہلہ ف سرا کوہی و درخت دہل طح ۳ ی اق ملطف خ سرخ نو ش نیم مثقال ص ملوطل جوز السرو ۔

عرق الکافور ۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم قاف و لام با کاف و الف و ضم فا و سکون واو ف زرنباد ۔

عروق الشجر ۔ بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم قاف و فتح شین معجمہ مشددہ و جیم و رار مہلہ م کند رو گویند عروق الصباغین ۔

عروق الصفر ۔ ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم قاف و کسر صاد مہلہ مشددہ و سکون فا و رار مہلہ ثانی و آن دو قسم است بزرگ و زرد چوبہ و خرد وی ماہیران ہند از سوچ جہ ماہد و ہلدی ط ح ی ۲ گویند ۲ ق محلل الف مدرخ سخت شکنندہ ش نیم درم ص تر ص کافور ل نیم وزن ماہیران یا نیم وزن عاقرقرحا ۔

تمیق السین المہملہ

عرق البس – ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر قاف و الحانی والف و کسر موحدہ و سکون سین مہملہ ف رنگباری۔

تمیق الضاد المعجمۃ

عرمض – ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و سکون ضاد معجمہ ف زنگ و سبزی کہ بر آب بہم رسد۔

عروق ابیض – ع بضم اول و سکون ثانی و واو و کسر قاف و فتح ہمزہ و سکون موحدہ و فتح تحتانی م بوزیدان۔

تمیق الفاء

عصف – بفتح اول و سکون ثانی و فتح صاد مہملہ بیکولنہ خام کمافیطوس ف نانش دارد۔

عرف بجدی – بضم اول و ثانی ع قصب ف نے۔

عروق الاصف – ع بضم اول و ثانی و سکون راو و ضم قاف و سکون لام و ہمزہ و فتح صاد مہملہ ف پوست بیخ طرح ی خ باریک ش نیم مثقال ص عسل ل درادویہ سبز زرد چہار دانگ وزن آن حلتیت با سکنجبین۔

تمیق القاف

عروق – ع بضم اول و ثانی و سکون راو ف بیخہا۔

تمیق الکاف

عروسک – ع بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح سین مہملہ ہ کرم بیر بہوٹی

تمیق المیم

عرصیم یمنی بکسر اول سکون ثانی و کسر صاد مہملہ و سکون میم ف ملح بجانان

عروق دار ہم – بدال مہملہ و الف و سکون راو مہملہ و کسر ہا

و فتح راء مہملہ ثانی و سکون میم ف بیخ بمک۔

عرم – بضم اول و بقولی بفتح اول و سکون ثانی میم ف نوعی از ...

تمیق النون

عرن – بفتح اول و ثانی و سکون نون ف چیز نیست کہ زیادہ میشود و ظاہر میگردد و بزرگی زانو و سم اسپ پیدا شود ع اعظم السبق ہ گھوڑے کا ہے۔

عروق الصباغین – ع بضم اول و ثانی و سکون راو و ضم قاف و فتح صاد مہملہ با موحدہ مشددہ و الف و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ف زرد چوبہ۔

تمیق الہاء

عرو سک در پردہ – ف بضم اول و ثانی و سکون واو و فتح سین مہملہ و کسر کاف و فتح دال مہملہ و سکون راء مہملہ ثانی و فتح موحدہ فارسی و سکون راء مہملہ ثالث و فتح دال مہملہ ثانی و خفا ہا م کاکنج۔

تمیق التحتانی

عرفج بری – بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا و کسر جیم و فتح موحدہ و کسر راء مہملہ مشددہ و سکون تحتانی م ساذج

تمیق الزاء المعجمۃ و تمیق الراء المہملہ

عرز الصغیر و کبیر – بضم اول و فتح زاء معجمہ و سکون تحتانی و ضم راء مہملہ و فتح صاد مہملہ مشددہ و کسر غین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر راء مہملہ و فتح واو و کاف و کسر با موحدہ و سکون تحتانی ثالث م فنطوریون دقیق و غلیظ۔

تمیق السین المہملہ و تمیق الدال المہملہ

عسل القصب و الطبرزد ـ بفتح اول و سین مہملہ و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح قاف و صاد مہملہ و کسر موحدہ و فتح واو و طا مہملہ و موحدہ ثانی و سکون را مہملہ و فتح زا معجمہ و سکون دال مہملہ ام شیرہ نیشکر و شیرہ نبات ہ رس طرح ر ـ

عسل داود ـ بکسر لام با دال مہملہ و الف و ضم ہمزہ و سکون واو و دال ثانی ام

تمیق اللام

عسل النحل ـ ع بفتح اول و ثانی و ضم لام و فتح نون مشدد و سکون حا مہملہ و لام ام شہدہ معہود مد طرح ی ۲ ق مل و عمل او سال خرخ صادق الحلاوت خوشبوی سپید سرخی مائل ربیعی بعد ازان صیفی ش دوا و قیہ و در معجون دو برابر ادویہ تا سہ برابر ص اہ رود بو فیکرو حامن اتح خل اسا مفیخیر

تمیق التحتانی

عسل البنی ـ بفتح لام ثانی و موحدہ و کسر نون ام میعہ سائلہ ـ

تنسیق الشین المعجمۃ و تمیق الرار المہملہ

عشر ـ بضم اول و سکون شین معجمہ و را مہملہ از تیوعات است درخت اکہ طرح ہی ہہ ق از شکرا ودود رم ص نشستن در آب سرد ل شیرم ـ

تمیق القاف

عشرق ـ بضم اول و ثانی و سکون را مہملہ ف مردار سنگ

تمیق الہاء

عشقہ ـ بفتح اول و کسر ثانی و فتح قاف ہا ف نوعی از لبلاب

تنسیق الصاد المہملۃ و تمیق الالف

عصارہ مامیثا ـ ع بضم اول با صاد مہملہ و الف و فتح را مہملہ و ہمزہ ملینہ با میم و الف و کسر میم ثانی و سکون تحتانی با مثلثہ و الف ثالث م شیاف مامیثا ـ ب ی اح رزدسبک ل حضض یا پوشش زردی ـ

تمیق الموحدہ

عصاب ـ بضم اول با ثانی و الف و موحدہ م شیرطرح ـ

عصب ـ بفتح اول و ثانی و سکون موحدہ ف پی اس و پیٹھ ـ

تمیق الفوقانی

عصارۂ غافث ـ بضم اول با ثانی و الف و فتح را مہملہ و ہمزہ ملینہ با غین معجمہ و الف و سکون فا و فوقانی ف فشردہ غافث ل یک مثقال اسنتین ش یک مثقال آ

تمیق المثلثہ

عصارۂ طراثیث ـ بہمزہ ملینہ و فتح طا مہملہ و را مہملہ و الف و کسر مثلثہ و سکون تحتانی و مثلثہ ثانی ف فشردہ طراثیث ل عصارۂ فرفیون

تمیق الجیم

عصارۃ التبج ـ ع بضم فوقانی و سکون لام و فتح با موحدہ و سکون ف افشردہ بزر التبج ل عصارۂ عو سیح ـ

تمیق الدال المہملہ

عصارۂ خشخاش اسود ـ بہمزہ ملینہ و فتح خا معجمہ و سکون شین معجمہ اول و کسر ثانی و فتح ہمزہ و سکون سین مہملہ و فتح واو با دال مہملہ ف افیون ـ

تمیق الرار المہملہ

عصفر ـ ع بفتح اول و بضم نیز و سکون ثانی و فتح فا و سکون را مہملہ ف گل کاشندہ قسم کا پھول طرح ی ۲ ق مجلی خ سرخ نو ـ

ص روغن بنفشہ ل زہرۃ الالمبج یا اُردو سفر جل ہ
عصفور ع بفتح اول و سکون ثانی وضم فا و سکون واو و را
مہملہ ف کنجشک ہ خانگی چڑیا و گڑ گڑیا ط ح ی ح ج صیدی

تمیق الزار المعجمہ

عصارۃ شجرۃ الجوز - بفتح شین معجمہ و جیم و زا مہملہ و ضم فوقانی و سکون لام و فتح جیم ثانی و سکون واو ف افشردہ درخت گردگان ل مرزنجوش -

تمیق السین المہملہ

عصارۃ السوس - بضم فوقانی و سین مہملہ شدد و سکون واو و سین مہملہ ثانی م رب السوس ب شیرازی آب خشک شدہ مہک ط ح ر -

عصارۃ انبر باریس - بفتح ہمزہ و سکون نون و فتح موحدہ و سکون را مہملہ ثانی و موحدہ با الف و کسر را مہملہ ثالث و سکون تحتانی ف افشردہ زرشک ل دو زان آن زرشک منقی -

عصارۃ لحیۃ التیس - بکسر لام و سکون حا مہملہ و فتح تحتانی و ضم فوقانی و فتح فوقانی شدد ثانی و سکون تحتانی ثانی ف افشردہ درخت سرس ح تازہ ل آقاقیا -

تمیق الظاء المعجمہ

عصارۃ القرظ بسکون لام و کسر قاف و سکون را مہملہ اقاقیا

تمیق اللام

عصارۃ المثل ع بسکون لام و کسر میم و سکون شلثہ و لام ثانی عصارۃ السوس ص رب السوس -

تمیق النون

عصارۃ افسنتین - بفتح ہمزہ و سکون فا و فتح سین مہملہ و سکون نون و کسر فوقانی و سکون تحتانی و نون ثانی ف افشردہ افسنتین ص ریوند چینی ل سہ وزان آن از ورق آن

عصارۃ شقائق النعمان بفتح شین معجمہ و قاف با الف و کسر تحتانی و ضم قاف ثانی و فتح نون مشدد و سکون عین مہملہ با میم و الف و نون ثانی ف افشردہ لالہ ل عصارۃ بخور مریم -

تمیق الحار

عصبہ بضم و فتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و حتار ا م ریحان سلیمان گویند لبلاب -

عصفیرہ - بفتح اول و سکون ثانی و کسر فا و سکون تحتانی و فتح را مہملہ و ہا ف خیری زرد -

تمیق التحتانی

عصی الراعی - ع بفتح اول و ثانی و الف مقصورہ و را مہملہ مشددہ و الف و کسر عین مہملہ و سکون تحتانی ف ستہ ہ لال ساگ ط ب ۲ ی ۳ گویند رخ لبتانی سرخ ہاں سیاہی ص صندل ل عنب الثعلب -

تمیق الضاد المعجمہ و تمیق الفوقانی

عضات - بفتح اول و ضاد معجمہ و الف و فوقانی ف بر درختیکہ خارناک بود آن را بدین نام خوانند -

تمیق السین المہملہ

عفص بفتح اول و سکون ثانی و کسر را مہملہ و سکون سین مہملہ ال فارس خطمی بری خوانند -

تمیق اللام

عضل - ع بفتح عین مهمله و ضاد معجمه مفتوحه و لام م عضله ف شنگک ماهیچه گویند چیزیست در بدن حیوان که قریب بمفاصل و اعضاء متحرک آن میباشد و بسبب تمدد و حرکت اعصاب تعلق دارد آن میباشد و آن مرکب از لحم و رباطات و اعصاب و عروق و غشاءست طط گرم و تر ص ادهان و ابازیر معتدله -

تمیق الیاء

عضایه - بفتح اول و ثانی و الف و فتح تحتانی م ضب -

تنیق الطاء المهمله و تمیق الموحده

عطب - ع بضم اول و طاء مهمله و سکون موحده ف پنبه

تمیق الدال المهمله

عطارد - بضم اول با ثانی و الف و کسر راء مهمله م سنبل رومی -

تمیق اللام

عطفل - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح فاء و سکون لام بد خشک

تنیق الظاء المهمله و تمیق المیم

عظلم - ع بفتح اول و بقولی بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام ف درخت نیل

عظم - ع بفتح اول و سکون ثانی ف استخوان ه ہا ڈ طب ی ۲ ق مجفف خ سخت کلوک ص بزر قطونا ل صدف

تمیق الیاء

عظایه - ع بفتح اول با ثانی و الف و فتح تحتانی و بلغت حیوانیست مانند سام ابرص گویند نراد و ذکرست ہے دو اور راد و فرج -

تنیق الفاء و تمیق الصاد المهمله

عفص - ع بفتح اول و سکون فاء و صاد مهمله ف مازو ه ... طب ۲ گویند ای ۳ گویند ۲ ق قابض ... خ

تنبیه ... و ... حب الآس و قشور الرمان و بلیلج اصفر ... همه مانند کمید گراند و طبیعت -

تنیق القاف و تمیق الموحده

عقاب - ع بضم اول با قاف و الف و موحده ف الہ و آلوه طح ی -

عقرب - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح راء مهمله ف کژدم ه بچهو طب ی ق شکننده سنگ مثانه خ زان ضعیف ... لاغر از آلوده باشد و نیش او سطر بش از سوخته او یک دانق ... و الحلتیت و گل ارمنی و تخم کرفس ل جهت حصات خون تیس ...

عقید العنب - ع بفتح اول و کسر قاف و سکون تحتانی و ضم دال مهمله و سکون لام و کسر عین مهمله و فتح نون ف ربّ شباب انگور

تمیق الراء المهمله

عقار - ع بضم اول با ثانی و الف م خمر ف شراب -

تمیق القاف

عقعق - ع بفتح عینین و سکون قافین ف فالیجه ه ... ح ای ... از طیور معروفه و از کلاغ املی کوچکتر و خوش منظر -

عقیق - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ف سنگیست مشهور طب ی ا ق مجفف خ یمنی بسیار سرخ شفاف شد ... رم ص تخم کدو و کتیرا ل کہربا -

تمیق المیم

عقار ادم - بضم اول با ثانی و کسر راء مهمله و همزه و فتح دال مهمله ع ...

تمیق النون

عقارکوهان رومی بضم اول با ثانی زای و کسر رار مهمله و ضم کاف و واو مجهول با الف ثانی و نون م عاقرقرحا۔

عقربان بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار مهمله و موحده و الف و نون م اسقولوقندریون ف زنگی دارو۔

تمیق التحتانی

عقرب بحری۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار مهمله و کسر موحده اول و فتح موحده ثانی و سکون حار مهمله و کسر را مهمله و تحتانی ف کژدم دریائی و آن ماهی است که بر سر وی خاری بود که بدان می زند و بگزده سینگی مچھلی۔

تمیق الکاف و تمیق الموحده

عکوب۔ ع بفتح اول و ضم کاف و سکون واو و موحده م کنگر۔

عکرب۔ بفتح عین و سکون کاف و فتح رار مهمله و بار موحده م نوعی از خرسف بری است۔

تمیق الفوقانی

عکرالزیت۔ ع بفتح اول و ثانی و ضم رار مهمله و فتح زار معجمه مشدده و سکون تحتانی و فوقانی دردی زیت خ کهن۔

تمیق الرار المهمله

عکبر ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون رای مهمله ف موم سیاهی نحلی شیرازی بر مرد گویند و سنج الکوز همین است ش یک مثقال تا دو مثقال۔

تمیق السین المهمله

عکرس۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار مهمله ارنب

تمیق الکاف

ذکلک۔ ع بفتح اول و ثانی و سکون کاف ثانی م سعد۔

تمیق الشار

عکلمه۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و خفار بام سونجان

تمیق اللام و تمیق الموحده

عملیق الکلب۔ ع بضم اول و فتح لام و سکون تحتانی و ضم کاف و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث ف درخت سنگلاخ عصاره وی که در آفتاب خشک کنند الکشوت المصری

تمیق الثلثه

علشث۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و مثلثه ف کاسنی بری

تمیق السین المهمله

علک یالبس۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر کاف با تحتانی و الف و کسر موحده م فلونیاست و آن نوعی از رانتیج است ب زنگباری۔

علوفس بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسر فار ع سپاره جرز

علس بفتح عین و لام و سین مهمله ف گندم که خطا سرخ و تر

تمیق الطار المهمله

علک الانباط۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام و فتح همزه و سکون نون و فتح موحده و الف ف صمغ البطم م سقز صمغ درخت خنجک طرح می گویند ب اق سنفج مغلل خ زرد معتدل القوام لقدر لیح ضغ مضغه بسنیح مود دل مصطگی

تمیق القاف

علق۔ ع بفتح اول و ثانی و سکون قاف زلو طب رقی جاذب خون خ انچه در آب شیرین بیاشد صاف شنید خاکستر ان معقول خراطین

علیق ـ ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و قاف ف نے ز ر و بشیرازی توت سہ گل ط ب ا ی ۲ ق قابض خ ترو زہرہ شش از پنج او دہ درم ص پنج مہک ل شگوفہ انار ـ

تمییق الکاف

علک ـ ع بکسر اول و سکون ثانی و کاف فہ صمغی کہ زنان خایند

تمییق المیم

علقم ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون میم م حنظل و گویند قثاء الحمار و ہر چہ تلخ بود آن را علقم خوانند ـ

علکۃ البطم ـ ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم کاف و سکون لام ثانی و ضم موحدہ و سکون طاء مہملہ م سقز گویند صمغ درخت بطم ست ط ۲ گرم و خشک ص عسل ش یک مثقال ـ

تمییق التحتانی

علسی بفتح اول و ثانی و کسر سین مہملہ و سکون تحتانی م صعتر ـ

علک بغدادی بفتح موحدہ و سکون غین معجمہ و دال مہملہ و الف و کسر دال مہملہ ثانی م مصطگی خ سفید مائل بزردی ـ

تمییق المیم و تمییق الجیم

عملج ـ بفتح اول و سکون میم و فتح لام و سکون جیم ف نوعی از خربزہ کہ پوست او تلخ و سبز بود و اہل اصفہان با تخم خورند ہم خربزہ زمستانی ـ

تمییق الدال المہملہ

عمزود بفتح اول و سکون ثانی و میم و فتح زاء معجمہ و سکون واو و دال مہملہ ف گردگان تر

تمییق الراء المہملہ

عمارہ بفتح اول و ثانی مشدد و الف و راء مہملہ فنبہ (؟) ...

تمییق النون و تمییق الالف

عنقا ـ بفتح اول و سکون ثانی با قاف و الف م سیمرغ

تمییق الموحدہ

عناب ـ ع بضم اول با ثانی مشدد و الف و موحدہ ف جیلان سیلان و ولایتی بیر ط سع گویند خ و را گویند ب ا ق ملین خ جر جانی تازہ گرم ناخوردہ شیرین ش مطبوخ بازردہ قیس سنگ ل کشمش یا سویز تعنیکی وزن آن با سپستان

عنب الثعلب ـ ع بکسر اول و فتح ثانی و ضم موحدہ و فتح مثلثہ مشددہ و سکون عین مہملہ ثانی مشدد و فتح لام ف روباہ تربک ہ کو بدکا کا جہی ط ب را گویند ۲ گویند سرخ را ق رادع خ زرد تازہ ص قند یا عسل ل سا و ادرار یا اطباط ـ

عنب ـ ع بکسر اول و فتح ثانی و سکون موحدہ ف انگور ہ داکہ ط پوست او ب ی و گوشت او ح دانہ او ب ر ق تغذی مجلل خ سپید رقیق شیرین ص حلغبین ل ناب ـ

عندلیب ـ بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و کسر لام و سکون تحتانی ف مرغ ہزار داستان ـ

تمییق الفوقانی

عنبروت ـ بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ و ضم راء مہملہ و سکون واو م خردل ہ رائی ـ

عنزروت ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمہ و ضم راء مہملہ و سکون واو فوقانی ہم انزروت ـ

عنکبوت ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم موحدہ و سکون واو کارتہ و دیوپای مکڑی ط ح ق نسج ح ابچہ تنیدہ او

سفید با شهد عسل سرکه و زردی و روغن گل ارل اسفنج -

تمییق الدال المهمله

عنجد - ع بضم اول و سکون ثانی و ضم جیم و سکون دال ف دانه مویز -

تمییق الراء المهمله

عنبر - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون راء مهمله چیزیست مشهور طبع ۲ می رای ۲ تقوی دماغ و دل باخ اشهب چرب سفید ست سبک ش دانگی ص صمغ عربی یا بو بیدن کافور و خیار دود انگی زبان آن مشک دانگی یا دانگی زعفران یا بوزن آن مشک و مرزعفران -

عنقر - بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف هم مرزنگوش -

تمییق القاف

عناق - بفتح اول و ثانی و الف و قاف هم بزغاله -

تمییق اللام

عنصل - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم صاد مهمله و سکون لام هم اسقیل ف پیاز موش هم پیاز دشتی و کشنده موش ه کاندا -

تمییق المیم

عندم بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله هم بقم -

عنم - بفتح اول و سکون ثانی بلغت دیلم و شاخ درختی است که شاخ ها ی آن سرخ است و گویند حلنار است که بفارسی گلنار گویند از شاخهای درختان سرو و بید و غیره منو مه است -

تمییق البار

عنبه الحجیه - ع بکسر اول و فتح ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح مهمله و تحتانی مشدده و خار ها ف ثمر هزار چشان ثمر کبر را نیز گویند

تمییق الواو و تمییق الموحده

عود الصلیب - ع بضم اول و سکون واو و ضم دال مهمله و فتح صاد مهمله مشدده و کسر لام و سکون تحتانی م فاوانیا این چیزیست که در گردن کودکان آویزند -

تمییق الجیم

عود الفالوذج - بسکون لام بانذ الف و ضم لام ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله ف شنکار -

عود الوج - ع بسکون لام و فتح واو ف چوب گره بچ -

عوسج - ع بفتح اول و سکون واو و فتح سین مهمله و سکون جیم نوعی از علیق ست و نوعی از درام غیلان ست و چین خشک شود آنرا ضریع خوانند طب ۲ ق ر ادع خ بیابانی سبز ورق حکمی که بر آنها مصطگی گل سرشته با فوفل حبت و رمهای گرم با علیق -

تمییق الحاء المهمله

عود الریح - ع بکسر راء مهمله مشدده و سکون تحتانی اسمیست مشترک بزبان شام فاوانیا و بزبان مصر ماميران و نام قشر اصل انبرباریس که آن را بربری از غیش خوانند و عود الریح انبرباریس را بدین اسم خوانند -

عود القرح - ع بسکون لام و فتح قاف با راء مهمله م عاقر قرحا -

تمییق الراء المهمله

عود الیسر - بضم یاء مثناة تحتانیه و سکون سین مهمله م حجر انار عروس است -

تمییق السین المهمله

عود العطاس - ع بسکون لام و ضم عین مهمله با طاء مهمله مشدده و الف هم کندش ه چهکنی -

تمیق النون

عود بلسبان - ع بکسر دال مهمله وفتح موحده وسکون لام وسین مهمله والف ونون ف چوب بلسان ط ح ی بر خ الملس مرخو مشبه شش نم مثقال کتر ال حب بلسان -

تمیق الهاء

عود الدرقه - ع بفتح دال مهمله مشدد وسکون راء مهمله وفتح قاف وهاء ف بیخ انگدان -

عود الحیه بفتح حاء مهمله ویاء مثناة تحتانیه مشدده وهاء هم بابونج است که در طلوع بر بدن دوان بیم میرسد شبیه بسوسن ط م گرم خشک

تمیق التحتانی

عود هندی - بکسر هاء وسکون نون وکسر دال مهمله تانی ه اگر از عود جدا سازند ط ح ی ۲ ق مقوی مصلح معده مقوی دماغ ودل خ صندلی ش از نیم درم تا یک درهم دو درم ق ورق گل سرخ ل ورد نکم بستن صندل زرد ودر مصاحبین دو دانگ وزن آن راحینی دو دانگ وزن آن زعفران دو دانگ وزن آن زرانبا مرجح دگویند مصطگی و سنبل -

عیسیق الهاء و تمیق النون

عهن - ع بکسر اول وسکون هاء ونون ف در صوف و پشم -

عسیق الیاء التحتانی و تمیق الموحده

علیسونها - ع بفتح اول وسکون تحتانی وضم سین مهمله وسکون واو وموحده هم اذان الفار و باد شله ز فورا ان عسل از بین اسم خوشنا

علین الدب - ع بفتح اول وسکون ثانی وضم نون ودال مهمله مشدده هم حشیشه خرس -

تمیق الدال المهمله

عین الهدهد - ع بسکون لام وضم هر دو هاء وسکون هر دو دال مهمله اسم نباتیست افریقیه که معروفست باران الفار رومی -

تمیق الراء المهمله

عیون السرطان - ع بضم اول تانی وسکون واو وضم نون وسکون لام وفتح موحده وقاف وسکون راء مهمله نزد اهل مغرب اندلس ازعبای صنوبر و گویند انگور سیاه کلان که صادق الحلاوت نیست

تمیق الطاء المهمله

عیدان الصنوبر - ع بکسر اول وسکون تانی ودال مهمله والف وضم نون وسکون لام وفتح موحده وسکون طاء مهمله وفتح موحده ثانی والف وطاء مهمله ثانی ساکن ف چوب بست -

تمیق المیم

عیشام - ع بفتح اول وسکون ثانی مثلثه والف ومیم ف درختیست

تمیق النون

عیران یهودی - بکسر اول ثانی مجهول وزاء معجمه باراء مهمله والف هم قسمی از زعرور ط ب ی ۲ ق قابض جمیع آنچه از سیب دهد ص عسل لسان ثور جبل -

عین - ع بفتح اول وسکون ثانی ف چشم ه آنکهه دیده عیون جمع عین است وآن عضویست از اعضای معروفه حیوان ط گرم در ص نمک وصعتر -

علیون - بکسر عین سکون یاء مثناة تحتانیه وضم نون وسکون واو و دال نباتیست بسیار تلخ وآن دو نوع است یکی کهلا کهمان وسلیس ونه دیگر آن که یک تنه برگ مورد و نوع دوم برگ آن خوشبو مانند مرزنجوش

تمییز الیاء

عیون الدیکة ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم نون و کسر دال مهمله مشدد و سکون تحتانی ثانی و فتح کاف و خفا ها ف چشمک خروس و به هندی گهونگچی و رتی طح ی -

ترقیم الغین المعجمة و تمییز الالف

غالاوطا - یونانی بغین معجمه و الف و لام و الف ثانی و ضم لام ثانی و سکون واو با طاء مهمله و الف ثالث با قلامے قبطی -

تمییز الفوقانی

غافث بفتح غین معجمه و الف و فتح فا و تاء مثناة فوقانیه یا بکسر فا او فوقانی و بضم مثلثه نیز آمده گیاهیست خاردار که از کوهستان هم نیز آورند و برگ آن دراز و عریض و طولانی و در غیب وساز وسط برگهای آن شاخی مجوف خشن روئیده و گل آن لاجوردی رنگ دراز شکل و باریک شاخ بدرازی یک گز و گل شاخ و ورق بسیار تلخ باشد چون صبر و آنرا کل خلر گویند طح اسی یا سیوم گویند مع ح ی ق مفتح و مقوی کبد خ فارسی که از کوهستان همالی نیز آرند ش نیم مثقال ص انیسون با درد ل اسارون و نیم وزن آن افسنتین -

تمییز الراء المهمله

غار بفتح غین معجمه و الف و سکون راء مهمله مشهور است بهمین نام طح ی ۳ ق محلل ملطف خ ورق او در بی آس نیم مثقال ص طباشیر ل برگ سبز باشونیز -

تمییز الزاء المعجمه

غاز بفتح غین معجمه و الف و زاء معجمه ف نوعی از مرغابی بزرگ چشم ط گرم و تر در چهار درجه -

تمییز الزاء الفارسی

غاژ ف بزاء فارسی هم خمار -

تمییز السین المهمله

غاغالس - بفتح هر دو غین معجمه و هر دو الف بعد از هر یک و ضم لام و سین مهمله نباتیست المس برد برگ آن خیبری و سفید مانند گل تبت و بیونانی منتن الرائحه گویند ط گرم ۲ خشک گرم

تمییز الشین المعجمه

غاشن ف خوشه غوره و بتازی گرچهت تخم نگاهدارند
غاوشن ف بضم واو هم غاشن -

تمییز اللام

غاسول ع بضم سین مهمله و سکون واو هم اشنان -

تمییز النون

غادیقون - بفتح غین معجمه و الف و کسر راء مهمله و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو چیزیست شبیه به بیخ اوسپید و قطر طح ای ۳ ق ن مفتح و مقطع مسهل بلغم و سواح سفید زود ریزنده ش از یک درم تا دو دانگ و گویند از نیم درم تا یک مثقال ص سکنجبین یا مصطکی ل ترید در مسهلات بلغمی سه دانگ تربد دو دانگ بوزن افتیمون ده یک وزن آن حجر ارمنی سفید با نیم وزن افتیمون با نیم وزن صبر -

غالیون - یونانی هم عاقد اللبن نباتیست ایستاده ط گرم ۲ خشک ۲

غاموین دیو هیست خوشبو سبز و باریک مانند برگ پودینه و یونانی کبی منجمد کننده شیر

تمییز الواو

غاوشو - ف بسکون واو و ضم شین معجمه و سکون واو ثانی هم غاش غاو - ف گاگور.

تمییز الهاء

غازه - ف بفتح زاء معجمه و خفاء ها سرخی ست که زنان بر روی مالند و آن را گلگونه نیز گویند.

غاغه - غالی بفتح عین معجمه ثانی هم فودنج -

غالیه - ف بفتح غین معجمه و الف و کسر لام و فتح تحتانی مرکبی ست معطر از مشک و عنبر و کافور و روغن بان و ارگجه طح ۲ می‌آ

ف نیند و تقوی دماغ حس کنتقال ص کا فور لسان اللون در روغن بان.

تمییز التحتانی

غازی - ع بکسر زاء معجمه و سکون تحتانی هم حرب روده

تمییز الباء الموحده و تمییز الالف

غبار الرحا - ع بضم اول باء موحده و الف و ضم راء مهمله مشدده ثانی با حاء مهمله و الف ثانی ف گرد آسیا -

غبیرا - ع بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی با راء مهمله مقصور درختیست بزرگ ثمر درخت عناب طب می‌گویند صمغ ی

ف نابضج خ ابحیر گوشت فربه باشد صمغ فاندل ببق

تمییز الباء الفارسی و تمییز الالف

غبک - ف بفتح اول موحده فارسی هم گیاه لوحی که از آن بوریا بافند

تمییز الدال المهمله و تمییز الواو

غدو - بفتح اول و ضم دال مهمله ف شاه و سیجان -

تمییز الراء المهمله و تمییز الالف

غرسا - بفتح اول و سکون راء مهمله با سین مهمله و الف هم راسن

تمییز الموحده

غرب - ع بفتح اول و ثانی هم درختیست که آن را بیونانی الطاعیسا و بشیرازی وزک با صفهانی بشک و تنکابن و دیلم او جا گویند و او را اخار با بود و قطران از وی حاصل شود هم درخت بید است

ع ابل طب ای هاگویند پوست سوخته او و بیخ او ح ۲ حی بواق مجفف خ صمغ وی حص جلاب ل صفصا -

غربیب - بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و سکون تحتانی ف نوعی از انگور سیاه -

تمییز الجیم الفارسی

غرمج - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر میم هم سیاه دانه -

تمییز الدال المهمله

غر الجلود - ع بفتح اول و ضم ثانی مشدد و سکون لام و ضم جیم و لام ثانی و سکون واو ف سریشم طح می ۲ -

غرد - ع بکسر اول و سکون ثانی هم نوعی از کماة -

غرقد - بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف هم نوعی از عوسج -

تمییز الراء المهمله

غرر - بفتح اول و ثانی هم رصی نوعی از عصی الراعی که معروف است بلوه

غرز - ع بکسر اول هم نوعی از سار و غ -

تمییز السین المهمله

غرانوس - ف بفتح اول و سکون ثانی با میم و الف و ضم نون و سکون واو هم زرغون کریج بخشش کوهی آن ع فرقبر جاء است -

غرواش - ف بفتح اول و سکون ثانی با واو و الف هم رنجبیل شامی عرق ریشه

تمیق الکاف

غز السمک ع بفتح اول ضم ثانی مشدد و فتح سین مہملہ مشدد
و میم ف سرشم ماہی طح ی خ سفید خشن۔

تمیق المیم

غوم ف بضم اول و ثانی ام گبش دشتی و گوسفند بیشه دشتی۔

تمیق الهاء

غرد اشتہ ع بفتح اول و سکون ثانی با زاد و دال الف و فتح شین
معجمہ و خفا رہا م زنجبیل شامی و گویند بندھی ہ کوانجہ۔

تمیق التحتانیہ

غری ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی فصبا سریشم
پوست گاو یا گاومیش را در آب می پزند و صاف نمایند
قرص سیار زند طح ی ۲ ق مغری مجفف خ سفید
ساکن بیش بند رم ص طبیخ الاصول ل در فتق رفت۔

تمیق الزاء المعجمہ و تمیق اللام

غزال ع بفتح اول و زاء معجمہ مشدده الف و لام ف سنبر
بزو بکسر اول و ثانی مخفف ف آہو رہ ط ۲ گرم و خشک
سریع الہضم و مجفف و قلیل الغذا ل سکنجبین۔

تمیق الزاء الفارسی و تمیق الالف

غزغاو غزگا ف بفتح اول و سکون زاء فارسی در
لغت اول و کاف فارسی در لغت ثانی ہم گاوے
کہ در کوہہای مابین ملک خطا و ہندوستان پیدا
شود و دنبہ کی آنرا قطاس خوانند و سرہ گاے۔

تمیق الہمزہ

غزب ف بضم اول و سکون ثانی فارسی ہم دانہ انگور کہ
شیرہ و نکس یعنی تخم انگور کہ در میانش باشد۔

تمیق المیم

غزم ف بضم اول و سکون ثانی فارسی ہم غزب۔

تمیق الواو

غزغاو و غزگاو ف سرہ گاے۔

تمیق السین المهملہ و تمیق الالف

غسا بفتح اول و سین مہملہ ہم البح۔

تمیق الجیم

غسلج بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ہم عرطنیسا

تمیق الکاف

غساک بفتح اول و ثانی و الف ہم گیاہ پیجان کہ عشقہ گویند
غسک ف بفتح اول و ضم ثانی ہم کرمہ گھٹل۔

تمیق اللام

غسلی بفتح اول و ثانی نیز خطمی۔

تمیق الشین المعجمہ و تمیق الراء

غشر ف بفتح اول و فتح شین معجمہ و خفا رہا م رگ سے صحرائی

تمیق اللام و تمیق الالف

غلوفریا یونانی بضم اول و لام و سکون واو و کسر فا و سکون
تحتانی و کسر راء مہملہ با تحتانی یا نی و الف ع اصل السوس منتہی
غلیلجن اغزیا سریانی بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و کسر جیم
و سکون نون و فتح ہمزہ و سکون غین معجمہ ثانی و کسر راء مہملہ با تحتانی
ثانی ہم مشکطر امشیع ف پودنہ کوہی غلیلجن و غزیا کوہ

تمیق الجیم الفارسی

علیچ - بفتح اول و ثانی و سکون یا و جیم فارسی م زنبور سرخ

تمیق الزاء الفارسی

علیواژه - بکسر اول و ثانی و تحتانی مجہول با واو و الف و ژه م چیل

تمیق النون

غلیجسن - سریانی و ف بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و کسر جیم م پودینہ جبلی

تمیق الہاء

غلیبہ - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحدہ فارسی و خفاء ہا م جانوریست کہ [illegible]

غلیتہ - ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فوقانی م گیاہے کہ از ان جوال سازند -

تمیق المیم و تمیق الکاف

غمخورک - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم خاء معجمہ و واو مجہول و فتح راء مہملہ و سکون کاف م جانور بوتیمار -

تمیق اللام

غملول - بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو م [illegible] عربی جزند و بجند و بشیرازی سبزه و سوده و باصفہانی موجہ گویند

تمیق المیم

غمام - بفتح اول و سکون ثانی و الف م اسفنج -

تمیق النون و تمیق الراء المہملہ

غنجار و غنجر - ف بفتح اول و سکون نون با جیم و الف و راء مہملہ در لغت اول و فتح جیم در لغت ثانی م غازه -

تمیق الشین المعجمہ

غنجرش و غنجہرش - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و کسر راء مہملہ و سکون شین معجمہ در لغت اول و فتح جیم و کسر راء مہملہ در لغت ثانی م غوک -

غندماش - ف بضم اول و سکون ثانی و دال مہملہ با میم و الف م لوبیا

تمیق الکاف الفارسی

غنگ - ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی م تریزه

تمیق اللام

غنجال - ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم و الف م میوه [illegible]

تمیق الہاء

غنجاره و غنجره - ف بفتح اول و سکون ثانی با جیم و الف و فتح راء مہملہ و خفاء ہا در لغت اول و فتح جیم و راء مہملہ در لغت ثانی م غازه

غمده - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح دال مہملہ [illegible] -

تمیق التحتانی

غنقیلی - بضم اول و سکون ثانی و کسر قاف و سکون تحتانی و کسر لام و سکون تحتانی ف شلغم -

تمیق الواو و تمیق الالف

غوشا - ف بضم اول و واو مجہول با شین معجمہ و الف م سرگین حیوانات و خوشہ انگور و خرما و جو و گندم و امثال آن -

تمیق الدال المہملہ

غوشاد - ف بضم اول و ثانی مجہول و شین معجمہ و الف ف سرگین حیوانات -

تمیق الشین المعجمہ

غوشش - ف م سرگین حیوانات -

تمیوت الکاف

غوشاک - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح شین با الف ہم عوشلہ
غوک - ف بضم اول و ثانی مجہول ف کبھ ہ مینڈک -

تمیق الہار

غورہ - ف بضم اول و ثانی مجہول و فتح راء مہملہ و خفارہا
اول ہر میوہ و آن را حصرم نیز خوانند -
غنزدہ بفتح زاء معجمہ بمعنی شگفتہ کہ در غلاف باشد بزار فارسی باہم غنچہ -
غوشتہ و غوشہ - ف بضم اول و ثانی مجہول و سکون شین معجمہ و
فتح فوقانی در لغت اول و فتح شین معجمہ و حذف فوقانی در
لغت ثانی ہم نوعے از کماۃ و فطر -

تمیق الیاء التحتانی و تمیق القاف

غیداق - ع بکسر اول و سکون تحتانی با دال مہملہ و الف
ف بچہ ضب کہ از مرتبہ حل فرار کرد شدہ باشد -

تمیوق المیم

غیم - بفتح اول و سکون ثانی ہم غمام -

تمیق الیاء

غباریہ - بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء مہملہ و فتح تحتانی و خفا رہا ہم غضب الثعلب

باب الفاء و تمیق الالف

فاشرا - یونانی بفاء و الف و کسر شین معجمہ با راء مہملہ و الف
ثانی ہم ہزار چشان و ہزار فشان و کرمہ البیضاء و کرم حبشی ف
و نبتہ شج ی ۳ ول ۲ رعوج و نیم وزن لسبابہ -
فاقیراس - بفتح الف و کسر ثانی و سکون تحتانی
راء مہملہ و الف ثانی ہم بردے -

فاوانیا - یونانی بفاء و الف و واو و الف ثانی و کسر نون با تحتانی
و الف ثانی ہم عود الصلیب شج ی ۲ گویند مع ح ق بادز
مجفف مفتح مدر مقوی دل نفع ستبلر و صرع عسر نفاس
حیض کثیر الی غاریقون و زراوند دحرج بادرنگ بادرنجبویہ انار
و فرو سموم منضر ساق آہو و حزان ہر سہ جمیع شود بدل شود

تمیق الجیم

فادیج - بفتح دال مہملہ و سکون جیم ف سنگیست زرد کہ بہ
سفیدی و سبزی زند ہم پادزہر کانی ۃ زہر مہرہ اربعینی -

تمیق الدال المہملہ

فازد - بفتح زاء معجمہ و سکون دال مہملہ ۃ بابچی -

تمیق الذال المعجمہ

فانیذ - بکسر نون و سکون تحتانی ۃ تباشیر گویند حب گلوی سفید

تمیق الراء المہملہ

فادزہر - ع بسکون دال مہملہ و فتح زاء معجمہ سکون ہا و راء مہملہ
ف پادزہر و زہرداروی کہ حفظ روح و دفع ضرر سم کند بدین
اسم خوانند و آنچہ مخصوص است حجر التیس و حجر الحیہ پادزہر کانی -
فار - ع بفتح اول ف موش ۃ چوہا -
فاغرہ - ف بکسر غین معجمہ گل ریلے ختیا -

تمیق السین المہملہ

فالدرس - ع یونانی بکسر لام و سکون راء مہملہ و ضم
غین معجمہ و سکون واو و سین مہملہ ف مرغ تذلق -
فالاسفلنبوس - یونانی با نون و الف ثانی و کسر فاء
و سکون سین مہملہ و فتح جیم و سکون سین مہملہ ثانی

بفتح قاف ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم نون ثانی و سکون واو هم نوعے از دو قوے کبیر۔

تمیمیٔ الشین المعجمہ

فارہ البنتس - بفتح را مہملہ و ضم فوقانی و سکون لام و کسر موحدہ و تحتانی مجہول و شین معجمہ ف مشن نوش گور

فاغوش - سریانی بالف و ضم غین معجمہ و واو مجہول و شین معجمہ هم شیطرج -

تمیمیٔ الزاء المعجمہ

فاظ - رومی لفا و الف و ظاء معجمہ هم حب دوار -

تمیمیٔ النون

فارسلین - بفتح فوقانی و سکون را مہملہ و کسر سین مہملہ و سکون تحتانی و نون هم اسپندان -

فادن - بفتح دال مہملہ ہ بمعنی وار -

فاشرشنین - یونانی بفتح فا و الف و کسر شین معجمہ و را مہملہ و سکون سین مہملہ و کسر نون و قافیہ و سکون یا تحتانی یعنی دافع [illegible] علت ف سپندان سیاہ هم [illegible] سود و طبع [illegible] شش هم شقال [illegible] زراوندل [illegible] سپاسہ -

فانافسن ابراقیلیون - یونانی [illegible] سپنز مہملہ و فتح [illegible] بار [illegible] الف ثانی و سکون لام و ضم [illegible] سکون واو [illegible]

فانامس حمر [illegible] - یونانی [illegible] الف ثانی [illegible] سین مہملہ و فتح حا مہملہ و سکون میم و ضم را مہملہ

ن و سکون واو و فتح نون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو ثانی ف نوعے از زوفا رکوچک -

تمیمیٔ السین

فاجشمہ - بفا و الف و کسر جیم و فتح شین معجمہ و خفا هم جند بیدستر -

فاختہ - ف بفتح والف و سکون خا معجمہ و فتح فوقانی ہ ہندی ع عرفیہ با گوشت [illegible] شکر و روغن او سرکہ کشنیز

فاعیہ - بفتح فا و الف و کسر عین مہملہ و فتح تحتانی هم فعل ف بیخ نیلوفر ہندی و گویند بیخ اسپند -

فاغیہ - بفتح فا با الف و کسر غین معجمہ و فتح تحتانی و ہاف گل حنا مع حب و بعضے گویند گلے کہ خوشبو است [illegible] نام خوانند و گویند گل را اسے حنا -

فاغرہ - ع بکسر غین معجمہ و فتح را مہملہ ف فاغرہ و [illegible] دہن شگافتہ [illegible] گرم و خشک -

تمیمیٔ الحاء

فاتسنی - بسکون شین معجمہ و فتح را مہملہ و سکون سین مہملہ و کسر نون ف سپندان هم

تمیمیٔ الجیم و تمیمیٔ اللام

فجل - ع بفتح [illegible] سیاہ [illegible] قریب [illegible] مولی [illegible] بفتح [illegible] و [illegible] بتانی [illegible] عسل

[illegible]

فحل [illegible]

[illegible] المعجمہ [illegible]

[illegible]

تمبیق الرار المہملہ و تمبیق الفوقانی

فرست بفتح اول و سکون ثانی و فتح فا ر ثانی و سکون فوقانی ف شاہ سپرغم

تمبیق الخار المعجمہ

فرخ ع بفتح اول و سکون رار مہملہ م جوجہ مرغ۔
فراخ بکسر اول جوزہار مرغ و آن جمع فرخ است۔
فرفخ بفتح اول و سکون ثانی و فتح فار ثانی م بقلۃ الحمقا۔

تمبیق الدال المہملہ

فرزد ف بضم اول و سکون ثانی و فتح زار معجمہ م سبزہ روب۔
فرصاد ع بکسر اول و سکون ثانی و صاد مہملہ و الف ف نرت۔
فرغندسف بفتح اول و سکون ثانی و فتح غین معجمہ و سکون نون ع عشقہ ابرسل۔

تمبیق الرار المہملہ

فرغورف بفتح اول و سکون ثانی و ضم غین معجمہ و واو مجہول م نہبو۔
فرفجیر بفتح اول و سکون ثانی و فتح فار ثانی و کسر خار معجمہ و سکون تحتانی م بقلۃ الحمقا۔
فرفورف بضم اول و سکون ثانی و ضم فار ثانی و سکون واو م فرافورت د بفتح اول و ضم فار ثانی هم بودنہ یا نہبو۔
فرفیر بفتح اول و سکون ثانی و کسر فار ثانی و سکون تحتانی و رار مہملہ ثانی ف بنفشہ و گویند بودنہ یا تیہو

تمبیق الزار المعجمہ

فرزیز بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجہول با زار معجمہ م فرزد

تمبیق الزار الفارسی

فرژ ف بضم اول و سکون رار مہملہ م نسج یار لیوندرس

تمبیق الشین المعجمہ

فرس ف بضم اول و سکون ثانی و شین معجمہ م شیر حیوان نوزائیدہ
فرنیش ف بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجہول م گوشت ریان

تمبیق الکاف

فرتوک ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو م پرستو
فرستوک ف بکسر اول و ثانی و سکون سین مہملہ و ضم فوقانی و سکون واو م مرغ فراشترک۔
فرسک ف بکسر اول و ثانی و سکون سین مہملہ م سفتالو۔
فرنجمشک بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر میم و سکون شین معجمہ و کاف م ریحان قرنفلی ف بالنگو ہی خردہ تلمسی طح ی ۳ خوب بعد از فضج رسیدہ ش از تخم او نیم مثقال ص صندل و گلاب بدل بادرنجبویہ یا نیم وزن قرنفل یا بمام۔
فرنوک بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجہول و فتح واو م عرعزہ۔

تمبیق الیسم

فراخ الحمام ع بکسر اول با ثانی و الف و ضم خار معجمہ و سکون لام و فتح حار مہملہ با میم و الف ثانی و میم ثانی ف کبوتر بچہ گوشت او ح می گویند رس و کرگس و دنیز

تمبیق النون

فراسیون سریانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر سین مہملہ و ضم تحتانی و سکون ثانی و نون ف گندنا کوہی طح ۲ ی ۳ فی تنقیح مقطع مدر ح و سرح تلخ ش از نیم درم تا یک درم ص سنبل الطیب یا صموغ الحارہ دو چہار دانگ وزن آن یا انیسون یا افتیمون با لوزن آن د غسیہ یلدو خیار

فربیون - بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و ضم تحتانی - سکون واو ف شیر درخت زقوم طح ی ہم گویند ح ۳ ق مقوی ملطف مسهل بلغم خ زرد صافی جاوا الرائحه حریف ش از یک قیراط تا دو دانگ بعض دو ام شیرین کتیرا و لعابات و روغنها الا فربیون بیون دو دانگ زن آن چند بیدستر

فرسلون - بفتح اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله و ضم لام و سکون واو و نون م طلق -

فرفیون بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء ثانی و ضم تحتانی و سکون واو م فربیون -

فرفین - بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاء ثانی و سکون تحتانی و نون ف تخم تورک و خرفه -

تمیق الواو

واشتو و وشتو بفتح اول و ثانی و الف و سکون شین معجمه و ضم فوقانی و سکون واو و در لغت اول و کسر اول و ثانی و سکون سین مهمله در لغت ثانی م فراشترک -

فروع بفتح اول و سکون ثانی و واو مجهول ف پوستین گرم ترین پوستین سنجاب بس سمور پس پلنگ بس قاقم بعد از آن بره -

تمیق الهاء

فرزه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاء معجمه و خفاء هاء سبزی -

فرشته - ف بضم اول و سکون ثانی و فتح شین معجمه م شیر حیوان نوزائیده ه پیوسی -

فرغنده - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین معجمه و سکون نون و فتح دال مهمله ع عشقه ه امربل -

فرسه یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین ف بنفشه -

فرلیقه یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح قاف ...

تمیق السین المهملة و تمیق العین المهملة

فسوة الضبع بضم اول و سین مهمله و فتح واو و ضم فوقانی و فتح ضاد معجمه مشدده و ضم موحده و سکون عین مهمله م سماروغ -

تمیق القاف

فستق ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون قاف ف پسته طح ۳ ی ۲ گویند ر ۳ ق بفتح مسهی ح تازه فربه بزرگ ش از پوست برون او نیم درم بعض زرد آلوی خشک با تخم خیار ل مغز بادام و مغز بن یا نیم درم ن مغز جوز و نیم مغز بن و یا فندق

تمیق النون

فسلیون بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م ...

تمیق الیاء

فستق الماویه ع بکسر اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون لام با هاء و الف و کسر واو و فتح تحتانی و خفاء هاء ثانی م حب البان ه تخم بکائن -

فسفسه بفتح اول و سکون ثانی و فتح فاء ثانی و سین مهمله ...

تمیق الشین المعجمة و تمیق الغین المهملة

فشاع ع بکسر اول با شین معجمه و الف و عین مهمله ف ... تا مند بنا بیست که چون بر شاخها پیچیده شود مفسد وے بود طگرم و خشک ا -

تنسیق الضاد المهملة و تمیق الیاء

فصفصہ ع بفتح اول و سکون صاد مہملہ و فتح فار تحتانی و صاد مہملہ ثانی و ہا اسپست چون تر بود ف نصہ رطبہ گویند چون خشک گردد ف قت علف گویند ف رخجنہ۔

فصل الضاد المعجمہ و تمیق الالف

فضا۔ بکسر اول ضاد معجمہ و الف ف دانہ مویز۔

تمیق الدار

فضتہ ع بکسر اول و فتح ثانی مشدد با ف نقرہ ہ رو با ظ ب ی ۲ ق و رق او مقوی دل خ خفقان را سش الیکہ انگ ص مقل ل فیروزہ۔

فصل الطاء المہملہ و تمیق الراء المہملہ

فطر ع بکسر اول و سکون طار مہملہ و راء مہملہ م سماروغ بعین چہتری ط ب ۳ را گویند ۲ داو انواع ست یکی نوع فقع کرلفار سی بکل خود خورد دیگر غوسنہ یکنوع فعیل مجموع انواع را کمات خوانند و بدترین ہمہ فطر بود و نوعی در زیر شب گبن روید و نوعی در زیر شب خم شراب بجہ سنج بود زہر بود و انچہ سفید بود با ذرانجہ در زیر چم شراب بجہ بہست او زہر ست و گویند قسمی از دستہ کہ در کنبر او را کنہ بگجو گویند بفتح کاف و نون و خفا راء و فتح کاف فارسی و ضم جیم فارسی و سکون واو ح سفید۔

تمیق النون

فطراسالیون۔ یونانی بکسر اول سکون ثانی با راء مہملہ و سین مہملہ و الف ثانی و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو م بطر اسالیون ف تخم کرفس کوہی ط ۳ گرم و خشک

فصل العین المہملہ و تمیق السین المہملہ

فعیلا سوس ح یونانی بفتح اول کسر عین مہملہ و سکون تحتانی بالام و الف و ضم سین مہملہ و سکون واو و سین مہملہ ثانی ف چوب شبان

تمیق النون

فعو لیون۔ رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو ثانی و نون م ہنا۔

فصل القاف و تمیق الحاء المہملہ

فقاح الملح۔ بضم اول ثانی قاف و الف و ضم حاء مہملہ و سکون لام و کسر میم و سکون لام ثانی م زہرۃ الملح۔

فقاح ع بضم اول و ثانی و الف و حاء مہملہ ف گل و شگوفہ

تمیق الدال المہملہ

فقد۔ بفتح اول و سکون ثانی و دال مہملہ ف تخم نخلست

تمیق الراء المہملہ

فقاح الاذخر ع بضم اول با ثانی و الف و ضم حاء مہملہ و سکون لام و کسر ہمزہ و سکون ذال معجمہ و فتح خاء معجمہ م گل اذخر خوشبو ص بار زود ل قصب الذریرہ۔

تمیق العین المہملہ

فقاع۔ ع بضم اول با ثانی و الف و عین مہملہ ف بوزہ یکنی ق ملطف ص اسہل و اغذیہ ل رائیبہ

فقع ع بفتح اول با ثانی نوعی از کمات ف بشکل

تمیق المیم

فقاح الکرم ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راء مہملہ نیم شگفتہ شگوفہ انگور ست میوہ ثانی دود اطباء نیکن و رنگی دیگر طرانیم و زہر ثانی نقیحی او کبیشا دفتان ل انامند و بری بستانی بیاید

بیخ آن بری نازہ است ظاہر سرد و خشک و با عطریت۔

تمیق النون

فقلامینون بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و کسر میم و سکون تحتانی و ضم نون و سکون واو ف چوبک اشنان

تسیق اللام و تمیق الدال المہملہ

فلنجود و فلنجید۔ ف بفتح اول و سکون لام و ضم جار معجمہ و سکون واو و کسر دال مہملہ در لغت اول و کسر خاء معجمہ و سکون تحتانی در لغت ثانی م پنبہ دانہ۔

فلفل اسود۔ ع بکسر ہر دو فا و سکون لام اول و کسر لام ثانی و فتح ہمزہ و سکون سین مہملہ و فتح واو م فلفل سیاہ کالی مرچ طح ہمق ملطف مفتی ش نیم درم ص عسل یا ماء القرع غ ل یک نیم وزن فلفل سفید یا زنجبیل۔

فلفل الغرد۔ بسکون لام ثالث و ضم غین معجمہ و راء مہملہ و سکون دال مہملہ م وسمہ۔

تمیق الزاء المعجمہ

فلفل دراز۔ بفتح دال مہملہ و راء مہملہ با الف ہ پیپل

تمیق الضاد المعجمہ

فلفل ابیض ع بفتح ہمزہ و سکون موحدہ و فتح تحتانی ف فلفل سفید طح سوی ہیخ سبک ستر از تسبو نا نیم مثقال ص عسل ل زنجبیل

تمیق الکاف

فلنجمشک۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر میم و سکون شین معجمہ و کاف ف بالنگوے خرد۔

تمیق اللام

قفل۔ ع بضم اول و سکون لام ف بیخ نیلوفر ہندی طح ی ۳ ص عسل ل تفاح۔

تمیق النون

فلمقل مون۔ بکسر فائین و سکون لامین و ضم میم و سکون واو ف پودنہ کوہی طح ی۔

تمیق الہاء

فلفل الصقالیہ۔ بفتح صاد مہملہ مشددہ و قاف و الف و کسر لام ثالث و فتح موحدہ ف تخم پنجنکشت۔

فلفل مویہ۔ بکسر فائین و سکون لامین و ضم میم و سکون واو و فتح تحتانی و ہاء ف بیخ درخت فلفل دراز پیپلا مول طح ی اش الی مثقال تا دو مثقال ص عسل ل دار فلفل یا نار مشک دو دانگ وزن آن سعد ربخان و نمونزن مغز خشک دانہ

فلنجہ۔ بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح جیم م افلیلنجہ۔

فلہ۔ ف بفتح اول و ثانی مخفف و مشددہ بیوسی۔

فلیفلہ۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح فاء ثانی و لام ثانی ف تخم عود بزبان الیسمی نخواہ و گویند تخم پنجنکشت۔

تمیق التحتانیہ

فلفل بری بفتح موحدہ و کسر راء مشددہ تخم سنبھالو۔

تسیق النون و تمیق الالف

فنا۔ بفتح اول و ثانی ف دو بادہ ترک۔

تمیق الکاف الفارسی

فنگ ف بفتح اول و ثانی و کاف فارسی م جانور کہ از پوستش پوستین سازند

تمیق النون

قنطافلون بکسر اول و سکون ثانی و طاء مهمله و الف و فتح فا و زای ثانی و ضم لام و سکون واو و نون ثانی ف پنجنگشت ۔

تنسیق الواو و تمیق الدال المهمله

فواد ۔ بفتح اول و واو و الف ہ بھنگرا ۔

تمیق اللام

فوفل ۔ ع بضم اول و سکون ثانی و کسر فاء ثانی ہ سپاری طب ی ۲ گویند ح ی ۳ ق قابض رادع خ زرین نیمدرم ص صمغ ل صندل سرخ دو دانگ و نیم وزن آن بزر البنج ۔

فول ۔ ع بفتح اول و سکون ثانی ہ م باقلا ۔

فویل ۔ بضم اول و سکون واو و فتح یا ف سوره ۔

تمیق المیم

فوم ۔ ع بضم اول و سکون ثانی و میم ف گندم ۔

تمیق الواو

فو ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی بیخی ست باریک خوشبو مانند سنبل الطیب بلکه قسمی از سنبل الطیب ست ہ جال گرمی طح ی ق مفتح خ تازه خوشبو ش نیمدرم ص زرایزنه یا رب السوس ل سنبل یا کبابه یا فلفل سیاه ۔

تمیق الها

فوده ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح دال مهمله م خمیر خشکی که از آن آلکامه بسازند ۔

فوشنه ۔

فوده ۔ ع بضم و فتح اول و فتح ثانی مشدد ف و ناسن گویند ہ مجیٹھ طح ی ۲ گویند ب ق مدر خ ارمنی تازه باریک بسرخ

ش نیم مثقال و در مطبوخ دو درم ص انیسون یا تخم بادیان ل یک نیم وزن سلیخه و شیطرج در طلا ۔

تمیق التحتانی

فوتنج جبلی ۔ بضم اول و ثانی مجهول و سکون فوقانی و فتح نون و کسر جیم و فتح جیم ثانی و موحده و کسر لام و سکون تحتانی ف پودینه کوهی طح ی ۳ خ خوشبوی تازه سبز کوچک ورق ش یک درم ص کتیرا ل یک نیم وزن فودنج نهری ۔

فودنج نهری ۔ بفتح نون و سکون ها و کسر را و مهمله ف پودینه بستانی طح ی ۳ ق لطف محلل خ سبز و ترش از نیم درم تا یک مثقال ص کتیرا یا رب السوس ل نعناع یا جعده ۔

تنسیق التحتانی و تمیق الجیم

فیروزج ۔ بکسر اول و سکون تحتانی و ضم را و مهمله و واو مجهول و زا معجمه و سکون جیم ف پیروزه طب ی ۱ خ نیشاپوری کهنه ۔

فیلزهرج ۔ بکسر اول و سکون ثانی و لام و فتح را مهمله گویند در جنس حضض است و ثمر وی مثل فلفل است حضض عصاره است ... طعم

تمیق الدال المهمله

فید ۔ ع بفتح اول و سکون تحتانی و دال مهمله ف زعفران سوده ۔

تمیق النون

فیجن ۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و سکون نون م سداب

ترقیم القاف و تنسیق و تمیق الالف

قاراسیا ۔ ع بقاف و الف و را مهمله و الف ثانی و کسر سین مهمله با تحتانی و الف ثالث ف آلوبالو ۔

قاقیا ۔ بقاف و الف و کسر قاف ثانی و تحتانی

والف ثانی م اقاقیا۔

تمیق الموحده

قاتل الذیب ع بکسر فوقانی وضم لام وکسر ذال معجمه مشدد وسکون تحتانی و موحده هم خربق سیاه۔

قاتل الکلب ع بکسر فوقانی وضم لام وسکون لام ثانی وفتح کاف وسکون لام ثالث ه کچلا ط بسیار گرم وخشک۔

تمیق الراء المهمله

قاتل النمر ع بکسر فوقانی وضم لام وفتح نون ویا مشدد وکسر میم هم قاذریون با

قار۔ بفتح قاف والف ورا مهمله هم قیره رال۔

قاقله صغار ع بضم قاف ثانی وفتح لام وهمزه مثلثه ها وکسر صاد مهمله بالغین معجمه والف ف هیل دانه الایچی خرد ط ح ی ۲

گویند مع ق ملطف مقوی دل معده خ تیزبوی شش کند م ص

نیر مثلباً شیر ز تخم خرو یا تخم سکنجبین ل فرنفل یا کبابه سنبل۔

قاقله کبار بضم قاف ثانی وفتح لام همزه لینه ها وکسر کاف وفتح موحده والف ثانی ورا مهمله د الایچی کلان ط ح ی ۲

گویند مع ق ملطف مقوی دل معده خ گرتره زبان تیزبوی زیربش کند م ص ق با طباشیر ل یک نیم وزن قاقله صغار

یا کبابه نیم وزن کبابه نیم وزن سنبل یا نیم وزن قرنفل۔

تمیق العاف

قاتل العلق ع بفتح عین مهمله ولام وسکون قاف م نوعے از مرزنگوش۔

فاق ع ف گوشت خشکی یعنی گوشت خشک سازند بدین نام خوانند

تمیق اللام

قاتل النحل ع بفتح نون وسکون حا مهمله ولام ف نیلوفر۔

تمیق النون

قاطون۔ بقاف والف وضم طا مهمله وسکون واو ونون ف نوشادر۔

تمیق الهاء

قاتل اخیه ع بفتح همزه وکسر خا معجمه وسکون تحتانی واظهار ها م حصی الثعلب

قاتل نفسه۔ بکسر فوقانی ولام وفتح نون وسکون فا وکسر سین مهمله و اظهار ها م نوعے از اشق۔

قاتوله ع بضم فوقانی وسکون واو وفتح لام ها ه دهتاتوره۔

قانصه ع بکسر نون وفتح صاد م سنگدانه مرغان ه پتهری

ط ح رق معتدل خ از طاقت فربه ص سرکه دا با زیره۔

تمیق التحتانی

قاتلی۔ بقاف والف وضم قاف ثانی وکسر لام وسکون تحتانی

نباتی است مانند هتنان وگویند مانند کشوث ط ح ی

اق مسهل ... از آب ... رطل ص کشوث ... رسا۔

تمیق الباء الموحده و تمیق الجیم

قبج ع بفتح اول وسکون موحده وجیم ف کبک م

استخوان ط گوشت او ح ر۔

تمیق الراء المهمله

قبابر ع بفتح اول وثانی والف وکسر موحده ثانی وسکون راء مهمله ف چکاوک یا ط ح ی خ فربه بریان کرده۔

تمیق الکاف

قباق ع بفتح اول وثانی والف وقاف ثانی ف کدو

تمیق وتمیق الفوقانی

قنت - بضم اول وسکون نون فوقانی هم اسیست -

تمیق الدال المهمله

قتاد - ع بفتح اول وثانی والف هم درخت خاردار است
که صمغ وی کتیرا است بشیرازی دون کم طح ر -

تمیق الثاء المثلثه وتمیق الالف

قثاء - ع بفتح اول وثلثه والف ف خیار درازه گاهی طح
[illegible] ف در محلل [illegible] نیشاپوری پخته تازه ص عسل [illegible]

تمیق الدال المهمله

قثد - ع بفتح اول وثانی وسکون دال مهمله ف
خیار بادرنگ ه کهیرا طب ر -

تمیق الراء المهمله

قثاء الحمار - ع بفتح اول وثانی والف وضم همزه وسکون
لام وکسر حاء مهمله با میم والف ثانی وراء مهمله ه کریلا طح ی ۳
[illegible] مسهل بلغم ومنقی خ رسیده [illegible] استعمال وگویند [illegible]
[illegible] کثیر اصل [illegible] صمغ ودرد دل [illegible]

تمیق المیم

قثاء النعام - ع بضم نون با عین مهمله والف هم حنظل کوچک

تمیق الهاء

قثاء الحیه - ع بسکون لام وفتح حاء مهمله وتحتانی مشدده
[illegible] هم زراوند طویل وگویند حنظل کوچک -

تمیق التحتانی

قثاء هندی [illegible] بکسر ها وسکون نون وکسر دال مهمله و
تحتانی [illegible] فتح موحده وکسر راء مهمله مشدده ف [illegible]

قثاء هندی - ف خیار چنبر

تمیق الدال المهمله وتمیق الالف

قدمیا - بفتح اول وسکون دال مهمله وکسر میم با تحتانی والف [illegible]

تمیق الحاء المهمله

قداح - ع بفتح اول وثانی والف هم نصفصه -

تمیق الدال المهمله

قدید - ع بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی ودال مهمله
ثانی ف گوشت خشک خ از حیوان تر -

تمیق المیم

قدح مریم - بفتح میم وسکون راء مهمله وفتح تحتانی م نوعی از حی العالم

تمیق الراء المهمله وتمیق الالف

قراصیا - ع بفتح اول وراء مهمله والف وکسر صاد مهمله
با تحتانی والف ثانی ف آلو بالو طح ر ۲ ق [illegible]
شیرین رسیده سیاه [illegible] در تقویع ص سکنجبین [illegible] اجاص

قردمانا - بضم اول وسکون ثانی وضم دال مهمله با میم والف
ونون والف ثانی هم کرویا جبلی طح م ی ۲ ق معتنی مفتح
[illegible] تازه زرد [illegible] استعمال ص انیسون یا
صندل [illegible] خردل [illegible] مشبع -

قرطمانا - بضم اول وسکون ثانی وفتح طاء مهمله و میم و
الف ونون والف ثانی هم قردمانا -

قرفر [illegible] یونانی بضم اول [illegible] ثانی [illegible]
واو وکسر میم وسکون عین مهمله با میم ثانی والف هم [illegible] روغن
زعفران طح ی ۳ [illegible] سیاه [illegible] بعد از [illegible]

در آب رنگ زعفران باشد بعد از آن چون بخایند رنگ دندان کند.
قرمیا - بضم اول و سکون ثانی و کسر میم و یای تحتانی م توتیا.

تمیق الحاء المهمله

قرح - ع بفتح اول و سکون ثانی و حاء مهمله م شونیز.

تمیق الدال المهمله

قرادو و قرد - ع بضم اول و ثانی با الف و دال مهمله در لغت اول و بکسر اول و سکون ثانی در لغت ثانی ف کبی و لوزنه بهمو و تبرکی بنجی و بهندی انجه بوی آن سرخ است بندر انجه بدان سیاه نسبت لنگ و رو بمعنی کنه یعنی کلی بنر آمده.
قرمید - ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون تحتانی خشت پخته.

تمیق الراء المهمله

قرن البحر - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و سکون لام و فتح موحده و سکون حاء مهمله ف کهربا.
قیرس بضم اول و فتح ثانی و سکون تحتانی و راء مهمله ثانیه اندرانی.

تمیق الزاء المعجمه

قرمز - بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون زاء معجمه ع دود الصباغین کرم رنگرزان که بدان ابریشم و صوف را رنگ میسازند.

تمیق السین المهمله

قرطاس - ع بکسر اول و سکون ثانی با طاء مهمله و الف و سین مهمله کاغذ طب ی آق مجفف خ مصری ص کثیرا الی و ...

تمیق الضاد المعجمه

قراض - بفتح اول و ثانی با الف و ضاد معجمه ف بالونه.
قرنص بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضاد معجمه ف تخم الجزره.

تمیق الطاء المهمله

قراط - ع بفتح اول و ثانی و الف و طاء مهمله ف تخم نیل.

تمیق الظاء المعجمه

قرظ - بضم اول و سکون ثانی و فتح نیز و سکون طاء مهمله م نوعی از سیست بکسر اول م نوعی از کرات و بفتح اول و ثانی و سکون ثانی نیز م کرت و آن صمغ درخت فلفل است و اقاقیا عصاره اوست طب ی ۲ ق قابض ش یک درم ص آب تخم کدو ل جلنار و بضم اول و سکون ثانی و طاء مهمله نوعی از سلیست و بکسر اول نوعی از کرات است.

تمیق العین المهمله

قرع - ع بفتح اول و بضم نیز و سکون ثانی و عین مهمله ف کدو طب ر ۲ ق ملین خ تر و سبز و شیرین ش از آب او نیم رطل ص خردل و سیزل ترنج.

تمیق الکاف

قرلوک بضم اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون واو و کاف ف بیرک.

تمیق اللام

قرفة القرنفل - ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و سکون لام و فتح قاف ثانی و راء مهمله و سکون نون و ضم فا نام قرفة الطیب پوست هر چوب درخت را قرفه خوانند و آن پوستی سطبر بود بلون قرنه و طعم قرنفل دارد و غیر جلدهای از دارچینی ل قرنفل.
قرنفل - ع بفتح اول و ثانی و سکون نون و ضم فا ...
طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف و مقوی دماغ و جگر و معده خ تیز و تلخ باریک چوب ش نیم درم ص صمغ عربی با فوفل ...

نیموزن جوز لشب نیموزن داچینی و تر فرنا نیموزن بخشک نیموزن آن خولنجان وگویند بوزن آن خولنجان۔

قرن سعیر ابل ف بفتح اول و ثانی و سکون نون و فتح میم و عین مہملہ و سکون زاء معجمہ و کسر ہمزہ و فتح تحتانی شد دم شاخ بز کوہی خ از ابل بزرگ کہ سوختہ باشند ص گیتر ال اسارون و خولنجان۔

قرول۔ بضم اول و ثانی و سکون واو و لام م مرجان۔

قرون السنبل بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم نون و سین مہملہ شدد و سکون نون ثانی و ضم موحدہ چیزیکہ در میان سنبل باشد و آن از سموم ست ہ سنکھیا و زہر طرح ی ہم۔

تمیق المیم

قرطم بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مہملہ و سکون میم ف خسکدانہ ہ کرطح ۲ راق بنضج ملین ملطف خ سفید فربہ ش دو درم از آب او ص عسل لیکوزن با دام و ربع وزن تخم الخیرہ

تمیق النون

قرۃ العین ع بضم اول و فتح ثانی شدد و ضم فوقانی و سکون لام و فتح عین مہملہ و سکون تحتانی م کرفس الماء طح ی ۲ رق مجلی مقطع ش در مطبوخ پنج درم ص کا کنجل ل کرفس۔

قرحان بفتح اول ثانی و حاء مہملہ و الف ا ہم نوعی از کمات سفید کوچک۔

قرداسن۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ و الف و کسر میم م حرف۔

فردان۔ بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ و الف ف کنہ ہ کلی کہ اکثر بہ سگ و گاو سے چسپد۔

قرداموس۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی با دال مہملہ و الف و ضم میم و سکون واو و کسر میم ثانی و سکون نون م قردمانا۔

له در زبان یونانی ... ۱۲

قرسطاریون بفتح اول و کسر ثانی و سکون سین مہملہ با طاء مہملہ و الف و کسر راء مہملہ ثانی و ضم تحتانی و سکون واو و نون م لات کوبی

قرقران بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مہملہ ثانی و الف م کرویا

قرقرون۔ رومی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و راء مہملہ ثانی و سکون واو و نون م سعد۔

قرنقان۔ سریانی بفتح اول و ثانی و سکون نون با قاف ثانی و الف و نون ثانی م کرویا۔

قرون بضم اول و ثانی و سکون واو و نون ف شاخہا د شرہ سینک واے ب ی ق مجفف خ از ابل تر شی نہ درم ص سبل احافر

تمیق الواو

قرقو۔ سریانی بضم اول و سکون ثانی و ضم قاف ثانی و سکون واو م زعفران۔

تمیق التحتانی

قرطم ہندی بضم اول و سکون ثانی و ضم طاء مہملہ و کسر میم و نا و سکون نون و کسر دال مہملہ م حب النیل۔

قرفۃ الدارچینی ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح فا و ضم فوقانی و فتح دال مہملہ شدد و الف و سکون راء مہملہ و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی و کسر نون م پوست دارچینی د تح طح ی ۲ رق لطف مقوی جگر و معدہ بہی خ گزندہ زبان ش نیم مثقال ب نیموں زقر نفل و نیموں ز دارچینی ع

قرنفل بستانی۔ م قر بخشک۔

تمیق السین المہملہ و تمیق الالف

قسا۔ بفتح اول و سین مہملہ و الف م سلیخہ۔

تمیق الموحدہ

قسب – ع بفتح اول و ثانی و سکون موحدہ ف خرما و سنگ اشکن و آن نوعے از خرمار ہندی خشک است طح ی –

تمیق الراء المہملہ

قسطیر – ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر طار مہملہ و سکون تحتانی ف قلعی

تمیق السین المہملہ

قسوس – بضم اول و ثانی و سکون واو و سین مہملہ ثانی م ببلاب بزرگ طح ی ا ق مجلی و منقی خ تازہ ص شاہ بلوط –

قسولیدوس – یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و ضم دال مہملہ و سکون واو ثانی و سین مہملہ ثانی م کا کنج –

تمیق الطاء المہملہ

قسط – ع بضم اول و سکون ثانی و طار مہملہ کٹ طح ی ۲ ق بفتح مدر عیبی مفرح خ تازہ سفید فربہ ش بمدرم ص انیسون با گلشکر یا خطمی ل نیم وزن عاقرقرحا یا وج –

تمیق النون

قسطوریون – یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طار مہملہ و سکون واو و کسر را مہملہ و ضم تحتانی و سکون یاء ثانی و نون م خند بیدستر

تمیق التحتانی

قسط بحری – بضم اول و سکون ثانی و طار مہملہ و فتح بدہ و سکون حار مہملہ و کسر را مہملہ ہ بھکر مول –

قسط شامی – بشین معجمہ و الف و کسر میم م راسن –

قسط ہندی – بکسر ہا و سکون نون و کسر دال مہملہ م قسط تلخ –

تمیق السین المعجمہ و تمیق الموحدہ

قشر الجوز بصاب – ع بکسر اول و سکون شین معجمہ و ضم را مہملہ و سکون لام و فتح جیم و سکون واو و کسر زار معجمہ و ضم صاد مہملہ مشددہ و سکون لام ثانی ف پوست گردگان جنگلی –

تمیق الجیم

قشر الاترج – ع بسکون لام و ضم ہمزہ و سکون فوقانی و ضم را مہملہ ف پوست اترج طح ی ۲ –

تمیق الراء المہملہ

قشر الجوز الاخضر – بسکون لام ثانی و فتح ہمزہ و سکون خار معجمہ و فتح ضاد معجمہ ف پوست سبز بیرون گردگان –

قشعر – ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح عین مہملہ و سکون را مہملہ ف جانور دراز

تمیق الزار المعجمہ

قشر الارز – ع بسکون لام و ضم ہمزہ و را مہملہ ثانی ف پوست برنج و آن از جملہ سموم قتالہ است –

تمیق الشین المعجمہ

قشمش – بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم ف کشمش –

تمیق الضاد المعجمہ

قشر البیض – ع بسکون لام و کسر موحدہ و سکون تحتانی ف پوست تخم مرغ ہ انڈے کے چھلکے طب ی ۲ –

تمیق التحتانی

قشر القصب الفارسی – بسکون لام و فتح قاف ثانی و صاد مہملہ و کسر موحدہ و سکون لام ثانی با فا و الف و را مہملہ و کسر سین مہملہ ف پوست نے فارسی طح ی ۳ –

تمیق الصاد المہملہ و تمیق الالف

قصب بوا – بفتح اول و ثانی مہملہ و کسر موحدہ و فتح موحدہ ثانی

بادار مشدد والف د قصب الذریرہ۔

تمیق الموحدہ

قصب ع بفتح اول و صاد مهملہ و سکون موحدہ ف نی
طح ی ۲ گویند برگ او ب ا ق ملطف خ بیخ اول ر ورق ع و ر

تمیق الدال المهملہ

قصد۔ بفتح اول و ثانی و سکون دال مهملہ م عوسج۔

تمیق الرار المهملہ

قصب السکر۔ ع بفتح اول و ثانی و ضم موحدہ و سین مهملہ
مشدد و کاف مشدد ف نیشکرہ کانداوا و کهرد پونڈا
گوینہ طح ر ا خ شیرین آبدار۔
قصفیر بکسر اول و سکون ثانی و کسر فا و سکون تحتانی تلعی ف ارزیز۔

تمیق العار

قصاعۃ ع بضم اول با ثانی و الف و فتح عین مهملہ
ف سگ آبی یعنی قندزہ او دبلاو۔
قصب الذریرہ۔ ع بفتح اول و ثانی و ضم موحدہ و فتح ذال
معجمہ مشدد و کسر را مهملہ و سکون تحتانی و فتح را مهملہ ثانی م ناہ حرابا
طح ی ا ق ملطف خ ہندی ش یکدرم و گویند دو دانگ ص
عرق السوس انطفا ر طب صندل یا عدس تلخ با سنبل و زعفران
قصیصہ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح صاد مهملہ ثانی م نام نودری

تمیق الضاد المعجمہ و تمیق الموحدہ

قضب۔ بفتح اول و سکون ضاد معجمہ و موحدہ ف اسپست
قضیب۔ ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و موحدہ م ذکر ف کیر و ابرال

تمیق المیم

قضم۔ ع بضم اول و سکون ثانی و میم ف پنبہ کہنہ۔

تمیق العار

قضاعہ۔ بضم قاف و فتح ضاد و الف و فتح عین مهملہ ع
مادہ سگ آبی ہ او دبلاو و گویند غبار آسیا۔

تمیق التحتانی

قضاب بصری۔ ع بضم اول و ثانی و الف و کسر موحدہ
و میم و سکون صاد مهملہ و کسر را مهملہ ف کشتہ۔

تمیق الطار المهملہ و تمیق الالف

قطونا۔ بضم اول و طار مهملہ و سکون واو با نون م اسپغول۔
قطا بفتح قاف و طا و الف ف سنگخوارہ نوانا طح ۲ گرم ۳ خشک

تمیق البار الموحدہ

قطلب شامی بضم قاف و سکون طا و ضم لام ع قاتل
ابیہ درختیست شبیہ بدرخت بہ ط ۲ سرد و خشک۔

تمیق الرار المهملہ

قطر بکسر اول و سکون طار مهملہ و رار مهملہ ف مس ثانیا طح ی

تمیق الفار

قطف ع بفتح اول و سکون ثانی و فاف ف سرمق ہ ساگ تهوا

تمیق النون

قطران۔ ع بکسر اول و سکون ثانی و طار و رار مهملہ و الف و نون ف
روغنیست کہ از درخت عرعر گیرند و گویند قیرست طح ی ۴
گویند ۳ ق مقطع محلل ملطف خ ماخوذ از درخت عرعر ص روغن بان
ال نفط سیاہ و یا نیموزن جو بیدیا ورق یا جاوشیر یا زیت نوف۔
قطن ع بضم اول و سکون ثانی ف پنبہ طح رق تخم او لمین

خرنوب رسیده تر از آب او تخم او دو درم ص رب السوس
الخ تخم او خشخاش دو بادلم۔

تمیق التحتانی

قلف بحری۔ یونانی لیموس و بلخ نیز خوانند نباے
است شبیه بعوسج و خیار ط ۲ گرم اتر۔

تنسیق العین المهمله و تمیق البار الموحده

قعضب۔ بفتح قاف و سکون عین مهمله و فتح نون ع نام شیم
و ثعلب را مانند و خن باز گویند نباتی ست باریک
ساق ایستاده در برگ آن شبیه به برگ اسفاناخ۔

تمیق اللام

قعبل۔ ع بفتح اول و سکون عین مهمله و فتح موحده و سکون
لام هم نوعے از کمات طرح ب۔

تنسیق الفار و تمیق الدال المهمله

قفرالیهود۔ بفتح اول و سکون فا و ضم را مهمله و سکون لام
و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو هم مومیائی بالوده ط ۳ ح ۳
ق محلل رخ فرفیری بصیص زرین شن نیم درم ص دود ال زفت

تنسیق الرا المهمله

قفر۔ بفتح اول و سکون فا و را مهمله هم نبات کشوث۔

تمیق الطار المهمله

قفلوط۔ بفتح اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون واو
و طا مهمله هم نوعے از کراث شامی۔

تنسیق اللام و تمیق الالف

قلقونیا۔ رومی بضم اول و سکون لام و ضم فا و سکون واو

و کسر نون با تحتانی و الف ف زنگبار زی۔
قلیمیا۔ بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و کسر میم و تحتانی قلیمیا

تمیق الموحده

قلب۔ بضم اول و سکون ثانی و موحده ف ماش هندی
و غله موٹھ و گویند بزو از طراب ر ۲ گویند ح ی۔
قلوب۔ ع بضم اول و ثانی و سکون واو ف دلما طرح
رخ ماخوذ از حیوان کوچک دندان۔

تمیق الفوقانی

قلت۔ ع بکسر اول و سکون ثانی ع کاسر الحجر کلیتی
طرح ای ۲ ق مدر منقی مفتت ش نیم درم و گویند
نیم مثقال ص نشاسته کثیرا کباب۔

تمیق الدال المهمله

قلقند۔ یونانی بفتح اول و سکون لام و فتح قاف ثانی و
سکون نون و دال مهمله ف نوعی از زاج طرح ی م۔

تمیق الرا المهمله

قلقطار۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی
و طا مهمله و الف و را مهمله هم نوعی از زاج ف زاک شتر زنان
و زاک زرد طرح ی ۲ ق محرق کاوی مفرح رخ سبز حیض
ص شب یمانی بدانکه هر زاجی که باشد بدل آن زاج دیگر کنند۔

تمیق السین المهمله

قلقدیس۔ یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی
و کسر دال مهمله و سکون تحتانی و سین مهمله هم زاج سفید دلمه ی
قلنبس۔ بانیست و بیخ فنیهم باشد و نام نیز سرخ نوعی از آن است

تمیق اللام

قلاقل - بکسر قافین و سکون لامین و قلقلان و قلاقل نیز ہم
س ف انار دانہ دشتی ہ کوار حکینہ و گویند بیخ آن مغاث
است ط م گرم و تر بار طوبت فضلیہ ص سکنجبین و با
با قند خوردن ل بوزن آن نودری سفید۔

تمیق النون

قلسد نا ردین - سریانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین
مہملہ و کسر دال مہملہ بنون و الف و را ء مہملہ و کسر دال
مہملہ ثانی و سکون تحتانی م دار شیشعان۔
قلومایین - یونانی بضم قاف و لام و سکون واو و فتح میم با
الف و ضم یا ء مثناۃ تحتانیہ م شجرۃ آلی بالک ط سرد و تر۔

تمیق التحتانی

قاری بفتح اول و ثانی و الف و کسر را ء مہملہ و سکون تحتانی م نوعی از نحیر
قلی ز ع بکسر اول و ثانی و تحتانی م قلیاہ ساجی طح بی لہ ف
محرق محلل آکال لیخ از شنان ص لعاب ل زریخ۔

تمیق المیم و تمیق الحاء المہملہ

قمح - ع بفتح اول و سکون میم و حاء مہملہ ف گندم۔

تمیق اللام

قمل - ع بضم اول و فتح ثانی مشدد و سکون لام ف سپش جون

تمیق الہاء

قمحہ بفتح اول و سکون ثانی و فتح حاء مہملہ ع قصب الذریرہ

تمیق النون و تمیق الالف

قنطا بکسر اول و سکون نون و بفتح طاء مہملہ و الف م دم الاخوین

تمیق الموحدہ

قنب ع بکسر اول و فتح ثانی مشددہ و سکون موحدہ
ف بنگ ہ بھانگ بجیا و گویند ہندی سن نامند کہ از
ریسمان سازند و قسمی از و بنگ است طح ۲ ی او گویند
ب ق مخدر شش از یک درم تا دو درم۔

تمیق الذال المعجمہ

قنفذ - ع بضم اول و سکون ثانی و ضم و فتح فاء و سکون ذال معجمہ
ف خار پشت ہ ساہی طح بی اش از گزشتہ می مخدر ص عسل

تمیق الراء المہملہ

قنابر - ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر و ضم موحدہ و سکون
را ء مہملہ ف مرغ چکاوک ط ی لحم فربہ بریان کردہ۔
قنطار بکسر اول و سکون ثانی با طاء مہملہ و الف ہم قنا د آوران
قنقہر - بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف ثانی و کسر ہا صمغی است
شفاف مانند سندروس نسب لعل معبری در رال۔

تمیق السین المہملہ

قندس - بضم اول و سکون ثانی و ضم دال مہملہ ف کندش
اسم حیوانیست کہ جند بید ستر خایہ اوست ہ اود بلاو۔
قنطس - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و ضم طاء مہملہ ف جت در مورد

تمیق الطاء المہملہ

قنبیط - ع بکسر و فتح دال و سکون ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی
ف کرنب رومی ط معرب گویند ح ای ق مجفف خ تازہ زردل کرنب

تمیق اللام

قنبیل - ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی و لام

ه کمیلا طح ی ۲ گویند ۳ ق ملطف خ سرخ مائل بزردی
ش ۲ درم و گویند در مسهلات نیم مثقال مص صمغ عربی یا
انیسون ل رازیانه یا برنگ کابلی یا شیح ارمنی۔

تمیق النون

قندران ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال مهمله
با رار مهمله و الف م سنقر۔
قنطوریون بفتح اول و سکون ثانی و ضم طار مهمله و سکون واو
و کسر رار مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م کریون طح ی ۲
ق مقطع مفتح ملطف مسهل بلغم مدر حابس دم خ رنیق ش
از کبیر دو درم و از دقیق یکمثقال یا دو مثقال مص از کبیر صمغ
عربی و کتیرا یا صندل یا هندبا ل از کبیر حنا و دود انگ
وزن آن سورنجان و لبوزن آن لبنی و از دقیق آن
برشیاوشان و نیم وزن حنا یا زراوند مدحرج۔

تمیق الهار

قنه ع بضم اول و فتح ثانی مشدده و خفا رها ف بیر زرد
ماسند و گویند صمغ جلال موثبت ه برکاطح ی ۳ گویند خ ۲
ی ۲ ق محلل ملین خ زرد زرد گداز نده و تند بوش در مراهم
بند رم ص شفیل سکبینج دو وزن یا یک نیم وزن جاوشیر و
در ضعف معده و جگر کمیوزن ریوند چینی و گویند اشق۔

تمیق التحتانی

قناریجا ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح موحده و کسر رار
مهمله م نباتیست که در اول ربیع میروید طاآن گرم ر ق
مقطع محلل ص ماطبیخ و بریان نمودن آن شی یا دام لی یا کبر

تمیق الواو و تمیق الالف

قوتیرا ۔ بضم اول و سکون واو و کسر مثلثه و سکون تحتانی
با رار مهمله و الف ف
قورساما ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی و رار مهمله با سین
مهمله و الف و میم و الف م عود لمبان۔
قوسیا ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر سین مهمله با تحتانی
قوطوما ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طار مهمله و سکون واو
ثانی با میم و الف م آذریون بری۔
قونیا ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی و کسر نون با تحتانی
و الف ف آب چکیده خاکستر۔

تمیق الرار المهمله

قوتره بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون با و مهمله خشنار نجه
قور ۔ بضم اول و سکون ثانی با رار مهمله ع قطن۔

تمیق السین المهمله

قوردیوس ۔ بضم اول و سکون ثانی و رار مهمله و فتح
دال مهمله و ضم تحتانی و سکون واو ثانی ف گیاهی است
که باهی زاغ خوانده کاک جنگی نسی۔
قوقالس ۔ یونانی بضم اول و سکون ثانی با قاف
ثانی و کسر لام م قردمانا۔
قولامیوس ۔ بضم اول و سکون ثانی با لام و الف و
کسر میم و ضم تحتانی و سکون واو ثانی م شجرهٔ مریم۔

تمیق الصاد المهمله

قوانص ع بفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و سکون صاد مهمله

ف سنگ آرند ہائے مرغان فرماخوذ از مرغان تازہ فربہ

تمیق القاف

قوناق۔ بضم اول وسکون ثانی بانون مندالف گاورس کندرا

تمیق النون

قوطولیدون۔ یونانی بضم اول وسکون ثانی وضم طاء مہملہ سکون واو وکسر لام وسکون تحتانی وضم دال مہملہ سکون واو ثالث ہم نوعے از حی العالم۔

تمیق التحتانی

قوفی بضم اول وسکون واو وکسر فا وسکون تحتانی حیوان بستبری

تمیق الیاء التحتانی وتمیق الالف

قیمولیا۔ بکسر اول وسکون تحتانی وضم میم وسکون واو وکسر لام با تحتانی ثانی والف ہم طین قیمولیا طب ۲ سی ۳ ع مخفف را دیع ل طین ابیض۔

قینا۔ بکسر اول وسکون ثانی با نون والف ف نوعی از رطبہ الحمقا

تمیق الراء المہملہ

قیر۔ ع بکسر اول وسکون ثانی ہ رال۔

قیشورہ۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم شین معجمہ وسکون واو ورار مہملہ ف نوعی از کوت دریا طرح ی ق محلل منقی خ سبک سفید سوختہ ل مدر جلاب جرب حینی۔

تمیق السین المہملہ

قیر یوتی یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر راء مہملہ وسکون سین مہملہ ف مرم۔

قیطس یونانی بفتح اول وسکون ثانی وکسر طاء مہملہ ف ...

تمیق الطاء المہملہ

قیلوط۔ بفتح اول وسکون ثانی وضم لام وسکون واو وطاء مہملہ ف ورق گندنا ر شامی

تمیق اللام

قیل۔ بکسر اول وسکون ثانی ہم قبر۔

تمیق المیم

قیصوم۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم صاد مہملہ وسکون واو ومیم ف برنجاسپ کہ قسمی از افسنتین است طرح گویند ۲ سی ۳ گویند ۳ گویند را گویند ح ۲ ی ق مقطع ملطف محلل مدر مفتت خ تازہ زرد شن بمثقال ۲ دو درم ص انیسون ل با بونج یا شیح ارمنی ودر صداع بارد بابونہ یا افسنتین

تمیق النون

قیطافون۔ بفتح اول وسکون ثانی با طاء مہملہ والف ضم قاف ثانی وسکون واو ونون ہم ترمس۔

قیقھن یونانی بفتح اول وسکون ثانی وفتح قاف ثانی وکسر ہا وسکون نون ہم فنقہر۔

تمیق التحتانی

قیہی۔ ف بکسر اول وسکون ثانی وکسر ہاء مہملہ وسکون تحتانی ثانی ہم خنسر دل۔

قیروطی۔ ع بفتح اول وسکون ثانی وضم راء مہملہ وسکون واو وکسر طاء مہملہ وسکون تحتانی مرہمیکہ از موم وروغن گل صندلین وورق گلسرخ واکلیل الملک وزعفران وکافور سازند

قیصی۔ بفتح اول وسکون ثانی وکسر صاد مہملہ وسکون تحتانی ثانی ف زرد آلو

ترقیم الکاف وتسبیق وتمنیق الالف

کاگ جنگھا - ہ بکاف والف وگاف فارسی ثانی و فتح جیم وسکون نون وفتح کاف فارسی ثالث واظہار ہا و الف ثانی دوائے ہندی است م مسی۔

کاہ ربا - ف باظہار ہا وضم را مہملہ با موحدہ والف ہ کہربا۔

تمنیق الفوقانیہ

کات - ف بفتح کاف والف وتا مثناة فوقانیہ م نوعی از برنج کہ در ولایت شوشتر بہم رسد گویند کہ چون آنرا بکارند ہفت سال بار آورد ط ۲ سر وخشک ص مشک وعنبر۔

کاپہ پشت - ف بفتح سین مہملہ وخفا ہا وضم موحدہ فارسی وسکون شین معجمہ م لاک پشت۔

تمنیق الجیم

کاج - ف بجیم تازی م درخت ناژ۔

کاسج - ف بضم سین مہملہ م خار پشت۔

کاکنج - بکاف والف وفتح کاف ثانی ونون وسکون جیم ف عروس در پردہ وکچو مو ط ب ۲ ع گویند ہی الکوبند ۳ ق محلل خ حب با گ کوہی سرخ رسیدہ ش دو درم وگویند سہ دانہ ص معجون گل ل عنب الثعلب ب حب القثا یا تخم سفید۔

کالوج - ف بضم لام وسکون واو م کبوتر۔

تمنیق الخاء المعجمہ

کالوخ - ف بضم لام وسکون واو وخاء معجمہ م گندنا۔

تمنیق الراء المہملہ

کاسر الحجر - ع بکاف والف وکسر سین مہملہ وضم راء مہملہ وسکون لام وفتح حاء مہملہ وضم راء مہملہ م بزر القلت ہ کلتھی۔

کافور - بفتح کاف والف وبضم فا وسکون واو صمغ درخت مشہور ط ب ی ۳ ق مبرد مسکن مقوی ومفرح ل حابس خون خ قیصوری سفید کہ زردی نزند ش یک قیراط ص بنفشہ ونیلوفر وزعفران یا مشک با معجون گل وعنبر ل دو درم طباشیر ویک وزن صندل سفید وگویند کہربا۔

تمنیق الزاء المعجمہ

کافز - بکاف فارسی والف وفتح فا وسکون زاء معجمہ ہ گرونڈا۔

کاناز - ف بانون والف ثانی م بن خوشہ خرما۔

تمنیق الزاء الفارسی

کاژ - ف بزاء فارسی م درخت کاج ع صنوبر۔

تمنیق السین المہملہ

کانس - ہ بکاف والف وخفاء نون وسین مہملہ ف قسمی از کاہ است کہ از گلشن در آخر برسات پنبہ سفید بر می آید۔

تمنیق الشین المعجمہ

کاکوش - ف بضم کاف ثانی وسکون واو م بنفشہ۔

تمنیق الغین المعجمہ

کاغ - ف آتش

تمنیق الکاف

کاروانک - ف بسکون راء مہملہ با واو والف وفتح نون م طائری است کہ بر کنار آب بنشیند۔

کاسجوک - ف بسکون سین مہملہ وضم جیم و واو مجہول م خار پشت۔

کوک۔ بکاف عربی در اول و آخر م کیک۔
کالک۔ ف بفتح لام م کدو و گویند خربزہ نارسیدہ۔
کاورک۔ ف بسکون واو و فتح رای مہملہ م خیار کبر و ثمر کبر۔
کاوینک۔ ف بفتح واو و سکون نون و فتح جیم م خیار بادرنگ سبز نارسیدہ

تمیز الکاف الفارسی

کاگ۔ بکاف فارسی ثانی ف زاغ۔

تمیز اللام

کاکل۔ ف بضم کاف ثانی و سکون لام ع حنظل رومی۔
کال۔ ف نوعے از گل و گویند گندنا۔
کاپیال۔ ف بکسر تحتانی خیار ... و فتح موحدہ فارسی اظہار ... دار شبستان

تمیز المیم

کاشم۔ بکسر شین معجمہ و سکون میم م انجدان رومی طرح سی ۳ رج
زرد و تر ز برگ ... تخم رازیانہ ... ادرار تخم انجرہ یا تخم گزر

تمیز النون

کارتن۔ ف بسکون رای مہملہ و فتح فوقانی ع عنکبوت۔
کاکبان۔ ف بسکون کاف ثانی و ... فوقانی ع ...

تمیز الواو

کانیرو۔ ف بکسر نون و سکون تحتانی و ضم رای مہملہ ... دریا
کاہو۔ ف بضم ہا م ... خس طب ... عراقی مولد دم رقیق
مسکن حدت آن و گویند مورث صفرا مفتح سدد و ... بول
مقوی ... اورام ... ہلیلہ و
زیرہ ... تخم او ... بندبا

تمیز الہاء

کاپلیسہ۔ ف بکسر موحدہ فارسی و سکون تحتانی و فتح عین ... م ...
کاچیرہ۔ ف بکسر جیم فارسی و سکون تحتانی م معصفر۔
کارتنہ۔ ف بفتح رای مہملہ و سکون فوقانی و فتح نون ع حلبہ
ہ میتھی بسکون رای مہملہ و فتح فوقانی م عنکبوت۔
کازیرہ۔ ف بکسر زای فارسی و سکون تحتانی و فتح رای مہملہ ع معصفر۔
کاسانہ۔ ف بسین مہملہ و الف ثانی و فتح نون مرغکی سبز رنگ
کہ در ولایت خوزستان بسیار میشود۔
کاسگینہ۔ ف بسکون سین مہملہ و کسر کاف فارسی و سکون
تحتانی و فتح نون م مرغ سبز کہ بترکی سقداق گویند۔
کاشہ۔ ف بفتح شین معجمہ م یخ۔
کاغالہ و کاغلہ۔ بفتح غین معجمہ و الف ثانی و فتح لام در لغت
اول و بسکون غین معجمہ و فتح لام در لغت ثانی م گل معصفر۔
کاغنہ۔ بسکون غین معجمہ و فتح نون ف کرم خرد ... بہنبٹی و
گویند جانوریست سرخ زہردار کہ بر نقطہای سیاہ بیشتر در پالیزہا
پیدا شود و از آن ... سازند ع ذرنوح و گویند حشرہ زہرہ۔
کافورچیندانہ۔ ف بضم فا و سکون واو و کسر رای مہملہ و فتح جیم و
سکون و ... دال مہملہ و الف و فتح نون م نوعی از کافور۔
کافیشہ۔ ف بکسر فا و سکون تحتانی و فتح شین معجمہ م گل معصفر
کاکرہ۔ ف بکسر کاف ثانی و فتح رای مہملہ ع عاقرقرحا۔
کالنجہ۔ ف بکسر لام و سکون نون و فتح جیم م فاختہ ع صلصل
کالوہ۔ بفتح لام و واو م عاقرقرحا۔
کالہ۔ ف بفتح لام م کدو یا خربزہ نارسیدہ۔
کاسہ۔ ف بفتح میم م مرجان۔

کاپچه - ه بختمار و فتح جیم فارسی و اظهار ها ف آبگینه -
کافونه - ف بسکون واو و فتح نون م کاغنه دگویند کرم شب تاب

تمیق التحتانی

کادی ع بکسر دال مهمله دگویند بواده گل کیوڑا طع ی ۲ ق محلل خ خوشبو حص روغن گل ل روغن یاس -
کاسمری - ه بکاف والف بسکون سین مهمله و فتح میم و کسر رار مهمله و سکون تحتانی درخت هندی ست گنبهار -
کاسنی بکاف والف و بفتح سین مهمله و کسر نون سکون تحتانی ع هندبا -
کافوری ف بضم فا و سکون واو و کسر رار مهمله ع الحوان -
کاکماجی بکاف والف و سکون کاف ثانی با میم والف ثانی و کسر جیم و سکون تحتانی ع عنب الثعلب -
کاکوتی ف بضم کاف ثانی و سکون واو و کسر فوقانی م منقر -
کانگنی - ه بکاف والف و نون و ضم کاف فارسی و کسر نون ثانی و سکون تحتانی ف ارزن -

تمیق البار الموحده و تمیق الالف

کبدا بفتح اول و موحده و دال مهمله والف م تفسیر ع لجام ه کوپر و گویند سیر تشم و در عربی بمعنی جگر آمده -

تمیق الموحده

کبد الذیب بفتح اول و کسر ثانی و ضم دال مهمله و کسر دال معجمه مشدد و سکون تحتانی ف جگر گرگ ل نیمو زن رلوپند و نیموزن راز طفل -

تمیق الفوقانیه

کبت ف بکسر اول و سکون ثانی م زنبور عسل
کبریت ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر رار مهمله و سکون تحتانی ف

اگوگرده گند هک طع ی ۲ ق لطیف جاذب خ زرد ناک نش از کیدرم تا دو درم عن بطبیخ هندی ل زنیخ جه آتش افروختن
کبست ف بفتح اول و ثانی و سکون سین مهمله ع حنظل ه اندراین

تمیق الجیم

کبیکج - سیر ل بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی و سکون جیم م نوعی از کرفس ی بیشتر از کس زیران ه کوابخ طع ی ۲ ق محلل خ نوص روغن گل ل انجره

تمیق الدال المهمله

کبد - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون دال مهمله ف جگر کلیجا طع رق مغذی خ از مرغ یا مرغابی جوان فربه -
کبید ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م کبر -

تمیق الرار المهمله

کتبر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و سکون رار مهمله م کبر -
کبر بفتح اول و کسر ثانی مشهور ست بهمین نام طع ۲ ق مقطع ملطف محلل خ لبسانی ش از بیخ او بخدرم با نیم مثقال ص اسطوخودوس گویند سرکه و خیار ل احب ق آن باز رازیانه
کبودر بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح دال مهمله م کرسکے آبی که آن را ماهی ها ی کوچک بخورند -

تمیق النون

کبودان ف بضم اول و ثانی و دال مهمله و الف م سیاه دانه

تمیق الواو

کبستو ف بضم اول و ثانی و سکون سین مهمله و ضم فوقانی و سکون واو ع حنظل

تمیق الصاد

کبابہ ـ ع بفتح اول و ثانی با الف و موحدہ خفاف ہم حب العروس و کباب چینی ثمر درختیست کہ از ملک چین و نواحی آن می آورند گرم خشک در دوم مفتح سدد محلل قابض خوشبوی زبان گزندہ شرابی زدود الکت نیم درم ص صندل و گلاب با مصطگی با تخم کاہو با کاکنج ل ہیل ہرا اورا چینی با اسارون ـ

کبشہ ـ ف بفتح اول و ثانی و سکون سین مہملہ و فتح فوقانی ہم خنظل

کبیدہ ـ ف بضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح دال مہملہ ہم پست گندم و برنج و جز آن ہ ساتو ـ

تمیق الموحدہ فارسی و تمیق السین المہملہ

کپاس ـ ہ بفتح اول و موحدہ فارسی و الف و سین مہملہ ہم نبات پنبہ

تمیق الکاف

کبوک ـ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کاف ثانی ہم طائریست کہ با جنس خود جفتی کند و اگر احیانا بر جای خود کبوک جانور دیگر کہ نر باشد بہ بیند در زمان مادہ شود و بآن نر جفت گردد

تمیق التحتانی

کبی ـ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی ہم میمون ـ

تمیق و تمیق التاء الفوقانی

کت ـ ہ بکسر اول و سکون فوقانی ہندی ع خبث الحدید

تمیق الخاء المعجمہ

کنخ ـ ف بفتح اول و ثانی ہم قرو ت و جاشنی زوانق

تمیق الراء المہملہ

کٹونبھر ـ ہ بفتح اول و ضم ثانی ہندی و سکون واو و نون و فتح موحدہ و اظہار ہا و سکون راء مہملہ قسمی از انجیر دشتی ـ

تمیق العین المہملہ

کنع ـ ف بفتح اول و ثانی ہم قروت و جاشنی و دانق

تمیق الکاف

کنگ ـ ف بفتح اول و ثانی ہم سیب تی و بزبان ہندی حجر ایست کہ چون سائیدہ در آب گل آمیختہ باشند بر زمند آن اصلاح کنند

تمیق اللام

کتھبادل ـ ہ بفتح اول و ثانی ہندی و اظہار ہا و موحدہ فارسی و الف و فتح دال مہملہ ہندی و سکون لام قسمی از بادل ـ

کٹھل ـ ہ بفتح اول و سکون ثانی ہندی و فتح ہا و سکون لام ہم میوہ ہندی ست مشابہ شکنبہ

تمیق المیم

کتم ـ ع بفتح اول و ثانی و سکون میم ہم وسمہ یعنی مسند نیل

تمیق النون

کتان ـ بفتح اول و ثانی و الف و نون ہ السی طب ہی حس سکنجبین عسل شراب سعید ... چہار درم ل روغن حلبہ ـ

کتران ـ ف بفتح اول و کسر ثانی با راء مہملہ و الف ہم قطران ـ

تمیق الواو

کتو ـ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو ہم طائریست سنگخوار و بضم اول ع عورہ پنبہ ـ

تمیق الہاء المہملہ

کتیلہ ـ بضم کاف و فتح تا و سکون یا ر ... و تحتانیہ و فتح لام ... بناتیست طول آن از یک شبر تا یک گز ط ... گرم و خشک ـ

تمیق التحتانی

کناگی - ہ بفتح اول و ثانی ہندی و الف و کسر ہمزہ و سکون تحتانیہ دوائے مشہور ہند نسبت کرنگالی و بفارسی گل خار گویند -

کنگی - ہ بضم اول و سکون ثانی ہندی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانیہ م خربق اسود -

تمیسن الثار المثلثہ و تمیق الالف

کثیرا - ع بفتح اول و کسر مثلثہ و سکون تحتانی با رار مہملہ و الف ہ کتیرا طبع مقوی بہی مسکن خ سفید باکشانی نیم مثقال م کیدر م ص انیسون یا کرفس ل صمغ عربی یا بادام یا مغز دانہ کدو

تمیق العین المہملہ

کثیر الاضلاع - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم رار مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون ضاد معجمہ بالام و الف و عین مہملہ ف گاو زبان

تمیق اللام

کثیر الارجل - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم رار مہملہ و سکون لام و فتح ہمزہ و سکون رار مہملہ و فتح جیم م بسفائج فستقی -

تمیق السار

کشاہ - بفتح اول و ثانی و الف و اظہار ہام م جرجیر -

تمیسق و تمیق الجیم الفارسی

کج - ف بفتح اول و سکون جیم م ابریشم زرد یا پیہ لسر -

تمیق الکاف

کجک - ف بفتح اول و ثانی و سکون کاف ع شیخ کرتیز ابریشم کہ گویند

تمیق الہار

کجلہ - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م خناریام ظاہرکہ -

تمیسق و تمیق الجیم الفارسی

کچ - ف بضم اول و سکون جیم فارسی م فلوس ماہی ہ کچلا

تمیق الرار المہملہ

کچنار - ہ بفتح اول و سکون ثانی فارسی با نون و الف م درخت ہند لست کہ بہار ارغوانی دارد و شگوفہ اش نانخورش نیست

کچورہ - ہ بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو م زرنباد

تمیق النون

کچلون - ہ بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم لام و واو مجہول ع زبد القواریر ف نمک شیشہ -

تمیق الحار المہملہ و تمیق الالف

کحلا و کحیلا - بفتح اول و سکون حار مہملہ با لام و الف لغت اول و کسر حار مہملہ و سکون تحتانی در لغت ثانی اسمی ست مشترک بلسان الثور و شنجار -

تمیق السین المہملہ

کحل فارسی - بضم اول و سکون ثانی و کسر لام با فا و الف و رار مہملہ و سکون سین مہملہ م انزروت -

تمیق اللام

کحل - ع بضم اول و سکون ثانی و لام ف سرمہ اکحن -

تمیق النون

کحل جولان - ع بفتح حار مہملہ ثانی و واو و لام و الف و نون م حفصفر
کحل السودان - ع بفتح سین مہملہ مشدد و سکون واو با دال مہملہ و الف و نون م تشمیزج ہ چاکسو -

تمیسق الخار المعجمہ و تمیق الجیم

کخج - ف بضم اول و سکون خار معجمہ و جیم م گیاہیست کہ از چاروب سازند

تمیمۃ الخاء المعجمہ

گخ - ف بضم اول سکون خاء معجمہ ہم سیاه لوح -

تمیمۃ الدال المہملہ و تمیمۃ الخاء المعجمہ

گدویی تلخ - ف بفتح اول و ضم دال مہملہ و واو مجہول و تحتانی مجہول و فتح فوقانی و سکون لام ہ تونبڑی

تمیمۃ الراء المہملہ

گدر - بفتح اول و ثانی و سکون راء مہملہ ہم کادی کیوڑا ب ی حرق سکون تشنج اشتعال ص عنابل شربت فواکہ و صندل

تمیمۃ المیم

گدرم - ف بضم اول و سکون ثانی و ضم راء مہملہ ہم غلہ الیست مانند ارزن که اکثر در برنج زار باشد -

گدم - ہ بفتح اول و ثانی و سکون میم درختیست ہندی مشہور رنگ اش زرد شایست بکمه کرزک و گوی خرد -

تمیمۃ النون

گدوی شیرین - ف بفتح اول و ضم ثانی و واو مجہول و تحتانی مجہول و کسر شین معجمہ و سکون تحتانی ثانی و کسر راء مہملہ و سکون تحتانی ثالث - ع قرع -

تمیمۃ الہاء

گدہ - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح وحدہ و بوست خربزه

تمیمۃ الراء المہملہ و تمیمۃ الالف

گرا - ہ بضم اول با راء مہملہ و الف ف شوکران الصابیر

گراکا - ف بفتح اول و ثانی و الف با کاف ثانی ہم بود نہ ع سلوی

گراکر - بفتح اول و ثانی و فتح کاف ثانی و راء مہملہ ثانی ہم زاغ

کرباف - بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی گیاهی است که آن را البنده و زرگو نیز -

کرمہ بیضا - ع بفتح اول سکون ثانی و فتح میم و ہمزه ملینه یا فتح موحده و سکون تحتانی با صاد معجمہ ہم ف اشترا -

کرمہ سودا - بفتح سین مہملہ و سکون واو و دال مہملہ ہم ف اشتر سبز

کرنبا - ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با موحده ہم کلم

کرنب الماء - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و ضم موحده و سکون لام با میم و الف ممدوده ف کلم آبی -

کروارا - ہ بکسر اول و سکون ثانی با واو و الف و راء مہملہ ثانی ف خیار چنبر -

کروندا - ہ بفتح اول و ثانی و سکون نون و واو و خفاء نون با دال مہملہ میوه ہندیست -

کرفیا - ع بضم اول و ثانی و سکون واو با تحتانی ف قسمی از زیره کالی زیره طرح ی ۲ گویند ۳ ق بالبعض ملطف مقوی معده تر تازه بستانی تش خ درم ص صعتر بری سبز تر ن نیموزن کمون نطی نیموزن انیسون با رازیانج -

تمیمۃ الموحده

کرنب - ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون ہم کلم طرح ای ۲ د اطراف اوی ۳ ق ملین منفخ خ کمر نب بستانی مشہور است ص دہن -

تمیمۃ التلثہ

کراث - ع بضم اول با ثانی مشدده و الف ف گندنا طرح ی ۳ ق منفخ ص سرکہ و روغن ل لبلبل

تمیق الجیم

اروموج ف بفتح اول ثانی و سکون واو و فتح میم و سکون جیم گیاهی که آتش بر دانه ورزند هم غرفج ع بوسر ائع۔

ارنج هم بفتح اول ثانی و خفا نون انگشت

تمیق الراء المهمله

ارکرک بفتح هر دو کاف و سکون هر دو راء مهمله ع قنبر [illegible] ف کاج۔

تمیق الزاء المعجمه

ارزیز بکسر اول و سکون ثانی و ضم موحده و سکون آخر هم ثنا الحمار

تمیق السین المهمله

اریابنس ارپس ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده و در لغت دیگر تحتانیه و سکون سین مهمله در لغت اول و فتح موحده در لغت ثانی هم جانور چلپاسه۔

ارفس ع بفتح اول و ثانی و سکون فا و سین مهمله ه احمود ط ای ج ق منفج مدر مفتی مهرج لبنانی تراز تخم او نیم مثقال ص ک هوا معجون گل مشگی [illegible] بانیمونه [illegible] فطراسالیون و در فارسی جانور چلپاسه را نامند۔

ارکس ف بفتح اول و سکون ثانی [illegible] ع [illegible] گیاه و بیسر که در زراعت جو و گندم [illegible]

تمیق الشین المعجمه

ارش ع بضم اول و سکون ثانی [illegible] شکنبه و وجود و ب ح ماخوذ از جوامع [illegible]

تمیق [illegible]

ارشتن بضم اول و سکون ثانی و ضم شین معجمه [illegible]

تمیق الکاف

اراک و ارک ف بفتح اول و سکون ثانی با الف [illegible] در لغت اول و فتح کاف ثانی و راء مهمله ثانی در لغت ثانی هم بار الحجر [illegible]

ارک ف بفتح اول و ثانی هم اراک و سکون ثانی هم ماکیان و کبک و سرطان و بضم اول و سکون ثانی هم نشیم زمی که از زمین برهٔ رسند و آنرا اشنان و آوده لسند و شال و امثال آن با [illegible]

ارنبک ف بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول و فتح شین معجمه هم جوزه هر مرغ

تمیق الکاف الفارسی

ارگ ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف فارسی هم ارگدن و گنیدا

تمیق اللام

اریل ح ه بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و لام نبات هندی خاردار برگ که اطراف هند هبت گویند بکسر فوقانی هندی و تحتانی و خفا راء و فوقانی هندی ثانی و از و اچار سازند

تمیق المیم

ارکم ف بضم اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی و سکون میم هم خرما [illegible] ع بفتح اول و سکون ثانی [illegible] در عرب گوید ط [illegible] ح [illegible] صمغ عربی باشد و بفتح ثانی ف کرم [illegible]

اردشی [illegible] ع بضم اول و ثانی و سکون واو و ضم شین معجمه [illegible] لام و فتح غین معجمه و نون و سکون میم هم [illegible]

تمیق النون

اردلین ح بفتح اول و سکون ثانی و کسر دال [illegible] تحتانی و کسر لام و سکون نون هم نوشته [illegible]

کرکدهن - بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف تازی و ضم رای مهمله تا
و واو مجهول و سکون نون م سکبینج مرکبیت طرح ی ۲ -

کرکهن - بربری بفتح هر دو کاف و سکون هر دو رای مهمله و فتح های م قرفه
کریون - رومی بفتح اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون
واو و نون م قنطوریون دقیق -

تمیبق الواو

کرباسو و کرلسبو - ف بفتح اول و سکون ثانی و بای موحده
و الف و ضم سین مهمله و سکون واو در لغت اول و فتح موحده
و ضم سین مهمله در لغت دوم م جانور حلپاسه -
کرجفو - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم و ضم م طایر بود
کرورف بفتح اول و ضم ثانی م پرده سفید عنکبوت که دران بیضه نهد
کرکرهو بفتح هر دو کاف و سکون هر دو رای مهمله و ضم ها م قرقرها

تمیبق الهاء

کربانه کرلسه - ف بفتح اول و سکون ثانی با موحده و الف و فتح
سین مهمله در لغت اول و فتح موحده در لغت ثانی م حلپاسه -
کرتنه - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و سکون تحتانی و
فتح نون م پرده سفید عنکبوت که بران بیضه نهد -
کرسنه - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهمله و نون ف
کنک ۵ شر و کرا دو کلا د طرح اگر نید ۳ ی ۲ ق محلی بفتح خ
شقے با مصری سفید شش درم ص شاه بلوط دو درم و زن آن لوبیا
کرکیبه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و کسر میم و سکون
تحتانی و فتح سین مهمله م گلیست خوشبو که بیشتر در کوه الوند شود
کرمدانه بکسر اول و سکون ثانی و میم با دال مهمله و الف و فتح نون
م نوعی از تخم باذروین طرح ی ۱ هرن مخفف ج سیاه
بزرگ من ورد الک ص صمغ دکنه اول سعد بلفلق

کرمه شاکه - بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و همزه ملینه با
شین معجمه با الف و کسر تحتانی و فتح کاف ثانی م قشاع -
کرنه - ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون ف ترنج -
کرویا رفارسیه شنا مبیه جبلیه بضم اول و ثانی و سکون واو با
تحتانی و الف و کسر همزه با فاء و الف ثانی و رای مهمله ثانی و کسر سین
مهمله و فتح تحتانی مشدد و ثانی و خفار با شین معجمه با الف
ثالث و کسر میم و فتح تحتانی مشدد ثالث و فتح جیم و موحده و
کسر لام و فتح تحتانی مشدد رابع م فسردانا -
کره - ف بفتح اول و ثانی م سکره پرده سفید عنکبوت که دران بیضه نهد -

تمیبق التحتانی

کرات جبلی - ع بضم اول و ثانی مشدد با الف و کسر مثلثه و
فتح جیم و موحده و کسر لام م ف اسیون -
کرکی - ع بضم اول و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و ف کلنگ که بیخ
خ صید کرده باز که بعد از کشتن بریان کرده از دهند زود هضم بر آید باز گرم
کرنگالی - ف بفتح اول و ثانی و سکون نون با کاف فارسی
و الف و کسر نون ثانی م نوعی از انگور -

تمیبق الزاء المعجمة و تمیبق الالف

کرباسف بفتح اول و سکون زای معجمه موحده الف م نوعی از زربد

تمیبق الموحده

کرب - ع بضم اول و سکون زای معجمه ف خرده کنجاره کهلی

تمیبق الراء المهمله

گزرۃ البیر ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و فتح رار مہملہ و ضم فوقانی و سکون لام و کسر موحدہ ثانی و سکون تحتانی و رار مہملہ ثانی ف پرسیاوشان۔

تمیق الغین المعجمۃ

گزاغ و گزغ۔ ف بضم اول و فتح ثانی و الف و غین معجمہ در لغت اول و سکون زار معجمہ در لغت ثانی ع اشق۔

تمیق الفار

گزف۔ بفتح اول و ثانی م قیرہ رال

تمیق النون

گزموان بکسر اول و سکون ثانی و واو الف و نون م بادزہرہ۔

تمیق الہار

گزبرہ۔ ع بضم اول و سکون ثانی و کسر موحدہ و فتح رار مہملہ و ہاف کشنیزہ مراد خشک و ب ۲ طرار ب ۳ و خشک ا و ب ۲ ی ق تراو و ع خشک ا و مقوی دل و حالبس خ بستانی تازہ و بری خشک و مغر م ص عسل۔

تمیق الزار الفارسی و تمیق الالف

گزغاو گزگاو۔ ف بفتح اول و سکون زار فارسی و غین معجمہ در لغت اول و کاف فارسی در لغت ثانی م غزگاو۔

تمیق الزار المہملہ

گزورف بفتح اول و ضم ثانی فارسی و سکون واو ع زرنباد۔

تمیق الزار الفارسی

گزوف بفتح اول م گنجی کہ قسمی است از ابریشم زبوانہ سر۔

تمیق المیم

گزم ف بضم اول و سکون ثانی فارسی ع شجرۃ البق۔

تمیق النون

گزترخون ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و فتح فوقانی و سکون رار مہملہ و ضم خار معجمہ و سکون واو ع عاقرقرحا۔

تمیق الواو

گزغاو و گرگاو ف بفتح اول و سکون ثانی با غین معجمہ و الف و واو مجہول در لغت اول و کاف فارسی در لغت ثانی م زرگلو۔

تمیق الہار

گرامہ ف بفتح اول و ثانی فارسی و الف و فتح فوقانی م علم ابریشم

گزدم خوارہ ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی و ضم دال مہملہ و سکون میم و ضم خار معجمہ با واو معدولہ و الف و فتح رار مہملہ م جانوریست در دریای خوزستان کہ چون براہ رود دم خود بر زمین کشد و بہر کہ زخم زند ہلاک سازد۔

تمیق السین المہملۃ و تمیق الالف

گسیلا۔ ف بفتح اول و کسر سین مہملہ و تحتانی مجہول با لام و الف دوائیست ہندی کمیلا کہیں طرح ای ہ گویند مع ح رق مغری خ باریک مائل بسرخی شش س درم گویند نیم مثقال ص کثیرا با تخم کرفس ل مثانہ۔

تمیق الموحدہ

گسب ع بضم اول و سکون ثانی و موحدہ ف کنجارہ

تمیق الجیم

گسبرج ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحدہ فارسی و زار مہملہ م مرغ مادہ۔

تمییز الراء المهملة

کسیسر بضم اول و سکون ثانی و ضم تحتانی و سکون راء مهمله هم زفت خشک.

تمییز الکاف

کسک ـ ف
کسنک بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون کاف نام گزنه.

تمییز المیم

کسیس الحمام بضم اول و [illegible] ثانی و کسر موحده و فتح راء مهمله و هم دواء [illegible] ساکن لام و [illegible] مهمله [illegible] اسم [illegible] نام از شاهترج.

تمییز النون

کسیغون یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و ضم غین و سکون واو و نون ف نوعی از سوسن بری هم دلیه.

تمییز الواو

کسیسروه بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی مجهول و ضم راء مهمله و هم بیخ رستنی هند است که در اکثر اعمال فربه [illegible] طب.

تمییز الهاء

کسبره بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و راء مهمله ف کشنیز.
کسپره ف بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده [illegible]
کسیمه [illegible] بفتح اول و سکون ثانی و کسر [illegible] و سکون [illegible]
کسیبده بضم اول و ثانی و خفا نون [illegible] فتح موحده [illegible]

تمییز الیاء

کسیلیه ب نباتیست شبیه به ناس [illegible] اخص کثیرا.

تمییز التحتانیه

ستوری [illegible] بفتح اول و سکون ثانی و ضم فوقانی و سکون واو و کسر راء مهمله و سکون [illegible] مشک.
کسنی ت بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون ع حقیقت [illegible]

تمییز السین المعجمة و تمییز الالف

کشوثا بضم اول و شین معجمه و سکون واو و مثلثه و الف ع امریست طرح ای ف مفتح منقی مسهل سودا و مقوی [illegible] و بیخ [illegible] پیچیده باشد شش درم [illegible] کاسنی [illegible]

تمییز الموحده

کشکاب ف بفتح اول و سکون ثانی و کاف و الف هم آش.

تمییز الشین المعجمة و تمییز الفاء

کشت برکشت بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون راء مهمله و فتح کاف ثانی و سکون شین معجمه و فتح فوقانی ثانی ف نباتیست بر هم پیچیده مانند ریسمان باقد [illegible] ثمره شکم [illegible] طرح [illegible] بوزیدان کافور.

تمییز المثلثه

کشوث بضم اول و ثانی و سکون واو و مثلثه هم کشوثا بیان [illegible]

تمییز الجیم

کشنج بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم ف نوعی از کمات [illegible] که در کنار دریا روید گل گنده [illegible] طب.

تمییز الراء المهملة

کشک الشعیر ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی و فتح شین معجمه و کسر عین مهمله و سکون تحتانی ف شیره جو [illegible]

تمییز الشین المعجمة

کشنشن بکسر اول و سکون ثانی و کسر میم و سکون شین معجمه ثانی ف
ترب بیدانه طرح سی لی ق مین تش ده درم حس بادیان

تمیز الطار المهمله

کشنط بضم اول و سکون ثانی و طار مهمله هم قسط -

تمیز الفار

کشنف ف بفتح اول و سکون ثانی هم باخبر سنگ نسبت ده گجهوا -

تمیز الکاف

کشنکرف ف بفتح اول و سکون را و کاف هم لاک لست -
کشکرک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و را مهمله هم جانور
کشنک ف بفتح اول و سکون ثانی هم هینو فروشه -

تمیز اللام

کشاخل ف بفتح اول و ثانی و الف و کسر خار معجمه هم غله تاخل ابر
کشنجول بضم اول و سکون ثانی و خار معجمه و واو و لام هم ...
کشنل بضم اول و سکون ثانی هم خربزه -

تمیز النون

کشکنین ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و سکون تحتانی هم ...
کشن بضم اول و سکون ثانی هم خربزه -

تمیز الواو

کشکاوف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی بالف هم کشکاب
کشتون بفتح اول و سکون و ضم فوقانی هم انگور نیم پخته -
کشکون بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی هم کشکاب -

تمیز الهار

کشته ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی هم شفتالو زردالو

وامرود و مانند آن که تخم او برآورده خشک کرده باشند
کشکینه و کشکینه ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر کاف ثانی و فتح
نون در لغت اول کسر کاف و سکون تحتانی در لغت دوم هم نان جو
کشنه ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون هم نوعی از سمار وغ

تمیز التحتانیه

کشنی ع بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون هم کرسنه -
کشوت رومی بضم اول و ثانی و سکون واو و کسر شین و ضم
رار مهمله و سکون واو ثانی و کسر میم هم افسنتین -

تمیز الضاد المعجمه و تمیز الالف

کفنشبون یونانی بفتح اول و سکون ضاد معجمه و فتح نون و سکون
و ضم موحده و سکون واو و نون ثانی ف بادنجان بری را گویند -

تمیز العین المهمله و تمیز الموحده

کعب ع بفتح اول و سکون عین مهمله و موحده ف پاشنه ابری
طب ... حشفه ... الناس ... صرب السوس شنجوان ...

تمیز الکاف

کعک ع بفتح اول و سکون ثانی و کاف ثانی ه کاک نان
تبرک حضرت خواجه قطب الدین بختیار کاکی قدس الله
اسرارهم که در دیار دهلی معروف است -

تمیز الفار و تمیز الالف

کف دریا بفتح اول و کسر فا و فتح دال مهمله و سکون
رار مهمله با تحتانی ه سمندر پهین -

تمیز الموحده

کف الدبه ع بفتح اول و ضم ثانی مشدده و کسر ذال

...یب و سکون تحتانی م ...طیانا -

...ف الکاتب ع بفتح اول وضم ثانی مشدد و سکون لام و فتح کاف ثانی و سکون لام م اشنان -

تمیق النبیه

...ف بفتح اول ثانی و سکون نون م نوعی از ماهی است که مانند سقنقور بنبات سهی است ع سکه الصیدا -

تمیق الدال المهمله

کف الاسد - ع بسکون لام و فتح ... وسین مهمله م طینیثا -

کفر الیهود - بفتح اول و ثانی و ضم رای مهمله و سکون لام و فتح تحتانی و ضم ها و سکون واو و دال مهمله م قفر الیهود -

تمیق الراء المهمله

کشیر ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر شین معجمه و سکون تحتانی داروی که زر و نقره و دیگر فلزات بدان پیوند کنند -

تمیق الزاء المعجمه

کفچلیز ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و زاء معجمه م جانوریست آبی که سر و تنه و دارد و دم باریکه ... ع ... و جمع آن -

تمیق السین المهمله

کفافس ف بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم قاف و سکون سین مهمله م دلوچه کیز

تمیق العین المهمله

کف الضبع - ع بفتح ضاد معجمه مشدد و ضم موحده و سکون عین مهمله م کبیلج -

تمیق الضاد

کفف - بفتح اول و سکون ثانی م ابله الحفا -

تمیق الکاف

کفچلیزک - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه ع غموص -

تمیق اللام

کفچه نول ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و ها و ضم نون و واو مجهول و لام م مرغیست که بترکی قاشق بیران گویند -

تمیق الها

کفچلیزه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و کسر لام و تحتانی مجهول و فتح زاء معجمه م کفچلیزک -

تمیق التحتانی

کفری - بضم اول و سکون ثانی و کسر رای مهمله ع جفری ف پوست بهار جرباخ خوشبو -

تمیق الکاف و تمیق الالف

کگرلا - ه بضم اول و سکون ثانی و رای مهمله هندی ف خروس

کگروندا - ه بضم اول و سکون ثانی و فتح رای مهمله و سکون واو و خفا نون و دال مهمله و الف م کافر -

کگورلا - ه بفتح اول و ضم ثانی و واو مجهول و رای مهمله و الف م نبات هندیست که ثمرش بعروس در برد و بهندی بخشیده کگول

تمیق الشین المعجمه

کگلش و کگیلش - ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون شین معجمه در لغت اول و کسر اول و تحتانی مجهول و کسر کاف ثانی و تحتانی مجهول ثانی در لغت ثانی م تره تیزک -

تمیمۃ الکاف

کنکھ - ف بفتح اول و سکون کاف ثانی تا تیکه از درخت بیخ بدم

کاک دگیا - الیزگوینه و بضم اول م ماکیانی که از تخم کردن باز مانده باشد

تمیمۃ الهاء

کلنجه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی و خاء هاء م نیم دانه -

تمیمۃ التحتانی

کنڑ اسینگی - ه بفتح اول و سکون ثانی و بار ز مهمله و الف و کسر سین مهمله و غنه نون و کاف ثالث و سکون تحتانی هم دوایی هندی است شبیه بخلاف شاخ بزی کوچک و مجوف و رنگ آن سبز خاکی تیره و طعم آن اندک تلخ طبعا گرم و خشک -

کنگڑی - ه بفتح اول و سکون ثانی و کسر را مهمله هندی و سکون تحتانی ف خیار دراز و بضم اول ف کیان -

تمیمۃ اللام و تمیمۃ الالف

کلاوه - ف بفتح اول و لام و الف هم وزغ و غوک -

کلیاینه - کبسر اول و سکون ثانی با تحتانی م شیخا رد ساجی -

کلبندا - ه بفتح اول و کسر ثانی و تحتانی و غنه نون با دال مهمله ف تیر بز

تمیمۃ الجیم

کلیوج - ف بکسر اول و ثانی و تحتانی مجهول با واو و الف م تعلیوار -

تمیمۃ الحاء المهمله

کلمح - بکسر اول و سکون ثانی ف بیرزد -

کلموح - بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو م - اسن

تمیمۃ الدال المهمله

کلانج امرود - ف بضم اول و ثانی و سکون دال جامع و در مجمع و فتح میم دال

و سکون میم و ضم رار مهمله و واو مجهول ثانی م نوعی از امرود -

تمیمۃ الراء المهمله

کلماور - ف بفتح اول و ثانی و الف و فتح واو و سکون راء مهمله هم زرع

کلماهار - و بفتح اول و ضم ثانی بستان و نظیر او و الف و گل کنول -

تمیمۃ الزاء المعجمه

کلاوزه - ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو م غوره پنبه شگفته -

کلیز - ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م زنبور -

تمیمۃ الزاء الفارسیه

کلموژ - ف بفتح و ضم اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو م جلیپاسا

تمیمۃ السین المهمله

کلاس - ف بکسر اول و سکون ثانی ف آهک م نوره و چونه -

تمیمۃ الشین المعجمه

کلاش - ف بفتح اول و ثانی و الف ع عنکبوت و بفتح اول کلاش نخاله گویند

کلاکموش - ف بفتح اول و لام و الف و سکون کاف فارسی و ضم میم و سکون واو م موشی دشتی -

تمیمۃ الغین المعجمه

کلاغ - ف بفتح اول و سکون ثانی و الف م زاغ و کلاغ و کرا

کلمرغ - ف بفتح اول و ثانی و ضم میم و سکون راء مهمله م نوعی از کرکس که بر سرش پر نباشد -

تمیمۃ الفاء

کلناف - ه بفتح اول و سکون ثانی با نون [illegible] ه کنر -

تمیمۃ الکاف

کلاکنک - بکسر اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و سکون نون م تخم خرفه

کاکب ف بفتح اول و ثانی م کوف و دوم زر خربزہ نارسیدہ و غوره و غنچہ ناشگفتہ و گاودمیش نر جوان و بضم اول و سکون ثانی ع بشیم نرمی کہ از زیر موی بروید آنرا الشبابہ آوردہ بر بسند و شال ازو سازند و بایندہ و بکسر کاف بر سے عموماً و برائے قلم خصوصاً نیز صمغی است تلخ کہ آنرا حبہ دانہ گویند۔

کلنبک۔ بفتح اول و ثانی و خفاء ہا و نون و فتح موحدہ ف چوب خوشبوی صندل آسای سرخی مائل۔

کلیک۔ بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی م تخم گل

تمیق اللام

کاکل ۔ بفتح ہر دو کاف و سکون ہر دو لام م متصل

کل۔ ف بفتح اول م رجیع بہائم و گاومیش نر۔

تمیق المیم

کلم ف بفتح اول و ثانی م کرنب۔

تمیق النون

کلیجن ۔ ع بضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح جیم م خولنجان کہ بیخ برگ تنبول باشد۔

کلیکان ۔ بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی بالف مشہور است نزد ظرخون کہ گفتہ شد۔

کلیکر ولن ۔ سریانی و رومی بکسر اول و ثانی و سکون تحتانی و فتح کاف ثانی و سکون لام و ثانی و ضم زاء مہملہ و سکون واو و لام م حرحیر

تمیق الواو

کلاجو و کلازو ف بفتح اول و ثانی والف و ضم جیم و سکون واو در لغت اول و ضم زاء فارسی در لغت ثانی م طائر عکہ۔

کلاد ف بفتح اول و ثانی والف م دارغ۔

کلاہو ف بفتح اول و ثانی بالف و ضم ہا م نوعی از آبنوس بی شاخ

کلابا سو و کلبسو ف بفتح اول و سکون ثانی با موحدہ والف و ضم سین مہملہ در لغت اول و فتح آن در لغت ثانی م حلیبا سہ

تمیق الہاء

کلازہ ف بفتح اول و ثانی والف و فتح زاء فارسی م طائر عکہ

کلوزہ ف بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و فتح زاء م تخم خربزہ نارسیدہ

کلوندہ ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح واو و سکون نون و فتح دال مہملہ م نوعی از خیار باریک و دراز۔

کلیۃ ع بضم اول و سکون ثانی و فتح تحتانی ف گردہ ط مع ح ب گردی ۲ گوبند ر ۱۳۔

تمیق التحتانی

کلنبھی ۔ ہ بضم اول و سکون ثانی و کسر فوقانی و اظہار ہا م غلہ است ع کاسر الحجر

کلنجری ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون نون و فتح جیم و کسر راء مہملہ م نوعی از انگور سیاہ رنگ کہ در ولایت ہری شود

کلیانی ۔ رومی بکسر اول و سکون ثانی با تحتانی و الف و کسر نون م اسق

کلی اینہ بضم اول و کسر ثانی قسمی است از ماہی ریزہ سمک خضر

تمیق المیم و تمیق الالف

کماف بضم اول و میم والف م کمات ط ۲ سرد و تر بکسر اول ازم

تمیق الفوقانی

کمات ۔ ع بفتح اول و ثانی والف و فوقانی م فطر طب ر ۲ ق ردی الغذاء خ محلل ص موز و فلفل۔

تمیق الدال المہملہ

کمدیفسا اسود ع بفتح اول وضم ثانی وسکون دال مہملہ وکسر فاء وفتح ہاء بسکون سین مہملہ وفتح تاء ثانی ہم کمون بری ست شونیز را نیز گویند۔

تمیق الرار المہملہ

کماشیر بفتح اول وثانی بالف وکسر شین معجمہ وسکون تحتانی و رار مہملہ ہم صمغ نرسس کوہی کہ فرسیون تخم او ست طح ی ۲ گویند مسہل خر زرد تیز بو ش دانگ ص محلل و منضج [illegible]

تمیق الزار المعجمہ

کمیزر ف بفتح اول وکسر ثانی وسکون تحتانی وزار معجمہ ع بول ہم پیشاب و موت۔

تمیق السین المہملہ

کمادریوس سریانی یونانی بفتح اول و ثانی بالف و فتح دال مہملہ و سکون رار مہملہ و ضم تحتانی و سکون واو و سین مہملہ ف راسندریو تلخ ہ سوندی گویند فیر سوندی ست طح ی ۲ گویند سوق ملطف مدر محلل مفتح تازہ ربی کہ بعد از ادراک تخم برگیرند ش یک مثقال ص سفرجل ل عافت یا سفولو قندریون یا تخم حماض بری یا تخم شلغم بری۔

کمافیطوس یونانی بفتح اول و ثانی بالف و کسر فا و سکون تحتانی و ضم طار مہملہ و سکون واو و سین مہملہ ف تخم صنوبر صغیر [illegible] نیز رازی ف اشر دارد طح ی ۳ سوق مفتح محلل ش یک مثقال ص انیسون یا دو درم نیمون سدینالیریس دو دانگ نیموزان آن سلیخہ یا کمادریوس یا جعدہ۔

تمیق الضاد المعجمہ

کمثری حامض ہم کمثری چینی بہترین آن رسیدہ شاداب طا ۱ سرد ۲ خشک ص عسل و جوارش کمونی۔

تمیق الکاف

کمکرک ہ بفتح اول و سکون ثانی و فتح رار مہملہ و سکون کاف ثانی ہم میوہ ہندی ست ط ۲ سرد و تر و خشک

تمیق المیم

کمکام عرب ف بفتح اول و سکون ثانی با کاف ثانی و الف ع افواہ الطیب و گویند صمغ درخت بطم۔

کمکم ف بضم اول و سکون ثانی و ضم کاف ثانی ہم زعفران۔

تمیق النون

کمالیون یونانی بفتح اول و ثانی بالف و کسر لام و ضم تحتانی و سکون واو نوعی از مازریون سیاہ۔

کمون ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو انواع است کرمانی و فارسی و شامی و نبطی بہترین کرمانی طح ی ۲ گویند سوق محلل ملطف مفتح جالینوس گرم در دوم [illegible] یا از کرمانی یک نیمون نبطی و فارسی نیمون کرمانی یا تخم کرنب۔

تمیق الواو

کمون حلو بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسر نون و ضم حار مہملہ و سکون لام ہم انیسون۔

تمیق الہار

کمیچہ ف بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و فتح میم فارسی ہم کرم شب تاب۔

تمیق التحتانی

کشتری بن ع بضم اول و ثانی مشدده و سکون شین و رای مهمله آنچه مشهور است ف امرود و هسپانی طمع گویند بب گویند

اپی آق ع الغبن مفرح و مقوی دل خ شاه امرود

شرابش را ابکر ادقیه ص ا العسل ل سفرجل -

لموون ارمنی بفتح اول و ضم ثانی و سکون واو و کسر نون و فتح همزه و سکون رای مهمله و فتح میم و کسر نون ثانی هم گرد یا -

کمون بری بفتح موحده و کسر رای مهمله مشدده هم شاه زیره ح

کمون حبشی بفتح حای مهمله و موحده و کسر شین معجمه هم کمون ی

تمییز النون و تمییز الالف

کنبیلا ه بفتح اول و سکون نون و کسر موحده و سکون تحتانی و الف لام اهم قنبیلا

تمییز الموحده

کنب ف بفتح اول و ثانی و سکون موحده هم بنگ و بهانگ و بجیا گویند و در فارسی ریسمانی ست که از پوست نبات کتان بتابند و بضم اول نوعی از خیار

تمییز الجیم

کنج ف بفتح اول و سکون ثانی هم ثروت -

تمییز الدال المهمله

کند ف بفتح اول و سکون ثانی و دال مهمله شکر که معرب آن قندست و بزبان هندی بیخ هر چیز

کنگر زد ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و سکون رای مهمله و زای معجمه آنرا کنگری و ترابی الفی نیز گویند وان صمغ کنگرست طح را گویند ب ق سقی -

تمییز الرای المهمله

کنار ع بضم اول با ثانی و الف ع سدره بیری

کنجار ف بضم اول و سکون ثانی و الف و کجل -

کندر ع بضم اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله مصطکی رومی لبان طح و ق اگویند ق مدل محمد تابیض سفید و مسوی و بعده جالبس خ سفید گرد حب شش خ رم حس آن فیما یا سفید

کنگر ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی حرشف ز اکنکر کوه بهای به بدر کتاب التبیان جای الحبه و آنرا ابنیز نامهاست

کنجرند و بضم اول و کاف فارسی هم جانوریوم

کنیر ف بفتح اول و ثانی و سکون تحتانی ف خرزهره -

تمییز الزاء المعجمه

کنازو کنز ف بفتح اول و ثانی و الف و زای معجمه در لغت اول و بحذف الف در لغت ثانی هم بن خوشه خرما -

تمییز الشین المعجمه

کنندش ج بضم اول و سکون ثانی و ضم دال مهمله ف حوبک اشنان و حوبک طح ی ق معطس مفرح منقی خ بیخ وی شش انگر دیه ص کثیرا البزر لو خور القی و ثلث وزن آن فلفل -

تمییز الغین المعجمه

کناغ ف بضم اول با ثانی و الف هم کرم پیله و تار ابریشم -

تمییز الکاف

کنجدک ف بضم اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح دال مهمله و سکون کاف ثانی هم ازروت -

کنجک ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم هم شجرة البق -

کنگ ف بکسر اول و فتح ثانی هم گردگانی که مغزش بدشواری بر آید

تمیق الکاف الفارسی

کنگ ـ ف بضم اول وسکون ثانی وکاف فارسی ثالی م خرزهره حرا

تمیق اللام

کنجال بضم اول وسکون ثانی با جیم والف ولام م کنجاله کنجده کهل

کنکول ـ ه بفتح اول وسکون ثانی وضم کاف ثانی وواو مجهول بام ودوا هندی ست ـ

تمیق الواو

کندرو ـ بضم اول بسکون ثانی وضم دال مهمله ورا مهمله مصطکی

کنستو ـ ف بفتح اول وثانی بسکون سین مهمله وضم فوقانی ع نبات اشنان

کنشتو وکنشو بفتح اول وثانی وسکون شین معجمه وضم فوقانی در لغت اول وسکون شین معجمه وواو در لغت ثانی م غوره انگور

کنهو ـ ف بفتح اول وضم ثانی م بنگ ه بجیا ـ

تمیق الهاء

کنبزه ـ ف بضم اول وسکون ثانی وکسر موحده وتحتانی مجهول وزا معجمه وخفا ها م نوعی از خیار که هنگام خامی شیرین بامزه بود ودر پختگی نتوان خورد ـ

کنجاره وکنجاله بضم اول وسکون ثانی با جیم والف وفتح را مهمله در لغت اول وفتح لام در لغت ثانی م نخاله کنجد ـ

کنجده ـ ف بضم اول سکون ثانی وکسر جیم ودال مهمله م صمغی ست از درخت

کنجیده ـ ف بضم اول وکسر جیم وفتح دال مهمله م کنجاره کنجد ـ

کنوزه ـ ف بفتح اول وضم ثانی وسکون واو وفتح زا معجمه م زرع

کنه ـ ف بفتح اول وثانی ه کلنه که بگوش سگ می چسپد ـ

تمیق التحتانی

کندری ـ ف بفتح اول وسکون ثانی وکسر دال مهمله وسکون تحتانی ع کادی ه کیوڑا ـ

کندری بضم کاف وسکون نون ودال وکسر را مهمله نباتی ست شبیه بنبات زردک رازیانه ط ۲ گرم مدر محلل منفخ ـ

کنوس طری بفتح کاف وضم نون وسکون واو وسین مهمله وفتح طا وبا موحده ورا مهمله اسم نوع کبیر زعرور است

کنگهی ـ ه ف درخت بنانه ـ

تمیق الواو وتمیق الالف

کوباه یا وکوته پا بضم اول وواو مجهول فوقانی والف وظهار ها با موحده فارسی والف ثانی در لغت اول وفتح فوقانی واظهار ها در لغت ثانی جانوریست مانند گوزن که بهان طور شاخهای بشکش دارد وروی آن شبیه بروی گوزن شاخ شاخ شوده بارهی ـ

تمیق الفوقانی

گوست ـ ف بفتح اول وثانی وسکون سین مهمله وفوقانی ع حنظل ـ

تمیق الجیم

کوج ـ ف بفتح اول وثانی وجیم ع صمغ ـ

تمیق الجیم الفارسی

کوچ ـ ف بضم اول وثانی مجهول وجیم فارسی م جانور بوم ـ

تمیق الدال المهمله

کوشزد ـ ف بضم اول وسکون ثانی وفتح شین وزا معجمه وسکون دال مهمله م کنجده وآن صمغ درخت پرخاریست بعضی آنرا شاخه خوانند که سفید گل بزردی ـ

کوشاد بفتح اول وسکون ثانی با شین معجمه والف م خنطیانا ـ

تمیز الراء المهمله

کوارث بضم اول با ثانی و الف م کندنا۔

کوبدار۔ ہ بضم اول سکون ثانی و کسر موحده با دال مهمله م قسمی کچنار است

کوبہ بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده م فلفل۔

کوتر بفتح اول و سکون ثانی و فتح فوقانی م کبوتر۔

کورت

کورکور۔ بضم اول و ثانی مجهول و راء مهمله و ضم کاف ثانی و واو مجهول م خلیواج

کورکنار۔ بضم اول و ثانی مجهول و سکون کاف ثانی با نون و الف ع خشخاش ه دست و جهونترا۔

تمیز الزاء المعجمه

کوروز۔ بفتح اول و ثانی و سکون راء مهمله و زاء معجمه م میوه کبر۔

کوز۔ بضم اول و ثانی مجهول م تل۔

تمیز الزاء الفارسی

کوژوینه بکسر اول و ثانی م میوه ایست سرخ رنگ که نباتش از زمین شوره روید م ازدف (?)۔

تمیز الشین المعجمه

کورموش۔ بضم اول و ثانی مجهول و سکون راء مهمله و ضم میم و سکون واو و شین معجمه ه چهچهوندر۔

تمیز الضاد المعجمه

کوکب الارض۔ بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و ضم موحده و سکون لام و فتح همزه و سکون راء مهمله و ضاد معجمه ع طلق۔

تمیز العین المهمله

کوارع۔ ع بفتح اول و ثانی با الف و کسر راء کاف که دیا چه (?)

تمیز الفاء

کوالف بفتح اول و ثانی بالف و کسر لام و سکون فاء باد آورد۔

کوف۔ بضم اول و سکون ثانی م جغد۔

تمیز الکاف

کوخک ف بفتح اول و ثانی و سکون خاء معجمه م خوشه انگور۔

کوک ف بضم اول و ثانی مجهول م تره کاهو ع خس۔

کوکلک ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر کاف ثانی و فتح لام م غوره پنبه ناشگفته۔

تمیز اللام

کوپل ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام م شگوفه

کول۔ ف بضم اول و ثانی مجهول م جانور بوم د به فتح اول و ثانی بزبان هندی م نیلوفر۔

کوسنبل۔ بضم کاف و واو و ضم سین مهمله و سکون نون و ضم موحده م نوعی از تفاح بنانی ست برگ آن شبیه به برگ نارنج ط۲ گرم و خشک۔

تمیز المیم

کولم بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام م فلفل۔

کوهم ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح ها گیاهی که در زمین سد بار روید و بیخ آن شبیه به بیخ نی باشد

تمیز النون

کوکن ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح کاف ثانی م جغد و بزغاله (?) البته

کومین ف بضم اول و ثانی مجهول و کسر میم و سکون تحتانی م کرم

تمیز الواو

کوددہ بضم اول و ثانی مجہول و ضم دال مہملہ م عنکبوت ہندی
کوکوینہ بضم اول و ثانی مجہول و ضم کاف ثانی م خاگینہ۔

تمیق الہاء

کوارہ ف بفتح اول و ثانی والف و فتح راء مہملہ م خانۂ زنبور۔
کوانچہ ہ بکسر اول یا ثانی والف و خفاء نون و فتح جیم فارسی و اظہار ہا م دوائے ہندی است۔
کوپلہ ف بضم اول و ثانی مجہول و فتح موحدہ فارسی و لام م شگوفہ۔
کوتاہ پاچہ و کوتہ پاچہ۔ ف بضم اول و ثانی مجہول با فوقانی والف و اظہار ہا با موحدہ فارسی و الف ثانی و فتح جیم فارسی در لغت اول و فتح فوقانی و اظہار ہا در لغت ثانی م کوتاہ پا۔
کوٹھ۔ ہ بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی ہندی و اظہار ہا م قسط۔
کورزہ ف بفتح اول و ثانی و سکون راء مہملہ و فتح زاء معجمہ م میوۂ کبر۔
کوژدہ ف بضم اول و ثانی مجہول و فتح زاء فارسی و دال مہملہ م گنجدہ
کوژہ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح زاء فارسی م خر سفید رنگ عم اقسط
کوکاہ ف بضم اول و ثانی مجہول و فتح کاف ثانی م ہدہد۔
کوکرہ ف بضم اول و ثانی مجہول و فتح کاف ثانی ہ چغد۔
کوہ پرکوہ ف بضم اول و ثانی مجہول و اظہار ہا و فتح موحدہ و سکون راء مہملہ و ضم کاف ثانی و واو مجہول ثانی م عنبر مطبن
کوہ ف بضم اول و فتح ثانی م غورۂ پنبہ و کوکنار و پیلۂ ابریشم و امثال آن۔
کوبلہ بفتح کاف و سکون واو و خفاء نون و فتح لام م ثمر درختیست شبیہ بنارنج ط ۲ سرد و در آن خشک۔
کومہ بضم کاف و سکون واو و فتح میم م نوعی از مری است

تمیق التحتانیہ

کوتاہ پای و کوتہ پای ف م کوتاہ پا۔
کوری۔ ف بضم اول و ثانی مجہول و کسر راء مہملہ م غلہ ایست مانند چینہ کہ خودرو باشد۔
کونل گگڑی۔ ہ بفتح اول و ثانی و خفاء نون و سکون لام و فتح کاف ثانی و سکون کاف ثالث و کسر راء مہملہ ہندی ف نیلوفر

تمیق الہاء تمیق الالف

کھارپاہ۔ ہ بفتح اول و اظہار ہا والف و فتح موحدہ فارسی و سکون راء مہملہ با تحتانی والف ثانی ف توتیا و سفالک۔
کہربا۔ ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء مہملہ با موحدہ ع کہربائی گویند ح ۳ ق قابض مجفف مقوی دل نفخ صاف شرح تا کن زردی شش نیم مثقال ص تمغ زن ازیالعاب بر جمل طباشیر دو دانگ وزن سندروس با دو وزن طلس دو دانگ وزن آن سنجیدیم وزن بنگو ریان زردہ۔
کھیانا بفتح اول و سکون ثانی با تحتانی والف و نون م فاوانیا

تمیق الراء المہملہ

کھار بفتح اول و اظہار ثانی والف ف نمکیست کہ بعضی از اشجار امثال پلاس و نہال گنجد و گوکھرو و کیلہ و چچیر ادا اُدہ قوم می سوزند و خاکستر آنرا نمی از کباب شد کہ بزبان ہندی کھار گویند۔
کھجور۔ ہ بفتح اول و اظہار ثانی و ضم جیم و سکون واو ف خرما
کھیرہ بفتح اول و اظہار ثانی و سکون تحتانی م درختیست ہندی است کہ از قشر او کات سازند و بکسر ثانی و سکون تحتانی م سیب صحرائی ع زعرور۔

تمیق اللام

الکھزان ف بفتح دال سکون ہا وفتح زا معجمہ و سکون کاف م حب جبر

تمییز الیم

الکھلم سیرانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام و ث با دنجان ۔

تمییز النون

الکھنا رمی نون ۔ ہ بفتح اول و اظہار ثانی و الف بکسر را مہملہ و سکون تحتانی و ضم لام و واو مجہول و سکون نون ف نمک شورہ

تمییز الہار

الکھوہ ۔ بفتح اول و سکون و فتح واو و خفا ہا ف سغر جوز م مہواہ کلوندی کی گٹھلی ۔

تمییز التحتانی

کھرہنی ۔ ہ بکسر اول و اظہار ثانی و فتح را مہملہ و اظہار ہا ثانی و کسرہ قانی ہندی و سکون تحتانی م کٹائی بزرگ ۔

کھمبھی ۔ ہ بضم اول و اظہار ثانی و سکون میم و کسر موحدہ و اظہار ہا ثانی ع نطرف کمات کوچک سفید ۔

کھنی ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر نون م خردس

کھرنی ۔ ہ بکسر کاف و خفا ہا و کسر را مہملہ درخت ہندی بسیار عظیم و برگ آن بلند و اندک باریکتر از برگ نخل و ثمر آن کوچک طولانی بقدر یک بند انگشت ط اگرم ۲ تر دبار طریت فضلیہ ۔

تمییز الیار التحتانی و تمییز الالف

کیلا ۔ ہ بکسر اول و ثانی مجہول بالام و الف ع موز

تمییز الرار المہلہ

کیسر ۔ ہ بکسر اول و ثانی مجہول و فتح سین مہملہ م زعفران

تمییز الزار المعجمہ

الکیریف ف بکسر اول و سکون ثانی م خند ۔

کیکیہ ۔ ف بکسر اول و سکون ثانی و حرکات ثانی و سکون تحتانی ثانی م ترہ تیزک ۔

تمییز السین المہملہ

الکیخرس ۔ بفتح اول و سکون ثانی و خار معجمہ و ضم را مہملہ م دیرس

کیلاس ۔ بکسر اول و ثانی مجہول بالام و الف م سیلکا ۔

تمییز السین المعجمہ

کیش ف بکسر اول و ثانی مجہول و ضم م جانور یست کہ از پوستش پوستین سازند ۔

کیکیش ۔ بکسر اول و ثانی مجہول و کسر کاف ثانی و تحتانی ثانی مجہول م تر دیزک ۔

تمییز الکاف

کیک ف بفتح اول و سکون ثانی ع زربنت

کیو و بکسر اول آدمی ہ مرد یک چشم ۔

کیلک ۔ ف بکسر اول و فتح ثانی و لام م زعرور ۔

تمییز اللام

کیل ۔ ف بکسر اول و فتح ثانی ع زعرور ۔

کیمال ف بکسر اول و سکون ثانی با میم و الف م جانوریست کہ بیشتر در طرف شیروان از آن پوستین کبود سازند ۔

تمییز النون

کیلکان بکسر اول و ثانی مجہول و فتح لام با کاف ثانی الف عالم نوعی از کراث

تمییز الواو

کیبو ۔ بکسر اول و ثانی مجہول و ضم سین مہملہ م حبدہ ۔

کیلو - ف بکسر اول و ثانی مجهول و ضم لام ع زعرور -
کیموف بفتح اول و ضم ثانی هم کاهو -

تمیق الشار

گیگرشه - بکسر اول و ثانی مجهول و فتح سین مهمله و سکون رار
مهمله و ضم کاف فارسی و سکون واو و فتح نون و خار با م جعده
گیبه - ف بکسر اول و فتح ثانی ع مصطکی -
گیهه بفتح اول و سکون ثانی و فتح ها م درختی است
بخارکه میوهٔ آن شبیه باشد به توت -
ترقیم الکاف الفارسی تمیق الف و تمیق الموحده
گاوآب - ف بکاف فارسی و الف سکون او و مد همزه هم جامه کت

تمیق الجیم

گاوزهرج - بسکون واو و فتح زار معجمه و سکون ها و فتح را مهمله
ف گاوزهره سنگی ست که در زهرهٔ گاو بهم رسد یا در شتران او
سکون گردد از گاوان هندوستان مانند یا زهر در لون و
خاصیت آنچه در میان زهره بهم رسد مثل زردهٔ تخم مرغ است
و بشیرازی اندر زا خوانند ع حجر البقر -

تمیق الدال المهمله

گاودو - ف بکسر دال هم گاو کری -

تمیق الراء المهمله

گاجر - ه بفتح جیم ف زردک -
گاوشیر - ف بسکون واو و کسر شین معجمه و سکون تحتانی صمغ
درختیست کوتاه ساق و برگش برگ انجیر ماند لیکن گرد تر و
کوچکتر و گویند مثل برگ زیتون لیکن برگ زیتون از آن
دراز تر و ساق وی چون چهار زره کشیده بود گلش زرد با
تخمش خوشبو و زیر ساق آن بشگافند و صمغ بگیرند هم
جاوشیر طرح می تخم زعفرانی رنگ نود در آب حل شود
اول که برون آید سفید باشد و چون خشک گردد زرد
شود و هرگاه در آب حل شود مانند شیره ندب -

تمیق الزار المعجمه

گاز - ف بسکون زار معجمه ع علف ه گهانس -

تمیق السین المهمله

گاورس - ف بسکون واو و فتح رار مهمله و سکون
سین مهمله ع جاورس ه غله باجرا -

تمیق الکاف

گاوک - ف بفتح واو م کنه -

تمیق الکاف الفارسی

گالبنگ - بسکون لام و فتح موحده و سکون نون و م تنگ
گیاهیست که در ایام بهار در زراعت جو و گندم بروید
غنچه کنگره وار کند مانند غورهٔ لاله و اندرون آن دانه چند
معدود باشند و خوردنش منی می آرد و بی شعور سازد -

تمیق اللام

گال - ف ه غله گنگنی و نیز بمعنی شغال و عنکبوت
و رتیلا و غورهٔ پذیره ناشگفته و خروس -

تمیق المیم

گاوچشم - ف بسکون [illegible] شین معجمه هم گاو زر
ع [illegible] البقر و اقحوان [illegible]

تمیق النون

گاوزبان ـ ف بسکون واو وضم زار معجمه با موحده والف ع لسان الثور ه گاؤزبان ـ

گاو زن ـ ف بکسر واو و تحتانی مجهول فتح زار معجمه م زہرگاو ـ

تمیق الہار

گاو زہرہ ـ ف بسکون واو وفتح زار معجمه وسکون ہا وفتح رار مہلہ م گاؤ زہرہ

تمیق البار الموحده و تمیق الرار المهلہ

گبر ـ ف بفتح اول فارسی و موحده م سنگی ست که ازان ظروف و اوانی مانند دیگ کاسه و صحن سازند ـ

تمیق الجیم و تمیق المیم

گچ پیلہ ـ ہ بفتح اول فارسی وسکون جیم و کسر موحده فارسی و سکون تحتانی و فتح موحده فارسی ثانی م نرجاپ ـ

تمیق الرار المهلہ و تمیق الفوقانی

گر غست ـ ف بفتح اول فارسی و سکون رار مهلہ و فتح غین معجمه و سکون سین مہلہ م برغست ـ

تمیق الجیم

گرد ناج ـ ف بفتح اول فارسی سکون ثانی و دال مہلہ و نون بعد آن جیم گردانیده کباب کہ بسیخ ہا گوشت گوسپند و دیگر حیوانات در آب بجوشانند و میان شش ہا و دیگر جاره بر گردانیده کباب کنند نیز از مرغ و غیره

گرنج ـ ف بضم اول فارسی کسر ثانی و سکون نون م برنج ه چاول

تمیق الجیم الفارسی

گرچ ـ ف بضم اول فارسی سکون ثانی و جیم فارسی ه گلوہی ـ

تمیق الدال المهلہ

گرامکند ـ ہ بکسر اول ای ثانی و الف و سکون میم و فتح کاف و سکون نون با دال مہلہ ه اسمول کند ـ

گربه بید ـ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده خفاد ہار و کسر موحده ثانی و تحتانی مجهول م بید مشک ـ

تمیق الزار المعجمه

گراز ـ ف بضم اول فارسی با ثانی والف م خوک ـ

تمیق الکاف الفارسی

گرگ ـ بضم اول فارسی و سکون ثانی ه بھیڑیا ـ

تمیق اللام

گرشال ـ ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی با شین معجمه و الف و لام م حیوانیست که از خرس و شغال پیدا و متولد شود

تمیق النون

گران ـ ف بضم اول فارسی با ثانی و الف دشتی و گندم در گرد ...

تمیق الواو

گرنگو ـ ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحده و ضم کاف ثانی م بید مشک ـ

تمیق الہار

گرزه ـ ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح زار معجمه جنس از مار که زہر او زیاده تر از ماران دیگر است و گویند مار بیست که ہیچ تریاقی بر زہر آن منفعت نکند و گویند کفچه مار و گویند مرشن

گرنده ـ ف بضم اول فارسی کسر ثانی و سکون نون و فتح دال مہلہ م غوشه ع شوکة الحائکه ه کنوانجا ـ

تمیق التحتانی

گروچی - ہ بضم اول فارسی و ثانی و سکون را و واو و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی ہ گلو۔

تنسیق الزاء المعجمہ و تمیق الزاء المہملہ

گزرف م زردک ع جزر۔

تمیق الزاء المہملہ

گزرف بفتح اول فارسی ع اثل ہ جھاؤ۔

تمیق الکاف

گزمازک ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی با میم و الف و فتح زاء معجمہ ثانی ع جزمازج م بار درخت گزہ مائین۔

تمیق النون

گزانگبین ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح ہمزہ و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی و نون ثانی بمعنی انگبین یعنی عسل است مانند ترنجبین کہ بر برگ طرفا می فتد پیش ہندرم۔

گزمازون - بفتح اول فارسی و سکون ثانی با میم و الف و ضم زاء معجمہ ثانی و سکون واو م گزمازک۔

تنسیق الزاء الفارسی و تمیق المیم

گژوم ف بضم اول فارسی و سکون زاء فارسی م خشت درد ارع شجرہ البق

تنسیق السین المہملہ و تمیق الہاء

گستہ ف بفتح اول فارسی و سکون سین مہملہ و فتح فوقانی م ساگ سرخ و سوسن گیہن۔

تنسیق الشین المعجمہ و تمیق الفوقانی

گشت برگشت ف بفتح اول فارسی و سکون شین معجمہ و فوقانی و فتح موحدہ و سکون راء مہملہ و فتح کاف فارسی ثانی و سکون شین معجمہ ثانی و فوقانی ثانی ست بر ہم پیچیدہ مانند ریسمان تافتہ ان پیچیدہ بر ہم چوک ستہ پھیلی۔

گشت ۔ ف بفتح اول فارسی م خسر زہ۔ طبخ ی اہل بوزیدان با کافور دہ ورق صبر سیاہ۔

تنسیق اللام و تمیق الخاء المعجمہ

گلسرخ ف بضم اول فارسی و سکون لام و ضم سین مہملہ و سکون راء مہملہ ع ورد ہ گلاب بکسر اول فتح مغزہ گیرد۔

تمیق الراء المہملہ

گلغر ف بضم اول فارسی و سکون لام و فتح غین معجمہ و سکون راء مہملہ م پشم نرم کہ از زیر موی بز شانہ بر آرند و از ان شال وغیرہ بافند۔

تمیق الزاء المعجمہ

گلوز ف بفتح اول فارسی و ضم ثانی و سکون واو و زاء معجمہ ع فندق و گویند جلغوزہ و گویند بادام کوہی۔

تمیق الشین المعجمہ

گلہ موش ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و خفا ہا و ضم میم و سکون واو م بید مشک ع بھرامج۔

تمیق الکاف

گلگ ف بضم اول فارسی و فتح ثانی م نوعی از صمغ است کہ سبز خمی گراید و از بوتہ جھووانہ حاصل شود ہم گوزردہ۔

تمیق اللام

گلقند اصل ج بضم اول فارسی و سکون ثانی و فتح قاف و سکون نون و کسر دال مہملہ ہمزہ و سکون صاد مہملہ و لام ثانی م گلشکری کہ در آفتاب ترتیب یافتہ باشد نہ بر آتش۔

گلنگل - ف بفتح ہر دو کاف فارسی سکون ہر دو لام م نوعی از لیمو بقدر نارنج و القدر ترش ست کہ چون سوزن دران بخلانند و اندر زبانی گداختہ شود و بضم ہر دو کاف فارسی ع مثل -

تمیمۃ المیم

گل گندم - ف بکسر اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف فارسی ثانی و سکون نون و ضم دال مہملہ و سکون میم ہیچ گیاہی ست چنان نامیدہ کہ گویا پنج شش دانۂ گندم بہم چسپیدہ اند م گوز گندم

تمیمۃ النون

گلنگبین - ف بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون نون و ضم کاف فارسی ثانی و کسر موحدہ و سکون تحتانی و نون ثانی م گلے کہ در عسل ممزوج سازند -

تمیمۃ الهاء

گلگونہ - بضم اول فارسی و فتح ثانی و الف و ضم کاف فارسی ثانی و سکون واو و فتح نون م گلگونہ کہ زنان بر رو میمالند -

گل پیادہ - ف درختیست با گلہائے بو دار مثل درخت نرگس و لالہ و سوسن و بنفشہ -

گل غونہ - ف بضم اول م گلگونہ -

گل گوزہ - ف بضم اول فارسی و کسر لام و ضم کاف فارسی و سکون واو و فتح زاء معجمہ م گل نسرین -

گل گنبدہ - ف بضم اول فارسی و کسر ثانی و فتح کاف فارسی ثانی و سکون نون و فتح دال مہملہ گیاہیست بغایت بدبو و گلہایش کمان

گلہ - ف بضم اول فارسی و کسر ثانی م غورہ پنبہ و بکسر اول م دانۂ انگور کہ از خوشہ جدا شدہ بیفتد -

تمیمۃ التحتانی

گلنار پارسی - ف بضم اول فارسی و کسر ثانی با موحدہ فارسی و الف و سکون راء مہملہ و کسر سین مہملہ و سکون تحتانی گلیست بغایت سرخ و خوش رنگ م گلنار فارسی -

تمیمۃ المیم و تمیمۃ الفوقانی

گمست - ف بفتح اول فارسی و سکون میم و سین مہملہ م سنگ خمست جوہریست فرو مایہ کبود و سرخی مائل ست و معدنش قریب بہ شہر مسطور ہر کہ در ظرف او شراب نوشد مستی نیارد و اگر پارہ ازین در شراب انداز ند ہمین خاصیت دارد و اگر در زیر بالین نہند خواب نیکو بینند -

تمیمۃ الزاء المعجمہ

گمیز - ف بکسر اول فارسی ثانی و سکون تحتانی و زاء معجمہ م شاش ع بول

تمیمۃ النون و تمیمۃ الالف

گندگیا - ف بفتح اول فارسی و سکون نون و دال مہملہ و کسر کاف فارسی ثانی با تحتانی و الف م خرس سیاہ -

تمیمۃ الدال المہملہ

گنبد - ف بضم اول فارسی و سکون نون و فتح موحدہ م غنچہ

گند - ف بضم اول فارسی و سکون ع حقینہ -

تمیمۃ الراء المہملہ

گنبھار - ہ بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موحدہ و اظہار ہا و الف م درخت ہندیست ہ کاس مری -

گنجارہ و گنجرہ - ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و جیم و الف و فتح راء مہملہ در لغت اول و فتح جیم و راء مہملہ در لغت ثانی م گلگونہ -

گنگاریس - ف بضم اول و سکون ثانی ماریکہ پوست افگندہ باشد

تمیز الشین المعجمه

گردش ـ ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر دال مهمله و سکون شین معجمه م گرگرد ـ

تمیز الکاف

گندهک ـ ه ف گوگرد ـ

تمیز الهاء

گنبده ـ ف بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح موحده و دال مهمله و خفا ها م غنچه

گنجاره و گنجره ـ ف بفتح اول فارسی سکون ثانی با جیم و الف و فتح را مهمله در لغت اول و فتح جیم و را مهمله در لغت ثانی هم گلگونه ـ

تمیز التحتانی

گنجالی ـ ه بکسر اول فارسی و سکون ثانی با جیم و الف و کسر همزه و سکون تحتانی م گزیست بسیار که در برسات جاهای نمناک بهم رسد

تمیز الواو و تمیز الالف

گورد جنا ـ ه بضم اول فارسی ثانی و ضم را مهمله و سکون واو ثانی و جیم فارسی با نون م گیاے زوهن ـ

تمیز الموحده

گوداب ـ ف بضم اول فارسی ثانی مجهول با دال مهمله و الف م

گوناب ـ ف بضم اول فارسی م گلگونه ـ

تمیز الجیم

گوشت آبنج ـ ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون شین معجمه و فوقانی و مد همزه و فتح با و سکون نا م علیواج ـ

تمیز الدال المهمله

گوگرد ـ ف ه گندهک ـ

گوند ـ ه ع صمغ ف ازدو نه ـ

تمیز الراء المهمله

گوچهر ـ ه بضم اول فارسی جیم فارسی م گوکهرو ف خار خسک ـ

گودر ـ ف بفتح اول فارسی و را مهمله م نوعی از مرغابی که گوشتش بنابت مزه باشد و گوساله و پوست گوساله و نوعی از غله خودرو که در کشت گندم و جو بهم رسد و بچه گوزن ـ

گورر ـ ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول م خر دشتی ـ

گوگار ـ ف بضم اول فارسی با کاف و الف هم خردوک ع خنفساء ترکی قیقور خوانند ـ

گوله ـ ه بضم اول فارسی و فتح لام ف انجیر آدم ـ

تمیز الزاء المعجمه

گوزاز ـ ف بضم اول فارسی و ثانی مجهول با زاء معجمه و الف م جانوریست خوش آواز شبیه بلبل ـ

گوز ـ ف بفتح اول فارسی و ثانی م گوزن و بسکون ثانی م گردگان ه اخروٹ ـ

گوش خر ـ ف بضم اول و فتح خاء معجمه م گرم هزار پاه کهنکهجورا ـ

تمیز الکاف

گوربانگ ـ ف بفتح اول فارسی و را مهمله موحده ثانی بالف و فتح نون ع طائر و ضفدع ه بیاگوس و غوک ف هم گوش خر ـ

گونگ ـ ف بضم اول فارسی م گوساله ـ

گوگردانگ ـ ف بضم اول و سکون ثانی و فتح کاف ثانی و سکون را و فتح دال با الف و نون م جانوریست که سرگین گوله کرده می غلطاند ع خنفساء

تمیز الکاف الفارسی

گوشت آہنگ - ف بضم اول فارسی م علیواج -

تمیز اللام

گوگال - ف بضم اول فارسی ع عنقا -

تمیز المیم

گوزگندم - ف بفتح اول فارسی م گل گندم -

تمیز النون

گوزن - ف

گوشان - ف بضم اول فارسی و ثانی مجہول با شین معجمہ و الف م شیرۂ انگور -

گومان - ہ بضم اول فارسی و ثانی مجہول با میم و الف م ندا ہندیست

گوہی گردان - ف بضم اول فارسی و ثانی مجہول با تحتانی و فتح کاف فارسی و سکون را مہملہ م خنفسا -

تمیز الواو

گوکھرو - ہ بضم اول فارسی و ثانی مجہول و ضم کاف و سکون ہا و ضم را مہملہ و سکون ثانی ف خسک -

تمیز الہار

گوردہ - ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح دال مہملہ و را مہملہ و خفا ہا م گردر -

گورگیاد - ف بضم اول فارسی و ثانی مجہول و سکون را مہملہ و کسر کاف فارسی ثانی با تحتانی و الف و اظہار ہا ع اذخرہ شور و گندحک

گوزہ - ف بضم اول فارسی و سکون ثانی و زا معجمہ و فتح دال مہملہ م منع سرخ کہ از بوتہ جہودانہ حاصل شود -

گوزغہ - ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح زا معجمہ و غین معجمہ و با م غوزہ پنبہ

گوزہ - ف م غوزہ پنبہ کو کنار پیلہ ابریشم و امثال آن -

گوزینہ - ف بفتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر زا معجمہ و سکون تحتانی و فتح نون م حلوائی کہ از مغز گردگان پزند -

گوشخیہ - ف بضم اول فارسی و سکون شین معجمہ و فتح خا معجمہ و موحدہ م جانور ہزار پا -

گولہ - ف بضم اول فارسی و ثانی مجہول و فتح کاف م گوسالہ

تمیز التحتانی

گوبھی - ہ بضم اول فارسی و ثانی مجہول و کسر موحدہ و اظہار ہا و سکون تحتانی م دوائی ہندیست -

گوشماہی - بضم اول فارسی و ثانی مجہول و سکون شین معجمہ با میم و الف و کسر ہا م صدف -

تمیز الہار و تمیز الرار المہملہ

گھیکوار - ہ بکسر اول فارسی و اظہار ہا و ضم تحتانی و واو مجہول و ضم کاف با واو ثانی و الف و را مہملہ ع نبات صبر

تمیز النون

گھن - ہ بضم اول فارسی و سکون ثانی و نون م کرمی است کہ چوب بخورد و چوب را چون نشارہ سازد -

تمیز التحتانی

گھنگچی - ہ بضم اول فارسی و اظہار ہا و سکون نون و فتح کاف فارسی ثانی و کسر جیم فارسی و سکون تحتانی ع عیون الدیک ف شنگرخ ہ رتی -

گھیاتوروئی - ہ بکسر اول فارسی و اظہار ہا با تحتانی و الف و ضم فوقانی و واو مجہول و فتح را مہملہ و کسر ہمزہ م قسم بزرگ از توری است

که بالیده و خرد و فربه تر از دست و بالابش معرا از خطوط.

تنسیق الباء بالتحتانی و تنسیق الدال المهمله

گید - ف بکسر اول فارسی و سکون تحتانی و دال مهمله م غلیواز.

تنسیق الغین المعجمه

گیاغ - ف بکسر اول فارسی و یای تحتانی و الف و غین معجمه م گیاه ع تبن

تنسیق التاء

گینه - ف بکسر اول فارسی و سکون تحتانی و فتح نون و ها م آبگینه.

تنسیق التحتانی

گی - ف بفتح اول فارسی و سکون تحتانی جانوریست که بر پشت ابلق ست و بر پای او تیر نصب کنند م دمه دم.

ترقیم اللام و تنسیق و تمیز الالف

لالا - بلام و الف - لام معرا تحتانی گیاهی ست که از جانب مکه معظمه آرند طلا کردن خشک آن بعض منتخص به خرآن جهت تواحیر ورد معده نافع.

تنسیق الجیم

لاج - ف بسکون جیم م سنگ ماده.

تنسیق الدال المهمله

لاد - ف م خاک عنبر و لادن و بمعنی گل و شگوفه نیز آمده.

لازورد - ع ف لاجورده راوت طح ی ۲ گوینده ۲ ی ۳ ق مسهل سوداء مقوی دل خ بدخشانی ش کمیدم گوینه بگشفا ص معطے ل حجر ارمنی بازاق الذهب کاسے.

تنسیق الراء المهمله

لاشکر - ف بکسر میم و سکون شین معجمه و فتح کاف و سکون راء مهمله ع شجرة البق.

تنسیق السین المهمله

لاس - ف م ابریشم فرومایه و یک ماده و نر ده بر حیوان.

لابورید و یس بضم تحتانی و سکون واو و کسر راء مهمله و سکون تحتانی بضم دال مهمله و سکون واو ثانی م حب هرمانه شجره معشوق نیز.

تنسیق الکاف

لاک - ف بسکون کاف لاک لشت شبهی ست که بسبب دویت هوا بر شاخ درخت کنار و بعضی درختهای دیگر که مخصوص ملک هند اند منجمد گردد و آنرا کوفته به زنند و رنگی حاصل کنند که سرخ قراری باشد و از نخاله و ثفل آن خنجر و شمشیر بکار رد و دسته آن محکم کنند و سر نامه را بآن مهر نماینده لاکه.

لاوک - ف بفتح واو م نان تنک که آنرا الواش نیز خوانند.

تنسیق اللام

لالح ه به لام ثانی م جواهر است که آن را لعل گویند.

تنسیق النون

لادن - بلام و الف و فتح دال مهمله و سکون نون م قسمی است از عنبر رطب طح ا ر ۲ ق ملطف منضج محلل رح چرب خوشبوی مائل بزردی بلی رطل بے ثفل که در روغن حل شود ش کمیدرم ص صندل گلاب ل لبنی.

لاله سرنگون - ف نباتی است معروف که در باغچها عرس بنمایند و بیاز دارد.

تنسیق الهاء

لادنه - ف بکسر دال مهمله و فتح نون م گیاهی است که از پوست ساق آن ریسمان سازنده سن.

لاحشتہ - ف بکسر خار معجمہ و فتح شین معجمہ بت تاج و سنبوری
لاغیہ بکسر غین معجمہ و فتح تحتانی ف نوعی از نوعات بت کہ
گلش زرد باشد گل شبت و ریشہ سبز زردی زندہ
ورد اسن کو ہمار نیز طرح می گویند بہ ق مفرح
ح بسیار شیر دار ریشہ زرد انگ ص صمغ و کبیر ال فتح
الاکھہ - ہ بفتح کاف و اظہار ہاف لک و لاکھ طب -

تمیق الجیم لثہ

لاچی - ف بکسر جیم فارسی ع قاقلہ -
لالہ زرد خنزری ف بفتح لام ثانی و ہمزہ بعینہ با ضم دال مہملہ و سکون
خار معجمہ و فتح نوقانی و کسر راء مہملہ ادر گون ع شقائق النعمان -
لالہ النعمانی - ف بضم نون و سکون عین مہملہ و فتح میم و الف و
نون نبا تیست برگ آن شبیہ برگ زنبق ط گرم و تر و با رطوبت
غالبہ و حرارت قلیلہ -
لامی یا بفتح لام و الف و کسر میم صمغ درخت ہندیست خوشبو مرکب بوی از کر
مرو مصطگی و در رنگ این سفید می زردی ط ۲ گرم و خشک -

تمیق الباء الموحدہ و تمیق الالف

لبا - ع بکسر اول با موحدہ ف زرک نلہ ہ پیوسی ط ب ر -
لبن النساء - ف شیر زنان ط سرد و تر -

تمیق الموحدہ

لبلاب - ف بفتح اول و سکون ثانی با لام و الف و موحدہ ثانی
ہم عشق پیچہ و طرح ہی انگور بند ب ق محلل و مسہل صفرا ح
سبز شیر از آب آن نیم رطل او ثلث رطل گویند شی درم ص
قند با تمر ہندی آل و روغن خطمی یا خبازی باشد بہتر ہ -

تمیق التاء الفوقانی

لبن التیوعات بفتح تاء مثناہ تحتانیہ و ضم تاء مثناہ فوقانیہ
و سکون واو و فتح عین مہملہ و الف م شیر نباتات شیر دار است

تمیق الحاء المہملہ

لبلات لقمیح - ع بضم اول ثانی و الف و ضم موحدہ ثانی و
سکون لام ثانی و فتح قاف و سکون میم و حاء مہملہ ف نشاستہ
لبن اللقاح - بفتح لام و قاف و الف ف شیر شتر دو
اونٹنی کا دودھ ط گرم با ثان تخشکی -

تمیق الدال المہملہ

لبن الاسد - بفتح الف و سین المہملہ با دال ف
شیر شیر است ہ باگھ کا دودھ ط در کمال گرمی و حدت

تمیق الراء المہملہ

لبن البقر - ف شیر گاو ہ گائے کا دودھ ط مع -
لبن خنزیر - ف شیر خوک ہ سور نی کا دودھ ط سرد و تر

تمیق الزاء المعجمہ

لبن النعز - ع بفتح اول و ثانی و ضم نون و سکون لام
و فتح میم و سکون عین مہملہ ف شیر زل شیر گاو -

تمیق السین المہملہ

لبن جاموس - بفتح جیم و الف و ضم میم و سکون واو و سین
مہملہ معرب گاو میش از شیر گاو بسیار غلیظ تر -

تمیق الشین المعجمہ

لبن الخشخاش - ع بسکون لام ثانی و فتح خاء معجمہ و سکون
شین معجمہ با خاء معجمہ ثانی و الف و شین معجمہ ثانی ف افیون

لبن الخفافش - بضم خاء معجمہ و فتح فا و الف ط شیر است

تمییز الضاد المعجمہ

لبن حامض - ع بکسر نون با حاء مہملہ و الف و کسر میم ف
ماست و دہی ط ب ہی خ انچہ سکہ دی بسیار بود۔

تمییز الکاف

لبن الرماک - بفتح راء مہملہ و میم و الف و کاف ف شیر
مادیان و گھوڑی کا دودھ ط گرم و تر از شیر ہای دیگر۔

تمییز الکاف الفارسی

لبنگ - بفتح اول و ثانی و سکون نون ہم دبو کع ارضہ۔

تمییز اللام

لبن الخیل - ع بسکون لام ثانی و فتح خاء معجمہ و سکون
تحتانی ف شیر اسپ ق مخدر۔

لبن الغزال - شیر آہو ط ۲ سرد و تر۔

تمییز المیم

لباب القرطم - ع بسکون لام ثانی و ضم قاف و سکون را
مہملہ و ضم طاء مہملہ و سکون میم ف مغز خسکدانہ ط ح۔
لباب القرطم - ع بسکون لام ثانی و ضم قاف و سکون واو و عین

تمییز النون

لبان - ع بضم اول و ثانی مشددہ و الف و نون ہم کندر۔
لبسان - بفتح اول و ثانی با سین مہملہ و الف ہم خردل بری ط ح
لبن الاتان - ع بسکون لام ثانی و ضم ہمزہ با فوقانی و الف و نون
ف شیر خر لبن الماعز با لبن اللقاح۔
لبن البقان - ع بضم نون با ضاد معجمہ مشددہ و الف

ف شیر میش ق بہی و مقوی دماغ۔
لبین - بفتح اول و ثانی ف شیرہ و دودھ ط ب ہمہ
گونید ح ق ہندی مسکن خ از حیوانی کہ وضع حملش
بانسان موافق باشد ش نیم رطل ص عسل

تمییز التاء الفوقانی الفارسی و تمییز الواو

لتکو - بفتح لام و سکون تاء فوقانی فارسی و ضم کاف
ثمر درختیست کہ در بنگالہ سے شود۔

تمییز التحتانی

لبنی - سر یلنے بفتح اول و ثانی و کسر نون و سکون
تحتانی ع میعہ سائلہ و سلا رس۔

تمییز و تمییز الجیم

لجلاج - ف بفتح اول و سکون جیم با لام و الف و جیم
ثانی باصطلاح اکسیریان ہم زیبق پاک صاف۔

تمییز الواو

لجالو - بفتح اول و ثانی با الف ہم دوای مشہور ہندی است

تمییز الجیم الفارسی و تمییز الالف

لچھمنا - ہ بفتح اول و سکون جیم فارسی و اظہار ہا و فتح
میم و نون ع سیر مرج الضیم

تمییز الحاء المہملہ و تمییز الموحدہ

لحام الذہب - ع بکسر اول با حاء مہملہ و الف و ضم میم و فتح ذال
معجمہ مشددہ ہا گو ہم اشق ط ح ی سعدی دارمنی۔

تمییز الفوقانی

لحام الصاغہ - ع بکسر صاد مہملہ مشددہ با نون الف و فتح عین مہملہ ہم

تمیز الجیم

لحم النعاج - ع بفتح اول و سکون حاء مهمله و ضم میم و نون مشدد با عین مهمله و الف ف گوشت میش ط گرمی وی کمتر از گوشت بره است۔

تمیز الراء المهمله

لحم البقر - ع بسکون لام ثانی و فتح موحده و قاف ف گوشت گاو خ از گاو جوان۔

لحم الجزور - ع بضم جیم و زاء معجمه و سکون واو ف گوشت بچه شتر خ

لحم الخنزیر - بسکون لام ثانی و کسر خاء معجمه و سکون نون و کسر زاء معجمه و سکون تحتانی ف گوشت خوک خ بری۔

لحیة الحجامة - ع بکسر اول و سکون ثانی و فتح تحتانی و ضم فوقانی و سکون لام ثانی و کسر حاء مهمله ثانی با میم و الف ف بفتح ... سیلوشان۔

تمیز السین المهمله

لحیة التیس - ع بفتح فوقانی و سکون تحتانی ه درخت ... طب اسی ۲ ق قابض خ تر و تازه شیاف ... یک مثقال تا دو درم ... یا طباشیر یا تخم گل یا گلنار یا طراثیث با هم وزن عصاره آن یا لطم۔

تمیز المیم

لحم - ع ف گوشت ه ماس سکون ... راگو پندی و مغذی خ بیانه فربهی و لاغری و معتدل لحم خصی۔

تمیز النون

لحم الحملان - ع بفتح حاء مهمله ثانی و سکون میم با لام و الف ف گوشت بره ط خ گوشت حولی یعنی یک ساله۔

تمیز الیاء

لحیة الاکلیلیه - بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر نون و ضم شین معجمه و سکون لام ثانی و کسر همزه و سکون کاف و کسر لام ثالث و سکون تحتانی ثانی و فتح لام رابع و خفا هاء ف نوعی از قبری جبلی ست که آنرا خزامی نامند ف اردوانه۔

تمیز الخاء المعجمه و تمیز الجیم الفارسی

لخچ - ف بفتح اول و سکون ثانی ... پسکه ... سیاه۔

تمیز الخاء المعجمه

لخ ... بضم اول ع بردی

تمیز الهاء

لخچه و لخشه - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح جیم فارسی ... لغت اول و فتح شین معجمه در لغت ثانی ... اخلره۔

لخلخه سلیمانیه - بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ثانی و خاء معجمه ثانی و همزه ملینه با ضم سین مهمله و فتح لام ثالث و سکون تحتانی با میم و الف و کسر نون و فتح تحتانی مشدده ... ف نقل روغن زعفران۔

تمیز الزاء المعجمه و تمیز الموحده

لذاق الذهب - ع بفتح لام و زاء معجمه مشدد و الف و ضم فاء و فتح ذال معجمه مشدده و سکون موحده ... برآتش۔

تمیز الهاء

لزبه - بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده هم جو۔

تمیز السین المهمله و تمیز الموحده

لسان الکلب - بکسر اول سین مهمله و الف و ضم نون و سکون لام ثانی و فتح کاف و سکون لام ثالث هم لسان الحمل بر ...

تمیمتی الراء المهمله

لسان الحمل ع بفتح موحده و سکون حاء مهمله م سپاه
لسان العصافیر ع بفتح شین مشدده و سکون واو ف
کلوزبان و گاونجهان اطراق مفرح ح شلامی خراسانی
عنبطه زن که بر روی قطعها بر دشتی و درم جهل مثقال سرخ بالملیله
مربی ابریشم ال بوزن آن ابریشم سوخته و حبات دو انگه بوزن
آن پوست اترج بالوزن اود و دیم نیل ان اود ابریشم ـ
لسان العصافیر ع بفتح عین مهمله صاد مهمله والف ثانی و
سفاد و سکون تحتانی ف تخم اهره اندر جو طوح ۲ راق مهی
خ سطبر شش نیم مثقال ص کدوی مربی ال در تحریک باه
سفر مور زرد لوز ری سرخ یا نیم وزن همن سرخ

تمیمتی اللام

لسان الحمل ع بفتح حاء مهمله و میم ف ورق بارتنگ
طبیعی ۲ ق والقلب را و امالس خواب و دبل شش از تخم او
یکمثقال ص معکلی و سلیخه با نفسه ل ورق آن و بعض حاض زبان گاو
لسان الایل ع بالف مکسوره و یاء موحده هم رعی الایل
است بعین گیاه و شجر و شاخ آن پراگنده و بعضی مائل بسفیدی و برگ
آن شبیه ببرگ تفاح و ساقهای آن بلند و بار کم آن اندک خشن سفید
رنگ و خوشبو و ثمر آن زرد مائل بسرخی و بعضی گویند که آن ریشهای
خشن ط ۲ سرد و خشک ـ

تمیمتی الشین المعجمه و تمیمتی الکاف

لشک ف بفتح اول و سکون ثانی و ثالث م شبنم ـ

تمیمتی الهاء

لشکر ف م اشک ـ

تمیمتی الصاد المهمله و تمیمتی التحتانی

لصیفی بفتح لام و کسر صاد مهمله و سکون یاء مثناة تحتانیه گیاهی
است هم از اذان الدب در شکل بن گاش گویند نباتیست خاردار
که بر چار سر مثل ساق آن زیاده بر دو زرعی و سطبری انگشتی
و برگ آن شبیه ببرگ بارتنگ ط ۱ گرم و خشک ـ

تمیمتی الضاد المعجمه و تمیمتی الفاء

لضف بفتح اول و ضاد معجمه م کبر ـ

تمیمتی التحتانی

لضیفی م بفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و کسر فا
ف نوعی از لسان الحمل کوچک ـ

تمیمتی العین المهمله و تمیمتی الموحده

لعاب ف بضم اول و فتح ثانی با الف آب دهن م تعویک لار ـ

تمیمتی اللام

لعل بفتح لام و سکون عین هم لال جنسی از یاقوت و رنگ آن از
رنگ یاقوت و سرخی کمتر و اندک بنفشی ارغوانی از یاقوت نرم ط مع

تمیمتی الطاء

لعبت مطلقه بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر فوقانی
و ضم میم و سکون طاء مهمله و فتح لام و قاف م بیخ بیروج ـ

تمیمتی التحتانی

لعبت بربری بضم اول و سکون ثانی و فتح موحده و کسر
فوقانی و فتح موحده ثانی و سکون راء مهمله و فتح موحده
ثالث و کسر راء مهمله ثانی بیخیست شبیه بزنجان و بار کبیر

زن دانند پرستان و طعم آن تلخ ط ۲ گرم و خشک ل ۲ جوز بهشیر یا بود بی زرد یا مر ونیم وزن فلفل

تسبیق الفاء و تمیق القوقالی

لفت - بکسر اول و سکون کاف م شلغم -

تمیق الحاء المهمله

لفاح - ع بضم اول با ثانی مشدد و الف ف شاهترج ران ثمر بیروح رسیت ط ب ۳ گ م منبج ی ۳ ق مخدر منوم بیخ بزرگ تیز بوی زرد رسیده شش نمیدرم ص عسل کل جوز ماثل یا نیمه وزن بزر البنج و دو دانگ وزن آن خشخاش یا جوز القی و بوزن آن بزر البنج یا بیروح -

تمیق الشین المعجمه

لفش - بفتح لام و فا و سکون شین معجمه م چوب صنوبر بر گویند درختی است عظیم منبت آن قراح شام در سنگام تری و سبزی زود مشتعل گردد طلاء برگ خشک مسحوق آن رانافع برص و بهق -

تسبیق القاف و تمیق الحاء المهمله

لقاح - ع بفتح اول و قاف و الف ف شتر آبستنی و بکسر اول شتر ان دو شیدنی -

تمیق القاف

لق لق - بفتح دو لام و سکون دو قاف جانوریست مشهور کبیر الجثه که در اوائل ربیع می آید و گاه متوطن مے گردد و از جای خود نقل مے نماید ط ۳ گرم و خشک -

تسبیق الکاف و تمیق الالف

لکا - ف بضم اول با کاف و الف م لک د لغم -

تمیق الکاف

لک - ف بضم اول و سکون کاف د الکو طرح ی گویند طرح ی لاق مغتم منفتح مغسول نش از البدم با کستقال حی معتگی بعد از آنکه مغسول بود ل نیم وزن بیلوند یعنی نیم وزن ناساردن د گویند شد روس

تمیق النون

لکین - ف بضم اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و نون م مدر -

تمیق الهاء

لکامه و لکاته - ف بفتح اول و ثانی و الف و میم و خفا ها در لغت اول و فتح زن در لغت ثانی م روده گوسپند که نگوشت و جگر پر کرده باشند و الت ۲ سیل را نیز گویند

تمیق التحتانیه

للکمنا للکهمنی - ه بفتح اول و ثانی و سکون ها و فتح میم و نون و الف و لام ثانی و کاف ثانی و سکون ها و فتح میم ثانی و کسر نون ثانی و سکون تحتانی اسم هندیست ع بیرنج الصنم

تسبیق المیم و تمیق الالف

لما - بفتح اول و میم و الف ع عنب الثعلب

تسبیق النون و تمیق السین المهمله

لنجیطس - یونانی بفتح لام و سکون نون و کسر جیم و سکون یا ء مثناة تحتانیه و ضم طاء مهمله م نباتی است دو صفت می باشد بستانی و صحرائی بستانی برگ عریض تر از برگ گندنا و منحنی بطرف اسفل و سرخ

بزلف خون د شتر برگهای آن از بیخ آن بسر برده دیگر برساق آن و ساق آن بقدر دو شبر و بر سر آن گلی سیاه شبیه بعلبسوه و در آن صورتی شبیه برگ سدان بازرده و جانب سر آن برگی مثلث الزاویه و بیخ آن شبیه بزرنگ نبت آن اماکن خشنه و تلهای نمناک و صنف صحرایی را برگ مانند اسقولوقندریون و غیر آن خشن تر و تشریف آن بزر آن گرم و خشک ـ

تمیتق الواو و تمیتق الالف

لوا ـ بفتح اول و واو ف علیواز
لوبیا ـ ه بضم اول و ثانی مجهول و کسر موحده با ثانی ع فرنغلو ای بیست مشهور طرح ای ع غری اوتر وقی بهی خرسخ ان تخم سیاه
لوفا بضم اول و سکون ثانی و فا م نوعی از حی العالم ـ
لوها ـ ه بضم اول و سکون ثانی با ها مهمله ف آهن ـ

تمیتق الجیم الفارسی

لوانج ـ ت بفتح اول و سکون ثانی و الف و فتح نون م حلوا فستق

تمیتق الخاء المعجمه

لوخ ـ ف بضم اول و سکون ثانی ع بردی ـ

تمیتق الراء المهمله

لور ـ ف بضم اول و ثانی مجهول م نوعی از پنیر و بفتح اول فارسی با دام شیرین ط مع و در اول زر ـ
لورم ـ ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر را معجمه و ضم میم ف بادام تلخ طی ع ۲ ف شیرین مسوق تلخ او مقیم سقت خ بزرگ روغن دار و ش ده درم ص شکرل محلب ـ
لوزالبر ـ بفتح م با و موحده و دو را مهمله ساکنه م قسمی ا

فزلوزر لیست شبیه بحب الصنوبر و بزرگتر از ان بدو زر بذلک طگرم و بسیار قابض و روغن آن از زیت السودان نافع

تمیتق السین المهمله

لوس ـ ف بضم اول و سکون ثانی م غشی که بکافور مخلوط سازند
لوطوس ـ یونانی بضم اول و سکون ثانی و ضم طا مهمله و سکون واو ثانی م حندقوقی و شبین معجمه نوعی از نیلوفر ـ
لوسیما خیوس ـ یونانی بضم لام و سکون واو و کسر سین مهمله و سکون یا مثناة تحتانیه و فتح میم و الف و کسر خا معجمه و ضم یا مثناة تحتانیه و سکون واو ه جو رلوسراج ناکو نوعی از سراج القطرب ط ۲ سرد و خشک و گویند گرم و خشک ـ
لوعجید لیطوس ـ بضم لام و سکون واو و فتح عین مهمله و کسر جیم و سکون یا مثناة تحتانیه و کسر دال مهمله و سکون یا مثناة تحتانیه و ضم طا مهمله و سکون واو م گیاهیست برگ آن شبیه برگ اسقولوقندریون و تخم آن مثلث شکل ـ

تمیتق الشین المعجمه

لواشن ـ ف بفتح اول و ثانی و الف م نان تنک ـ

تمیتق الفاء

لوف ـ ع بضم اول و سکون ثانی ف پیلگوش ط ح ی ق مقطع منفتح غ سپید تازه و چون بخایند طعم قرنفل دهد و چون خشک گردد بخایند بوی بنفشه دهد و گویند عربی سرخ برگه خوشبو ش یکدرم عوض کبستی ل ا اصل کبیره

تمیتق الکاف

لوک ـ ف بضم اول و ثانی مجهول م نوعی از شتر

تمیق الکاف الفارسی

لونگ - ه ع قرنفل ف میخک -

تمیق النون

لوبان - ه بضم اول و ثانی مجهول و موحده باالف م کندر رومی -

لوقابمین - بضم اول و ثانی مجهول با قاف و الف و کسر موحده و سکون تحتانی ف اسپند -

لونیان - ه بکسر نون با تحتانی و الف ف خرفه -

لون - ف بفتح اول و سکون ثانی تخم نوعی از ریحان و بضم اول ه ثمک

تمیق الواو

لولوء - ع بضم هر دو لام و بعد هر دو واو مجهول ف مروارید ه موتی طب بی قوا لطف مقوی دل خ سفید پاک بزرگ شیرین ش نیم دانگ ص آن معجون گل ل یک نیموزن صدف بحری صاف با خطمی سفید و بنفشه -

لوهو - ه بضم اول و سکون ثانی و ها ع دم ف خون -

تمیق الهاء

لوبره - ف بضم اول و ثانی مجهول و فتح موحده و را مهمله م نیشتی

لودهه - ه بفتح دال مهمله و اظهار ها م دوای هندیست طب -

لوز البربریه - ع بفتح موحده و کسر را مهمله مشدده و فتح تحتانی مشدده ف بادام کوهی م بجرک -

لوکه - ف بفتح کاف م اسد لیست -

لوه - ه بفتح اول و ثانی جانوریست شبیه به تیهو -

تمیق التحتانی

لونگ جنگلی - ه بکسر کاف فارسی و فتح جیم و سکون نون و فتح کاف

فارسی ثانی و کسر لام ثانی مشهور بجهنیس نام ق قندر -

تمیق الهاء و تمیق الالف

لهسوره - ه بفتح اول و سکون ها و ضم سین مهمله و واو مجهول با را مهمله هندی م سپستان -

تمیق الجیم

لنج - ف بفتح اول و ثانی و سکون نون م سنگ فسان -

تمیق النون

لنس - ه بضم سین مهمله ف سیر -

تمیق الهاء

له - ف بفتح اول و اظهار ها م شراب و بجعار ها م درخت

لهجوه - بضم اول م طائر عقاب -

تمیق الیاء التحتانی و تمیق الجیم

لیلنج - ف و سریانی بفتح اول و سکون تحتانی و فتح لام ثانی و سکون نون م نیل -

لینج - سریانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون ف نوعی از اقلیمیاست که در جزیره قبرس در معدن نحاس یابند -

تمیق الراء المهمله

لیلوفر - بلغت فرس بکسر اول و سکون ثانی و ضم لام ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی در لغت اول و ضم نون و واو مجهول و فتح فا در لغت ثانی م نیلوفر گلیست که میان آب بدید گیرد درشت سرخ و سفید رنگ شود و اندرونش زرد باشد و چون آفتاب طلوع کند بشگفد -

تمیق الکاف الفارسی

لیلنگت ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح لام ثانی و سکون نون م بلیلنج

لیولنگ ف بکسر اول و ضم ثانی و واو مجهول و فتح لام ثانی و سکون نون م برف۔

تمییز اللام

لیلوپل ف بکسر اول و سکون ثانی و ضم لام ثانی و واو مجهول و فتح موحده فارسی و سکون لام ثالث م نیلوفر۔

تمییز الواو

لیموداروت بکسر اول و سکون ثانی و ضم میم و سکون واو و فتح دال مهمله و الف و ضم راء مهمله ع نبات نباتیست گرمی که در صحرا از میان سنگها بر آید و بهمی لیمون و بهد طرح می۔

لیموف بکسر اول و سکون ثانی و ضم میم و فتح نیو بیوت و ورقها و ح می معاش او ب ق ما مرعبل و عن ل اتزنج۔

تمییز التحتانیه

لینفر سندی بکسر اول و سکون ثانی و ضم نون و واو مجهول و فتح فا و کسر را مهمله و سکون نون و کسر دال مهمله و سکون تحتانی ثانی ه اسپند۔

آخر قسم المیم و تمییز و تمییز الالف

ماء ع بفتح میم و الف ممدوده ف آب ه جل پانی و بدو ست حیات و زندگانی ظ ب ر ق مرطب خ آب چشمه که از جانب مشرق بشدت بیرون آید مقابل شمال بر سنگ روان بود و براق و صافی و سبکی رنگ و چون آفتاب بدو تابد زود گرم شود و چون زائل شود زود سرد شود۔

مارگیاپتنا بسکون باء مهمله بکسر کاف فارسی ثانی و تحتانی مادریه ع المیون۔

مالمکا بفتح لام و میم بالکاف ص حلوائیست که بشیر و نیلان ابریج ته

مامیتا بکسر میم ثانی و سکون تحتانی بامثلثه م شیاف ماميثا طب می اق ر لرغ خ نوص مرل حی العالم۔

تمییز الفوقانیه

ماست ف بسکون سین مهمله م جغرات۔

تمییز الجیم

ماهی‌سیاه بفتح میم و الف و سکون راء مهمله با میم ثانی و الف ثانی و کسر ها و سکون تحتانی ف مارماهی ه بام مچھلی۔

ماهی زهره ج بکسر ها و سکون تحتانی و فتح زاء معجمه و سکون ها ثانی و فتح راء مهمله ع سم السمک عف ماهی زهره عده آن از تجربات است ه هنگول طاح ی ا ح ق مسهل بلغم خ سطبر زرد و لو بش انبات بمثقال ودر مطبوخ دو درم تاسه درم و در آخر بیاوکید انگ تا دو دانگ ص کتیرا روغن شاسته ل شور نه از سادو دانگ وزن آن مقل الیهود وگویند در وزن ترید۔

تمییز الهاء

ماءاللحم ع بهمزه و سکون لام و کسر میم ثانی و سکون لام ثانی ف آب نمک ق مقی و مجلی او ساخ۔

تمییز الدال المهمله

ماء الحدید ع بفتح حاء مهمله و کسر دال و سکون تحتانی و دال مهمله ثانی م ند ص ف آبی که در آن آهن تافته سرد سازند۔

ماءالورد ع بفتح واو و سکون راء مهمله ف گلاب ط مع قد مقوی دماغ خ تیز بوے تلخ طعم۔

مان الهند۔ به میم و الف و سکون نون و فتح کاف ه خفا کمو بو نمی قسمی از استیم کمند

تمیق الراء المہملہ

مار حواریوف بسکون رای مہملہ و ضم خای معجمہ بلو معلولہ و الف و رای مہملہ ثانی ہم گاو کوہی ف۔ مارع حیہ ہ سانپ۔

مار الشعیر ع بفتح شین معجمہ مشدد و کسر عین مہملہ ف جواب نمو کشک جاب دس سدر درم۔

مار الکافور ع بضم ہمزہ و سکون لام و کاف الف ثانی و ضم فاء و سکون واو ف آب کافور خام آنکہ بر روغن بلسان ماند۔

تمیق السین المہملہ

مار پلاس ف بسکون لام مہملہ و فتح [illegible] شہ سدکلے ماست ف الماش سیر اطب ہی گو ہند ح ہی زبان فارسی ایک

تمیق الشین المعجمہ

ماش ع بمیم و الف و شین منقوطہ ف بنو ماش و بو نگ طب گویند ۲ مع ری گو یند ہی اق مغذی خ سبز بزرگ فر بہ ص خشک داز باقلای معتشر۔

تمیق العین المہملہ

ماء القرع ع بفتح قاف و سکون رای مہملہ ف آب کدو سے تلخ ظ ق مقئی۔

تمیق الغین المعجمہ

ماغ ف بغین معجمہ نوعی از مرغابی ع ماکول بتر کی قشقلدغ خوانند۔ از گوشتش نیک گل آید و نیز بمعنی نرم و نوعی از کبوتر کہ بر دو ساق و سینہ و گردن او سبز و سرخ باشد۔

تمیق الکاف

ما نو رگ ف بضم نون و سکون واو و فتح رای مہملہ و سکون کاف ہم حکا

تمیق الکاف الفارسی

ما ترکلک سنف المسیر عربی بکسر رای مہملہ و سکون نون ہم حلیاسہ مامو زمہ۔ بفتح دال مہملہ و رای مہملہ ف ترنج۔

تمیق اللام

ماء العسل ع بفتح اول و الف و ضم ہمزہ و سکون لام و فتح عین مہملہ و سین مہملہ و سکون لام ف آب شہد طح ق مقئی۔

تمیق المیم

ماء اللحم ع بفتح لام مشدد ف آب گوشت و آن مرکب است طح یخ از برہ بچہ سے۔

تمیق النون

مامیرن ہ بضم میم الف و کسر ہمزہ و سکون تحتانی و نون ف زنانرہ

ماہ پروین ف بفتح موحدہ و فارسی و سکون ہاء مہملہ و کسر راء و جدوار زر بون۔ بفتح زای معجمہ و سکون رای مہملہ و ضم تحتانی ف ہست و دو گویند برگ ہلیلہ زرد ست و آن از نوعات است طح ی ہ ق محلل منقی مسہل صفرا و نخس ستمی خ بسیار در ف تن از ہمہ درم تا یک درم ص دو سر کہ خیسانیدن علی شبرم

ماطو نیون۔ رومی بضم طاء مہملہ و سکون واو و کسر نون و ضم تحتانی ف درخت تن د چیدہ۔

مامیجن ۔ ع بضم جیم و فتح موحدہ ف آب پنیر و آن مرکب است ماء البسلو طین ۔ بسکون لام و ضم سین مہملہ و سکون واو و فتح طاء و لام ثانی ف مادر ہو یہ۔

ماء القراطن سریانی بفتح قاف و رای مہملہ و الف و کسر طاء مہملہ دیہ است کہ از احتد یعون گویند و بعضی حکما از اندکی